

ماهانامه مسجد

تَسْبِحُوا مَا نَسَخَ عَلَى النَّفْسِ مِنْ أَوْلَى يَوْمِ الْحُكْمِ أَنْ تَقُولُوا فِيهِ



۱۷۳

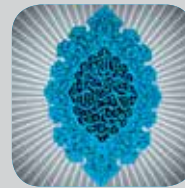
ماهانامه مسجد / ماهنامه فرهنگی، آموزشی و ترویجی / دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد / شماره ۱۷۳ / خرداد ماه ۱۳۹۳

صاحب امتیاز: مرکز رسیدگی به امور مساجد • مدیر مسئول: حمید مشهدی آقائی • دبیر تحریریه: حسن علی آبادی / دبیران سرویس • سرویس منبر: یاسر شریعتی • سرویس رواق: سیدعلی آقائی • سرویس محراب: علی بانمشی • سرویس شبستان: مهدی اخلاقی • کارشناسان تحریریه: حجت الاسلام دکتر مروجی طبسی، دکتر محسن گلپایگانی، حجت الاسلام مرتضی اسدی، علیرضا بشیری • گروه مؤلفین: حجج اسلام صالحی خوانساری و شهبازیان و صادق زاده، حسین هدی علیپور، رضا مسجدی، حمیدرضا گودزری، حسین هر مز، سیدمهدی رضوی، هادی الیاسی، رضا خوی، سیدمحسن باقی زاده، داینال نعیمی، محمد ادهمی، رضا رضائی، محدثه روین فر، راضیه روح الهی، سیدمرتضی موسوی، نعیمه موحد، امیر محسن عرفان، مهدی منتظری، حمیدرضا دبیری، زهرا راضی، سینا فیاض، سیدمهدی موسوی، علی سعیدی، سیدحمید مشتاقی نیا، حمیدشکاری، علیرضا دهخوارقانی، مرضیه عیوضی • طراحی و گرافیک: کارگاه طراحی و گرافیک کمان • اینفوگرافی: حسین علی آبادی • ویراستار: محمدباقر حقانی فضل • شمارگان: ۳۰۰۰



سه شرط یک منبر موفق تمرین، تمرین، تمرین است / ۴ • روشهای جذاب بیان احکام شرعی / ۵ • باغ بهشت با خاک کوی دوست برابر نمیکند / ۷ • نمونه فیش منبر / ۸ • امام حسین (علیه السلام) در آینه کلام ائمه / ۱۲ • نجوای شب های شعبان در نگاه امام خمینی (ره) / ۱۳ • امام زین العابدین در تراث اهل سنت / ۱۵ • انقلاب اسلامی بستر ساز انقلاب مهدوی / ۱۶ • اعتقاد اهل سنت به مهدویت / ۱۸ • مری بزرگ اخلاق و تفسیر و عرفان / ۲۰ • فرصت غنیمت است غنیمت رهامکن / ۲۱

منبر



گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان / ۲۴ • انکار مهدی (علیه السلام) کفر است / ۲۶ • منجی سواره / ۲۸ • مکتب موعود بودائی / ۲۹ • منجی زرتشتی در وادی قهرمانان / ۳۰ • سیر تطور موعود یهود / ۳۱ • منجی یهودیان / ۳۲ • بازگشت مسیح / ۳۴ • هزاره گرایی در مسیحیت / ۳۵ • چندمسیحیای یهودی / ۳۶

رواق



چه خوب شد که دیر آمدید / ۳۸ • ایستگاه صلواتی / ۴۲ • پیام مهدوی / ۴۴ • شادی در اسلام / ۴۶ • اینفوگرافی / ۴۸ • مسابقه نورافشانی / ۵۰ • گزارش تکریم / ۵۱ • کتابخانه مسجد / ۵۴

محراب



مصرف بهینه و بهره وری / ۵۶ • ریاضت لازم نیست، مقاوم باشیم / ۵۷ • منبهم ن منتظر / ۵۸ • جریان شناسی / ۵۹ • تاثیر حکمت متعالیه بر انقلاب اسلامی / ۶۰ • از امام ملت به مجلس ملت / ۶۱ • خرمشهر هرگز سقوط نکرد / ۶۲ • نشانه های مدیریت جهادی در صحیفه سجادیه / ۶۳ • تربیت عطری / ۶۴ • تاتونانی به کف آری و به غفلت نخوری / ۶۵ • فوتبال سرگرم صنعتی یا تجارت فریب / ۶۷ • رازگوی دفتر دل / ۶۸ • مروری بر فیلم چ / ۷۰ • کتابخانه مسجد / ۷۲

شبستان



- ♦ در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است
- ♦ آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان است نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.
- ♦ مطالب خود را ترجیحا تایپ شده به رایانامه نشریه ارسال کنید.
- ♦ مطالب ارسال شده به تحریریه، بازگردانده نمی شود.
- ♦ باتشکر از تمام عزیزانی که ما را در تهیه نشریه یاری رساندند.

آدرس: قم، بلوار شهید صدوقی، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل (علیه السلام) پلاک ۱۰۳
دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد
تلفن: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۵-۶ • نامبر: ۰۲۵۳۲۹۲۳۸۳۷ • سامانه پیام کوتاه: ۰۱۵۱۵۴۲ ۳۰۰۰
نشانی اینترنتی: <http://www.masjed.ir> • پست الکترونیک: n.masjed@chmail.ir

خنده و گریه عشاق زجائی دگراست

برای فانی شدنی‌ها به شدت انتقاد می‌فرماید: «ان الله لا یحب الفرحین»^۱.

اما این موضوع تنها شکل نفی به خود ندارد و خدای متعال با انتساب شادی و غم به ذات ربوبی خود به این نکته اشاره دارد که برای شادمانه زیستن باید رویکردی کاربردی تر و در عین حال عمیق تر داشت؛ چرا که مقام کرامت انسانی بالاتر از آن است که برای فانی شدنی‌ها شادمان گردد. بر همین اساس خداوند دعوت به شادی‌هایی می‌کند که زمینه‌ساز اصیلی رشد و تکامل انسانیت است. لذا در آیه ۵۸ سوره یونس می‌فرماید: «قل بفضل الله وبرحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون؛ بگو تنها به فضل خدا و رحمت او به همین باید شاد شوند که آن بهتر است از آنچه (از اموال) گرد می‌آورند». با توجه به این نکات بدیهی است که شادمانی و نشاط مثل دیگر نیازهای انسانی نوعی نیاز فطری است و باید برای تربیت و رشد آن به دنبال رفتار و روشی بود که علاوه بر قوت و قدرت، بقاء و زایش روز افزون داشته باشد.

شادمانی اجتماعی فراتر از شادمانی فردی است. شادمانی اجتماعی باعث رشد و تقویت و پیشرفت همه جانبه یک اجتماع ایمانی است. بنابراین محوری ترین مکان ایمانی، یعنی مسجد باید مروج اصلی شادمانی و نشاط مبتنی بر فرهنگ دینی باشد؛ همان فرهنگی که شادی و نشاط را از جانب خدای تعالی می‌داند. شادی میلاد اهل بیت علیهم‌السلام در بهار معنویت، یعنی سه ماه رجب، شعبان و رمضان فرصتی منحصر به فرد است که می‌توان در آن طعم شیرین شادی از فضل و رحمت الهی که لایزال و دائمی است را به همه چشاند. محور این شادی معنویت محور علاوه بر برپایی جشن‌های ذکر اهل بیت علیهم‌السلام می‌تواند موضوعاتی همچون ترویج فرهنگ علم‌آموزی، کمک مالی به گرفتاران و مقروضین، پیگیری اشتغال جوانان مؤمن، زمینه‌سازی از دواج و... باشد. تمامی این اعمال جلوه‌های فضل و رحمت الهی است که شادی برای آنها از شادی بر هر دستاورد مالی و مادی‌ای بالاتر و والاتر است.

پی‌نوشت:

۱. قصص: ۷۶.

پیام بامدادی اخبار ساعت هشت صبح روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه در یک گزارش به نکته حائز اهمیت اشاره کرد که می‌توان آن را مشکل اصلی بشر مدرن دانست. در این گزارش به نقل از دکتر مرندی، مدیر فرهنگستان علوم پزشکی آمده است که سازمان بهداشت جهانی بنابر پیشنهاد نماینده کشور نروژ «سلامت معنوی» را به عنوان بعد چهارم سلامت قرار داده است.

پذیرش این نکته از سوی معتبرترین سازمان سلامت جهانی گویای نکته خطیری درباره ابعاد ناقص زندگی مدرن است. علی‌رغم ادعاهای پرطمطراق غرب درباره مسئله تک‌ریم انسان؛ فقدان معنویت مشکل اصلی کشورهای توسعه یافته است و بیمارهای مختلفی که از زندگی بدون معنویت شکل گرفته، گریبان گیر تمامی این کشورها شده است.

غرب بایه ابتدال کشاندن مفاهیم اخلاقی تا آنجایی پیشرفت که شادمانی و نشاط را نیز دچار انحطاط و نابودی کرد و برای برآورده شدن این حس انسانی، متوسل به روش‌های درمانی خود ساخته‌ای شد که تنها مقطعی از زمان کارایی دارد. واقعیت این است که شادی و نشاط نیز همچون دیگر رفتارهای انسانی نیازمند الگوی عالی و رشید است تا همچون دیگر خلقیات شکل تکاملی خود را بیابد. یکی از موضوعاتی که متأسفانه متأثر از جریان مدرنیته به شدت دچار عوام‌زدگی گردیده است، موضوع شادی است.

در بادی امر شاد بودن تنها نوعی رفتار هیجانی در برابر یک حادثه به شمار می‌رود و مشهورترین جلوه شادمانی نیز خندیدن است. بر اساس این آنچه در رفتارهای عموم مردم به عنوان جلوه‌های شادی نمود دارد، بیش از آنکه انرژی‌افزایی داشته باشد، منجر به غم‌افزایی یا همان افسردگی معروف می‌شود.

بر اساس آیات قرآن کریم شاد زیستن مبتنی بر ترک اموری است که زودگذرند. بر این اساس ترسیم زهد اسلامی برای بانشاط زیستن در این آیه ۲۳ سوره حدید این گونه است: «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتاکم»؛ همچنان که در ماجرای قارون از زبان موسی علیه‌السلام از شادی

منبر

سر ویس منبر: رحمت الهی گسترده است ولی در شعبان المعظم جلوه دیگری دارد. شعبان هم خود پوشیده از رحمت و رضوان است (شعبان الذي حففته منك بالرحمة والرضوان) و هم منسوب به رحمت عالمیان است (هذا شهر نبيك سيد رسلك) این خود حجم رحمت و اسعه را مضاعف می سازد. دو اسم «رحمان» و «رحیم» هر دو جلوه گر رحمت خداوندند با تفاوت در سعه و ضیق. رحمانیت رب الاریاب شامل حال جهان آفرینش و رحیمیت وی شامل حال اهل تقوی و ایمان است.

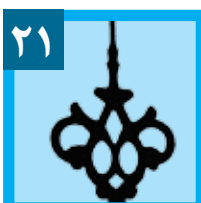
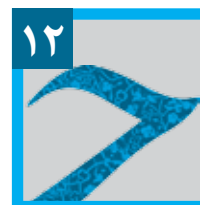
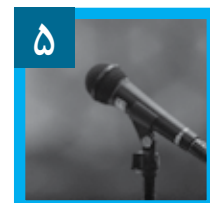
تقوا اولین شرط شمول رحمت خاص خداست که (إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) و در جه بالاتر از تقوا احسان است (إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ) و احسان یعنی انجام فرامین الهی به بهترین شکل ممکن و به تعبیری کار خوب را خوب انجام دهیم و اگر به این در جه رسیدیم تازه نزدیک به رحمت الهی می شویم (إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ). تقوا و احسان اگر با انکسار و خشوع و اخبات همراه نباشد، راه به جایی نمی برد. سالک اگر با انجام فرائض و سیر و سلوک به آسمان هفتم هم راه پیدا کند و آن را با یقین عینی تجربه کند، با تکبر در برابر عز بزم مقتدر، رحیم و به سر نوشت ابلیس دچار می شود. آنچه در این مسیر می خرد شکسته دلی است.

در کوی ما شکسته دلی می خرد و بس بازار خود فروشی از آن سوی دیگر است در این وادی گاه نیکی موجب بعد و بدی باعث تقرب می شود. همانگونه که امیر مؤمنان فرمود: سبب سوءك خير عند الله من حسنة تعجبك

پس دیگر صرف انجام واجب و ترک حرام، ملاک تقرب و وصول به رحمت الهی نیست، بلکه طاعتی مقرب است که با اخبات و خشوع و بسرا فکندگی در برابر خداوند منان همراه باشد. (وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ)

پی نوشت:

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان.
۲. همان.
۳. مائده، ۲۷.
۴. نحل، ۱۲۸.
۵. اعراف، ۵۶.
۶. محمدی شهری، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۸۱۶.
۷. حج، ۳۴.



سه شرط یک منبر موفق تمرین، تمرین، تمرین است / ۴

روشهای جذاب بیان احکام شرعی / ۵

باغ بهشت با خاک کوی دوست برابر نمیکنم / ۷

نمونه فیش منبر / ۸

امام حسین علیه السلام در آینه کلام ائمه / ۱۲

نجوای شب های شعبان در نگاه امام خمینی (ره) / ۱۳

امام زین العابدین در تراث اهل سنت / ۱۵

انقلاب اسلامی بستر ساز انقلاب مهدوی / ۱۶

اعتقاد اهل سنت به مهدویت / ۱۸

مریی بزرگ اخلاق و تفسیر و عرفان / ۲۰

فرصت غنیمت است غنیمت رها مکن / ۲۱



این جهان منبر هست و از بین نخواهد رفت. اسلام با همین منبر سنتی، که از زمان پیغمبر و دیگر ائمه علیهم السلام بوده و در زمان صدوق و کلینی و مفید و سید مرتضی ادامه داشته، زنده مانده است. خداوند در آیه ۳۹ سوره احزاب می فرماید: «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا». تبلیغ از برای دین خداست و سخن گفتن درباره غیر دین خدا تبلیغ نیست؛ بلکه ابلاغ است. تبلیغ باید خشیت خدا باشد و هیچ کس نباید مبلغ را درباره تبلیغ بترساند. من بنا گذاشتم در ۵۲ سال منبر از هیچ شخصیتی ترسم، و ترسیدم تا الان؛ «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ». بنا هم دارم که حسینم خدا باشد؛ نه بانی و دعوت کننده و صاحب هیئت.

❖ عوامل نفوذ کلام منبری بر قلوب مستمعان چیست؟

اولین شرط منبر و نفوذ سخن در اعماق دل مخاطب خشیت از خداست. این اولین شرط است و می دانید با فقدان شرط، مشروط هم مفقود می شود. دومین مسئله ای که باید در منبر لحاظ شود، معلومات است. طلبه ای که می خواهد منبر برود به نظر بنده دست کم باید کل سطح را تا آخر کفایتین خوب بخواند؛ به خصوص ادبیاتش را باید کامل کند. چون ادبیات تا سر حد اجتهاد اثر دارد. عار است و ننگ است برای عمامه به سری که یک عبارت عربی را غلط بنویسد یا غلط بگوید.

❖ آیا شما شیوه های سخنرانی و منبر تدریس می کنید؟

بنده در منزل مرحوم آیت الله بروجرودی یک دوره کلاس منبر داشتم و دوره دوم را در مسجد حضرت زینب علیها السلام در پردیسان قم برای سی نفر طلبه جوان تدریس می کنم. در این کلاس هادر ۲۲ محور شرایط، مقدمات و خاتمه منبر را جمع آوری کردم.

❖ یکی از مؤلفه های اصلی منبر مخاطب شناسی است، چه مطلبی را باید به چه کسی گفت؟

ناموس سخنرانی فصاحت و بلاغت است. فصاحت یعنی زیبا گویی و بلاغت یعنی رساختن گفتن. از دیگر نوامیس لایفک سخنرانی نافذ و مؤثر شناخت مخاطب است: «كَلِمَ النَّاسِ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ». من اگر بروم بالای منبر علم نمایی کنم و مطالب عالی، فلسفی و عرفانی بگویم خیانت است؛ برای اینکه مستمع پای منبر نمی فهمد. باید مطابق با شخصیت و علم مستمع حرف بزنم. کسی که به شهری برای منبر دعوت می شود باید از فرهنگ و مقدار فکر آن شهر مطلع باشد؛ و گرنه نمی تواند مؤثر باشد.

❖ مهم ترین راهکار موفقیت در منبر از نظر شما چیست؟

طلبه اگر می خواهد شیرین و شیوا و نافذ حرف بزند، سه شرط دارد: تمرین و تمرین و تمرین. برای تمرین باید در خانه حرف بزند. مقابل آینه تمام قد بایستد حرف زدنش را، حرکات چشمش را، حرکات لیش را، حرکات دستش را ببیند. قیافه و ظاهر و لباده و قبا و عمامه خودش را ببیند. تمام این حرکات، تمام این شمائل، تمام این قواره و قیافه و چهره مؤثر است در مستمع. شخصی در سخنرانی موفق نبود. مرحوم استاد فلسفی گفت، شما موقع سخنرانی حتی الامکان دست تان زیر عبا و آستین تان باشد؛ برای اینکه انگشتان تان بلند است و مردم وقتی انگشتان شما را نگاه می کنند دیگر به بیان شما توجه نمی کنند. سخنران باید خوش پوش و خوشبو و شیک به منبر برود.

حجت الاسلام والمسلمین صالحی خوانساری:

سه شرط یک منبر موفق تمرین، تمرین و تمرین است

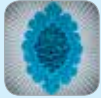
به کوشش سید محمد مهدی هاشمی

منبر پیش از این تنها رسانه دینی بود. مردم تمام اطلاعات دینی خویش را پای منبر در مسجد و حسینیه می آموختند. اما امروز منبر رقابتی زیادی مثل تلویزیون، رادیو، ماهواره و اینترنت پیدا کرده در عین حال هنوز این رسانه سنتی کارکردهای ویژه خود را داراست. چه باید کرد که در فضای رقابتی رسانه ها تهدید را به فرصت تبدیل کنیم؟ راهکارها و شوگردهای جذاب سازی منبر کدام است؟ این پرسش و چندین سؤال دیگر بهانه ای شد که به حضور حجت الاسلام والمسلمین سید مرتضی صالحی خوانساری برویم که هم اکنون در مؤسسه «رساله التبلیغ» قم به تربیت روحانیان علاقه مند به منبر و خطابه می پردازد.

❖ منبر چه جایگاهی در مکتب شیعه دار و مؤلفه های یک منبر فاخر و مؤثر دینی چیست؟

منبر جایگاهی است که واعظ و سخنران برای اشراف بر مستمعان بر عرشه آن قرار می گیرد. در روایت آمده است که در قیامت منبر رسول الله از منبرهای انبیاء بلندتر است و در زیر عرش الهی جای دارد. بعد از آن جای امیر المؤمنین است و دیگر ائمه و شیعیان. اکثر انبیاء علیهم السلام رسالتشان را در حال گذر و رفت و آمد اجراء می کردند؛ اما دو تن از انبیاء منبر می رفتند؛ یکی حضرت زکریا و دیگری خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله. روزی مردم گفتند یارسول الله مخاطبان شما زیاد شدند و شما که بر آن نخل و یاستون تکیه می زنید، صدای شما نمی رسد. اجازه بدهید منبری برای شما بسازیم. حضرت اجازه دادند و منبر سه سه پله ساخته شد. اولین روزی که منبر در مسجد النبی نصب شد و پیغمبر بر آن منبر قرار گرفت، روز جمعه آخر شعبان بود. به نظر در همان اولین جلوس شان بر عرشه آن منبر خطبه شعبانیه درباره ماه رمضان را ایراد کردند. چون منبر مسند انبیا است، تا روز انقراض





روش‌های جذاب بیان احکام شرعی

به کوشش حسین زهدی علی‌پور (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه)



داروها نیاز دارد. مربی احکام باید با توجه به اصل دانسته‌ها و ندانسته‌ها، طیبانه به دنبال نیاز مخاطبان خود باشد، آنچه را که مخاطب می‌داند، نگوید، بلکه آنچه را نمی‌داند و نیاز دارد، مطرح کند.

عوامل مؤثر در نیازسنجی مخاطبان:

- ▶ توجه به سن مخاطبان؛
- ▶ توجه به جنسیت مخاطبان؛
- ▶ توجه به موقعیت مکانی مخاطبان؛ شهر و روستا، اداره و مدرسه؛
- ▶ توجه به موقعیت زمانی مخاطبان؛
- ▶ توجه به موقعیت شغلی مخاطبان؛
- ▶ در نظر گرفتن سطح مخاطبان؛ کودک، جوان، باسوادیابی سواد.
- ۵. آموزش احکام به صورت

مسئله گویی آزار کان مهم تبلیغ است. رکنی که راه‌رو رسم‌بندگی را به بندگان خدای آموزش دهد. مسجد که خانه بندگی خدا و عبادت است، بایستی در وهله نخست مکان یادگیری احکام روزمره نماز گزاران باشد. اما چگونگی بیان احکام شرعی بر حسب مخاطبان و اینکه چه موضوعاتی اولویت بیشتری دارند و ده‌ها نکته مسئله گویی دیگر، نکاتی است که حجت‌الاسلام و المسلمین محمود اکبری در کتاب شیوه‌های جذاب سازی احکام، فراهم آورده است.

۱. داشتن تسلط لازم بر احکام و مسائل شرعی؛

۲. مطالعه کردن پیش از بیان احکام: نباید به ذهنیت‌ها و شنیده‌ها اعتماد کرد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «فکر ثم تکلم تسلّم من الزلل».

۳. مدیریت زمان در بیان احکام: برای مدیریت زمان باید به گونه‌ای عمل کنید که وقت کم نیاورید؛ مثلاً اگر قرار است پنج دقیقه احکام بگویید بتوانید تمام آنچه می‌خواهید، بگویید.

۴. توجه به نیازها و اولویت‌ها: احکام شرعی همچون انبوهی از داروهای یک داروخانه است که هر مراجعه‌کننده‌ای به برخی از این

گاهی در مراسم سخنرانی اتفاقاتی پیش بینی نشده رخ می‌دهد؛ چه شگردی برای مدیریت این موقعیت‌های استثنایی وجود دارد؟ مرحوم آقای فلسفی به دعوت مرحوم سید احمد خوانساری برای ختم آیت الله العظمی بروجردی در مسجد سید عزیزالله بازار تهران منبر رفت. در بخشی از سخنرانی گفت: «اکنون به یاد مرجع بزرگ اسلام حضرت آیت الله العظمی بروجردی دامت برکاته!» دو ثانیه بعد گفت: «دامت برکاته، دامت برکاته». ایشان شروع کرد به سخن گفتن درباره برکات مرحوم بروجردی و یک دامت برکاته درباره ایشان گفت که در طول عمرشان این جور دامت برکاته درباره‌اش گفته نشده بود. این استادی است. اینها برای هر کسی دست نمی‌دهد، مگر با تمرین زیاد و پختگی در منبر.

لطفاً به برخی ویژگی‌های ساختاری منبر اشاره بفرمایید.

مقدمه منبر نباید طولانی باشد. باید مقدمه جوری باشد که مستمع از اول بفهمد شما در چه موضوعی می‌خواهی بحث بکنی. سخنرانی باید فراز و فرود داشته باشد. برای آماده نگاه داشتن تارهای صوتی باید دائماً تمرین کرد. خود من که هم سخنور هستم، هم خواننده اگر یک هفته منبر نروم صدایم خشک می‌شود. اگر یک هفته سه روز منبر نروم، منبر برایم سنگین است. تمرین و تکرار در کار معجزه می‌کند. مقدمه را آرام شروع می‌کنیم و کم‌کم ارتفاع پیدا می‌کنیم. در منبر فرود هم لازم است. یعنی آخر سر باید بیاییم پایین. به قول خلبان‌ها باید ارتفاع را کم کرد. به قول خواننده‌ها باید صدرا به فرود متمایل کرد و در همان داد و فریاد نمی‌توانیم تمام کنیم.

لطفاً به شیوه‌های مختلف منبر اشاره بفرمایید. مخاطب امروز کدام روش را می‌پسندد؟

فرق است بین خطیب و واعظ. واعظ معمولی حرف می‌زند و بانفس و عاطفه مردم تماس می‌گیرد؛ ولی خطیب بالاتر از این حرف‌ها است و با عقل مردم در ارتباط است. ممکن است واعظ معمولی حرف بزند؛ اما خطیب نباید معمولی حرف بزند. خطیب باید با فریاد و فراز و نشیب و خطابه و تنش و یورش و اینها حرف بزند. خطیب هم باید با عاطفه و نفس نسل جوان تماس داشته باشد، هم با عقلش. منتها با عقل نسل امروز بیشتر باید تماس گرفت؛ برای اینکه مردم علمی و عقلی شده‌اند. اگر کمتر بانفس و عاطفه‌شان تماس بگیریم ضرر نمی‌کنیم؛ اما بیشتر باید عقلانی حرف بزنیم. رهبر معظم انقلاب به منبری‌هایی فرمود در روضه و مقتل اگر هم چیزی می‌خواهید بگویید که در هیچ یکی از تواریخ نیست، معقول باشد و مخالف با عقل نباشد.



تدریجی:

ابتدا باید واجبات و محرمات بیان شود. در مرحله بعدی، مستحبات و مکروهات بیان می شود.

۶. زمینه سازی برای آموزش احکام:

با خواندن قرآن و حدیث؛

گفتن خاطره یا نکته؛

سؤال کردن به تناسب احکام مورد نظر.

۷. بیان فتوای مشترک یا نظر مراجع اکثر مخاطبان:

تفاوت فتاوی مراجع عظام تقلید سه دسته است:

تفاوت در تعبیر فتوا است، مانند اقوی و اشهر و...؛

گاهی در کنار بیان فتوا، استحباب و کراهتی هم ذکر شده است؛

گاهی فتاوا قابل جمع نیستند مانند صحیح است و صحیح نیست.

در دو دسته اول، ذکر تفاوت لازم نیست؛ ولی در دسته آخر، تفاوت هارا باید ذکر کرد.

۸. توجه به تعابیر فتوای مراجع عظام تقلید در بیان احکام:

احتیاط واجب، واجب، اشکال دارد، حرام است، مانند مسئله مسح که باید به مسح سر انگشتان یا سر ناخن توجه کرد.

۹. بیان احکام باید به گونه ای باشد که برای مخاطب بدآموزی نداشته باشد:

برای مثال:

بیان ویژگی های مرجع تقلید، اینکه گفته شده است باید حلال زاده و عاقل و بالغ باشد. بیان این نوع احکام برای مخاطبان ممکن است ذهنیت

منفی ایجاد کند؛ در حالی که در ویژگی های مرجع تقلید کافی است بگوییم: مجتهد عادل و علم وزنده باشد.

بیان برخی از نجاسات و مبطلات روزه برای افراد غیر بالغ، بدآموزی دارد و نباید مطرح شود.

باید از گفتن برخی از مسائل که موجب وسواس می شود، خودداری کرد؛ مانند این مسئله که «اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است». همین که گفته شود «در غسل باید تمام بدن شسته شود» کفایت می کند.

۱۰. آموزش اصطلاحات و واژه های احکام:

گاه آشنان بودن با یک اصطلاح شرعی موجب می شود مخاطب به درستی مسئله را متوجه نشود؛ مثلاً چون معنای واژه «اشکال دارد» یا «محل اشکال است» یا «جایز نیست» را نمی داند، گمان می کند مانعی برای انجام دادن عمل ندارد.

۱۱. ذکر مثال و مصداق در بیان احکام:

بسیاری از مردم بدون ذکر مثال، وظیفه خودشان را نمی فهمند؛ پس باید در هر مسئله از مثال های مناسب و گویا استفاده کرد؛ مثلاً اگر از حرمت ربا گفته می شود، باید مصداق آن نیز بیان شود.

۱۲. ذکر مدرک احکام:

یکی از دلایل اطمینان مخاطب به گوینده احکام، بیان مدرک مسائل شرعی است؛ به ویژه در احکامی که کمتر شنیده اند؛ البته مدرک باید از کتاب توضیح المسائل مراجع موجود باشد؛ نه کتاب های فقهی گذشته همچون لمعه، مکاسب و جواهر.

۱۳. تا جایی که ممکن است احکام بانوان را باید خانم های مبلغ و آشنا به موضوع بیان کنند و اگر مردی قرار است احکام بانوان را بگوید، باید با رعایت نوازم باشد و وارد جزئیات نشود.

۱۴. رعایت تنوع در بیان احکام:

لازم است گوینده احکام، موضوعات متنوعی که مورد نیاز مخاطبان است، مطرح کند؛ بنابراین اگر از احکام نماز می گوید، احکام حق الناس را هم مطرح کند و اگر از احکام فردی می گوید، احکام اجتماعی را هم بگوید.

۱۵. از حلال ها بیشتر گفته شود:

احکام به گونه ای بیان نشود که مخاطب تصور کند مسائل شرعی مجموعه ای از حرام ها است.

۱۶. توجه به موارد استثنا:

اگر احکامی مطرح می شود، موارد استثنا در آن (در صورت وجود) لحاظ و مطرح شود.

مثال: غیبت مؤمن حرام است؛ ولی در چند مورد

استثنا شده است و یا قضای نماز واجب است مگر در چند مورد و... .

شیوه های بیان احکام

الف) عمومی: در محافل و مجالس عمومی همچون مساجد و نمازخانه ها

۱. شیوه نکته ای:

در این شیوه باید مهم ترین دانستی های موضوع مورد نظر به میزان وقتی که داریم، در قالب نکته های کوتاه بیان شود.

توجه:

باید نکته هایی مطرح شود که برای مخاطبان تازه گی داشته باشد.

نکته کوتاه باشد که مخاطب با شنیدن هر نکته به سادگی از آن بهره بگیرد.

نکته ها با هم تناسب داشته باشند و مجموعاً یک موضوع را کامل کنند.

مثال: چهار نکته درباره استخاره:

۱. استخاره برای کارهای مباح است و در کارهای واجب و حرام و مستحب و مکروه، استخاره صحیح نیست.

۲. استخاره بعد از فکر و مشورت صحیح است.

۳. استخاره بار اول مهم است.

۴. مستحب است شخص به استخاره اش عمل کند و اگر به استخاره عمل نکند، گناه نکرده است.

۲. شیوه توضیحی:

این روش یکی از روش های سنتی آموزش احکام است.

۳. شیوه معیاری:

در این شیوه برای مخاطبان ملاک و میزانی داده می شود که خودشان بتوانند در موارد مشابه، تکلیف را به دست آورند.

مثال: معیارهای موسیقی حرام:

شکی نیست که موسیقی با تعریف و معیارهای خاص آن از نظر همه مراجع تقلید حرام است. رهبر معظم انقلاب معیارهایی را برای موسیقی حرام بیان فرموده اند:

۱. میل به بیکاری، ابتذال، بی حالی و واخوردگی؛

۲. غافل کننده از معنویت و یاد خدا؛

۳. تحریک و تشویق به گناه و شهوترانی.

اگر موسیقی این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، حرام نیست.

ادامه دارد...

پی نوشت:

۱. گردآوری شده از کتاب شیوه های جذاب سازی احکام، اثر حجت الاسلام والمسلمین محمود اکبری.



منبر | معارف



باغ بهشت با خاک کوی دوست برابر نمی‌کنم

غبار رویی خانه خدادیده آخر شعبان

رضامسجدی (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه)

برخی مکان‌ها با توجه به انتساب‌شان به برخی شخصیت‌ها، دارای شأن و جایگاهی ویژه هستند که حفظ حریم و ارج نهادن و تکریم آن، بر همگان ضروری و بایسته است. اهتمام به شأن مسجود و رعایت جایگاه و تکریم آن مصداق بارزی از این امور است. مسجد به دلیل انتساب به پروردگار باری تعالی و دارا بودن مدال «خانه خدا»، جایگاه و منزلت والایی دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِنَّمَا مَرَّ لَتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا يُبَوِّئُ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ؛ امر به تعظیم مساجد به دلیل این است که مساجد خانه‌های خدادار روی زمین هستند»^۱.

چرایی تکریم

شأن والا

آشنایی با جایگاه مسجودی توجه نبودن نسبت به آن، نقش به‌سزایی در تکریم مسجد خواهد شد. مسجد از چنان قداست و جایگاهی برخوردار است که امام صادق (علیه السلام) کسی را که نسبت به مسجد بی‌اعتنا باشد و شأن آن را محترم و بزرگ نشمارد، دور از رحمت الهی دانسته‌اند.^۲ در این راستا باید از هر عملی که بوی توهین و بی‌اعتنایی از آن به مشام برسد، دوری جست؛ همان‌گونه که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مساجد را گذرگاه و میانبر راه خود قرار ندهید، مگر آنکه هنگام عبور دور کعت نماز بخوانید»^۳.

حسن زندگی؛

اشیاء و جماداتی مانند ماشین، تلفن همراه، سیستم های رایانه ای در مدل های رنگارنگ آن و ده‌ها نمونه دیگر از این قبیل، نیازمند شارژ مداوم و بازایی انرژی در راستای پویایی و کارایی هستند. انسان نیز به مقتضای فقر و احتیاج ذاتی خویش نیازمند شارژ معنوی و تقویت سیستم ایمان و دینداری برای تکامل معنوی و رسیدن به قرب و کمال است. این مهم با حضور در مسجد و انس با آن محقق خواهد شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «المؤمن في المسجد كالسَّمَكِ فِي الْمَاءِ؛ مؤمن در مسجد بسان ماهی در آب است»^۴.

برکات گسترده

انسان ذاتاً منفع‌طلب و سودگراست؛ از این رو «تشویق» یکی از راهکارهای مهم در آموزه‌های دینی برای گرایش به نیکی‌ها و آراستگی به زیبایی‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است؛ بدین روی، یکی از راه‌هایی که بر شانیت و جایگاه مسجد در نزد انسان خواهد افزود، آشنایی با دستاوردها و برکات اهل مسجد بودن و مراد داشتن با آن است. امام علی (علیه السلام) پیرامون فواید حضور و ارتباط داشتن با مسجد و اهل مسجد فرمودند: «کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشتگانه نصیب او می‌شود؛ برادری مفید و بازارش در راه خدا، یا علم و دانش تازه، یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید]، یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود]، یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود]، یا موعظی که او را از فساد و گناه باز دارد [می‌شنود]، یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود گناهی را ترک می‌کند»^۵.

مهمانی‌ای به یادماندنی

وقتی بزرگی و صاحب منصب و کمالی، انسان را به میهمانی و ضیافت خویش می‌خواند، لحظات میهمانی قرین لذت، سرور و افتخار شده، انسان از این ارزش‌گذاری که نسبت به او روا داشته شده است، احساس شغف و خرسندی می‌نماید. حضور در مسجد و گام نهادن در فضای قدسی و معنوی مسجد، حضور در خانه خدا و شرکت در میهمانی اوست که بنده گناهکار را به ضیافت معنوی فراخوانده و بر خوان کرم خویش نشانده است.

آگاهی از این احساس خوش، بر اشتیاق انسان به تکریم مسجد خواهد افزود و او را راغب به حضور بیش از پیش در این مهمانی خواهد کرد؛ به ویژه آنکه هدایایی نیز برای میهمانان در نظر گرفته شده باشد. امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید: «اهل مسجد زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که به زائرانش هدیه‌ای بدهد»^۶.

چگونگی تکریم

آنگاه که انسان با گام نهادن در ساحل آگاهی و شناخت، به آرامش و اطمینان خاطر برسد و چرایی و فلسفه لزوم تکریم مسجد را درک نماید، گام‌های بعدی، یاری رسان او در تکمیل این مهم و ارتقای درجه خواهد بود. از این گام‌ها با عنوان «آداب مسجد» یاد می‌شود که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. آراستگی ظاهر و باطن؛ قرآن می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ...»^۷.

۲. رعایت آداب اجتماعی؛ چنانکه امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «هر کسی چیزی خورده است که بوی آن مردم را می‌آزارد، به مسجد نزدیک نشود»^۸.

۳. روبه‌قبله بودن؛ علی (علیه السلام) می‌فرماید: «جزو سنت [اسلامی] است که وقتی در مسجد نشستنی رو به قبله بنشین»^۹.

۴. پرهیز از گفت و گوهای دنیایی؛ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «در آخر الزمان گروهی پیدامی شوند که به مساجد می‌آیند که ذکرشان گفت و گو و محبت دنیاست؛ با این گروه همدم نشوید؛ زیرا خدا نیازی به چنین مردمی ندارد»^{۱۰}.

۵. نظافت؛ پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «مَنْ كَسَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ التُّرَابَ قَدَرِ مَا يَذُرُّ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ؛ هر کس روز پنج‌شنبه و شب جمعه مسجد را برود و از آن به اندازه توطیای چشمی خاک‌روبه بیرون برد، خدا او را بیامرزد»^{۱۱}.

۶. هم‌چنین خواندن نماز تحیت، اشتغال به ذکر الهی، در مسجد نشستن به انتظار رسیدن وقت نماز،^{۱۲} بر خور مناسب با میهمانان پروردگار و... در همین راستا قابل یادآوری هستند.

امید است با شناخت مسجد و تکریم آن، مشمول این فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله) گردیم که فرمود: «مسجد، خانه خدای روی زمین است؛ خوش‌باه حال کسی که مسجد خانه اوست [نماز هایش را در مسجد می‌خواند] و خوش‌باه حال بنده ای که در خانه خود وضو گرفته و به زیارت خداوند برود. آگاه باشید که بر میزبان لازم است که میهمان خود را گرامی بدارد»^{۱۳}.

پی‌نوشت:

۱. جواهر الکلام؛ ج ۱۴، ص ۱۱۱.
۲. «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوقِرِ الْمَسْجِدَ... مَلْعُونٌ اسْت، مَلْعُونٌ اسْت كَيْ سَيُكْفَرُ بِمَسْجِدِ الرَّسُولِ» (وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۵۵۴).
۳. وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۵۵۳.
۴. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵).
۵. وسائل الشیعه؛ ج ۳، ص ۱۹۸.
۶. همان؛ ص ۴۸۰.
۷. کلمه الامام الحسن؛ ص ۴۱؛ الحکم الزاهره؛ ص ۱۵۰.
۸. اعراف؛ ص ۳۱.
۹. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۲۲۷.
۱۰. بخارا لآلئ؛ ج ۸۳، ص ۳۶۹.
۱۱. همان؛ ص ۳۶۸.
۱۲. وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۲۳۸.
۱۳. بخارا لآلئ؛ ج ۸۳، ص ۳۸۴.
۱۴. من لایحضره الفقیه؛ ج ۱، ص ۲۳۹؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱، ص ۴۸۲؛ المحاسن؛ ج ۱، ص ۴۷.



خشم ومهار کردن غیظ

حمیدرضا گودرزی
(استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم)

ایجاد انگیزه
با ابهام

قال الله الحكيم في
محکم کتابه: «الَّذِينَ
يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ
وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ
وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۱

نعمت‌هایی در عالم وجود دارد و انسان پس از متولد شدن از این نعمت‌ها بهره‌مند می‌شود؛ نعمت‌هایی که در نگاه اولیه و ظاهری گاهی اصلاً نعمت شمرده نمی‌شوند. از آنجا که خداوند حکیم است و کار عبث نمی‌کند، قطعاً غرضی در این نعمت‌ها نهفته است که انسان از آن غافل است. یکی از نعمت‌هایی که خداوند به انسان ارزانی داشته، قوه غضب است. به فرمایش امام راحل در کتاب چهل حدیث، اگر از این نعمت درست استفاده شود، باعث حفظ بقای شخص و نظام خانواده می‌شود و این نعمت غضب مدخلیت عظیمی در تشکیل مدینه فاضله و نظام جامعه دارد که اگر در انسان نبود، علاوه بر این از بسیاری از کمالات و ترقیات باز می‌ماند، چنان‌که تفریط آن باعث معایبی از قبیل ترس و ضعف و سستی و تنبلی و کم‌صبری و زیر بار ظلم رفتن است و افراط آن باعث فاسد کردن ایمان می‌شود.^۲

تحریک
احساس و
زیباسازی

چون ز خشم آتش تو در دل هازدی
مایه نار جهنم آمدی
آتش اینجا چو آدم سوز بود
آنچه از وی زاد مرد افروز بود^۳

حالت خشم و غضب اگر به مرحله افراط برسد، از خطرناک‌ترین حالات است و اگر جلوی آن گرفته نشود، در شکل یک نوع جنون و دیوانگی و از دست دادن هر نوع کنترل اعصاب خودنمایی می‌کند، چنان‌که بسیاری از جنایات و تصمیم‌های خطرناک در این حالت انجام می‌گیرد. ششمین پیشوای معصوم، امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الغضب مفتاح کل شر؛ خشم کلید همه بدی‌ها است»^۴. همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «غضب ایمان را فاسد می‌کند، چنان‌که سر که غسل را فاسد می‌کند»^۵.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردی به پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله! مرا تعلیم ده. فرمود: برو و غضب مکن. آن مرد گفت: همین مرا بس است و به جانب قبیله خود رفت. ناگاه در میان قومش جنگی برپا شد و اسلحه پوشیده در برابر یکدیگر صف کشیدند. آن مرد هم چون چنان دید، اسلحه پوشید و به صف ایستاد، آن‌گاه سخن پیغمبر صلی الله علیه و آله را به یاد آورد که به او فرمود: غضب مکن. پس اسلحه را کنار گذاشت و نزد مردمی که دشمن قومش بودند آمد و گفت: ای مردم هر جراحت و قتل و زدن بی‌نشانه‌ای که در افراد شما باشد به عهده من و من خون بهای آن را به شما می‌پردازم (اما زخم نشانه‌دار را از زنده‌اش بگیرد). آن مردم گفتند: هر چه چنین باشد به نفع شما و ما از شما به پرداخت این جریمه سزاوارتریم. سپس با یکدیگر صلح کردند و آن کینه از میان رفت»^۶.

اقتناع‌اندیشه

خداوند متعال نه حد افراط را و نه حد تفریط را می‌پذیرد، بلکه حد اعتدال را زیبا می‌داند و در آیه ۲۹ سوره فتح به پیامبرش دستور می‌دهد: «أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءَ بَيْنَهُمْ». بادشمن باید با غضب برخورد کرد و بادوستان با مهر و عطفوت. خداوند مهر بین دوستان را از صفات برجسته اخلاقی می‌داند و کسی را که موفق شود در جاتی از آن را کسب کند، در شمار پرهیزکاران به حساب می‌آورد، چنان‌که در آیه‌ای که در طلحه سخن آمد، فرموده است: پرهیزکاران کسانی‌اند که در آشکار و نهان انفاق می‌کنند و خشم و غضب خود را مهار می‌کنند.

اقتناع‌اندیشه به
روش تقسیم و
تنظیم‌مطلب

خداوند متعال پس از کظم غیظ، مرحله دیگری را بی‌درنگ مطرح می‌کند و آن عفو و بخشش است. گفتنی است این مرحله بالاتر از مرحله قبل است. در مرحله اول، شخص به دلیل بدی‌ای که به او شده است، خشمگین می‌شود؛ اما خشم خود را فرو می‌برد؛ اما در مرحله دوم علاوه بر اینکه خشم خود را فرو برد، شخص مقابل را می‌بخشد. مرحله اول بسیار دیده می‌شود؛ ولی مرحله دوم کمیاب است؛ یعنی بسیاری کظم غیظ می‌کنند؛ ولی مثل مار زخمی فقط دنبال موقعیتی‌اند برای ضربه زدن و انتقام؛ به همین دلیل رسیدن به مرحله دوم کار پرهیزکاران است. اولیای الهی این دو مرحله را بدون اینکه در حرج باشند، پشت سر



می گذارند، چنان که کظم غیظ و بخشش دیگران، بسیار از آنان روایت شده است. خدای متعال معجون محبتش را به راحتی خرج نمی کند و هر کسی را لایق آن نمی داند، مگر عده کمی از بندگانش؛ بندگانی که تجلی صفات اویند؛ به این معنا که خدای متعال دارای صفاتی است و این بندگان شایسته و برگزیده او، مظهر این صفات اند، مثل احسان و نیکی که خدا خود محسن است و محسنان را دوست دارد؛ البته محسنانی که از دو مرحله عبور کرده اند: خشم را فرو خورده اند و عفو و بخشش خطا کار را پیشه خود ساخته اند و در مرحله سوم احسان و نیکی به خطا کار را در پیش گرفته اند، چنان که خدای متعال در جواب توبه حقیقی پنده گنهدارش می فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۱. گفتنی است پشت سر گذاشتن این مراحل، کاری بس دشوار است که فقط در سیره اهل بیت عصمت و طهارت مصداق می یابد.

حال ممکن است کسی بگوید مهار کردن خشم به تنهایی خوب است، اما کافی نیست؛ چون ممکن است کینه و عداوت را از قلب انسان ریشه کن نکند و این کینه ها و دشمنی ها در قلب جمع شود و باعث لطمه های دیگری شود.

ایجاد انگیزه
با طرح سؤال

در احوالات بزرگ مرجع عارف حضرت آیت الله بروجردی رحمته الله علیه آمده است که ایشان با خود عهد کرده بود اگر با کسی تندی کرد یا بازبان، کسی را از خود رنجاند، یک سال بدون فاصله روزه بگیرد؛ روزی در کلاس درس، یکی از شاگردان ایشان سؤالی مطرح می کند و ایشان جواب می دهند؛ اما او پس از پاسخ آیت الله بروجردی رحمته الله علیه باز به طرح اشکال می پردازد و سؤال بی مورد را مطرح می کند. مرحوم بروجردی رحمته الله علیه ناراحت می شوند و بالحنی آغشته به تندی می گویند: «وقت کلاس و سایر طلاب را نگیرید». فردای آن روز مرحوم بروجردی رحمته الله علیه مقابل تمامی شاگردان از او معذرت خواهی می کند و به مدت یک سال بدون فاصله روزه می گیرد و این گونه به شرط و شروط خود عمل می کند.^۸

بیان مصداق
کار بردی جهت
عینی کردن
بحث

به نقل از شیعه و سنی آمده است یکی از کنیزان امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام هنگامی که آب روی دست امام می ریخت، ظرف آب از دستش افتاد و بدن امام را مجروح ساخت. امام از روی خشم سر بلند کردند. کنیز بی درنگ گفت: خداوند در قرآن می فرماید: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ». حضرت فرمود: خشم خود را فرو بردم. عرض کرد: «وَالْعَاقِبِينَ عَنِ النَّاسِ». فرمودند: تو را ببخشیدم. خدا نیز تو را ببخشید. دوباره عرض کرد: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ». امام فرمودند: تو را در راه خدا آزاد کردم.^۹

این حدیث شریف خود شاهد زنده ای است بر اینکه این سه مرحله هر کدام مرحله ای عالی تر از مرحله قبل است که خدا بیان فرموده و امام معصوم آن را به نحو اتم و اکمل به اجرا در آورده است؛ بنابراین بی دلیل نیست که فرمود: «اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ»^{۱۰}.

پی نوشت:

۱. آل عمران: ۱۳۳.
۲. امام خمینی؛ چهل حدیث؛ ذیل حدیث هفتم.
۳. مولوی، جلال الدین محمد؛ متنوی معنوی؛ دفتر سوم، ص ۵۵۳.
۴. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۳۳.
۵. همان، ص ۳۰۲.
۶. همان، ص ۳۰۴.
۷. فرقان: ۷۰.
۸. طهیری، علی اصغر؛ برکرانه عصمت؛ ص ۵۸۶.
۹. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۳۴۵.
۱۰. انعام: ۱۲۴.



ملاک های جوان نمونه

در مکتب اهل بیت علیهم السلام

حسین هرمز (طلبه سطح سه مرکز تخصصی تبلیغ)



به صورت جوانی نشان داده می شود و امام زمان نیز در چهره یک جوان ظاهر خواهند شد؛ اما سؤال اینجاست که ملاک های جوان نمونه چیست؟ از منظر اهل بیت جوان ممتاز چه ویژگی هایی دارد؟ بسیار زیبا است و مناسبت دارد که شب تولد حضرت علی اکبر علیه السلام از جوان نمونه سخن بگوییم.

برخی از ملاک های جوان نمونه از منظر اهل بیت علیهم السلام عبارت اند از: ۱. دوری از شهوات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

اقتناع اندیشه به
روش تنظیم و
دسته بندی

«انَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْهَى بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةِ، يَقُولُ أَنْظِرُوا إِلَيَّ عِبْدِي تَرْكُ شَهْوَتِهِ مِنْ أَجْلِ؛ خَدَابَهُ سَبَبُ جَوَانِ عَابِدٍ، بَرِّ فَرَشْتِغَانِ مَبَاهَاتٍ مِي كَنْدُو مِي فَر مَآئِد: بَنْدِه مَرَا بَنْگَرِيد كِه چگونِه بَرای مَن دَسْت از شَهْوَاتِ نَفْسَانِي خُویش بَر دَاشْتِه اسْت.»^۱ خوشابه حال جوانی که بامهار کردن شهوتش، خداوند برای او بر فرشتگانش مباحات می کند.

یکی از راه های مهار کردن شهوت، حفظ چشم است. در روز عرفه هنگام بیرون آمدن از صحرای عرفات،

ایجاد انگیزه به
روش داستانی

محمد
بن سلیمان
از پدرش روایت

می کند: روزی در محضر امام صادق علیه السلام بودم که ابوبصیر نفس زنان وارد شد و چون در جای خود قرار گرفت، حضرت به او فرمودند: ای ابامحمد این نفس زدنت از چیست؟ ابوبصیر گفت: قربانت ای فرزند رسول خدا. سالمند شده ام و استخوانم باریک گشته و مرگم نزدیک شده؛ در صورتی که نمی دانم وضعم در آخرت چگونه است!

امام فرمودند: ای ابامحمد تو هم چنین می گویی؟ ابوبصیر گفت: چرا چنین نگوییم؟ قربانت کردم. حضرت فرمودند: ای ابامحمد مگر نمی دانی که خدای تعالی جوانان شما را گرامی داشته و از پیران شما حیا دارد؟ پیر مرد گفت: قربانت چگونه جوانان را گرامی دارد و از پیران حیا کند؟! حضرت فرمودند: «يُكْرِمُ اللَّهُ الشَّبَابَ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ وَيَسْتَجِيبَ مِنَ الْكُهُولِ أَنْ يُحَاسِبَهُمْ؛ خدای جوانان را گرامی داشته از اینکه عذابشان کند و از پیران حیا کند که از آنان حساب بکشد»^۱.

خداوند جوانان را به سبب جوانی دوست دارد و احترام می کند از این رو تمام پیامبران را در جوانی برانگیخت و اهل بهشت را جوان قرار داد و قرآن در روز محشر

امام حسن علیه السلام نزد او رفت و دید جوانی بسیار غمگین با آهی پرسوز و جانکاه مشغول مناجات است. فرمود: ای جوان، امیر مؤمنان علیه السلام پسر عموی پیامبر می خواهد تو را ببیند. دعوتش را اجابت کن.

جوان لنگ لنگان با اشتیاق فراوان به حضور علی علیه السلام آمد. حضرت فرمود: چه حاجتی داری؟ جوان گفت: حقیقت این است که من به پدرم آزار رساندم. او مرا نفرین کرده و اکنون نصف بدنم فلج شده است. امام علی علیه السلام فرمود: چه آزاری به پدرت رسانده ای؟ جوان گفت: من جوانی عیاش و گنهگار بودم. پدرم مرا از گناه نهی می کرد. من به حرف او گوش نمی دادم، بلکه بیشتر گناه می کردم تا اینکه روزی مرا در حال گناه دید. باز مرا نهی کرد و سرانجام من ناراحت شدم و چوبی برداشتم و به گونه ای او را زدم که بر زمین افتاد و با دلی شکسته برخاست و گفت: اکنون کنار کعبه می روم و نفرینت می کنم. او کنار کعبه رفت و نفرینم کرد. نفرین او باعث شد نصف بدنم فلج شود. در این هنگام آن قسمت از بدنش را به امام علیه السلام نشان داد و افزود: بسیار پشیمان شدم. نزد پدرم آمدم و با خواهش و زاری از او معذرت خواهی کردم و گفتم مرا ببخش و برایم دعا کن. پدرم مرا بخشید و حتی حاضر شد که با هم به کنار کعبه بیاییم و در همان نقطه ای که نفرین کرده بود، دعا کند تا سلامتی خود را باز یابم. با هم به طرف مکه رهسپار شدیم؛ پدرم سوار شتر بود. در بیابان ناگاه مرغی از پشت سر، سنگی پراند که شترم را زد و پدرم از بالای شتر به زمین افتاد. به بالینش رفتم، دیدم از دنیا رفته است. همان جا او را دفن کردم و اکنون خودم با حالی جگر سوز به اینجا برای دعا آمده ام.

امام علی علیه السلام فرمود: از اینکه پدرت با تو به طرف کعبه برای دعا در حق تو می آمد، معلوم می شود که از تورا رضی است. اکنون من در حق تو دعایم می کنم. امام بزرگوار در حق او دعا کرد و سپس دست های مبارکش را به بدن آن جوان مالید و همان دم، جوان سلامتی خود را باز یافت. سپس امام علی علیه السلام نزد پسرانش آمد و به آنان فرمود: «علیکم بپر الوالدین؛ بر شما باد نیکی به پدر و مادر».^۷

حضرت علی اکبر علیه السلام همه ملاک های جوان نمونه را به بهترین وجه داشت، به گونه ای که در کربلا، امام حسین علیه السلام هنگام وداع با او می فرمایند: «اللهم شهيداً فقد برز إليهم غلام أشبه الناس خلقاً و خلقاً و منطقاً برسولك و كئاداً اشتقنا إلى نبيك نظرنا إليه؛ خداوند! گواه باش. به تحقیق جوانی به جنگ و مبارزه شتافت که اشبه الناس از نظر خلقت و خلق و منطق به رسالت صلی الله علیه و آله است. هر گاه اشتیاق زیارت پیامبرت را می یافتم، او را می نگریم».^۸

پی نوشت:

۱. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۳۳.
۲. پاینده، أبو القاسم؛ نهج الفصاحه؛ ص ۳۰۴.
۳. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۹۹، ص ۳۵۱.
۴. شیخ کلینی؛ اصول کافی، ترجمه مصطفوی؛ ج ۱، ص ۴۰۵.
۵. نوری، میرزا حسین؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱، ص ۲۹۰.
۶. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ النص، ص ۱۷۱.
۷. سبط بن جوزی؛ تذکره الخواص؛ ص ۱۴۶.
۸. سید بن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه فهری؛ النص، ص ۱۱۳.

شخصی پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله سوار بر مرکب بود و چشم چرانی می کرد. چند مرتبه حضرت صورت او را بر گرداند، تا به نامحرم نگاه نکند؛ اما او همچنان خیره سری کرد تا اینکه حضرت به او فرمودند: «این روز روزی است که اگر کسی مالک چشم و گوش و زبانش باشد، خداوند او را خواهد آمرزید».^۲

۲. انس با قرآن

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر که در حال جوانی قرآن بخواند و با ایمان هم باشد، قرآن با گوشت و خونش بیامیزد و خدای بلند مرتبه او را با فرشتگان پیغام برنده و نیک رفتارش رفیق کند و قرآن برای او در روز قیامت، پرده و مانعی از آتش باشد و گوید: پروردگارا هر کاری که به مزد خویشتن رسیده، جز کارگر من؛ پس گرامی ترین عطای خود را به او برسان و آن گاه است که خدای عزیز و جبار دو جامه از جامه های بهشتی به او ببوشاند و بر سرش تاج کرامت نهاده شود. سپس به قرآن گفته شود: آیا ما تو را در باره این شخص خشنود کردیم؟ قرآن گوید: بار پروردگار من برتر از این را در باره او میل داشتم. پس امان نامه از دوزخ را به دست راستش دهند و فرمان جاویدان ماندن در بهشت را در دست چپش گذارند و وارد بهشت گردد. پس به او گفته شود: قرآن را بخوان و یک درجه بالا برو آن گاه به قرآن گویند: آیا آنچه تو خواستی به او رسانیدیم و تو را خشنود کردیم؟ گوید: آری».^۴

رفتار سازی با استفاده از گروه سؤالی

امام حسن عسکری علیه السلام ذیل آیه «و بشری للمؤمنین» می فرماید: «قرآن در روز قیامت می آید و جوانی را که تلاوت قرآن کرده، با خود می آورد و عرضه می دارد: بار الها! این جوان در راه تلاوت من، خود را به زحمت انداخت. حال پاداش او را مرحمت فرما. خداوند می فرماید: رحمت و بهشت جاویدان را بی دریغ در اختیار او می گذارم».^۵ حالاً ما چقدر قرآن می خوانیم؟ چقدر با قرآن انس داریم؟ آیا قرآن را صحیح تلاوت می کنیم؟ آیا به مفاهیم و ترجمه قرآن توجه می کنیم؟ به چه آیه هایی از قرآن عمل می کنیم؟

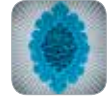
۳. استغفار

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «ما فی الدنیا شیء أحبّ إلى الله عزّ و جلّ من شأب تأئب؛ هیچ چیزی در دنیا برای خداوند محبوب تر از جوان پشیمان نیست».^۶

تحریک احساسی به روش قصه گوئی

شبی امیر مؤمنان علی علیه السلام و فرزندشان امام حسن علیه السلام در کنار کعبه به عبادت و راز و نیاز مشغول بودند. ناگاه حضرت ناله دلخراشی شنید. دانست که شخص درمندی با سوز و گداز در کنار کعبه دعا می کند و با گریه و زاری خواسته اش را از خدای طلبید. حضرت علی علیه السلام به امام حسن علیه السلام فرمود: نزد این مناجات کننده برو و ببین کیست. او را نزد من بیاور.

منبر > معارف



امام حسین درآینه کلام ائمه

سیدمهدی رضوی (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم)

جایگاه امام حسین (علیه السلام) و عاشورا در تاریخ بشر نمی توان انکار کرد. بی تردید بخشی از این عظمت مرهون احادیث و روایاتی است که از معصومان (علیهم السلام) درباره شخصیت والای آن حضرت به دست ما رسیده است. ائمه (علیهم السلام) همواره به تکریم جایگاه امام حسین (علیه السلام) پرداخته اند و به نقش والای ایشان در پیشبرد معنویت در جهان و تکریم ارزش های والای انسانی اشاره کرده اند. در این سخن در پی آنیم که بخشی از روایات معصومان (علیهم السلام) درباره شخصیت والای حسین بن علی (علیهم السلام) را بررسی کنیم.

شرافت در ولادت

بخشی از گنجینه روایات ما به مسئله ولادت امام حسین و اتفاقات پیرامون آن در عرش و فرش اختصاص دارد که از آن جمله می توان به روایتی از امام صادق (علیه السلام) اشاره کرد:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ لَمَّا وُلِدَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جِبْرِئِيلَ أَنْ يَهْبِطَ فِي الْفِئَةِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَهْنِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْ جِبْرِئِيلَ: هُنْكَامِي كَيْ هَسِينِ بْنِ عَلِيٍّ بِسَهْ دُنْيَا أَمَدٍ، وَرُورِدْكَارِ جِبْرِئِيلَ رَأْمَامُورُ كَرْدُ كَيْ بَاهَزَارِ مَلِكٍ پَايِينِ أَنْبَدُ وَبِهِ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ طَرَفِ خَدَاوَنْدِ وَجِبْرِئِيلِ شَادِبَاشْ گُوبِنْدُ»^۱.

در روایتی دیگر آمده است، زمانی که امام حسین (علیه السلام) متولد شد، پیامبر اکرم از صفیه دختر عبدالمطلب خواست تا نوزاد را برای ایشان ببرد و صفیه عرض کرد، ای رسول خدا هنوز او را تمیز نکرده ام. در این هنگام حضرت فرمود: «عمه جان پروردگار این طفل را طهارت و نظافت کرده است»^۲.

کلام پیامبر در خصوص جایگاه ابا عبد الله و محبتش

در روایتی دیگر می خوانیم: «عَنْ جُدَيْفَةَ بِنِ الْيَمَانِ قَالَتْ: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخَذَ بِيَدِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ هَذَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ فَأَعْرِفُوهُ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ إِنَّهُ لَفِي الْجَنَّةِ وَمُحِبِّيهِ فِي الْجَنَّةِ وَمُحِبِّي مُحِبِّيهِ فِي الْجَنَّةِ: حَدِيثُهُ بِنِ يَمَانٍ نَقَلَ مِي كَنْدُ: رُوزِي پِيَامْبِر رَادِيْدِمُ، دَر حَالِي كَيْ دَسْت دَر دَسْت حَسِينِ بْنِ عَلِيٍّ دَاشْت وَ مِي فَرْمُودُ: أَي مَرْدَمِ اِيْنِ حَسِينِ اسْت، أَو رَابَشْنَا سِيد، بِي خَدَا قَسْمِ أَو دَر بِيْهَسْت اسْت وَ مَحْبَانِ أَو وَ حَتِي دُوسْتَدَارَانِ مَحْبَانِ أَو نِيْزِ

در بهشت خواهند بود»^۳.

ارافت و شخصیت امام حسین (علیه السلام) در کلام ائمه

در روایت دیگر نقل شده است: «روزی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) از پدر بزرگوارشان درخواست کردند که به دو فرزندش میراثی عنایت فرماید. رسول الله فرمودند: میراثی که حسن از من می گیرد، هیبت و آقایی من است و میراثی که فرزندم حسین از من خواهد داشت، شجاعت و بخشش خواهد بود»^۴.

امام باقر (علیه السلام) در روایتی می فرمایند:

«روزی مردی در زمان حیات رسول الله مرتکب گناهی شد و خودش را پنهان کرد تا لحظه ای که حسنین (علیهم السلام) را یافت و این دو آقا زاده بزرگوار را بر روی دوش خود گذاشت و نزد پیامبر رفت. زمانی که حضرت این حالت را مشاهده فرمود، لبخندی زد و دست مبارکش را بر دهان مرد گناهکار قرار داد و فرمود: نیازی به بیان نیست، تو هم اکنون بخشیده شدی و آزادی. سپس رو به فرزندانش کرد و گفت: شما شیعیان این مرد قرار گرفتید. در همین هنگام آیه ۶۴ سوره نساء نازل شد: "وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا: مَا رَسُولِي نَفَرَسْتَادِيْمُ مَكْرُ بَرِ اِيْنِ مَقْصُودُ كَيْ خَلْقِ بِيْهْ اَمْرِ خَدَا اطَاعْتِ أَوْ كَنْنَدُ وَ اِكْرْ هَنْكَامِي كَيْ اَنَانِ بَرِ خُودِ سَسْتَمِ كَرْدَنْدُ، بِيْهْ تُو رَجُوعِ مِي كَرْدَنْدُ وَ اَزْ كَرْدَارِ خُودِ بِيْهْ خَدَا تُوْبِيْهْ نَمُودِيْهْ وَ تُوْ هَمِ بَرِ اِيْ اَنَانِ اسْتِغْفَارِ مِي كَرْدِيْ وَ اَزْ خَدَا اَمْرُوزِشِ مِي خُوَاسْتِيْ، دَر اِيْنِ حَالِ الْبَتِيْهْ خَدَا رَا تُوْبِيْهْ پَذِيْرُ وَ مِهْرَبَانِ مِي يَافْتَنْدُ»^۵.

توصیف جایگاه امامتی سیدالشهدا در کلام امام سجاد علیه السلام

گوشه ای از ابعاد امامت را در روایتی که می آید و بیانگر علم امام است، می توان دید. در روایتی از سیدالساجدین (علیه السلام) نقل شده است: «روزی عربی بادیبه نشین به مدینه رسید و تصمیم گرفت سیدالشهدا را آزمایش کند؛ لذا گناهی را مرتکب شد و زمانی که بر حضرت وارد شد با شدت کلام ایشان روبرو شد که فرمود: حیانتی کنی ای اعرابی که بر امامت بدون طهارت وارد می شوی؟ در این لحظه او گفت: به حق که شما سزاوار بزرگی و امامتید و پس از طهارت نزد حضرت باز گشت و مشکلاتش را به ایشان عرضه کرد»^۶.

وجود پرکرامت حضرت ثار الله

بزرگواری و اثرگذاری شخصیت سیدالشهدا در روایتی که از خود ایشان نقل



نجوای شب‌های شعبان در نگاه امام خمینی

هادی الیاسی (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه)

عارفان خداجوی همیشه در راه ارتباط و صحبت با معبود و محبوب خویش به دنبال سخنی بوده‌اند که از آتش هجران و شوق وصالشان پرده بردارد. عاشقان مناجات و گفتگو همواره در پی آن اند تا در انبان الفاظ، کلماتی را بیابند تا روزنه‌ای به سوی تقرب باز شود. در این میان، آنان که حاملان قرآن و مبینان کلام حق بودند، گوی سبقت را از همگان ربودند و قلوب عارفان را مسخر کلمات خویش ساختند. مولای عارفان و عاشقان و امیر بیان و مؤمنان علی بن ابیطالب (علیه السلام)، در وصف این لحظات اعجاز کرده و با معبود خویش از بازگشت و مغفرت گرفته تا خوف و رجاء جوانموده است.

بی مقدمه باید گفت در میان دعاها و مناجات‌های رسیده از ائمه و به ویژه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مناجات شعبانیه، بی‌همانند است؛ مناجاتی که همواره فکر و ذکر عارفان را مجذوب خویش ساخته است.

مناجات‌های شب‌های شعبان که به روایت «ابن خالویه» از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیده است و امامان دیگر نیز در اعمال مشترک شب‌های شعبان آن را می‌خواندند، از جمله دعاها و مناجات‌های معروفی است که حامل حقایق ناب عرفانی و نغزترین مفاهیم روحانی است.

در این مجال کوتاه بر آنیم که آیه‌هایی از عظمت این مناجات را در آیین کلام عارف کامل، امام خمینی (ره) بنگریم. ایشان در جهت توجه دادن به مضامین این مناجات، با بیانی شوق‌انگیز فرموده است: «مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته نه از این عارف‌های لفظی - بخواهد آن را شرح کند، و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است»^۱.

آن روح خدا (ره) در جای دیگر می‌فرماید: «چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن و این مناجات‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) و همین مناجات شعبانیه مسائل عرفانی هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا، تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است، نمی‌توانند وجدان کنند»^۲.

امام خمینی (ره) در تأکید بر انس با مناجات شعبانیه می‌فرماید: «مناجات شعبانیه را خواندید؟ بخوانید آقا! مناجات شعبانیه از مناجات‌هایی هست که اگر انسان دنبالش برود و فکر در او بکند، انسان را به یک جایی می‌رساند... همه ائمه هم به حسب روایت می‌خواندند»^۳.

بدون شک پیش از مانوس شدن با کلمات و سخنان دلنشین ائمه اطهار که در قالب دعاها و مناجات‌ها به ما رسیده است، ایمان به آن لازم است؛ ایمان به اینکه اهل بیت (علیهم السلام) پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مبینان و مفسران واقعی قرآن اند و هادیان راه هدایت، از کاستی‌های مادر پیمایش طریق هدایت به خوبی آگاه‌اند و خطرهای این مسیر پرپیچ‌رپیچ را می‌شناسند. اینان واصلان حقیقی طریق محبت به پروردگارند. اینجا است که به تعبیر واضح‌تری و بی‌واهمه باید گفت: اذن دخول مناجات، ایمان به مقام صاحب آن است؛ همانند سخن

شده است، به وضوح قابل مشاهده است. حضرت می‌فرماید: «به درستی که پیامبر فرمود: افضل اعمال بعد از نماز شاد کردن دل مؤمن است. روزی من غلامی را دیدم که در حال غذا دادن به سگی بود و در همان حال به من گفت: ای پسر پیامبر من غمگینم و از تومی خواهم مرا شاد کنی. من غلام یک یهودی ام و می‌خواهم از او جدا شوم. امام حسین (علیه السلام) نیز با دو بیست دینار نزد صاحب یهودی رفت تا وی را خریداری کند. آن مرد یهودی به محض دیدن حضرت برای آزاد کردن غلام گفت: من او را به سبب تشریف‌فرمایی شما آزادمی کنم و این باغ را هم به او می‌بخشم و مال را هم به خودتان می‌دهم. حضرت فرمود: من این مال را به شما هبه کردم. مرد یهودی در برابر تواضع و فروتنی حضرت عرضه داشت: قبول کردم و من هم این مال را به غلام هبه می‌کنم. سپس سیدالشهدا (علیه السلام) فرمود: به سبب این کار من غلام را آزاد می‌کنم و همه این اموال را به او هبه می‌کنم. همسر مرد یهودی که چنین ماجرای را مشاهده می‌کرد، گفت: من هم به همین سبب اسلام می‌آورم و مهرم خود را به شوهرم می‌بخشم. شوهر او نیز گفت: من هم اسلام می‌آورم و این منزل را به همسرم می‌بخشم»^۴.

آنچه در روایت خواندیم، جلوه‌ای کامل از رحمت و جود بود که در شیوه رفتاری حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) دیده می‌شد. این رفتار می‌تواند الگویی مناسب در تربیت اخلاقی و سبک زندگی اسلامی خصوصاً برای نسل جوان امت اسلامی باشد.

پی‌نوشت:

۱. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۳؛ ص ۲۴۳.
۲. شیخ صدوق؛ الامالی؛ ص ۵۹۶.
۳. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۳؛ ص ۲۶۲.
۴. همان؛ ج ۴۳؛ ص ۲۶۴.
۵. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب؛ ج ۳؛ ص ۴۰۰.
۶. راوندی، قطب‌الدین؛ الخرائج و الجرائع؛ ج ۱؛ ص ۲۴۶.
۷. علامه مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴؛ ص ۱۹۴.

وحی که اگر کسی به اعجاز بودن آن و کلام الهی بودنش ایمان نداشته باشد، گویا کتابی اخلاقی و عبادی می خواند و مفاهیم انسان ساز کتاب خدا، هرگز در دسترس قلب و عقلش نخواهد بود.

امام خمینی (ره) با علم به این موضوع، ایمان به مناجات را شرط دانسته و فرموده اند: «این از دعاهایی است که من غیر از این دعا ندیدم که روایت شده است. همه ائمه این دعا را، این مناجات را می خوانند. این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می خوانند. چی بوده است این؟ بین آنها و خدای تبارک و تعالی چه مسائلی بوده است؟ هب لی کمال الانقطاع الیک کمال انقطاع چی است؟ و بیدک لا یبید غیرک زیادتی و نقصی و نفعی و ضرری. خوب، آدم به حسب ظاهر می گوید خوب همه چیز با او است؛ اما وجدان این مطلب که هیچ ضرری به ما نمی رسد الا به او است. هیچ منفعتی نمی رسد الا به او است. او است ضار و نافع. اینها چیزهایی است که دست ماها از آن کوتاه است و دعا کنید که خدای تبارک و تعالی به ما توفیق بدهد که در این ماه شریف و ماه شریف رمضان از این مسائل هم یک حظی و لوی یک جلوه کوچکی در دل ها و قلب های ما واقع بشود، و لاقلاً مؤمن به این

بشویم که قضیه صعق چه قضیه ای است. مؤمن به این بشویم که مناجات خدا با انسان چی هست. مناجات را مؤمن بشویم به آن، انکار نکنیم، نگوییم اینها حرف های درویشی است. همه این مسائل در قرآن هست، به نحو لطیف و در کتب ادعیه مبارک که ما که از ناحیه ائمه هدی وارد شده است. همه این مسائل هست، نه به آن لطافت قرآن، لکن به نحو لطیف. آن هم و همه اشخاصی که بعدها این اصطلاحات را به کار برده اند، فهمیده و نفهمیده از قرآن و حدیث گرفتند و ممکن است که اصل مسندش هم درست ندانند؛ البته به حقیقت اش هم، کم آدمی است که می تواند پی برد تا چه رسد به اینکه ذایقه روح بچشد این را. چشیدن ذایقه یک مسئله فوق این مسائل است»^۴.
پیر جماران و مرد شب های مناجات شعبان، حلاوت مناجات شعبانیه امیر المؤمنین (علیه السلام) را چشیده بود که در جای جای سخن خویش بدان اشاره می کرد و حتی در تفسیر آیات الهی بدان گریز می زد. امام خمینی (ره) در تفسیری از فرازهای این دعا می فرماید: «و چه بسا مسائل عرفانی که در قرآن و این مناجات های ائمه اطهار (سلام الله علیهم) و همین مناجات شعبانیه مسائل عرفانی هست که اشخاص، فلاسفه، عرفا تا حدودی ممکن است ادراک کنند، بفهمند عناوین را، لکن آن ذوق عرفانی چون حاصل نشده است، نمی توانند وجدان کنند. آیه شریفه در قرآن "ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی" خوب، مفسرین، فلاسفه در این باب صحبت ها کردند، لکن آن ذوق عرفانی کم شده است. الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الی معدن العظمة و تصیر ارواحنا معلقه بعز قدسک الهی و اجعلنی ممن نادیته فاجابک و ناجیته فصعق لجلالک اینها عناوینشان را خیال می کند انسان، خوب، ما هم می دانیم. نه عارف و نه فیلسوف و نه دانشمند نمی توانند ذوب کنند چی هست مسئله، مسئله صعق لجلالک که مبدأش قرآن است. و خر موسی صعقا مسئله ای است که انسان گمان می کند که خوب افتاد غش کرد. صعق یعنی غش کرد؛ اما این غش چی بوده است؟ غش حضرت موسی چه بوده است؟ این مسئله ای نیست که غیر آن کسی که دنو پیدا کرده است، بتواند فهم این مسئله ای نیست که غیر آن کسی که دنو پیدا کرده است، بتواند فهم کند، ادراک کند، ذوب کند. یا همین جملاتی که در این مناجات بزرگ است و بعض جملات دیگری که در آن هست، مسائلی است که به حسب ظاهر سهل است و واقعا ممتنع است. ریاضات بسیار می خواهد تا انسان بتواند بفهمد که ناجیته [با فتح تا] نه ناجیته [با ضم تا] ناجیته این چی است؟ خدا با آدم مناجات می کند، چی است مناجات؟ چه خواسته اند ائمه؟»^۵.

امید است که با گوشه چشمنی از عنایت مولای عارفان امیر مؤمنان، همچون امام خمینی (ره) به معنای انقطاع نزدیک شویم. همو که در معنای «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک» فرمود: «این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی و هر چه و هر کس و پیوستن به او است و گسستن از غیر و هبه ای الهی است به اولیای خلص پس از صعق حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان دادن او است و لحظه... و ابصار قلوب تا به ضیاء نظره او نور نیابد، حجب نور خرق نشود و تا این حجب باقی است، راهی به معدن عظمت نیست و ارواح تعلق به عز قدس رادر نیندد و مرتبت تدلی حاصل نیاید ثم دنی فتدلی. ادنی از این، فنای مطلق و وصول مطلق است»^۶.

پی نوشت:

۱. امام خمینی؛ صحیفه نور؛ ج ۲۰، ص ۱۸۹.
۲. همان، ج ۱۷، ص ۲۶۵.
۳. همان، ج ۱۹، ص ۱۵۸.
۴. همان، ج ۱۷، ص ۴۵۸.
۵. همان.
۶. همان، ج ۱۸، ص ۴۴۳-۴۴۴.





امام زین العابدین (علیه السلام) در تراث اهل سنت

محمد محسن مروی طبسی (استاد و پژوهشگر تاریخ و کلام تطبیقی)

سرآغاز

باز خوانی جایگاه و شخصیت امام سجاد (علیه السلام) و ابعاد گوناگون علمی، اجتماعی و اخلاقی آن حضرت از نگاه اهل سنت، نه تنها خط بطلانی بر توهم گوشه گیر بودن و عدم فعالیت علمی و اجتماعی امام سجاد است، بلکه نشانگر حضور فعال و بانفوذ امام سجاد و مرجعیت علمی آن حضرت حتی در میان علمای اهل سنت دوران خویش است.

امام سجاد از نگاه صحابه

۱. عبدالله بن عباس (ق ۷۳) وقتی امام را می دید، چنین می گفت: «مرحبا بالحبیب ابن حبیب؛ سلام بر حبیب پسر حبیب».^۱
۲. سعید بن مسیب (ق ۹۳): «تابه حال برتر و افضل از علی بن حسین ندیدم و تابه حال نیز وی را خندان ندیده‌ام».^۲ همو در جای دیگر می گوید: «پرهیز کارتر از او ندیدم».^۳

امام سجاد از نگاه تابعین

۱. نافع بن جبیر (ق ۹۹) گوید: «علی بن حسین فردی است که در دین جایگاه والایی دارد».^۴ همو در جای دیگر خطاب به امام سجاد می گوید: «تو سرور و برترین‌های مردمی».^۵
۲. عمر بن عبد العزیز (ق ۱۰۱) درباره آن حضرت می گوید: «شریف‌ترین مردم این کسی است که در کنار من ایستاده (امام سجاد)، شریف‌ترین مردم کسی است که انسان‌ها آرزو داشته باشند از وی باشند و آن شخص علی بن حسین است».^۶ همو بعد از رحلت امام چنین گفت: «ذهب سراج الدنيا و جمال الدنيا و زین العابدین».^۷

۳. طاوس یمانی (ق ۱۰۶) نیز می گوید: «رجل صالح من اهل بیت الخیر»، «رجل صالح من اهل بیت طیب».^۸

۴. سخن فرزندق (ق ۱۱۰) درباره امام: در یکی از ایام، هشام بن عبدالملک به زیارت خانه خدا آمد و قصد تبرک جستن به حجر الاسود را داشت که بر اثر از دحام جمعیت به عقب رانده شد و با همراهانش به گوشه‌ای از حرم رفت و از دور نظاره گر خیل جمعیت بود که ناگهان دیدند امام زین العابدین به طرف حجر الاسود می رود و مردم به احترام ایشان راه را باز کردند و به گونه‌ای توانست حجر الاسود را استلام کند. یکی از اطرافیان هشام که از دمشق آمده بود و امام را نمی شناخت از هشام پرسید: این شخص کیست؟ هشام با اینکه او را می شناخت، اظهار بی اطلاعی کرد. در این هنگام فرزندق که شاهد ماجرا بود، گفت: من او را می شناسم و در وصف امام چنین سرود:

هذا الذی تعرف البطحاء وطأته
والبیت يعرفه والحل والحرم
هذا ابن خیر عباد الله کلهم
هذا التقی النقی الطاهر العلم
اذا رآته فیریش قال قائلها
الی مکارم هذا بنتهی الکریم
یکاد یمسکه عرفان راحته
رکن الحطیم اذا ما جاء یستلم
یغضی حیاء و یغضی من مهابة
فما یکلم الا الحین یتسم

هذا ابن فاطمة ان كنت جاهله
بجده انبیاء الله قد ختموا
بعد از این جریان، فرزندق به دستور هشام به زندان رفت که امام سجاد بعد از اطلاع از این جریان، در حق وی بسیار دعا کرد و برای او هدیه‌ای فرستاد.^۹ جامی حنفی این جریان را چنین به نظم در آورده است:

پور عبدالملک بنام هشام
در حرم بود باهالی شام
می زد اندر طواف کعبه قدم
لیکن از از دحام اهل حرم
استلای حجر ندادش دست
بهر نظاره گوشه‌ای بنشست
ناگهان نخبه نبی و ولی
زین عباد بن حسین علی
در کساء بها و حله نور
بر حریم حرم فکند عبور
هر طرف می گذشت بهر طواف
در صف خلق می فتاد شکاف
زد قدم بهر استلام حجر
گشت خالی ز خلق راه و گذر
شامی کرد از هشام سؤال
کیست این با چنین جمال و جلال
از جهالت در آن تعلق کرد
وز شناسایش تجاهل کرد
گفت شناسمش ندانم کیست
مدنی یا یمانی یا مکی است
بوفراس آن سخنور نادر
بود در جمع شامیان حاضر



انقلاب اس

رضا اخوی (طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم)

بر اساس آموزه های دینی، قیام تمام انبیا و اولیا برای رسیدن به حیات طیبه و تشکیل آرمان شهر مهدوی بود و همگی آن برگزیدگان الهی، به مقتضای موقعیت مکانی و زمانی خویش، این وظیفه را به بهترین نحو ممکن به انجام رساندند. نگاهی به روایات و تفاسیر وارد شده، نمایانگر این حقیقت است که در بستر تاریخ، انقلاب اسلامی ایران، مقدمه ای برای رسیدن به حیات طیبه و تداوم بخش همان آرمان الهی است؛ از این رو در روایات از این انقلاب با عنوان بستر ساز تشکیل حکومت مهدوی و قطعته ای از پازل تحقق مدینه فاضله یاد شده است که به فرازهایی از این روایات اشاره می کنیم.

تمجیدهای پیشوایان از ایرانیان

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تفسیر برخی آیات، به مناسبت های مختلف، همگان را بر شأن و جایگاه ویژه ایرانیان آگاه می کردند؛ برای مثال روزی اصحاب در حضور ایشان نشستند و بودند که این آیه نازل شد: «وَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ...» و دیگرانی که هنوز به آنان نپیوسته اند و خداوند شکست ناپذیر و داناست. اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آن مردمی که خداوند درباره آنان وعده فرموده که بعدا به اسلام ملحق خواهند شد، چه کسانی هستند؟ حضرت دست مبارکش را بر پشت سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هم وطنان سلمان اند که اگر اسلام در آسمان و در ستاره ثریا باشد، مردمان قوم سلمان به آن ایمان خواهند آورد و بدان خواهند پیوست». همچنین وقتی آیه «فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ؛ اگر آنان به اسلام و قرآن کافر شوند، ما آن را به قومی که بدان کافر نیستند، واگذار می کنیم» نازل شد، اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: آنان چه کسانی اند؟ آن حضرت فرمود: «القوم بالشیعة أو اولاد العجم؛ شیعیان و فرزندان عجم [ایرانیان]». آن حضرت همچنین پس از توصیف ایرانیان، خطاب به حضرت علی رضی الله عنه فرمودند: «آنان قومی اند که به واسطه روح الله به یکدیگر محبت می ورزند (دل هایشان به هم نزدیک می شود)، بدون آنکه اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند؛ آنان شیعه توانند و تو امام آنان».

در عظمت و جلالت امام سجاد می گوید: «تا به حال در اهل بیت پیامبر برتر از علی بن حسین ندیده ام»، «در قریش تا به حال فردی افضل از علی بن حسین ندیده ام»، «اکثر نشست و برخاستم با علی بن حسین بود و هیچ شخصی را فقیه تر از ایشان نیافتم»، «علی بن حسین از برترین های اهل بیت و بهترین عبادت کنندگان بود». زهری دأما می گفت: «در بین مردم علی بن حسین حق زیادی بر من دارد». زید بن اسلم (ق ۱۳۶ق) گوید: «در بین علمای مدینه همانندی برای علی بن حسین ندیدم». ابو حازم مدنی (ق ۱۴۰ق) گوید: «در بنی هاشم برتر و فقیه تر از علی بن حسین ندیدم». یحیی بن سعید (ق ۱۴۳ق) نیز امام سجاد رضی الله عنه را یکی از فقه های بنام مدینه می داند و می گوید: «علی بن حسین برترین بنی هاشم بود که او را درک کردم». جویره بن اسماء (ق ۱۷۳ق) گوید: «علی بن حسین به سبب نزدیکی خود با پیامبر حتی یک درهم از بیت المال برای خود برداشت نکرد». مالک بن انس (ق ۱۷۹ق) که پیشوای فقه مالکی در باره امام سجاد رضی الله عنه چنین می گوید: «علی بن حسین از اهل علم و فضیلت بود»، «علی بن حسین در اهل بیت رسول الله همانندی نداشت؛ در حالی که مادرش کنیز بود». همو در جای دیگر می گوید: «سُمی زین العابدین لکثرة عبادته».

پی نوشت:

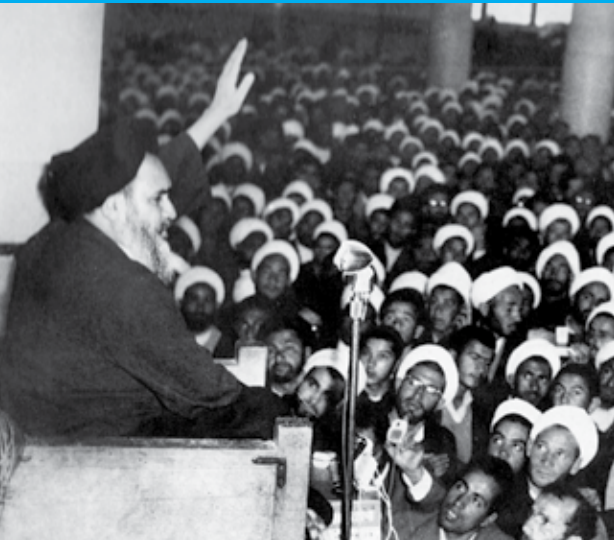
۱. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۳۰.
۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.
۳. حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۱۴۱.
۴. ابن عساکر دمشقی، تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۵۴.
۵. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة ج ۹، ص ۱۱۱.
۶. محاضرات الادیاء ج ۱، ص ۳۴۴.
۷. در ادامه این جمله آمده است به عمر بن عبدالعزیز گفته شد فرزندش محمد بن علی زنده است وی برای امتحان و آزمایش امام باقر نامه ای به او نوشت که امام در پاسخ او را مو عظه و بیم داد. در تاریخ یعقوبی ج ۲، ص ۳۰۳.
۸. تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۶۴.
۹. تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۸۰.
۱۰. عبدالرحمن بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ ص ۱۴۵-۱۴۲.
۱۱. شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۴، ص ۳۸۹.
۱۲. ابن عساکر دمشقی، تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۵۲ و ۱۵۶.
۱۳. شمس الدین ذهبی، تذکره الحفاظ ج ۱، ص ۷۵.
۱۴. محمد بن سعد، طبقات الکبری ج ۵، ص ۲۱۵.
۱۵. ابن کثیر، البدایة و النهایة ج ۹، ص ۱۱۲.
۱۶. ابن عساکر دمشقی، تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۵۸.
۱۷. شمس الدین ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج ۴، ص ۳۹۴.
۱۸. تاریخ دمشق ج ۴۴، ص ۱۵۹.
۱۹. شیخ حسین بن نصر، مناقب الابرار ص ۲۶۰.
۲۰. سیر اعلام النبلاء ج ۴، ص ۳۸۸.
۲۱. تهذیب التهذیب ج ۷، ص ۲۶۹.
۲۲. نور الابصار ص ۲۸۰.

گفت من می شناسمش نیکو زو چه پرسی به سوی من کن رو آن کس است اینکه مکه و بطحا زمزم و بوقیسی و خیف و منا حرم و حل و بیت و رکن حطیم ناودان و مقام ابراهیم مروه مسعی صفا حجر عرفات طیبیه و کوفه کربلا و فرات هر یک آمد به قدر او عارف بر علوم مقام او واقف قره العین سیدالشهداست غنچه شاخ دوحه زهر است میوه باغ احمد مختار لاله راغ حیدر کرار چون کند جای در میان قریش رود از فخر تر زبان قریش که بدین سرور ستون شیم به نهایت رسید فضل و کرم ذروه عزت است منزل او حامل دولت است محمل او از چنین عز و دولت ظاهر هم عرب هم عجم قاصر هست از آن معشر بلند آیین که گذشتند ز اوج علیین حب ایشان دلیل صدق و وفاق بغض ایشان نشان کفر و نفاق قربشان پایه علو و جلال بعدشان مایه عتو ضلال گر شمار ندها دل تقوارا طالبان رضای مولا را اندر آن قوم مقتدا باشند و اندر آن خیل پیشوا باشند گر بیرسندز آسمان بالفرض سائلی من خیار اهل الارض بزبان کواکب و انجم هیچ لفظی نیاید الا هم هم غیوث الندی اذا وهبوا هم لیوث الثری اذا نهبوا ذکرشان سابق است در افوا بر همه خلق بعد ذکر الله سر هر نامه را رواج فرای نام آنهاست بعد نام خدای ختم هر نظم و نثر را الحق باشد از یمن نامشان رونق

۵. ابن شهاب زهری (۱۲۳ یا ۱۲۴ق) یکی از علمای اهل سنت است که بیشترین ارتباط را با امام سجاد رضی الله عنه داشته است. وی با عبارات گوناگون

اصحاب پرسیدند: یا رسول الله! آن مردمی که خداوند درباره آنان وعده فرموده که بعدا به اسلام ملحق خواهند شد، چه کسانی هستند؟ حضرت دست مبارکش را بر پشت سلمان فارسی گذاشت و فرمود: «آنان هم وطنان سلمان اند که اگر اسلام در آسمان و در ستاره ثریا باشد، مردمان قوم سلمان به آن ایمان خواهند آورد و بدان خواهند پیوست.

لامی ایران بستر سازانقلاب مهدوی



نتیجه اینکه بی گمان انقلاب ایران مورد تأیید، حمایت و پیش بینی های معصومین (ع) برای رسیدن به اهداف بر تروالاتری مانند زمینه سازی برای حکومت عدل جهانی امام زمان (ع) است؛ از این رو بامد نظر قرار دادن این مهم، باید با شناخت جایگاه خود در پازل تمدن سازی جهانی اسلام، با شجاعت و صلابت برای ساختن و پیشرفت روز افزون ایران اسلامی، اقدامات تحول آفرین و حماسه های ماندگار آفرید و نقش و وظیفه خود را در خدمت به این آرمان مقدس ایفا کرد.

پی نوشت:

۱. جمعه: ۴۳.
۲. صحیح مسلم: ج ۷، ص ۱۹۲.
۳. انعام: ۸۹.
۴. علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۳۰۹.
۵. «هم قوم تحابو ابیروح الله علی غیر انساب و لا اموال...» (نسائی: سنن الکبری، ج ۶، ص ۳۶۲؛ سنن ابی داود: ج ۲، ص ۱۴۹؛ متقی هندی: کنز العمال: ج ۹، ص ۱۵؛ علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۶۵، ص ۱۳۹).
۶. علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۶۷، ص ۱۷۴؛ متقی هندی: کنز العمال: ج ۱۲، ص ۴۲؛ ج ۲۴، ص ۳۴۱۲۶.
۷. علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۵۷، ص ۲۱۴؛ قمی، شیخ عباس: الکنی واللقاب: ج ۳، ص ۸۷.
۸. علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۵۷، ص ۲۱۳.
۹. همان، ص ۲۱۶؛ محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمه: ج ۲، ص ۶۷۱.
۱۰. قمی، شیخ عباس: سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۹۳؛ نیز، ر. ک: علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۲۳، ص ۱۶۳.
۱۱. علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۶۷، ص ۱۷۴.
۱۲. «یخرج ناس من المشرق فیوطنون للمهدی سلطانه» (متقی هندی: کنز العمال: ج ۱۴، ص ۱۱۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، باب ۳۴، ج ۴۰۸؛ محمدی ری شهری، محمد: میزان الحکمه: ج ۲، ص ۶۶۶).
۱۳. النبیة، ص ۲۷۳؛ ج ۵۰؛ علامه مجلسی: بحار الانوار: ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۱۴. امام خمینی، روح الله: صحیفه نور: ج ۲۱، ص ۳۲۷، تاریخ ۶۸/۱/۲.
۱۵. محمدی ری شهری، محمد: خاطره ها، ج ۱، ص ۲۴۲.

آینده آنان شمارا به اسلام دعوت خواهند کرد، چنان که در آغاز، شما حکومت پادشاهی آنان را ساقط کردید». ^{۱۰} همچنین فرمود: «شما با حکومت ایران خواهید جنگید تا اسلام را به آنجا برسانید؛ ولی در آینده آنان با شما خواهند جنگید تا حقیقت قرآن و اسلام راستین را به شما برسانند». ^{۱۱}

بخش دیگری از این گونه روایات، از بستر سازی این انقلاب برای ظهور حکایت دارند؛ همان گونه که پیامبر اعظم (ص) فرمودند: «در آخر الزمان مردی از مشرق زمین قیام می کند و زمینه حکومت مهدی (ع) را فراهم می سازد». ^{۱۲}

امام باقر (ع) نیز می فرمایند: «گویا می بینم مردمی از مشرق زمین قیام کرده اند، حق را طلب می کنند؛ ولی به آنان داده نمی شود. سپس باز هم حق را طلب می کنند؛ ولی باز به آنان داده نمی شود. پس هنگامی که چنین دیدند، این بار شمشیرها را بر شانه های نهند و به آنچه می خواستند دست می یابند؛ اما به آن قانع نمی شوند تا اینکه حکومت را به دست می گیرند و آن را به کسی نمی دهند مگر به امام زمان (ع) کشته های آنان شهیدند. آگاه باشید که اگر من آن زمان را در یابم، حتما به سوی صاحب این امر می شتابم». ^{۱۳}

بنیانگذار بزرگوار و روشن ضمیر انقلاب نیز با چنین نگاهی بود که دست به این قیام الهی زد؛ همان گونه که می فرمود: انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهانی اسلام به پرچمداری حضرت حجت (ارواحنا فاده) است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. ^{۱۴}

آقای بشارتی نیز چنین نقل کرده اند: در تابستان سال ۱۳۵۸ هنگامی که مسئول اطلاعات سپاه بودم، گزارشی داشتیم که آقای [سید کاظم] شریعتمداری در مشهد گفته است: من بالاخره علیه امام [خمینی] اعلام جنگ می کنم. خدمت امام رسیدم و ضمن ارائه گزارشی، خبر مذکور را هم گفتم. ایشان سرش پایین بود و گوش می داد. این جمله را که گفتم، سر بلند کرد و فرمود: اینها چه می گویند! پیروزی ما را خدا تضمین کرده است، ما موفق می شویم. در اینجا حکومت اسلامی تشکیل می دهیم و پرچم را به صاحب پرچم می سپاریم. پرسیدم: خودتان؟ امام سکوت کردند و جواب ندادند. ^{۱۵}

مجاهدتهای ایرانیان در عرصه علم و فناوری و تلاش های خستگی ناپذیر آنان در این عرصه؛ رسول خدا (ص) می فرماید: «لو کان العلم منوطاً بالثریا لتناوله رجال من فارس؛ اگر دانش در ثریا (ستاره پروین، کنایه از دور دست بودن و دشواری کسب دانش) باشد، مردانی از ایران به آن دست می یابند». ^{۱۶}

بنابراین این قبیل روایات به صراحت به تمجید از ایرانیان پرداخته و بر دین گرایی و ایستادگی و مجاهدت آنان در راه اهداف خویش تصریح کرده است.

◀ قم پایگاه قیام و انقلاب

تعدادی از روایات، بیانگر نقش و جایگاه ویژه شهر مقدس قم در زمان انقلاب، و حمایت الهی و دفع بلا و فتنه از این شهر به عنوان خیمه اصلی انقلاب و نظام اسلامی است.

از امام صادق (ع) چنین نقل شده است: «شهر قم، وطن ما و شهر شیعیان ما است؛ شهری مقدس و پاکیزه که مردمش ولایت ما اهل بیت را قبول کردند. زمانی فرا خواهد رسید که شهر قم و مردم آن حجت بر تمام مردم جهان می شوند تا آن گاه که ولی عصر (ع) ظهور نماید». ^{۱۷}

امام کاظم (ع) نیز درباره قیام مهدی از قم می فرماید: «رجل من اهل قم یدعوا الناس الی الحق، یتجمع مع قوم کزیر الحدید... بزرگمردی از قم برمی خیزد که مردم را به سوی حق دعوت می کند و مردمانی دور او را می گیرند که چون پاره های آهن مقاوم اند. هیچ تبدادی آنان را از حرکت باز نمی دارد. از مبارزه خسته نمی شوند و از جنگ نمی ترسند. آنان بر خدا توکل می کنند و عاقبت برای پرهیز گاران است». ^{۱۸}

◀ پایه گذاری تمدن جدید اسلامی توسط ایرانیان

برخی احادیث نقل شده از پیامبر اعظم (ص) و امامان معصوم (ع) از بنیانگذاری تمدن جدید اسلامی، دعوت و بازگرداندن عرب ها به اسلام راستین و زمینه سازی حکومت حضرت مهدی (ع) به دست ایرانیان و نقش انقلاب ایران در بیداری ملت ها و بازگشت آنان به پیشینه تمدن اسلامی سخن گفته گفته اند.

امام علی (ع) در ضمن خطبه ای چنین فرمودند: «از پیامبر (ص) شنیدم که فرمود: به خدا قسم، در

ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (متوفای ۲۷۵ق) یکی از نویسندگان صحاح ششگانه و از محدثان بنام اهل سنت است. او در کتاب السنن، جلد چهارم، بابی با عنوان «کتاب المهدی» نگاشته و هفت روایت درباره مهدویت در آنجا آورده است. از جمله آن روایات، این روایت مشهور نبوی است: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة».



علین ابی طالب توسط
سلفی‌ها به شهادت

رسید. وی کتابی درباره

حضرت مهدی با عنوان البیان فی

اخبار صاحب الزمان دارد که در سیزده باب تنظیم شده است.

۱۱. شیخ الاسلام ابراهیم بن محمد جوینی شافعی (متوفای ۷۳۲ق) از بزرگان حدیث و رجال و فقه شافعی و شیخ الحدیث شمس الدین ذهبی سلفی است. او در کتابی با عنوان فرأند السّمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السّبّطین و الائمه من ذرّیّتهم روایات زیادی را در مورد حضرت مهدی نقل می‌کند، از جمله روایت نبوی که می‌فرماید: «هر که خروج مهدی را انکار کند، به آنچه که بر محمد نازل شده کافر شده است». همچنین این روایت که می‌فرماید: «انتظار فرج افضل عبادات است».

۱۲. ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ق) از فقهای بنام مالکی مذهب در مکه در قرن نهم هجری است. ابن صباغ در فصل دوازدهم از کتاب الفصول المهمّة فی معرفة احوال الائمه می‌نویسد: «الفصل الثانی عشر فی ذکر ابی القاسم محمد الحجة الخلف الصالح ابن ابی محمد الحسن الخالص». از نکات مهم این کتاب این است که وی قائل به ولادت امام مهدی است: «ابو القاسم محمد الحجة بن الحسن در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ در سامرا به دنیا آمد...».

۱۳. جلال الدین سیوطی شافعی (متوفای ۹۱۱ق) از محدثان، مفسران، مورخان و فقهای شافعی مذهب در قرن دهم هجری است. وی کتابی درباره حضرت مهدی با عنوان العرف الوردی فی اخبار المهدی دارد که روایات فراوانی از طرق اهل سنت در مسئله مهدویت نقل می‌کند.

۱۴. ابن طولون دمشقی حنفی (متوفای ۹۵۳ق) از مورخان، محدثان و فقهای مشهور اهل سنت در دمشق است. وی کتابی با عنوان الائمه الاثنا عشر دارد که درباره دوازده امام شیعه است. او درباره حضرت مهدی چنین می‌نویسد: «و ثانی عشر هم ابنه (الحسن العسكري) محمد بن الحسن و هو ابو القاسم محمد بن الحسن بن علی الهادی ابن محمد الجواد ابن علی بن ابی طالب رضی الله عنهم».

۱۵. ابن حجر هیتمی مکی شافعی (متوفای ۹۷۴ق) که گرایش‌های ضد شیعی نیز دارد در کتاب الصواعق المحرقة ذیل آیه ۶۱ سوره زخرف (و انه لعلم للساعة) ظهور حضرت مهدی را مطرح می‌کند. جالب این است که می‌گوید یکی از لقب‌های فرزند امام حسن عسکری، «منتظر» است و منتظر به کسی گویند که عده‌ای در انتظار اویند. این مسئله نشان می‌دهد وی ولادت امام زمان را قبول کرده است.

۵. ابو عیسی ترمذی (متوفای ۲۷۹ق) یکی دیگر از نویسندگان صحاح ششگانه و از محدثان بنام اهل سنت است که در کتاب الجامع الصحیح، جلد چهارم، ذیل عنوان «باب ماجاء فی المهدی» سه حدیث درباره حضرت مهدی و ظهور آن حضرت آورده و هر سه روایت را نیز صحیح دانسته است. ۶. سلیمان بن احمد طبرانی حنبلی (متوفای ۳۶۰ق) از مهم‌ترین محدثان اهل سنت در قرن چهارم است. وی در کتاب المعجم الکبیر، جلد دهم و نوزدهم، احادیثی درباره حضرت مهدی و ظهور آن حضرت نقل کرده است که مهم‌ترین آنها روایت مشهور نبوی است که می‌فرماید: «لا یدهب الدنیا حتی یبعث الله رجلا من اهل بیتی یواطیء اسمه اسمی و اسم ابیه اسم ابی».

۷. حاکم نیشابوری شافعی (متوفای ۴۰۵ق) از محدثان، مورخان، مفسران و فقهای بزرگ شافعی در قرن چهارم و پنجم هجری است. حاکم در جلد چهارم کتاب المستدرک علی الصحیحین احادیث متعددی درباره حضرت مهدی دارد که در آنها حضرت از اهل بیت پیامبر و از فرزندان فاطمه معرفی شده و او است که جهان را پر از عدل و داد می‌کند. از جمله آن احادیث، این حدیث نبوی است که می‌فرماید: «لا تقوم الساعة حتی تملأ الارض ظلما و جورا و عدوانا ثم یتخرج من اهل بیتی من یملاها قسطا و عدلا كما ملئت ظلما و عدوانا». او این حدیث را نیز صحیح می‌داند.

۸. محمد بن طلحه شافعی (متوفای ۵۲ق) در کتاب مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول که در مناقب ائمه دوازده گانه شیعه نگاشته است، در باب دوازدهم که درباره حضرت مهدی است، می‌نویسد: «الباب الثانی عشر فی ابی القاسم محمد بن الحسن الخالص بن علی المتوکل ابن القانع (از القاب امام جواد) ابن علی الرضا بن موسی الکاظم ابن جعفر الصادق ابن محمد الباقر ابن علی زین العابدین ابن الحسین الزکی ابن علی المرتضی امیر المؤمنین ابن ابی طالب، المهدی، الحجة، الخلف الصالح، المنتظر و رحمة الله و برکاته». او در ادامه احادیثی درباره حضرت مهدی نقل می‌کند.

۹. سبط بن جوزی (متوفای ۶۵۴ق) از محدثان و فقهای حنفی در قرن هفتم هجری است. او در کتاب تذکرة خواص الائمة فی خصائص الائمة در فصل مربوط به حضرت مهدی با عنوان «فصل فی ذکر الحجة المهدی» چنین می‌نویسد: «هو محمد بن الحسن بن علی بن... علی بن ابی طالب علیه (وعلیهم) السلام و کنیته ابو عبد الله و ابو القاسم و هو الخلف الحجة صاحب الزمان، القائم و المنتظر و التالی و هو آخر الائمة». او در ابتدا اسمی دوازده امام را به ترتیب نقل کرده، پس از آن کنیه‌ها و القاب حضرت مهدی را ذکر می‌کند و می‌گوید او آخرین امام (شیعه) است. آن گاه این حدیث را از پیامبر می‌کند: «یخرج فی آخر الزمان رجل من ولدی اسمه کاسمی و کنیته ککنیتی یملا الارض عدلا كما ملئت جورا فذلک هو المهدی».

۱۰. محمد بن یوسف گنجی شافعی (متوفای ۵۸ق) به سبب نگارش کتابی با عنوان کفایة الطالب فی مناقب امیر المؤمنین



مربی بزرگ اخلاق وتفسیر و عرفان

نگاهی کوتاه به زندگی پربرکت آیت‌الله سید ابراهیم خسر و شاهی

حمید شهیدی

سادات خسر و شاهی اصالتاً از آذربایجان و تبریز هستند. گذر حوادث روزگار و دست تقدیر حاج سید هاشم خسر و شاهی را به کرمانشاه آورد. وی در سفری که عازم عتبات عالیات بود، کرمانشاه را به عنوان محل زندگی برگزید. آیت‌الله سید ابراهیم خسر و شاهی ثمره پیوند سید هاشم با انویری اصیل از دیار یزد است. وی در سال ۱۳۰۳ شمسی در کرمان به دنیا آمد. سید ابراهیم هشت ساله بود که درد یتیمی بر دل و جاننش نشست و در پناه مادر مهربانش سختی‌ها و نابسامانی‌های معیشت و یتیمی را گذراند. همین سختی‌ها بود که او را دچار بیماری‌های دیربایی کرد که تا سنین نوجوانی با او همراه بود. سید هاشم برای عمل به حدیث شریفی که قم را مأمن مؤمنان در آخر الزمان می‌داند از کرمانشاه به قم مهاجرت کرد.

حق بزرگ حاج شیخ عباس تهرانی

از موهبت‌های الهی است که بنده‌ای از بندگان خالص خدا مرشد و راهنمای راه‌انسان باشد و او را در مسیر حق همراهی کند. لطف خدا بر سید ابراهیم جوان این بود که عالم وارسته و عارف ربانی حضرت آیت‌الله حاج شیخ عباس تهرانی مرشد راهش بود. هم او بود که علاقه به طلبگی و میل به سربازی امام زمان ع را در سید ابراهیم به وجود آورد و با همه مقامات علمی اش سید ابراهیم و گروه کوچکی از دوستانش را درس آموز هر روزه دروس ادبیات عرب کرد و خود با تواضع علمی

بی نظیرش شد استاد و معلم این جمع شیفته و مستعد

حاج شیخ عباس تهرانی بود که آیت‌الله خسر و شاهی را با ناهنجاری‌های اخلاقی و وضعیت نابسامان سیاسی و وابستگی رژیم طاغوت به انگلیس و آمریکا آشنا کرد و بذر نفرت از رضا خان و فرزند پلیدش را در دل وی نشان داد. از همین مسیر است که وی با شهید نواب صفوی آشنا می‌شود و با شجاعت تمام پای در معرکه مبارزه با رژیم ستمشاهی می‌گذارد. امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی دو استاد بزرگی

هستند که تشنگی معرفت و دانش را در وجود حاج سید ابراهیم سیراب می‌سازند و او می‌شود معتمد امام و علامه طباطبایی؛ تا آنجا که علامه به او می‌فرماید: «تو در قلب ما جاداری».

کسب مقامات علمی و معنوی

آیت‌الله خسر و شاهی دروس خود از مقدمات تا خارج و ادامه آن را در کرمانشاه، قم و نجف ادامه داد و از محضر یزرگانی چون آیت‌الله شیخ عباس تهرانی، آیت‌الله شیخ عبدالجواد اصفهانی، آیت‌الله العظمی گلپایگانی، آیت‌الله میرزا علی آقا صافی گلپایگانی، آیت‌الله سید عبدالاعلی سزاواری، آیت‌الله العظمی بروجرودی، آیت‌الله علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی رضوان الله علیهم استفاده‌های فراوان برد. شیفتگی و علاقه او به حاج شیخ عباس تهرانی، علامه طباطبایی و امام خمینی (ره) بیش از دیگران است. وی در مسائل اخلاقی علاوه بر درس آموزی از محضر این بزرگان، حشر و نشر طولانی و مستمری با بزرگانی چون حضرت آیت‌الله العظمی بهاء‌الدین، حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ علی سعادت پرور (پهلوانی)، مرحوم آقا حسین فاطمی و مرحوم آیت‌الله خوشوقت داشته‌اند و همواره مورد توجه و عنایت این بزرگان بوده‌اند. توکل بالا و شگفت‌انگیز، زهد و ساده‌زیستی مثال زدنی، انس با حضرت صاحب‌الزمان ع، همت والا در خدمت به مردم به ویژه جوانان و وسعی بلیغ و بی‌ادعا در تبلیغ معارف الهی از ویژگی‌های این عالم قدر ناشناخته و بزرگ است.

در علم و معارف الهی، فقه و اصول، فلسفه و کلام صاحب‌نظر و احاطه بالایی دارند؛ امام‌مجلس تفسیر و اخلاق این عالم ربانی شیرین و لذت و صلوات دیگری دارد. از ویژگی‌های این فقیه عالی مقام دقت و غور در متون و کتب و اظهار نظرهای دقیق و علمی است که در حاشیه کتاب‌های مختلفی از وی به یادگار مانده است. شیوه جذاب تدریس ایشان در فقه و اصول و تفسیر و در شاگردی و پرورش روحیه مناظره علمی و پرسشگری مورد تأکید شاگردان و دوستان ایشان است.

در کنار همه این فضایل علمی و معنوی یک خصیصه حضرت استاد بیش از همه به چشم می‌آید: روح تسلیم و رضا در مقابل اراده الهی. با وجود اینکه سالیانی دراز و طولانی با بیماری‌های مختلفی از اوان کودکی تا کنون دست و پنجه نرم کرد و از ابتدا با درد و داغ یتیمی بزرگ شد و در طول حیات پر برکتش با رنج‌ها و مصیبت‌هایی فراوان مواجه بود، اما حرف همیشه وی این کلام

در کنار همه این فضایل علمی و معنوی یک خصیصه حضرت استاد پیش از همه به چشم می‌آید: روح تسلیم و رضا در مقابل اراده الهی. با وجود اینکه سالیانی دراز و طولانی با بیماری‌های مختلفی از اوان کودکی تا کنون دست و پنجه نرم کرد و از ابتدا با درد و داغ یتیمی بزرگ شد و در طول حیات پر برکتش با رنج‌ها و مصیبت‌هایی فراوان مواجه بود، اما حرف همیشه وی این کلام است که: «استاد ما مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی می‌فرمودند: در راحتی چیزی به آدم نمی‌دهند، شاید در مشکلات چیزی دادند».

است که: «استاد ما مرحوم آیت الله حاج شیخ عباس تهرانی می‌فرمودند: در راحتی چیزی به آدم نمی‌دهند، شاید در مشکلات چیزی دادند».

◆ مهاجرت به تهران و تربیت سه نسل از طلاب و فضالای تهران

اواخر دهه چهل بود که به تهران آمد و به اقامه نماز جماعت در مسجد المهدی پرداخت. از آن تاریخ مسجد المهدی محل مراجعه علاقه‌مندان معارف الهی و تفسیر قرآن کریم شد. در کنار امامت جماعت در مسجد المهدی، تدریس در مدارس علمیه تهران و در منزلشان همواره وجهه همت این عالم خدمتگزار بوده است. تلاش ایشان در توسعه و ساخت مساجدی در تهران و برخی از شهرها و روستاها نیز ستودنی است. شصت سال تلاش علمی، تبلیغی و خدمات اجتماعی او در کرمانشاه و تهران، آثار ماندگار و برکات بسیاری داشته است که بحمد الله ادامه دارد.

اگر چه مجاهدت علمی و تبلیغی آیت الله خسرو شاهی همواره زبانزد بوده است، اما آنچه که محضر، محفل، مسجد و منزل وی را خواستنی کرده است، جان پاک و اندیشه تابناک و دامن پر مهر تربیتی اوست که بیش از دو نسل از فضالای حوزه علمیه تهران را تربیت کرده است و سه نسل از گروهی از شیفتگان معارف دینی را بهره‌مند از محفل روحانی وی نموده است.

این وجود با برکت اگر چه این سال‌ها به علت بیماری و کسالت در خانه و منزل خود خلوت گزیده است، اما هنوز هم دامن تربیت و هدایتش به روی شیفتگان تربیت اسلامی و معارف و حیانی گشوده است. اکنون و در آستانه نود سالگی هنوز هم آیت الله خسرو شاهی و فیض حضور او در ام‌القرای جهان اسلامی با برکت بسیار و آثار فراوان معنوی است؛ حفظه الله و ابقا.

◆ گل‌گشتی در سیره عملی و تبلیغی و معنوی استاد

● آیت الله بهاء الدینی به من فرمود که به یکی از روستاهای قم بروم. آنجا که رفتم دیدم روستا مسجد ندارد. آخر دهه به مردم گفتم بیایید در روستایتان مسجد بسازید. ۴۵ تومان که به من داده بودن برای ساخت مسجد اهدا کردم. وقتی برگشتم، فرزند اولم، آقا ابوالفضل بدون نیاز به دکتر و بیمارستان به دنیا آمد که آن راز برکت آن هدیه‌می‌دانم.

● امام خمینی (ره) درباره ایشان فرمود: آنچه لازم است اهالی محترم کرمانشاه به آن توجه داشته باشند آن است که امثال ایشان که مأنوس

بازوهای علمیه و مراکز علمی هستند، با کمال سختی از این مراکز مفارقت می‌کنند، بلکه بتوانند خدمتی به اسلام و مسلمین بفرمایند. تکلیف اهالی محترم آن است که در جلب رضای ایشان کوشش کنند و اجتماعات خود را در مسجد و مجامع دینی هر چه می‌توانند بیشتر کنند.

● از شمیران پیشنهاد شد که بیامسجد علوی نماز بخوان. آقایی که از اهل آن مسجد بود عصرها می‌آمد خیابان ری و مرا برای نماز می‌آورد. می‌رفتم آنجا و نماز می‌خواندیم.

● در محله ما صدای آذان شنیده نمی‌شد. به فکر افتادم که در بخشی از زمین پارک فعلی که قبلاً قبر سان مسلمین بوده است، مسجد ساخته شود. با مشکلات و رفت و آمدهای بسیار بالاخره مسجدی اینجا ساخته شد تا صدای آذان به گوش برسد.

● از آیت الله خسرو شاهی تقاضا کردیم بیایند در آموزشگاه و مرکز لجستیک نظامی و لنجک، اگر بشود امامت جماعت آنجا راه‌انداز شوند، ایشان پذیرفتند و آمدند. در آنجا به بآن حالشان با جوانان به اردوی آموزشی می‌رفتند و جوانان مشکلات خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند. ایشان برای یکی عقد می‌خواند، برای یکی تلاش می‌کرد از جایی وام بگیرد و برای برای سلامتی این جوانان به کسی پول می‌داد تا در راه بازگشت از اردوی رزمی گوسفندی زبک کنند (نقل از شیخ محمد باقر کریمیان).

● یک مدتی میوه فروش محله دلخوش بود میوه‌هایی را که کسی نمی‌خرد، روی دستش نمی‌ماند که ضرر بکند؛ کسی هست که این میوه‌ها را یک جوری به مصرف برساند (کریمیان).

● در محله خودشان آنقدر فریاد زد و دوندگی کرد تا مسجد فاطمه الزهرا (ع) ساخته شد. با آنکه برخی از افراد محله و چه بسا مسئولان متوجه نمی‌شدند که اهمیت مسجد چیست.

● یکی از کارهای ایشان در زمینه توسعه مسجد کوچه اسدی است. این مسجد حدود ۴۵ سال خراب بود، نیکو کاری این مسجد را احیاء کرد. بعدها آقای خسرو شاهی این مسجد را توسعه داد. از خداوند متعال سلامتی کامل و بقای عمر بابرکت این مدرس بزرگ حوزه علمیه تهران را از درگاه خداوند منان خواستاریم. باشد که نور وجودش همچنان شمع محفل شیفتگان معارف آسمانی باشد؛ ان شاء الله.

در نوشتن این مقاله از کتاب خلوت نشین، شرح حال آیت الله سید ابراهیم خسرو شاهی، به کوشش عباسعلی مروی، نشر کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر استفاده شده است.



فرصت غنیمت است غنیمت ره‌مامکند

حسین فروغی

جلوی در مسجد از ازدحام جمعیت، جای سوزن انداختن نیست. خبر وفات فرزند جوان مرجع بزرگ شیعیان، همه را دغدار کرده است. همه آمده‌اند تا هم در تشییع جنازه شرکت کنند و هم به شیخ محمد حسن تسلیت بگویند. مدتی نمی‌گذرد که شیخ از راه می‌رسد. جمعیت برای عبور او کوچه باز می‌کنند. شیخ از میان جمعیتی که تسلیت‌گویان در حال گریستن‌اند، خودش را به کنار جنازه می‌رساند و به تلاوت قرآن مشغول می‌شود. چند نفر برای انجام کارهای مربوط به غسل و کفن داوطلب می‌شوند. جنازه برای مدت کوتاهی وارد غسل‌خانه می‌شود. چشم‌ها از دور شدن جنازه، حیرت‌زده به سوی پدر برمی‌گردد. شیخ محمد حسن در کمال آرامش روی زمین می‌نشیند و از میان بغچه‌اش قلم و کاغذی در می‌آورد و مشغول نوشتن جواهر الکلام می‌شود؛ جواهری که امروز هیچ فقیهی خود را از آن بی‌نیاز نمی‌داند.

◆ زمان در قرآن

قرآن که اصلی‌ترین شیوه‌نامه و مرام‌نامه زندگی و شاخص روشن و استوار برای هر مسلمانی است، به کنایه و تصریح، به ارزش و اهمیت وقت در زندگی توجه کرده است؛ برای مثال سپیده فجر، صبح، عصر، غروب، روز و شب از زمان‌هایی‌اند که خداوند به آنها سوگند یاد کرده است. ناگفته پیدا است که چیزی که بدان قسم یاد می‌شود، باید برای شخصی که سوگند می‌خورد دارای ارزش و مقام باشد؛ چنان که بابررسی مواردی که خداوند در قرآن به آنها قسم خورده است،

این نکته را می‌توان به خوبی مشاهده کرد؛ اما علاوه بر این کنایات، قرآن به تصریح نیز بر ارزش زمان تأکید کرده است.

مسلمانان از رسول خدا از فایده ماه‌ها سؤال کردند و پیامبر



گفتند: آقا امروز تفریح است. فرمود: فکر می‌کنید من از سهم امام بخورم و عمرم تلف شود! صاحب باغ گفت: آقا غذاها و میوه‌ها سهم امام نیست، مال شخصی است. شما استراحت کنید. فرمود: یعنی می‌گویید یک روز که از سهم امام زمان علیه السلام نمی‌خورم نامردی کنم و برای مولایم کار نکنم؟

در پاسخ چنین فرمودند:
«برای اینکه مردم،
زمان انجام کارهای
خوبش را بشناسند»^۳
پاسخی که در بیان علامه

طباطبایی این گونه تبیین شده است: «انسان از حیث خلقت طوری است که کارهای جز این ندارد که افعال و کارهایش را که همه از سنخ حرکت به زمان است، اندازه‌گیری کند و لازمه احتیاج به اندازه‌گیری این است که زمان ممتد و بی سر و ته را بر طبق امور خود به صورت قطعه‌های سر و ته‌دار و کوچک و کوچک‌تری از قبیل سال‌ها و فصل‌ها و ماه‌ها و هفته‌ها و روزها درآورد و عنایت الهی هم این احتیاج بندگان را تأمین کرد؛ چون او مدبر امور مخلوقات و راهنمای آنان به سوی صلاح و اصلاح حیاتشان است»^۴.

◆ زمان در روایات

امیرالمؤمنین علی علیه السلام شاخصه مؤمن را در ارتباط با وقت این گونه بیان می‌فرماید: «فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ: الْمُؤْمِنُ... مَشْغُولٌ وَقْتَهُ»^۵. در مقابل نیز فردی که دارای فرصت‌های فراغت زیادی و به تعبیر امروزی بیکار است، در کلام امام موسی کاظم علیه السلام چنین توصیف شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لِيُبْعِضَ الْعَبْدَ الْفَارِعَ»^۶. اما فارغ از کلیات موجود در این موضوع که در بردارنده باید‌ها و نبایدهای اصلی و اساسی است، لزوم دستیابی به برنامه‌ای جزئی‌تر با استفاده از روایات نیز یکی از نیازهای قابل اعتناست. امام موسی کاظم علیه السلام با توجه به اهمیت زمان‌بندی و تقسیم درست اوقات و استفاده بهینه از آنها، اصول

برنامه‌ریزی را این گونه بیان می‌فرماید: «سعی کنید اوقات خود را چهار قسمت کنید: زمانی برای مناجات با خدا، زمانی برای کسب و کار، زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایتان را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن، خیر خواه شمایند و زمانی برای بهره‌مند شدن از لذت‌های غیر حرام»^۷.

◆ ارزش زمان در سیره عالمان

سیره و سلوک عالمان عامل که بر اساس نقشه‌ترسیم‌شده از سوی اولیا و اوصیای الهی در طول تاریخ بوده است، بهترین نمونه عملی برای فهم ارزش زمان است. آنان بخل نسبت به زمان را چنان پیشه خود کرده بودند که مردم دنیا پرست‌بادر هم‌ودینار این چنین رفتار می‌کنند؛ برای مثال علامه حلی درباره استادش خواجه نصیرالدین طوسی حکیم و ریاضیدان بزرگ مسلمانان می‌گوید: «من در مدت ملازمت خدمت استاد حتی یک عمل کوچک که استحباب شرعی داشته باشد ندیدم که انجام ندهد؛ یعنی چنان وقت خود را تنظیم کرده بود که هر کاری در موقع خود و به جای خود صورت می‌گرفت؛ اگر احیاناً تفریح و تفنن می‌کرد، در موردی بود و به طرز بی‌بجا و لازم بود و شرعاً پسندیده بود»^۸.

همین آموزه‌های عملی خواجه بود که در شاگردانش به‌ویژه علامه حلی زمینه‌هایی را به وجود آورد تا حتی برای اوقات فراغت خود نیز برنامه‌ریزی

کنند و از دل تهدیدها فرصت‌ها را به وجود آورند. نقل شده است^۹ علامه حلی کتاب تبصرة المتعلمین را در راه بازگشت از مراسم عروسی که در روزهای پایانی هفته (پنجشنبه و جمعه) و در یکی از شهرهای دور برگزار شده بود، تألیف کرده است؛ کتابی که در آن ده هزار فرع فقهی آمده و هنوز هم در موضوع خود نسبت به کتاب‌های مشابه در اوج قرار دارد و بسیاری از فقهای بزرگ مسلمان بر آن شرح و تعلیقه نوشته‌اند.^{۱۰}

شیخ عباس قمی نمونه دیگری از عالمانی است که در این جهان، در ما غنیمت شمرده و به آبادانی آن جهان خود پرداخته است. از حضرت آیت‌الله مرورید (قدس سره) نقل شده است: در ایام جوانی در باغی حوالی مشهد خدمت حاج شیخ عباس قمی (قدس سره) مهمان بودیم. حاج شیخ عباس بعد از سلام و احوال‌پرسی شروع به نوشتن کرد. گفتند: آقا امروز روز تفریح است، فرمود: فکر می‌کنید من از سهم امام بخورم و عمرم تلف شود! صاحب باغ گفت: آقا غذاها و میوه‌ها سهم امام نیست، مال شخصی است. شما استراحت کنید، فرمود: یعنی می‌گویید یک روز که از سهم امام زمان علیه السلام نمی‌خورم نامردی کنم و برای مولایم کار نکنم؟^{۱۱}

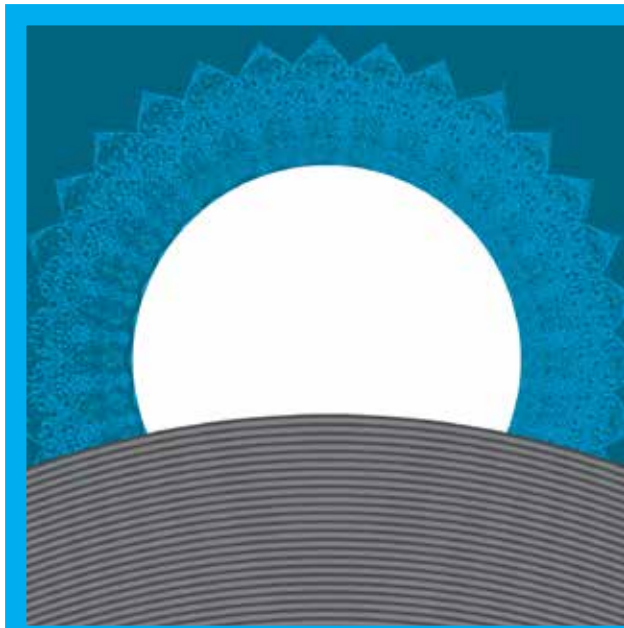
پی‌نوشت:

۱. فجر: ۱؛ تکویر: ۱۸؛ عصر: ۱؛ انشاق: ۱۶؛ شمس: ۳؛ شمس: ۴.
۲. برای مثال خداوند به ذات خودش، پیامبر، فرشتگان و قرآن مجید قسم یاد می‌کند.
۳. بقره: ۱۸۹.
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان: ج ۲، ص ۵۶.
۵. نهج البلاغه؛ قصار: ۲۳۲.
۶. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۱۶۹.
۷. علامه مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۲۲۱.
۸. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۲۲، ص ۱۰۱.
۹. مدرسی، محمدتقی؛ تفسیر هدایت؛ ج ۱۸، ص ۴۴۶.
۱۰. تهرانی، آقا بزرگ؛ الذریعه؛ ج ۱۳، ص ۱۳۶.
۱۱. قاسم‌خویی، یعقوب؛ دینار بالبرار.

رواق

سر ویس رواق: اعتقاد به موعود، در همه ادیان مطرح بوده و عقیده مشترک همه آنها به شمار می آید. هر دین و مکتبی به تناسب فرهنگ دینی و ملی خود از موعود آخرین به نامی یاد کرده است و بالطبع هر ملتی بنا بر آموزه های دینی خود از آخر الزمان و جزئیات آن به نوعی سخن به میان آورده اند. اما چیزی که غیر قابل انکار است وجود نقاط مشترک بسیاری است که نه تنها در ادیان ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) بلکه در غالب ادیان شاهد آن هستیم.

گروه فرقی و ادیان، در نظر داشت در پرونده ای به بررسی مسئله منجی و موعود گرایی در ادیان مختلف دنیا بپردازد تا شاید گوشه ای از زوایای مشترک و اختلافی میان ادیان در این موضوع را روشن کند. ماه شعبان المعظم، بهانه ای شد برای این پرونده، تا مسئله موعود را در ادیان مختلف بسنجیم. هر چند که این بحث، نیاز مند آن است که در چندین شماره، مورد بررسی قرار گیرد.



گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان / ۲۴

انکار مهدی ﷺ کفر است / ۲۶

منجی سواره / ۲۸

میتریه موعود بودائی / ۲۹

منجی زرتشتی در وادی قهر مانان / ۳۰

سیر تطور موعود یهود / ۳۱

منجی یهودیان / ۳۲

بازگشت مسیحا / ۳۴

هزاره گرایی در مسیحیت / ۳۵

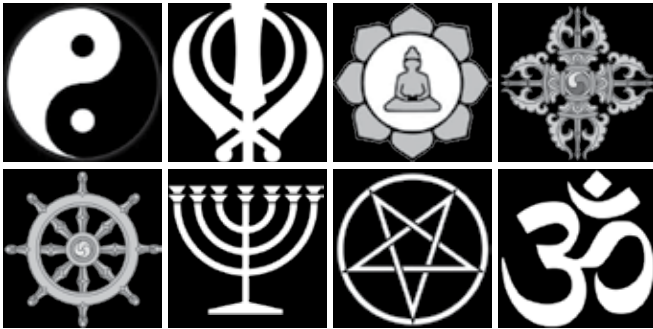
چند مسیحای یهودی / ۳۶



گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان

سید محسن باقی‌زاده

رویگرد به موعود و منجی از خصایص اندیشه بشری است و تقریباً تمام اقوام چین سودایی را در سر داشته‌اند؛ اما افق نگاهشان از یکدیگر متفاوت بوده است. در اینجا کوشیده‌ایم دو کار عمده را انجام دهیم؛ یکی اینکه موعود ملل و نحل را باز شناسیم و دیگر آنکه گونه‌های اصلی این باور در اقوام مختلف را معلوم نماییم.



صرفاً نجات اجتماعی (رفاه، بهروزی، آزادی اجتماعی و...) همچون موعود برخی ادیان سرخپوستی و برخی ادیان آفریقایی (صرفاً نجات معنوی افراد (همچون موعود مسیحیت و موعود آیین دائو و نیز آیین بودا، میتریه = نجات بخش بودایی) هم نجات معنوی و هم اجتماعی (منجی شیعه و هندوئیسم)

به لحاظ
کارکرد اجتماعی

کارکرد انحصاری (قوم مدار) همچون موعود یهودیت و صهیونیسم
کارکرد جهان شمول. همچون موعود آیین‌های اسلام، هندو، بودا و...

به لحاظ کارکرد
انحصاری یا فراگیر

موعود نجات بخش به لحاظ کارکرد

نجات بخش جمعی

رو به گذشته: انتظار بازگشت کسی یا وضعیت سابقی را می‌کشد.
به آرمانشهر (utopia) یا مدینه فاضله‌ای خردمدار می‌اندیشد (utopianism)؛ همچون موعود افلاطون.
به باز برپایی حکومت پادشاهان باستان (ancient kingdom) یا عصر طلایی (golden age) اساطیری فکر می‌کند؛ همچون موعود کنفوسیوس.
رو به آینده: نوید آمدن شخصی یا اوضاعی را در آینده می‌دهد که از پیش سابقه ندارد، چیزی بر آن می‌افزاید یا قالبی نو بدان می‌بخشد یا به گونه‌ای، تازگی در آن پدید می‌آورد.
در پیوند با پایان جهان است؛ همچون موعود اسلامی.
در هر مقطعی، چون هر هزاره‌ای، وعده آمدن کسی یا اوضاعی را می‌دهد. موعود مقطعی همچون موعود زرتشتی.

به لحاظ آرمان

دارای کارکرد کیهانی؛ موعود هندو و زرتشت.
بدون کارکرد کیهانی.

به لحاظ
کیهان‌شناختی

دارای جنبه الهی؛ مثل «مسیح» برای مسیحیان یا «میتریه» برای بوداییان
مه‌یانه.
موعود بشری صرف؛ مثل موعود اسلامی در نگاه عام.

موعود شخصی

کارکرد انحصاری (قوم مدار) همچون موعود یهودیت و صهیونیسم
کارکرد جهان شمول همچون موعود آیین‌های اسلام، هندو، بودا و...

موعود غیر شخصی

موعود نجات بخش به لحاظ ماهیت

نجات بخش فردی

همچون موعود بودایی مه‌یانه

نکته

۱. تفاوت موعود نجات بخش صرفاً معنوی با موعود نجات بخش فردی را می توان در این دانست که اولی وعده نجات همه را در روند تاریخ (یا پرخه زندگانی ها) می دهد و دومی به نجات و رستگاری مردمان مثلاً در آخرین مرحله تاریخ می اندیشد؛ هر چند این اندیشه معمولاً با نجات اجتماعی و دنیوی نیز همراه است.

۲. موعود در ادیان آفریقای بیشتتر «نجات بخشی اجتماعی» و «قوم مدار» است، که بر محور شخصی «مسیح وار» شکل می گیرد، شخصی که خواهد آمد تا آینده بهتری را برای مردمش به ارمغان آورد.

۳. موعود منتظر سرخپوستان در این چند قرن اخیر بیشتتر به «نجات بخشی جمعی» و «صرفاً اجتماعی» می ماند که به بازخواست حق مردمش می اندیشد. از این رو می توان او را «قوم مدار» انگاشت. آرمان او احیای پادشاهی ای باستانی و نظامی در گذشته است که بر پایه نظام اینکا استوار بوده است. بدین سان در زمره موعودهای «رو به گذشته باستان گرا» جای می گیرد. موعودهای سرخپوستی یاد شده وجوداتی «شخصی» اند که گاه چهره «الوهی» و گاه صورت انسانی - اساطیری دارند؛ اما «کار کرد کیهانی» و جهان شناختی ویژه ای برای ایشان سراغ نداریم.

۴. در فرهنگ و اندیشه یونان باستان نیز سخن از صلح و آرامش در پس جنگ ها و نوید حکومت جهانی مردی بوده است که خواهد آمد تا بر همه بشریت فرمان براند. در این تصویر منجی آینده بشریت صاحب رسالتی «اجتماعی»، «فراگیر»، احتمالاً «رو به آینده»، و نیز دارای ویژگی های «شخصی»، و برخوردار از قداستی معنوی است. اما اینکه آیا «کار کردی کیهانی» هم دارد و با «پایان عالم» نیز پیوند می خورد یا نه، معلوم نیست.

۵. موعود هندو، موعودی «شخصی» و دارای «جنبه الوهی» است. به لحاظ کار کرد، به «نجات جمع» می اندیشد و رسالتی «معنوی - اجتماعی» بر عهده دارد. از این لحاظ و نیز به لحاظ ویژگی های ظاهری و شخصیتی، شباهت عجیبی به موعود اسلامی دارد و به

«جهانشمول» و «رو به گذشته» است و یکسره به زنده کردن گذشته ای پر نور و سرور می اندیشد؛ یعنی نخستین سه هزاره اول تاریخ، که در آن اورمزد سلطنت می کرد بی آنکه اهر من در حکم او خللی آورد.

موعود زرتشتی را موعودی کاملاً «شخصی» می یابیم که چونان مسیح نزد مسیحیان و میتریه نزد بوداییان مه پانته ای، از الوهیت بهره مند نیست؛ بلکه صرفاً بشری اسطوره ای از پشت زرتشت است که تخمه اش معجز آسای پس از گذشت سه هزار سال در رحم مادری با کره جای می گیرد تا به دنیا آید، بجنگد و پیروز شود. او «کار کرد کیهانی» دارد و پیوند آن با پایان عالم گواهی بسنده بر این باور است.

۹. در رده بندی موعود باوری یهود، شاید بایسته این باشد که آن را از گونه اندیشه موعود «نجات بخش جمعی»، «قوم مدار» و «رو به آینده» بیانگاریم که بیشتتر دغدغه بازگردانی سروری و رونق دنیای مردمانش را دارد و کم تر به نجات و رستگاری معنوی، به ویژه از سنخ عرفانی اش می اندیشد.

۱۰. موعود مسیحی، موعودی «صرفاً اجتماعی» است و در زمره موعودهای «صرفاً معنوی» جای می گیرد. موعود مسیحیت هر چند با پایان جهان و واپسین داوری پیوند می یابد؛ اما «هزاره گرا» نیز هست. هنوز هم بسیاری از مسیحیان آمدن مسیح را در رأس هزاره ها انتظار می کشند و برای آن تدارک می بینند. موعود مسیحی موعودی «شخصی» است، اما دارای «جنبه الوهی» است و کار کرد او آشکارا «جهان شمول» و فراگیر می نماید. به لحاظ آرمان نیز هموارتر آن است که وی را در زمره موعودهای «رو به آینده» انگاشت. به نظر نمی آید در سنت مسیحی شواهدی آشکار بر «کار کرد کیهانی» موعود رهاننده بتوان یافت. آنچه مسیح به عنوان پسر انسان و داور جهان انجام می دهد بیشتتر در بر گیرنده حیات معنوی بنی آدم است.

پی نوشت:

۱. اقتباسی از مقاله «گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف» نوشته دکتر محمدیان عطار، فصلنامه هفت آسمان، شماره ۱۲ و ۱۳.

رغم ظاهر نژادمدارانه دین هندویی، کاملاً «جهانشمول» است. به لحاظ آرمان از آن جهت که می خواهد جهان را به روزگار پر بهجت و بهشتی عصر زرین بازگرداند «رو به گذشته» است. تنزل (اوتاره) دهم ویشنو آخرین مرحله از مراحل یک چرخه جهانی محسوب می شود و بدین سان در خط سیری دایره وار نقش می آفریند. از همین روست که باید آن را دارای «کار کرد کیهانی» سترگی دانست.

۶. منجی موعود بودایی، نجات بخشی «فردی» و «صرفاً معنوی» و همچنین «بشری - الوهی» است. نگاه بوداییان به موعود «رو به آینده» است؛ اما باز آفرینی و رواج آموزه های گذشته را نیز از نظر دور نمی دارند. تحقق اندیشه موعود در آیین بودا فقط در پایان عالم نیست؛ از این رو از زمره موعودهای «صرفاً پایدانی» به کنار می رود و می توان آن را از مصادیق «هزاره گرایی» - به معنای عامش - به حساب آورد. به سختی می توان «کار کرد کیهانی» خاصی را برای موعود بودایی در نظر گرفت.

۷. بر اساس آیین های کنفوسیوس، دائو و بودا، باید گفت: موعود چینیان «نجات بخشی جمعی» است که رهایش و کمال اجتماعی و معنوی را با هم نوید داده و «جهان شمول» بودن رسالتش پذیرفتنی تر است. موعود چینی تحت تاثیر سنت کنفوسیوسی «رو به گذشته» ای زرین دارد. چنان که یاد شد، شعار کنفوسیوس بازگشت به نظم و نظام فرزانه - شاهان باستان بود، یعنی زمانی که مردم، حکومت و جهان، همه با هم و نیز با دائو هماهنگ و متحد بودند. موعود دائویی، چنان که ظاهر است، ماهیتی «شخصی» دارد. لی هونگ کسی است که می آید تا حکومت «قدیس آخرالزمان» را برپا کند، و موعود چینیان اگر لی هونگ دائویی یا میتریه بودایی باشد، که اقتضای غلبه فرهنگی و دینی این دو نیز همین است، باید در شمار موعودهای «شخصی» در آید.

۸. اندیشه منجی موعود در دین زرتشتی از رسته «موعود نجات بخش جمعی» و «جهان شمول» همراه با معنویتی اخلاقی است؛ زیرا از قیام علیه بدی، دروغ و کژی سخن می راند و آینده ای را نوید می دهد که تمام مردمان یک جا به رهایی و آسایش می رسند. موعود در زرتشت اندیشه ای



انکار مهدی عجله تعالی فرجه الیه کفر است تفاق نظر فریقین اسلامی در مسئله!

بررسی مسئله مهدویت ما را بر آن داشت تا ساعتی را در محضر حجت الاسلام و المسلمین محمد شهبازیان، نویسنده و پژوهشگر در زمینه مهدویت، به گفت و گو بنشینیم. وی استاد مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم و مدرس دوره‌های تربیت مربی مهدویت است و بر نامه‌های مختلفی در همین موضوع، در رادیو معارف، رادیو جوان، شبکه‌های ماهواره‌ای ولایت، ثامن و شبکه‌های استانی داشته است. از ایشان تألیفات متعددی در قالب مقاله و کتاب به رشته تحریر در آمده است که کتاب‌های «فاطمه برترین بانو» و «تأملی نو در نشانه‌های ظهور» از مهم‌ترین آنها است.

۱- مسئله موعود یاوری نزد علمای اهل تسنن چگونه است؟

نگاهی که اهل سنت به مسئله منجی دارد همانند دیگر ادیان است و در حقیقت می‌توان گفت اکثر ادیان در ظهور منجی اتفاق نظر دارند. البته این مسئله به این معنا نیست که در بین علما و صاحب نظران اهل سنت و حتی شیعه نیز اتفاق نظر وجود داشته باشد؛ بلکه در بین آنها نیز برخی از صاحب نظران که نگاهی روشنفکرانه دارند، به این صراحت از منجی و ظهور او صحبت نشده است و گاهی انکار نیز شده است؛ اما عقیده غالب اسلام گرایان ظهور منجی و اقامه عدل و داد در جهان توسط وی است. نکته قابل توجه در باره اثبات اعتقاد اهل سنت به ظهور منجی این مسئله است که فارغ از کتب شیعیان که از زمان رسول الله تا کنون در مورد ظهور منجی نوشته شده است، نگاشته شدن کتب متعددی توسط اهل سنت در زمان قبل از تولد حضرت مهدی عج است که نشان از قطعیت موضوع منجی در عقیده اهل سنت دارد؛ مانند کتاب‌های «مصنّف» نوشته عبدالرزاق صنعانی، «مصنّف» ابن ابی شیبیه و کتاب «الفتن نعیم ابن حماد». همه این کتب قبل از تولد حضرت مهدی عج نوشته شده است و روایاتی از رسول اکرم، اهل بیت و انصار از منجی و موعود بیان کرده‌اند.

۲- از نظر اهل سنت منجی حقیقی چه کسی است؟

اهل سنت در ماهیت اصلی منجی یعنی حضرت مهدی عج توافق دارند. علمایی چون ابن حجر عسقلانی، ابن حجر هیتمی، البانی، ملا علی قاری حنفی و ابن رجب در کتب خود در مورد شخص موعود و ظهور وی «صحیح‌بودن و تواتر» روایات این باب را بیان کرده‌اند.

«العرف الوردی» نوشته جلال‌الدین سیوطی و یا «الاربعین» نوشته ابونعیم اصفهانی که کتابی است با چهل حدیث مختص حضرت مهدی، تصریح به این مسئله کرده‌اند و همه موعود را با نام حضرت مهدی عج می‌شناسند.

می‌توان به روایتی که متقی هندی در کتاب «البرهان» خود آورده اشاره کرد که در آن روایت تصریح به ظهور مهدیان دروغین در آخر الزمان می‌کند که مفهوم این روایت شناخته شدن موعود به نام «حضرت مهدی عج» است.

۳- اهل سنت حضرت مهدی موعود را از نسل چه کسی می‌دانند و آیا با شیعه در این مورد اتفاق نظر دارند؟ دیگر اشتراکات اهل تسنن با تشیع در مورد حضرت مهدی را بیان بفرمایید.

عالمانی از خود اهل سنت نیز این عقاید را ندارند و کاملاً اعتقادات شیعه را بیان کرده‌اند؛ علمایی همچون جوینی که از اساتید ذهبی و صاحب کتاب «فراند السمطین» است، موعود را فرزند امام حسن عسگری علیه السلام می‌داند. در کتاب «معجم شیوخ ذهبی» که کتابی است در ارتباط با معرفی اساتید ذهبی، از جوینی به عنوان یکی از اساتید ذهبی نام برده است و وی را با عباراتی چون «الامام»، «المحدث» و «الحافظ» معرفی می‌کند؛ اطلاق این صفات بار معنایی سنگینی دارد و به فرد اعتبار مهمی می‌دهد.

محمد ابن طلحه شافعی در کتاب «مطالب السؤل» و نیز الکنجی شافعی در کتاب «البیان» از زنده بودن حضرت مهدی علیه السلام و اینکه ایشان فرزند امام حسن عسگری علیه السلام هستند دفاع و آن را اثبات نموده‌اند. این افراد البته افراد دیگر به وسیله آیات و روایات متعددی عقاید شیعی را در مورد حضرت مهدی موعود علیه السلام اثبات نموده‌اند.

نکته دیگر مسئله به دنیا آمدن کودکی در منزل حضرت امام حسن عسگری علیه السلام است که تقریباً شیعه و سنی به اتفاق آن را قبول دارند و اختلاف بر این مسئله است که آیا این فرزند مهدی موعود است یا خیر؛ برای مثال ذهبی در کتاب «سیر اعلام النبلاء» به تولد چنین فرزندی اقرار کرده و گفته است که هیچ کس بعد از پنج سالگی این فرزند را ندیده است. این مسئله را در همه کتب تاریخی اهل سنت می‌توان پیدا کرد.

در یک نگاه ابن قیم جوزی در کتاب «المنار المنیف» ادعای که حضرت مهدی از نسل امام حسن مجتبی علیه السلام است؛ نه امام حسین علیه السلام وی تصریح می‌کند به این دلیل که امام حسن علیه السلام صلح طلب بود و با معاویه قرار داد صلح بست، ولی امام حسین علیه السلام با خلافت یزید مخالفت ورزید و در مقابل وی قیام کرد، خداوند نور حضرت مهدی علیه السلام را در صلب امام حسن علیه السلام قرار داد.

۵. افرادی چون ابن خلدون به طور کلی عقاید متضادی نسبت به دیگر اهل سنت بیان کرده‌اند؛ لطفاً توضیح بفرمایید.

ابن خلدون یا افرادی چون احمد الکاتب یا برخی روشنفکران دیگر اهل سنت، به طور کلی عدم وجود مهدی موعود را با ذکر روایات ضعیف اثبات کرده‌اند که به شیعه و سنی اتفاق این مسئله وارد کرده‌اند. اقرار به چنین مسئله‌ای که مهدی علیه السلام و موعودی وجود ندارد و نخواهد داشت، امری بسیار مضحک و سطحی است؛ چرا که حتی ابن تیمیه، رهبر فرقه وهابیت نیز وجود مهدی موعود علیه السلام را قبول داشته و تمامی روایات این باب را صحیح و معتبر می‌دانند. در کتاب «منهاج السنه لنبویه» نوشته ابن تیمیه، کتاب «سنن» نوشته ابوداود، «التذکره» نوشته قرطبی و دیگر کتب معتبر اهل سنت عیناً بیان کرده‌اند که «وقد صححت الاخبار»؛ یعنی اخبار وجود حضرت مهدی که فرزند حضرت فاطمه علیه السلام است صحیح و معتبر است.

مبنای اشکالات روشنفکران اهل سنت بر عدم وجود حضرت مهدی علیه السلام، ضعیف بودن روایات است که مهم‌ترین پاسخ به آنها متواتر بودن روایات ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزد شیعه و سنی است.

۶. عقاید وهابیت در مسئله موعود را بیان کنید.

در قبول این مسئله از جانب وهابیت همین مسئله برای ما کفایت می‌کند که ابن تیمیه و بن باز از رهبران این فرقه فتواداده‌اند که «من انکر المهدی فقد کفر بالله!». آنها اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام را از لوازم مسلمان بودن می‌دانند و این اعتقاد رسمی بین وهابیت نیز هست. مهم‌تر اینکه مسئله لزوم اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام در بین تمامی مسلمانان وجود دارد و اگر کسی منکر حضرت مهدی علیه السلام باشد، کافر است؛ هر چند اختلافات کوچکی وجود داشته باشد. اما اصل قضیه مشترک برای همه مسلمانان ثابت است و این اثبات به تواتر روایات است.

از دیگر مسائلی که شیعه و اهل سنت بر آن متفق القولند، دو عبارت «المهدی من ولد الرسول الله» و «المهدی من ولد الفاطمه» است. روایاتی جسته گریخته‌ای وجود دارد که حضرت مهدی را از نوادگان عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و یا از فرزندان خلیفه دوم می‌دانند که این روایات را علمای شیعه و سنی به اتفاق جعلی می‌دانند.

این مطلب از نگاه عالمی همچون سهیلی دور نمانده است و در کتاب «الروض الأنف» خود می‌نویسد: «و من سوّدها ایضاً المهدی المبشر به آخر الزمان من ذریتها، فهی مخصوصه بهذا کله، والاحادیث الواردة فی باب المهدی کثیره؛ و از جمله دلایل بر تری فاطمه بر زنان عالم این است که همانا مهدی بشارت داده شده در آخر الزمان از فرزندان اوست. و این امتیاز و دیگر فضائل مخصوص بانوی بزرگوار است. و احادیثی که در باب مهدی علیه السلام آمده بسیار زیاد است».

«اقامه عدل و داد در سراسر جهان و غلبه اسلام بر دیگر ادیان در آخر الزمان» نیز از دیگر اشتراکات اهل تسنن با تشیع در مورد مهدی موعود علیه السلام است. می‌توان در این رابطه به آیه ۳۳ سوره توبه «وَدِينُ الْحَقِّ لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» اشاره کرد. اکثر علمای اهل سنت مانند سیوطی و کشاف و سدی قائل به این هستند که تفسیر این آیه در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

از دیگر مسائل مشترک میان علمای اهل سنت با علمای شیعه می‌توان به اقتدای حضرت عیسی علیه السلام به امام عصر حضرت مهدی علیه السلام در هنگام ظهور اشاره کرد؛ در این رابطه با توجه به آیه ۶۱ سوره زخرف که اشاره به یکی از ویژگی‌های حضرت مسیح است می‌فرماید: «و (عیسی) سبب آگاهی بر روز قیامت است» («وَإِنَّهُ لَعَلْمٌ لِلسَّاعَةِ»). علمای اهل سنت مانند سیوطی عبارت «يُصَلِّي خَلْفَهُ» را ذکر کرده‌اند که آنها نیز مانند علمای شیعه معتقدند حضرت عیسی پشت سر امام زمان اقتدا به نماز می‌کند و پیرو ایشان می‌شود. در این رابطه شیخ جلال الدین سیوطی روایتی را در کتاب «العرف الوردی» به این عنوان که «المهدی افضل من ابی بکر و عمر؛ حضرت مهدی علیه السلام حتی از ابی بکر و عمر ابن خطاب نیز افضل است» مطرح کرده است و ملاحظه قاری حنفی نیز آن را در مکتوبات خود آورده است.

هر چند بعدها علمای اهل سنت مانند ملاحظه قاری حنفی و حتی خود سیوطی در صدد توجیه این عبارت بر آمدند و گفتند منظور از روایت این نیست که در تمامی مراتب مهدی علیه السلام از خلفای مذکور افضل باشد و تنها در برخی امور افضل است؛ اما ذکر چنین روایتی از عالمانی چون سیوطی و قاری حنفی دلالت بر جایگاه ویژه مهدی موعود نزد اهل سنت دارد.

۴- در چه مواردی علمای اهل تسنن با علمای تشیع در رابطه با موعود اختلاف مبنایی دارند؟

به طور کلی در مسئله موعود اهل سنت با شیعیان در سه مورد اصلی اختلاف دارند؛

۱. اهل سنت اعتقاد دارد حضرت مهدی علیه السلام تا امروز به دنیا نیامده است و دقیقاً چهل سال قبل از ظهورش به دنیا می‌آید.
 ۲. اهل سنت معتقد است حضرت مهدی فرزند امام حسن عسگری نیست و وی را فرزند فردی به نام عبدالله می‌دانند.
 ۳. اهل سنت مهدی موعود را از نسل امام حسین علیه السلام نمی‌دانند؛ بلکه ایشان را از سلاله امام حسن مجتبی علیه السلام می‌دانند.
- در رابطه با این اختلافات سید ثامر هاشم العمیدی در کتاب «در انتظار ققنوس» پاسخ‌های مفصل گوناگونی به روایات اهل سنت داده است.

هندوها اعتقاد دارند با ظهور کلکی جهان دوباره به دوره اول از ادوار چهارگانه بازمی‌گردد که در آن همه انسان‌ها تقوای کامل دارند و هیچ فساد و تباهی در عالم وجود ندارد.



رواق ▶ ادیان شرق

منجی سواره

دانیال نعیمی (کارشناس ارشد ادیان شرق)

باور به ظهور یک مصلح و یا منجی از جمله مشترکات اغلب ادیان و آئین‌ها، است. آئین هندوئیسم از جمله ادیانی است که بشارت به ظهور منجی در متون مقدس آنان یافت می‌شود. از این رو می‌توان آن را آئینی موعودباور دانست. در کتاب‌های مهم و مقدسی چون مهابهارته (Mahabharata) و پورانه‌ها (Puranas) اوصاف منجی هندوها آمده است.

کلکی (Kalki) یا کلکین (Kalkin) موعود مورد باورهای هندو است. او دهمین اوتاره (تنزل) ویشنو (Visnu) است که سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را ریشه کن کند، عدالت و فضیلت را برقرار سازد و زمین را از دست شاهان درنده خنجات دهد.

اندیشه موعود در باورهای هندویی، ارتباطی مستقیم با اصل ادوار جهانی دارد. طبق آموزه‌های این آئین جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل می‌شود؛ به هر یک از این ادوار «یوگه» (Yuga) می‌گویند. بنابر این باور حرکت جهان در زمان به شکل خطی نیست، بلکه دورانی است؛ یعنی جریانی است که کلیات آن تکرار می‌شود، در پایان هر دور، وجود جهان به پایان می‌رسد و پیش از آن برای ورود به دور جدید آماده می‌شود؛ یعنی آغاز جهان کنونی که ما در آن هستیم، نقطه پایانی مرحله‌ای دیگر از هستی بوده و دور وجود فعلی در جایی به نهایت خود خواهد رسید که آغازی خواهد بود بر دور بعدی و این حرکت دایره‌وار به همین شکل ادامه دارد. این چهار عصر: «کریته» (krta)، «ترتا» (Treta)، «دواپره» (Dvapara) و «کلی» (Kali) با دوره‌های آغازین و پایانی خود، روی هم رفته «مه‌یوگه» 12000 سال را تشکیل می‌دهند که هر سال آن معادل ۳۶۰ سال انسانی است. لذا روی هم رفته ۴۳۲/۰۰۰ سال را در بر می‌گیرد.

در دوره اول، تقوای کامل در بین مردمان وجود دارد، هیچ کس از وظیفه خود تخطی نمی‌کند و هیچ بدی و فساد وجود ندارد. در دوره دوم، از میزان تقوا یک-چهارم کاسته می‌شود. مردم در این زمان پیرو حقیقت و راستی بوده و تقوای پیوند خورده با مراسم و تشریفات را دارند. در این زمان هیچ احتیاجی به ریاضت نیست. در دوره سوم، نیمی از تقوا کم می‌شود، در اثر افول نیکی، تنها عده معدودی پیرو حقیقت باقی می‌مانند. به همین علت، بیماری‌ها و بلاها و خواهش‌ها بر آنها چیره می‌شود و در پی این آسیب‌ها روی به ریاضت می‌آورند. در دوره چهارم فقط یک-چهارم از تقوا باقی می‌ماند. پیروی از متون مقدس و اعمال نیک و شاعران مذهبی و قربانی‌ها ترک شده، بلاها، بیماری‌ها، خشکی، عیوب، بدبختی، گرسنگی و ترس در همه جا حکم فرما می‌گردد. با پیشرفت زمان، بیش از پیش در جه تقوا تنزل می‌کند و آدمی به همین نسبت از مرتبه انسانیت فرود می‌آید و وقتی رو به خرابی و تباهی می‌رود، مقاصد آن نیز تضعیف شده، افول اخلاقی عمومی، مردمان را پست می‌سازد. در «ویشنو پورانه» (Visnu Purana) آمده است: «فساد بر همه چیز حکم فرما خواهد



شد. دولت و ثروت تنها معیار ارزش و مقام، شهوت یگانه پیوند میان زن و مرد و دروغ تنها راه موفقیت در امور دنیوی محسوب خواهد شد. نظام طبقاتی متلاشی شده و دستورات و احکام و دایمی را کسی دیگر رعایت نخواهد کرد.^۲ در پایان همین دوره؛ کلی یوگه (Kali Yuga) است که کلکی ظهور خواهد کرد. در «بهگوته پورانه» آمده: «در غروب گاه عصر فعلی، آنگاه که شهر یاران این دیر جمله دزد شده‌اند، امیر کائنات از برهنه به وجود آمده و او را کالکی نام خواهند گذارد».^۳

هندوها اعتقاد دارند با ظهور کلکی جهان دوباره به دوره اول از ادوار چهارگانه بازمی‌گردد که در آن همه انسان‌ها تقوای کامل دارند و هیچ فساد و تباهی در عالم وجود ندارد.

کلکی در میان باورها و اعتقادات هندوان بازتابی قوی دارد. تصاویر و مجسمه‌های او به صورت مردی سوار بر اسب سفید که شمشیری برافراخته در دست دارد، در میان تمامی نمادنگاری‌های هندویی یافت می‌شود. ویشنو پورانه او را پسر برهنی به نام ویشنویشس می‌داند، و بهگوته پورانه می‌گوید فرمانروایی وی عالمگیر خواهد شد، و رسالتش احیای قانون و ناموس حقیقت و عدالت است.^۴

موعود در باور هندو، موعودی شخصی و دارای جنبه الهی است و به لحاظ کارکرد به نجات جمع می‌اندیشد و رسالتی معنوی-اجتماعی بر عهده دارد. اندیشه موعود منجی در آیین هندو به هیچ روی قوم‌مدار نیست، و به رغم ظاهر نژادمدارانه دین هندو، کاملاً جهان‌شمول است. به لحاظ آرمان، اندیشه موعود هندویی از آن جهت که می‌خواهد جهان را به روزگار نخستین و عصر طلایی بازگرداند «رو به گذشته» است.^۵

پی‌نوشت:

۱. یکی از خدایان تثلیث هندوئیسم متشکل از: برهما (خدای خالق)، شیوا (خدای هالک)، ویشنو (خدای حافظ).
۲. شایگان، داریوش؛ ادیان و مکتب‌های فلسفی هند؛ ج ۱، ص ۲۷۴ و ص ۲۸۱-۲۸۴.
۳. ورنیکا ایونس؛ اساطیر هند؛ باجان فرخی؛ ص ۴۲۴-۴۲۵ و ص ۱۲۵-۱۲۶.
۴. موحیدیان عطار، علی؛ «گونه‌شناسی اندیشه موعود در ادیان»؛ هفت آسمان ش ۱۲ و ۱۳؛ ص ۱۱۷. همان.



هنگامی که آیین بودا به چین رسید^۸ توجه زیادی به مَیتریه شد. علت این گرایش را این باور داثویی^۹ دانسته اند که احتمال ظهور فرزانه‌ای را می‌داد که قادر بود از میان جمع دوستداران خود، فرهیختگان را به رستگاری برساند. در طی دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۷) چینیان او را به خدایی عامیانه با منزلتی عظیم بدل کردند. در زندگی آیینی چینی، میتریه منادی آخرین دوره است. میتریه در تحول بودایی چینی نقش مهمی داشت.

مَیتریه، موعود بودایی

(محمد ادهمی (کارشناس ارشد ادیان)

زیادی به مَیتریه شد. بومیان کره هنوز به نزدیک مجسمه مَیتریه می‌آیند تا از او نیکبختی، تولد فرزند پسر، شفای بیمار و حمایت در دوره‌های درد و رنج را طلب کنند. مَیتریه همچنین به شکل یک عنصر مهم در گروه‌های منتظران که در کره پیدا شده اند ظاهر می‌شود. ژاپنی‌ها نیز اطلاعات اولیه را درباره مَیتریه از کره گرفتند. این انتقال شامل تندیس‌های این بودا سَف هم بود. تحولات اخیر در باب پرستش مَیتریه هنوز در ژاپن مشاهده می‌شود.

هر جا که آیین بودا مورد حمایت قرار گرفته است، مَیتریه شخصیتی مهم به شمار آمده است. از نظر پیروان عام، پرستش مَیتریه روشی بود برای ایجاد کَرَمه نیک تضمین اینکه در آینده رستگار خواهند بود. عنصر امید به آینده، بخش سر نوشت ساز آرمان مَیتریه است که برای هدایت بشر به دوره‌ای بهتر ظهور کرده یا خواهد کرد. چون داستان مَیتریه هنوز ادامه دارد، او می‌تواند در سناریوهای متنوع بی‌شماری که هر یک را می‌توان برای بر آوردن نیازهایی خاص ساخت، نقش داشته باشد.^{۱۰}

پی‌نوشت:

1. Buddha.

2. Bodhisattva.

۳. لغتی در زبان باستانی سانسکریت است که در بودیسم برای توصیف آنچه عمق آرامش ذهن در نتیجه انکساب موشه می‌نامند، به کار می‌رود.

۴. موسوی نژاد؛ سید رضا؛

«موعود پژوهی: منجی بودایی»؛

هفت اقلیم؛ پیش شماره ۲.

5. Maitreya.

۶. لنکستر، لوئیس؛ «میتریه،

موعود بودایی»؛ ترجمه علیرضا

شجاعی؛ هفت آسمان؛ شماره

۲۱ (بهار ۱۳۸۳)؛ ص: ۲۱۱-۲۳۴.

۷. حسینی آصف، حسن؛ «باور

شناخت موعود در ادیان و مکاتب

مختلف» فلسفه و کلام؛ شماره

۱۵ (بهار ۱۳۸۴) ص: ۱۴۹-۱۶۶.

۸. حدود قرن اول میلادی.

۹. فلسفه تائو روش فکری

منسوب به لاتوتسه، فیلسوف

چینی است که مبتنی بر اداره

مملکت بدون وجود دولت و بدون

اعمال فرم‌ها و اشکال خاص

حکومت می‌باشد. این اعتقاد

اکنون ۲۵۰۰ ساله است و ریشه آن

به کشور چین بازمی‌گردد.

۱۰. لنکستر، لوئیس؛ پیشین.

ندارد، ولی اعتقاد به آمدن او در بودیسم، یک اصل انکارناپذیر است. در میان خدایان بودایی هیچ خدایی مانند مَیتریه آرایش پیچیده‌ای از تجسم‌ها را عرضه نکرده است. مفهوم مَیتریه را به مثابه بودای موعود در همه سنت‌های بودایی می‌توان دید. با بررسی آثار بودایی از شیوه‌هایی که سرگذشت مَیتریه در آن تحول یافته و به تدریج بر اهمیت آن افزوده شده است، نشانه‌هایی می‌توان یافت. در مورد نظر تفاسیر متفاوت است: یکی تاریخ زندگی او و دیگری راهی که در آن سر نوشت او به منزله بودای موعود آغاز می‌شود.^۶

در الهیات بودایی، او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودایان زمینی می‌دانند که خواهد آمد تا همگان را مژده‌هایی داده، آنها را از چرخه‌آهنین تناسخ‌های مداوم نجات دهد. در نمادنگاری بودایی او را به هیئت مردی نشسته که ماده‌برخاستن است نمایش می‌دهند تا نمادی از آمادگی وی برای قیام باشد.^۷

هنگامی که آیین بودا به چین رسید^۸ توجه زیادی به مَیتریه شد. علت این گرایش را این باور داثویی^۹ دانسته اند که احتمال ظهور فرزانه‌ای را می‌داد که قادر بود از میان جمع دوستداران خود، فرهیختگان را به رستگاری برساند. در طی دوره تانگ (۶۱۸-۹۰۷) چینیان او را به خدایی عامیانه با منزلتی عظیم بدل کردند. در زندگی آیینی چینی،

مَیتریه منادی آخرین دوره است. مَیتریه در تحول بودایی چینی نقش مهمی داشت. آنان خاستگاه بیگانه او را از یاد برده بودند. چینی‌ها مَیتریه را خدایی می‌دانستند که نیازهاشان را در سطوح مختلف برآورده می‌کرد، آنان در پیشکش کردن انواع لباس‌ها، برگزاری مناسک دینی به او تردید نداشتند.

در کره جنوبی نیز توجه



امروزه «موعود باوری» به عنوان یک پدیده دینی روبه رشد، در اندیشه انسان دیندار کارکرد ویژه‌ای دارد. منجی مطرح در نزد اقوام مختلف با وجود اشکال و صور، در این نقطه مشترک است که نجات بخشی خواهد آمد و نوع انسان را از ظلم نجات خواهد داد. یکی از اندیشه‌های مطرح، تفسیر بودایی از موعود است.

برای روشن شدن مفهوم موعود در این آیین، لازم است با دو مفهوم «بودا»^۱ و «بودی ستوه»^۲ آشنا شویم. بودا، به نجات دهندگانی گفته می‌شود که در زمان گذشته به دنیا آمده‌اند و ابتدا صورت بشری داشته‌اند، سپس به مرتبه اشراق رسیده، پس از اینکه انسان‌ها به راه درست زندگی رهنمون شده‌اند، به مقام نیروانا^۳ رسیده‌اند. بودی ستوه‌ها، بوداهای بالقوه هستند که حیات جسمی فعلی ندارند. هر فرد بودایی قبل از رسیدن به مقام بودایی، یک بودی ستوه است.^۴

مفهوم منجی و موعود در بودا را می‌توان در مفهوم مَیتریه^۵ به وضوح دید. اگر چه در مورد جزئیات زندگی مَیتریه به هنگام زندگی در این دنیا، معلومات یکسانی در متون مقدس بودایی وجود



در یسنای ۲۴ قطعه ۵ این گونه آمده است:
«ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین با
فروهرهای همه پاکان؛ آن پاکانی که مرده‌اند
و آن پاکانی که زنده‌اند و آن مردانی که هنوز
زاییده نشده، سوشیانت‌های نوکننده‌اند



منجی زرتشتی در وادی قهرمانان

رضارضایی (کارشناس ارشد ادیان شرق)



در مورد تعداد منجی در آیین زرتشت اقوال مختلفی مطرح شده است. برخی تعداد آن را چهار منجی دانسته‌اند که زرتشت و سه فرزند از نسل او هستند. قول دیگری هم از یک منجی، به نام سوشیانت نام برده است. اما قول مشهور در این مسئله، سه منجی است که به ترتیب اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانت نام دارند.

این اختلافات از این جهت است که موعود در اوستا، با لفظ «سوشیانس» و به معنای رهاننده آمده است^۴ و با لفظ «سوشیانت» در پهلوی آمده که از ریشه سوه به معنای بهره و منفعت، گرفته شده که به معنی سودرساننده است.^۵ این واژه در گات‌ها گاهی مفرد و گاهی جمع آمده است. زرتشت در گات‌ها چندین بار خود را سوشیانت نامیده است و گاهی هم یاران خود را به عنوان سوشیانت و سودرساننده معرفی کرده است. این مسئله دستاویزی برای برخی از پیروان زرتشت شده است تا به کلی وجود موعود و ظهور سوشیانت‌هایی از نسل زرتشت را انکار کنند.

استدلال کسانی که معتقد به موعود در آیین هستند فرازهایی از گات‌ها است که در آن به روشنی اشاره به ظهور سوشیانس‌هایی شده است که در صدد نو کردن جهان و آیین هستند و هنوز متولد نشده‌اند. در یسنای ۲۴ قطعه ۵ این گونه آمده است: «ستایش و نیایش و خشنودی و آفرین با فروهرهای همه پاکان؛ آن پاکانی که مرده‌اند و آن پاکانی که زنده‌اند و آن مردانی که هنوز زاییده نشده، سوشیانت‌های نوکننده‌اند».

در فروردین یشت، کرده ۱ فقره ۷ چنین آمده است: «ای سپنتمان! فروهرهای نخستین آموز گاران دین و فروهرهای مردانی که هنوز متولد نشدند و در آینده سوشیانت‌های نوکننده جهان خواهند بود، از فروهرهای سایر مردان قوی تر هستند».

از این قطعات به خوبی می‌توان دریافت که نزد ایرانیان قدیم و شاید حتی مؤسس آیین زرتشت

عقیده به موعود آخر الزمان و اینکه کسی خواهد آمد و جهان را از چنگال اهریمن رها خواهد کرد، وجود داشته است.^۶ البته تفسیر دقیق سوشیانس را باید در بخش‌های دیگر اوستا جست‌وجو کرد؛ هر چند که این جملات به لحاظ سیاقی و سبک نگارشی با گات‌ها (سروده‌های خود زرتشت) متفاوت است، اما در شناخت این مسئله بسیار حائز اهمیت است.

در اوستای کنونی، سوشیانس به سه نفر اطلاق شده است؛ اوشیدر (اوخشیت‌ارته)؛ کسی که قانون مقدس رامی پروراند. اوشیدرماه (اوخشیت نمنگه)؛ کسی که نماز را به پا می‌دارد. سوشیانت (استوت‌ارته)؛ کسی که از فیض زندگانی او، همه انسان‌ها فایزانی پذیر می‌شوند.^۸

نمونه‌ای از ستایش این منجیان در اوستا این گونه است: «فروهر پاک‌دین اوخشیت‌ارته را می‌ستاییم. فروهر پاک‌دین اوخشیت نمنگه رامی‌ستاییم. فروهر پاک‌دین استوت‌ارته را می‌ستاییم».^۹

داستان تولد

بر اساس اعتقاد زرتشتیان عمر جهان دوازده هزار سال متوالی است که به چهار دوره یکسان تقسیم شده است. در دوره سه‌هزار ساله اول، همه آفریدگان در حالتی روحانی و مینوی بودند. دوره دوم مینو به گیتی (مادی) تبدیل شد، اما همه آفریدگان همچنان در حالت بهیشتی و مینوی زندگی می‌کردند تا اینکه اهریمن وارد دنیای آفریدگان می‌شود. با ورود اهریمن دوره سه‌هزاره ساله سوم آغاز می‌شود. کیومرث، نخستین مردی بود که بر اهریمن غلبه کرد و گاوهم همراهش. با مرگ کیومرث از نطفه‌اش مَشی و مَشیانه (اولین آدم) و از نطفه گاوهم حیوانات به وجود آمدند. این دوره آمیختگی و کشمکش دائم میان انسان و نیروهای اهریمنی بوده است. در پایان این دوره زرتشت متولد و دوره چهارم شروع شده است. در این دوره نطفه‌های زرتشت در دریاچه کانسویه یا کیانسیه توسط ۹۹۹۹۹ فرّوهر نیکان، زنده نگه داشته می‌شود.^{۱۰} پس از هزار سال از زمان زرتشت دختری از نژاد نیکان و پاکان برای غسل کردن وارد دریاچه کانسویه شده، از نطفه زرتشت باردار می‌شود. هزار سال متعلق به اوست و همین اتفاق در پایان هر هزار سال روی می‌دهد و دو نفر دیگر هم به ترتیب متولد می‌شوند.^{۱۱}

مقدمه

بیشتر پیروان آیین زرتشت اعتقاد دارند که طبق متون مقدسی چون اوستا و متون روایی پهلوی، فرد یا افرادی در آخر الزمان ظهور کرده، پیروان را که در تنگنا و نرج فراون هستند، نجات می‌دهند و دین زرتشت را دوباره احیا خواهند کرد. این عقیده تا جایی پیش رفته که حتی برخی از زرتشتیان معتقدند که اندیشه نجات بخشی، متعلق به دیانت ایشان است و ادیان پس از ایشان در این مسئله همگی وامدار آیین زرتشت هستند. البته برخی هم به سبب اختلاف متون مقدس، اساس این منجی یا منجیان را انکار نموده‌اند.

با توجه به دستور زبان سخت، لغات ناآشنا و عدم دسترسی و آگاهی از تفکرات زرتشت، تفسیر و فهمیدن متون زرتشتی و اثبات باصراحت موعود آخر الزمانی از این متون امکان‌پذیر نیست.^۲ بنابراین برای رسیدن به یک نتیجه قانع‌کننده به متون مورد قبول همه زرتشتیان رجوع می‌کنیم. متون زرتشتی را باید به دو دسته تقسیم کرد: متن مقدس اوستا و کتب روایی پهلوی.

البته همه بخش‌های اوستا اعتبار یکسانی ندارند؛ مثلاً بخش ابتدایی اوستا با عنوان گات‌ها، سروده‌های خود زرتشت است و اعتبار بیشتری نسبت به بقیه متون (یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، خرده اوستا و ونیداد) دارد.^۳ در متون روایی که جنبه تفسیری برای متن مقدس دارند، کتاب‌هایی چون دینکرد، روایات داراب هرمز، بُندَهش، مینوی خرد و... می‌توانند در شناخت منجی و موعود مز‌دیسناپی مفید باشند.

منجی



سیرت‌طور موعود یهود

محمدصادق احمدی (دانشجوی دکتری دین پژوهی)

سخن از تأثیر پذیرفتن دینی آسمانی از دین دیگر و یا اثر گذاردن دینی بر دین دیگر، اگر بدون توجه کافی باشد سخنی به گزافه خواهد بود. از آنجا که در نهایت این خدای متعال است که همه این مسیرهای سعادت را به مرور زمان برای بشر فرور ستاده است، وام‌گیری و امضای یک اندیشه یا عمل که در سنن دیگر آمده است، منافاتی با آسمانی بودن و استقلال دین ندارد؛ چنان که در قرآن فرموده است: «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم»^۱.

دسته‌ای از مورخین و تاریخ‌پژوهان بر این باورند که یهود نیز مانند دیگر ادیان متأثر از فرهنگی بیرون از دین خود به برخی از مبانی دینی خویش باورمند شده‌اند. از جمله این باورها منجی و موعود مسیحایی ایشان است.^۲ اینکه امکان چنین تأثیر پذیری وجود دارد یا نه؟ به تأثیر یا عدم تأثیر کتب مقدس از رویدادهای زمینی بازمی‌گردد. در این موضوع سه نظریه وجود دارد. یکی طرفدار تأثیر پذیری کتب مقدس از رخداد های زمینی است، دیگری هر گونه ارتباطی را به شدت نفی می‌کند و سوم می‌پذیرد که کتب مقدس نیم‌نگاهی نیز به آنچه در زمین می‌گذرد داشته‌اند، اما محتوای آنها کاملاً آسمانی و الهی است.^۳ برخی از محققین نیز بر این باورند که دانشمندی که پیش از کتب مقدس به تولید مباحث نظری پرداختند - آن هم مباحثی که در متون مقدس دیده می‌شد - تحت تأثیر انبیای الهی یا ادیان الهی بوده‌اند.^۴

هر یک از دو گروه عمده برای اقوال خود شواهدی ارائه نموده‌اند؛ اما آنچه با یقین می‌توان مدعی شد، نبود قطعیت برای هر دو طرف است. در نتیجه به لحاظ تاریخی نمی‌توان تعیین کرد که کتب مقدس یا فلاسفه کدام یک در تولید اندیشه‌های مورد نزاع پیشتاز بوده‌اند و یا در میان کتب مقدس کدام یک گام سبقت را از دیگر همتایانش ربوده است. البته چنان که در ابتدای بحث ذکر شد امضا شدن مسئله‌ای توسط یک دین به معنای عدم استقلال آن



قیام هم مطالب فراوانی نقل شده است که در پاره‌ای از موارد با مطالب اسلامی مطابقت دارد.

پی‌نوشت:

۱. پورداود، ابراهیم؛ سوشیانس، فروهر؛ تهران (۱۳۷۴)؛ ص: ۲؛ مصطفوی، علی اصغر؛ سوشیانس یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخر الزمان؛ تهران (۱۳۶۱)؛ ص: ۹-۱۰.
۲. رک: فضل‌ی، احمد؛ تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام؛ تهران: سخن (۱۳۷۶)؛ ص: ۱۱۷.
۳. همان؛ ص: ۳۵.
۴. پورداود، ابراهیم؛ گات‌ها، تفسیر و توضیح؛ بمبئی: انجمن زرتشتیان ایران (۱۹۳۸)؛ ص: ۱۰۹.
۵. مصطفوی، اصغر؛ پیشین؛ ص: ۵۳.
۶. رک: اشتودگات، یسنا؛ ۴۵: قطعه ۶؛ وهیشتواشت، یسنا؛ ۵۳: قطعه ۲؛ سپنمدگات، یسنا؛ ۴۸: قطعه ۶.
۷. مصطفوی؛ پیشین؛ ص: ۵۵؛ پورداود؛ پیشین؛ ص: ۱۰.
۸. پورداود؛ پیشین؛ ص: ۱۵.
۹. فروردین‌یشت؛ قطعه ۱۲۸.
۱۰. رک: بندش؛ ص: ۲۱۰؛ مینوی خرد؛ ص: ۸۷.
۱۱. دینکرد؛ کتاب هشتم، فصل ۱۴؛ قطعات ۱۲-۱۴.
۱۲. زامیادیش، کرده؛ ۱۵: قطعه ۹۲.
۱۳. بندش‌هندی، فصل ۱۳؛ فقره ۱۶؛ پورداود، پیشین؛ ص: ۲۱-۲۳.

«فرّ توانا را می‌ستاییم که در آینده به آن کسی مختص خواهد شد که از ناحیه کانس رایه، سلطنت خواهد انگلیخت که رود هتئومنت در آن می‌ریزد و کوه اوشیدا در کنار آن واقع شده است»^{۱۲}. مفسران اوستا با توجه به اینکه گفته شده است این دریاچه در سگستان (سیستان) واقع شده و رود هتئومنت به آن می‌ریزد، و همچنین خاستگاه قهرمانان ایران و زرتشت سیستان است، احتمال داده‌اند که محل ظهور سوشیانس‌ها دریاچه هامون است که رود هیرمند به آن می‌ریزد.^{۱۳} نکته حائز اهمیت این است که همان گونه منجی یهودیان در اوشلیم ظهور می‌کند و منجی اسلامی در مکه، موعود زرتشت هم در سرزمین سیستان که خاستگاه این آیین و سرزمین گردان و قهرمانان ملی بوده است، ظهور خواهد کرد. در مورد علائم ظهور، یاوران و شرایط



نیست.

بسیاری از مورخان و زبان‌شناسان بر این باورند که در متون دینی مقدس یهود، پیش از ورود به بابل اثری از برخی از اعتقاداتی که ایشان پس از بازگشت داشتند، دیده نمی‌شود. از جمله این باورها می‌توان به عقیده درباره نیروی شر و شیطان، باور به سلسله مراتب فرشتگان، اعتقاد به معاد، روز حساب و منجی موعود اشاره کرد. به طور خاص آنچه درباره موعود پیش از عزیمت به بابل در سخنان انبیای گذشته یهود آمده بود، وعده روزی خاص بود که در آن روز دشمنان اسرائیل به دست اجل معلوم و قضای محتوم سپرده خواهند شد. پس از آن ملکوت الهی بر زمین برقرار خواهد شد و مسیح سلطان زمین از نسل داوود بر تخت سلطنت خواهد نشست. اما این اعتقاد پس از سفر به بابل و همنشینی با زرتشتیان تکامل یافت و یهود به سمت این اعتقاد رفتند که چون وعده‌های انبیای سلف تحقق پیدا نکرده است فرستاده الهی که منجی قوم خواهد بود از آسمان و سوار بر ابر روزی بر زمین فرود خواهد آمد و آخرالزمان فرا خواهد رسید.^۵

در مقابل بسیاری از یهودیان سنتی بر این باورند که اعتقاد به منجی و مسیحا از اصول اساسی یهودیت است که از ابتدا در این دین وجود داشته است. برخی حتی از این فراتر رفته، مسیحای یهود را نخستین مخلوق خدا می‌دانند که پیش از تمام مخلوقات خدا آفریده شده است و در روزی مقدر باز خواهد گشت و یهود را نجات خواهد داد.^۶ در موعودباوری یهودی گرایش‌های مختلفی از جمله سیاسی، عرفانی و زهدورزانه، اجتماعی، شریعت‌محور و... دیده می‌شود که هر یک از این گرایش‌ها در طول تاریخ چندهزار ساله این قوم سبب خیزش جماعتی خاص شده است.^۸

پی‌نوشت:

۱. بقره: ۱۸۳.
۲. ناس، جان بی؛ تاریخ جامع ادیان؛ ترجمه علی اصغر حکمت؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۸۲)؛ ص ۵۴۸.
۳. ن. ک: رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان؛ شماره ۸ (بهار و تابستان ۱۳۸۹).
4. Guthrie, W.K.c. 1969, Plato. In. A history of Greek Philosophy, Cambridge University Press, vol IV. Pp. 491-492.
۵. ناس، جان بی؛ پیشین.
۶. آنترمن، آلن؛ باورها و آیین‌های یهودی؛ ترجمه رضا فرزین؛ قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب (۱۳۸۵)؛ ص ۶۱.
۷. مصاحبه با آرش ابایی مندرج در سایت رسمی انجمن کلیمیان ایران؛ www.iranjewish.com/Essay/Essay176_32_mashiah.htm
۸. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: موحدیان عطار، علی؛ گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان؛ قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب (۱۳۸۹)؛ ص ۱۶۷-۲۱۸.

رواق ◀ ادیان ابراهیمی



منجی یهودیان

محسن گلپایگانی (دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی ادیان)

وجود نجات‌بخش، پیش از آفرینش کائنات به ذهن خداوند خطور کرده است.^۱

تاریخچه اعتقاد به ماشیح در یهود

اعتقاد به موعود یهود به عصر پس از موسی باز می‌گردد که هر بار یهودیان به مشکل برمی‌خورند و در رنج و زحمت می‌افتادند، از خدا طلب داوری می‌کردند تا اینکه تصمیم گرفتند حکومتی واحد داشته باشند. بدین

یکی از پایه‌های اساسی و اصول مهم آیین یهود، ایمان به ظهور ماشیح و دوره نجات است. یهودیان معتقدند نجات‌دهنده آخرالزمان، مسیح (ماشیح) به معنای مسح شده خداوند است. اکثر اندیشمندان یهود بر این باورند که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و برقراری صلح و آرامش میان همه اقوام و تأمین خواست‌ها و نیازهای بشری، بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است. بر همین اساس لزوم

بسیاری از یهودیان، مسیحا بودن عیسی را نپذیرفتند؛ چون او موفق به نجات بنی اسرائیل نشد. بدین ترتیب یهودیان همچنان منتظر مسیحا موعود خود ماندند، به ویژه پس از تخریب معبد در سال ۷۰ م و پراکندگی و آوارگی آنان، این اندیشه قوت یافت.^۷



درخت خوراکی خواهد روید که برگ‌های آن پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه تازه خواهد آورد؛ زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود و میوه آنها برای خوراک و برگ‌های آنها به جهت علاج خواهد بود.^{۱۵}

◆ نشانه‌های ظهور نزد یهود

یهود در کتاب‌های خودشان نشانه‌هایی را برای ظهور موعود، ذکر کرده‌اند که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

- ۱- همه سبط‌های بنی اسرائیل اجتماع کنند و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع هستند.
- ۲- یا جوج و مأجوج شکست می‌خورند.
- ۳- کوه زیتون شکاف بر می‌دارد.
- ۴- وادی مصر خشک می‌شود.
- ۵- آب‌های گوارا در اورشلیم و از بیت المقدس بیرون می‌آید.
- ۷- شرورهای زمین نابود شوند.^{۱۶}

پی‌نوشت:

۱. بندهش هندی؛ تصحیح و ترجمه رقیه بهزادی؛ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (۱۳۶۸).
۲. گرنستون، جولوس؛ انتظار مسیحا در آیین یهود؛ ترجمه حسین توفیقی؛ قم؛ انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ص ۱۹-۲۰.
۳. همان؛ ص ۲۱.
۴. طاهری آکردی، محمدحسین؛ یهودیت؛ انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی؛ ص ۲۱۰.
۵. گرنستون، جولوس؛ پیشین؛ ص ۳۶-۳۷.
۶. طاهری آکردی، محمدحسین؛ پیشین؛ ص ۲۱۵.
۷. گرنستون، جولوس؛ پیشین؛ ص ۳۶-۳۷.
۸. راشد محصل، محمدتقی؛ «نتیج‌بخشی از ادیان»؛ نشریه بینا (ارگان انجمن کلیمیان تهران)؛ ش ۴ (مرداد و شهریور ۱۳۷۸)؛ مقدمه.
۹. کتاب مقدس؛ هوشع؛ ۳: ۵.
۱۰. کتاب مقدس؛ مزامیر؛ ۱۸: ۴۹-۵۰.
۱۱. کتاب مقدس؛ ارمیا؛ ۹: ۳۰.
۱۲. میشل، توماس؛ کلام مسیحی؛ ترجمه حسین توفیقی؛ قم؛ مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب (۱۳۷۷)؛ ص ۲۸-۲۷.
۱۳. کتاب مقدس؛ مزامیر؛ ۲۷: ۱۸-۱۲.
۱۴. همان؛ ۳۰.
۱۵. کتاب مقدس؛ کتاب حزقیال؛ ۴۷: ۱۱-۱۲.
۱۶. شریف قرشی، باقر؛ زندگانی خاتم‌الاولیاء امام مهدی؛ ترجمه ابوالفضل اسلامی؛ قم؛ فقهات (۱۳۷۶)؛ ص ۲۴۱-۲۴۲.

نخواهد کرد و با شنیده گوش‌هایش فتوا نخواهد داد. تهیدستان را با عدالت داوری کرده و برای افتادگان زمین، با تساوی حقوق تصمیم خواهد گرفت و ظالمان زمین را با عصای سخن خود می‌کوبد و شیران را با نفس لب‌های خود از بین خواهد برد.^۸

«عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر خواهد بود. او از پدران قوم یهود (ابراهیم، اسحق و یعقوب) و نیز از همه انبیای بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته شدند، بلندمرتبه‌تر خواهد بود.»^۹

۴- مسیح پسر داوود

برخی ماشیح را همان داوود می‌دانند.^۹ برخی دیگر، او را از خانواده داوود می‌شمارند.^{۱۰} گروهی نیز می‌گویند که خداوند در پایان جهان، داوود دیگری را برای نجات مردم می‌فرستد.^{۱۱} او «پسر انسان» است که از آسمان فرو خواهد آمد و ملکوت الهی را برپا خواهد ساخت.^{۱۲}

◆ وقایع عصر نجات نهایی از نگاه یهود

۱. پایان بدی و گناه؛
۲. پرستش جهانی خداوند؛
۳. همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی؛
۴. حکومت صالحان بر زمین؛ در مزامیر داوود از روزگاری سخن گفته می‌شود که صالحان، وارث زمین خواهند بود؛
- خداوند، روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.^{۱۳}
- صالحان وارث زمین خواند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود.^{۱۴}
۵. رستاخیز مردگان؛
۶. برکت و سعادت و پایان بیماری‌ها؛ نعمت‌های گسترده، همه جای زمین را می‌گیرد و حیات و زندگی مردم، قرن‌ها طول می‌کشد. فقر از بین می‌رود و مردم تندرست می‌شوند.
- «و بر کنار نهر به این طرف و آن طرف، هر قسم

ترتیب سموئیل، طالوت را به عنوان موعود یهود برگزید. داوود اولین موعود واقعی بود. عصر داوود و سلیمان را می‌توان دوره شکوفا شدن آرمان مسیحایی در اذهان قوم یهود دانست.^{۱۲} اندیشه مسیحایی پس از سلیمان جدی‌تری شد. گرچه همه انبیا به آمدن مسیحا وعده می‌دادند، اما این آموزه پس از سلیمان به صورت یک اصل ثابت دین یهود در آمد.^{۱۳} یهود قبل از زمان ایشعیا نبی به موعودی معتقد بود که به بنی اسرائیل اختصاص داشت و تنها موجب نجات قوم بنی اسرائیل می‌شد؛ اما در زمان ایشعیا این اندیشه عوض شد و او موعود را جهانی معرفی کرد.^{۱۴} اعتقاد ظهور مسیحا مانند سایر اعتقادات یهود پس از جلای بابل به اوج خود رسید. ملاکی نبی اندیشه‌ای نو بر اندیشه مسیحایی افزود. او خبر از آمدن الیاس نبی داد.^{۱۵} مسیح‌گرایی در یهود آن قدر تأثیر گذار بود که وقتی یحیی ندا داد: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است»، توده‌های مردم به سوی او رفتند و همین امر باعث شد هر دوس - حاکم رومی - یحیی را زندانی کند و سپس به شهادت برساند.^{۱۶}

بر همین اساس عیسی خود را مسیحا خواند و بر این اساس یحیی همان الیاس است که قبل از مسیح آمده است.

بسیاری از یهودیان، مسیحا بودن عیسی را نپذیرفتند؛ چون او موفق به نجات بنی اسرائیل نشد. بدین ترتیب یهودیان همچنان منتظر مسیحا موعود خود ماندند، به ویژه پس از تخریب معبد در سال ۷۰ م و پراکندگی و آوارگی آنان، این اندیشه قوت یافت.^۷

◆ شخصیت موعود از نظر یهود

- ۱- بشر خاکی
از نظر جسمانی، او فردی انسانی، خاکی و از اولاد بشر است که به طریق عادی زاده شده و اصل و نسب او به داوود و سلیمان می‌رسد.
- ۲- ماشیح در هر دوره
«در هر دوره، فرزندی از خاندان یهودا به دنیا می‌آید که برای مقام ماشیح، برانده است». روزی که زمان نجات نهایی فرا رسد، روح مخصوص و از قبل موجود ماشیح پایین آمده، به آن «صدیق» اهدا خواهد شد.
- ۳- شخصیت و صفات خاص مسیحا
ایشعیا در وصف او چنین می‌گوید: «روح خداوند بر او خواهد آمد، روح عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش و ترس الهی. و او با ترس الهی الهام می‌گیرد، با دید چشمانش قضاوت

همه جا آبادانی است و هیچ ویرانه و خرابه‌ای وجود ندارد. آسایش به معنای کامل خود حتی بین چرندگان، خزندگان و درندگان برقرار شده است، به طوری که گرگ با بره سکونت دارد و پلنگ با بزغاله می‌خوابد، گوساله و شیر با هم خواهند بود و گاو با خرس خواهد چرید؛ حتی طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد.



بازگشت مسیحا

محدثه رویین‌فر (کارشناس ارشد ادیان)



منجی گرایی در آیین مسیحیت چنان جایگاهی دارد که از مهم‌ترین آموزه‌های الهیاتی این دین به شمار می‌رود. کتاب مقدس به منزله سند گویای این بحث به استناد تفاسیر یهودی-مسیحی، تصویر روشنی از مباحث فرجام‌شناسانه این آیین می‌افکند. در این مقاله به معرفی ماشیح یا همان موعود مسیحایی می‌پردازیم و در ادامه شرایط دوران ظهور را بر اساس کتاب مقدس به تصویر می‌کشیم.

مسیحای یهودی

آثار و کتب مقدس یهودی به طور مکرر به ناجی و رهبری بزرگ در آخرالزمان اشاره کرده‌اند و آمدنش را نوید داده‌اند. از این ناجی در کتب اشعیا و حزقیال و... تعبیر به مسیح شده است. واژه (messiah) برگرفته از کلمه لاتینی مسیاس (messias) است که از واژه عبری «ماشیح» به معنای «تدهین شده» گرفته شده است. در کتاب مقدس این کلمه عنوان نجات‌دهنده‌ای است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و حکومت آرمانی الهی را برقرار خواهد ساخت.^۲

مسیح آنان هنوز به دنیا نیامده و در آخرالزمان پدید خواهد آمد. بر اساس کتاب اشعیا، وی با سبطه بر جهان به عدل، پادشاهی خواهد نمود و در زمان او خوشی و آرامش در همه جا حکم فرما خواهد شد. بنا بر اعتقاد یهودیان، وی پسری از نسل داوود است که بهترین فرد تدهین شده پروردگار خواهد بود؛ «و نهالی از تنه یسی^۳ بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت، مسکینان را به عدالت داور می‌خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین حکم خواهد کرد».^۴

مسیحای مسیحی

مسیحیان اعتقاد به ظهور و بازگشت دوباره مسیح در آخرالزمان دارند. اندیشه ظهور مجدد عیسی مسیح^۵ و برقرار نمودن ملکوت الهی اندیشه‌ای است که در اناجیل چهارگانه بعد از مصلوب شدن و عروج ایشان نمود بیشتری می‌یابد؛ «کمرهای خود را بسته، چراغ‌های خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید».^۶

بر این اساس عیسی دوباره ظهور خواهد کرد و به تصریح عبارات عهد جدید، با حاکمان ستمکار خواهد جنگید و پس از نابود کردن آنها بشر را به ساحل رستگاری و نجات رسانیده به زندگی آرمانی اش جامعه عمل خواهد پوشانید. به همین دلیل مسیحیان منتظر ظهورش باید آماده باشند و زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم کنند.

در عهد جدید به جز عیسی مسیح به موعود دیگری اشاره شده که ایشان وعده آمدنش را می‌دهد. او «تسلی دهنده» دیگری است که مسیح از خدا (پدر)

برای امتش در خواست می‌کند و خدا او را اعطای کند تا همیشه با ایشان باشد. جهان او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد، ولی آنان که به مسیح ایمان دارند، وی را باز می‌شناسند؛ «و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد، یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند آن را قبول کند. زیرا او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود».^۷ او بعد از عیسی مسیح و بعد از رفتن وی خواهد آمد. منابع اسلامی «فارقلیط» یا همان «تسلی دهنده» را حضرت رسول ﷺ می‌دانند.^۸ در عهد جدید او هدایت‌گر به همه راستی‌هاست و جهان را به عدالت و داور می‌ملزم خواهد نمود.^۹

شرایط دوره ظهور بر مردمان آن زمان

بسیاری در آینده متصور از ظهور در عهد جدید آنچه در مورد ظهور ماشیح مورد انتظار یهودیان در عهد عتیق آمده وجود دارد.

علائم و نشانه‌های قبل از بازگشت به خوبی در انجیل مرقس نشان داده شده است. ابتدا بلا و مصیبت نازل خواهد شد، جنگ و ویرانی و فتنه همه جا رافرا خواهد گرفت. سپس دنیا به هم می‌خورد و در این حال پسر انسان با قدرت و جلال بر فراز ابرها خواهد آمد و دادرسی خواهد کرد. اعتقاد مسیحیان با توجه به اناجیل اربعه بر این است که به هنگام بازگشت، جهان در جنایت و زشتی غرق می‌شود و بدبختی، جنگ، مصیبت و بلا آن رافرا می‌گیرد و دجال بر مردم مسلط می‌شود که مخالف مسیح است پس از آن مسیح برای نجات جهان و برقراری حکومت الهی باز می‌گردد؛ «در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت‌ها روی خواهد داد، به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل‌های مردم ضعف خواهد کرد، از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می‌شود؛ زیرا قوات آسمان متزلزل خواهد شد و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می‌آید».^{۱۰}

جهان پس از ظهور، جهانی است که در آن آسایش همگانی فراهم شده و نیروی رشد و بالندگی جامعه به اوج خود رسیده، نعمت زمین هزار برابر می‌شود؛ «همه جا آبادانی است و هیچ ویرانه و خرابه‌ای وجود ندارد. آسایش به معنای کامل خود حتی بین چرندگان، خزندگان و درندگان برقرار شده است، به طوری که گرگ با بره سکونت دارد و پلنگ با بزغاله می‌خوابد، گوساله و شیر با هم خواهند بود و گاو با خرس خواهد چرید؛ حتی طفل شیرخوار بر سوراخ مار بازی خواهد کرد»؛^{۱۱} «جنگ و خونریزی به طور کلی تمام شده و کسی به کسی تیغ نمی‌کشد، بنا بر این هیچ گریه و شیونی وجود ندارد».^{۱۲}

پی‌نوشت:

۱. بررسی و معرفی سه منجی وعده داده شده در آیین مسیحیت.
۲. واژه‌های فرهنگ یهود؛ ناشر انجمن جوامع یهودی؛ تل‌آویو، چاپ اورشلیم (۱۹۷۷)؛ ص: ۲۱۶.
۳. نام پدر داوود.
۴. کتاب مقدس؛ کتاب اشعیا؛ نبی: ۱۱: ۱.

5. second coming.

۶. کتاب مقدس؛ لوقا؛ ۱۲: ۳۶ و ۴۰.
۷. کتاب مقدس؛ یوحنا؛ ۱۴: ۱۷.
۸. توفیقی، حسین؛ «مقدمه‌ای مقایسه‌ای بر ادیان توحیدی»؛ هفت آسمان؛ شماره ۲۲ (تابستان ۱۳۸۳)؛ ص: ۷۱.
۹. کتاب مقدس؛ یوحنا؛ ۱۶: ۱۴-۸.
۱۰. کتاب مقدس؛ لوقا؛ ۲۱: ۲۵-۲۷.
۱۱. کتاب مقدس؛ مکاشفه یوحنا؛ ۴: ۴.
۱۲. کتاب مقدس؛ صفتیا؛ ۳: ۹.



هزاره‌گرایی در معنای عام به «انتظار برای یک نجات قریب‌الوقوع این جهانی» است که در مسیحیت با اعتقاد به دوره‌ای از حکمرانی عیسی مسیح بر جهان همراه است. این آموزه شش بار در عهد جدید به معنای فوق آمده است. این آموزه در اناجیل، نامه‌های پولس، رساله دوم پطرس و مکاشفه یوحنا یافت می‌شود.

هزاره‌گرایی در مسیحیت

محسن گلپایگانی (دانشجوی دکتری، مطالعات تطبیقی ادیان)

یکی از مفاهیم کلیدی موعود در مسیحیت، هزاره‌گرایی است. دوره هزارساله، دوره زمانی‌ای را بیان می‌کند که در آن ایمان انجیلی و عظمت کلیسا به اوج خود می‌رسد و امت‌ها که دعوت دیانت انجیلی را می‌شنوند، به آن ایمان می‌آورند.^۱ هزاره‌گرایی در معنای عام به «انتظار برای یک نجات قریب‌الوقوع این جهانی» است که در مسیحیت با اعتقاد به دوره‌ای از حکمرانی عیسی مسیح بر جهان همراه است. این آموزه شش بار در عهد جدید به معنای فوق آمده است. این آموزه در اناجیل، نامه‌های پولس، رساله دوم پطرس و مکاشفه یوحنا یافت می‌شود.

معنای خاص «هزاره‌گرایی» که «حکومت هزارساله عیسی مسیح بر روی زمین» است، تنها در باب بیستم از آخرین کتاب عهد جدید، یعنی مکاشفه یوحنا آمده است.

در مورد هزاره چند دیدگاه وجود دارد:

۱. «پیشاهزاره‌گرایی»: برخی از مفسران کتاب مقدس و الهیدانان مسیحی برای باورند که دوره هزارساله از پدیده‌های آخرالزمان و از علایم بازگشت مسیح است. در حقیقت این دوره که هزار سال پیش از آمدن مسیح شروع می‌شود، با آمدن او پایان می‌یابد.^۲ آنان باور دارند در این هزار سال، دامنه شر به شدت کم شده، دست و پای شیطان بسته می‌شود و پس از آن مسیح می‌آید.^۳

۲. «پس‌هزاره‌گرایی»: برخی دیگر بر این باورند که این دوره با آمدن مسیح آغاز می‌گردد و بازگشت دوباره او سرآغاز شروع این دوره زمانی برای دیانت مسیحی است. بنابر نوشته‌های اولیه مسیحی، مسیح پیش از دوره هزار ساله خواهد آمد.^۴

۳. «نا هزاره‌گرایی»: جماعتی نیز هرگز دوره هزار سال را نپذیرفته‌اند. اینان تمام آنچه را که در کتاب مکاشفه یوحنا درباره این دوره آمده، به دوره هزار ساله سکونت روحانی ایمانداران مسیحی در خارج از جسم خویش و در نزد مسیح تفسیر می‌کنند و یا آن را به فرمانروایی روحانی مسیح بر قلب ایمانداران و نه حکومت بر زمین تأویل می‌برند.^۵

هزاره در کتاب مقدس

در متون یهودی آیه‌های زیادی دوره حکومت مسیحا را با رقم‌های مختلفی ذکر کرده‌اند که از جمله آنها حکومت هزارساله است. اولین بار در آخرین کتاب عهد جدید، مکاشفه یوحناست که از حکومت

هزارساله مسیح یاد شده است. در باب بیستم این کتاب واژه «هزارسال» در آیات ۲ تا ۷، شش بار تکرار شده است. نویسنده مکاشفه، آشکارا به دورست‌اخیز اشاره می‌کند؛ یکی هنگام شروع هزاره مسیح که

پيروان او زنده می‌شوند و در آن پادشاهی شرکت می‌کنند و دیگری هنگام رستاخیز همگانی که در پایان دوره هزاره ساله اتفاق می‌افتد.

بر اساس آموزه‌های کتاب مقدس رخدادهای آخرالزمان و بازگشت دوباره مسیح برای نجات بخشی، در چندین مرحله انجام می‌پذیرد که عبارت‌اند از:

۱. بازگشت اولیه مسیح

این مرحله شامل ربودن مؤمنان مسیحی و صعود آنان به آسمان است. البته هدف از این ملاقات در آسمان، دادرسی مؤمنان و پاداش دادن به آنان و حساب پس دادن در استفاده از استعدادها، اموال و فرصت‌هایی است که به آنها داده شده بود.^۶

۲. دوران مصیبت عظیم

پس از مرحله اول ظهور مسیح و پیش از مرحله دوم آن، دوران مصیبت بسیار شدیدی پیشگویی شده است. در این دوره که بنابر برخی اشاره‌ها هفت سال طول خواهد کشید،^۷ چنان‌که زمان سخت و تنگ خواهد شد که از هنگام پیدایش امت‌ها تا آن روز، همانندی نداشته است.^۸

۳. بازگشت دوباره مسیح و سلطنت هزار ساله

اوبر زمین

این دوره، هزار سال به طول می‌انجامد و مسیح فرمانروای جهانی پرستش خواهد شد و عدل و انصاف کامل در جهان برپا خواهد گشت.^۹ شیطان و روح‌های شریر بسته می‌شوند و به مدت هزار سال در «هاویه»^{۱۰} افکنده خواهند شد.^{۱۱}

بازتاب‌های هزاره‌گرایی

شور و هیجان انتظار بازگشت عیسی مسیح، در حدود سال هزار میلادی بالا گرفت. گروهی از مردم زندگی خود را تغییر داده، اموالشان را به فقرا بخشیدند. آنان از هر نظر آماده استقبال از عیسی بودند، ولی سال هزار میلادی به آرامی گذشت. این منتظران دوباره خود را برای سال ۱۵۰۰

میلادی آماده کردند که آن سال نیز بدون هیچ رخدادی پایان یافت.

در آستانه سال دو هزار میلادی نیز مسیحیان منتظر، به‌ویژه در ایالات متحده آمریکا، فرقه‌های مذهبی عجیب و غریبی درست کرده و به رسوم و آیین‌های شکفت‌آوری روی آورده بودند. برخی از اعضای این فرقه‌ها برای پیوستن به عیسی مسیح خودکشی کردند. فرقه‌هایی نیز از پیام‌های «بانوی فاتیما» در ۱۹۱۷ میلادی الهام گرفتند. درست در همین مهر و موم‌ها بود که در آمریکا، مرکزی به نام مطالعات هزاره‌ای به پژوهش در این امور پرداخت. سایت کامپیوتری این مرکز ساعت و تقویم الکترونیک کم‌شونده را به کار گرفته بود که به سوی ساعت صفر ظهور، یعنی آغاز سال دو هزار میلادی حرکت می‌کرد و نشان می‌داد که چند روز و چند ساعت و چند دقیقه و چند ثانیه تا آمدن عیسی مسیح باقی مانده است.^{۱۲} این نمونه‌ها گویای این مسئله است که هزاره‌گرایی و بازگشت مسیح از آموزه‌های تأثیرگذار در تاریخ مسیحیت بوده است.

پی‌نوشت:

۱. حمودی، صبحی، معجم‌الایمان المسيحي، بیروت: دارالمشرق (۱۹۹۴م)، ص: ۶۰.
۲. جیمس انس الامیرکائی، نظام‌التعلیم فی علم‌اللاهوت القویم، بیروت: مطبعة الامیرکان (۱۸۹۰م)، ج: ۲، ص: ۵۰۸.
۳. المجهی الثانی ونهایه‌التاریخ، الکامل صبحی، بیروت: دارالمشرق (۱۹۹۶م)، ص: ۱۲۶.
۴. تیسن، هنری، الهیات مسیحی، ترجمه: ط. میکائیلیان، تهران: حیات ابدی (۱۳۵۶)، ص: ۳۴۸.
۵. همان.
۶. کتاب دوم اخنوخ: ۱: ۳۳؛ کتاب یوبیلیس: ۲۳: ۲۷.
۷. متی: ۱۴: ۲۵-۳۰؛ لوقا: ۱۹: ۱۱-۲۷؛ دوم تسالونیکیان: ۲: ۸-۶.
۸. دانیال: ۹: ۲۷-۲۳.
۹. دانیال: ۱۲: ۱.
۱۰. مزامیر: ۷۲: ۶-۱۱.
۱۱. مکاشفه: ۲۰: ۱-۳.

12. Hunt Stephan (ed), Christian.

نمونه این وضعیت را می توان در قیام برکوخبا مشاهده نمود که بسیاری گرد او جمع شدند و دست به قیام زدند؛ اما با سرکوب توسط رومیان تا مهر و مومها به فکر ظهور منجی نیفتادند. علاوه بر این ظهور عیسی و ناکامی بسیاری از یهودیانی که بعد از وی روی گردان شدند نیز سبب دوری موقتی ایشان از اندیشه منجی شد.



رواق ◀ ادیان ابراهیمی

چند مسیحای یهودی

راضیه روح اللّهی (پژوهشگر)



نام موسی در جزیره کرت ادعا نمود که ماشیح موعود است و با خشک نمودن دریا مردم را به فلسطین خواهد برد. او در زمانی مقرر مردم سرگشته را به بالای صخره ای فراخواند و سپس به ایشان دستور داد که به دریا وارد شوند و مطمئن باشند که آسیبی متوجه ایشان نخواهد شد. پس از این واقعه عده زیادی غرق شدند و بسیاری از بازماندگان نیز در اثر سرخوردگی شدید تغییر کیش دادند.^۱

سیرین نیز ماشیح دروغین دیگری بود که در ابتدای قرن هشتم در ممالک اسلامی مدعی شد که همان موعود مورد نظر یهود است و با وعده بازگرداندن ایشان به سرزمین مقدس توانست عده ای را گرد خود جمع نماید. او غالب احکام موجود در تورات و کتب مقدس را تغییر داده و سنن شفاهی را نیز زیر پا گذاشت و از یهودیان سراسر عالم دعوت کرد که به او بپیوندند. اما دیری نپایید که دستگیر شد و تحویل مقامات یهودی شد و کذب تمامی مدعیاتش عیان گشت.^۲

علاوه بر اینها، برخی دیگر نیز همواره برای ظهور منجی در یهودیت زمان تعیین نموده و یا مدعی مسیحایی بوده اند که همگی با شکست و رسوایی مواجه شده اند؛ زیرا در کتب مقدس یهودی هرگز اشاره دقیقی به زمان آمدن منجی موعود نشده است. البته این مسئله راه را برای تفاسیر مختلف باز گذاشته و موجب شده برخی از این مسئله سوءاستفاده نمایند.^۳

پی نوشت ها:

1. ENCYCLOPAEDIA JUDAICA, Second Edition, Gale, 2003, Vol 14, p. 110

۲. لوقا: ۱: ۲۷.

۳. رومیان: ۱: ۲-۴.

۴. لوقا: ۲۲: ۳۶-۳۸.

۵. پیدایش: ۱: ۲.

۶. مصاحبه با آرش آبابی مندرج در سایت رسمی انجمن

کلیمان ایران: www.iranjewish.com/Essay/Essay176_32_mashiah.htm

۷. شولم، گرمش؛ جریانات بزرگ در عرفان یهودی؛ ترجمه فریدالدین رادمهر؛ تهران: نیلوفر (۱۳۸۵)؛ ص ۳۶۱-۳۶۴.

8. Sherbok, Dan Cohn, Judaism: History, Belief and Practice, London and New York: Routledge, 2003, pp. 220-221.

۹. گریستون، جولیس، انتظار مسیحا در آیین یهود، ترجمه حسین توفیقی، دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم، ۱۳۸۶، قم، صص ۶۵-۷۵.

۱۰. همان، صص ۷۵-۸۵.

۱۱. مصاحبه با آرش آبابی.

در ادامه نگاهی اجمالی به زمان ظهور مسیحای یهودی و نیز برخی از افرادی که به دروغ ادعا داشتند که مسیحای یهودند، خواهیم داشت.

به طور کلی تفکرات مسیحایی در میان یهودیان زمانی توسعه یافت و فراگیر شد که مشکلات و سختی ها ملت یهود را از وضع موجود ناامید نمود و ایشان در پی منجی موعود خود روانه شدند. نمونه این وضعیت را می توان در قیام برکوخبا مشاهده نمود که بسیاری گرد او جمع شدند و دست به قیام زدند؛ اما با سرکوب توسط رومیان تا مهر و مومها به فکر ظهور منجی نیفتادند. علاوه بر این ظهور عیسی و ناکامی بسیاری از یهودیانی که بعد از وی روی گردان شدند نیز سبب دوری موقتی ایشان از اندیشه منجی شد.^۴ در دوران بعدی بسیاری به دروغ ادعای مسیحا بودن داشتند که همگی با شکست مواجه شدند. از بارزترین این مدعیان دروغین شبتای صوی بود. شبتای صوی در دورانی بود که یهود به شدت زیر فشار بودند و از سوی امپراتوری عثمانی، پادشاهان و کلیساهای ممالک مسیحی همواره در تعقیب و آزار بودند. در این زمان وی که تحت تأثیر اسحاق لوریا و عرفان وی بود، با تحریک هواداران خود، به ویژه ناتان غزه ای، خود را منجی موعود و مسیحا نامید.^۵ علی رغم اینکه وی بعدها توسط پادشاه عثمانی دستگیر و به مسلمانی شد، پیروان او که هنوز شبتای را مسیحا می پنداشتند، در توجیه اسلام آوردن وی می گفتند تنها شبجی از شبتای مسلمان شده و شبتای واقعی برای یافتن قبایل گم شده بنی اسرائیل به آسمان رفته است و به زودی باز خواهد گشت؛ همچنان که موسی در کاخ فرعون پرورش یافت، لازم بود مسیحا در کاخ سلطان عثمانی بماند تا بتواند نفوس گم گشته اسلام را نیز نجات دهد. شبتای صفت مسیحایی خویش را نگه داشت. وی مجاز بود به عنوان تبلیغ اسلام میان یهودیان، با آنان تماس بگیرد. شبتای در آنجا فرقه ای تأسیس نمود که تا امروز نیز زنده است و اکنون چند هزار نفر از آنان در ترکیه یافت می شوند.^۶

از دیگر مواردی که فردی به دروغ مدعی شد که ماشیح موعود است مربوط به انتهای قرن پنجم میلادی است. در این دوره که فشارهای مسیحیان بر یهودیان بالا گرفته بود فردی به

موعود یهودی که در تطور زمان نام مسیحای آن اطلاق شد، از ریشه لاتینی messias، آرامی meshiha و عبری mashi'ah-ha گرفته شده است. مسیحا پادشاهی مسیح شده است که با روغن مقدس تدهین شده و از خاندان داوود پادشاه است. داود همان کسی است که پس از مدت ها شکوه و جلال را برای بنی اسرائیل به ارمغان آورد و مسیحای یهودی دوباره همان جلال و شکوه را برای قومش به ارمغان خواهد آورد. از همین رو بود که انجیل نویسان با تلاش فراوان سعی بر آن داشتند تا نسل عیسی را به داوود برسانند.^۷ پولس نیز زمانی در صدد ایجاد اعتبار برای خود است در رساله خود به رومیان چنین می نویسد: «پولس غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده و جدا نموده شده برای انجیل خدا که سابقا و عده آن را داده بود به وساطت انبیای خود در کتب مقدسه درباره پسر خود که به حسب جسم از نسل داوود متولد شد».^۸ والیان رومی نیز زمانی که عیسای ناصری را بازداشت نمودند در عبارتی که به عنوان تقصیر نامه تدارک دیده بودند هم عنوان مسیحایی و هم پادشاه بودن او را یادآور شدند: «پس اگر او مسیح و برگزیده خدا می باشد خود را برهاند... و می گفتند: اگر تو پادشاه یهود هستی خود را نجات ده و بر سر او تقصیر نامه ای نوشته شد به خط یونانی و رومی و عبرانی که این است پادشاه یهود».^۹

یهودیان سنتی بر این باورند که نخستین اشارات به منجی را می توان در همان آیات آغازین مربوط به آفرینش در کتاب مقدس و سفر پیدایش یافت. در آنجا ذکری از روحی است که بر سطح آبها پرواز می کرد و این روح را همان منجی دانسته اند.^{۱۰} در ماجرای حضرت یعقوب و حضرت یوسف نیز اشاراتی به منجی موعود دیده می شود. تصریح به آمدن مسیحا یا همان ماشیح را می توان در کتب متأخر توراتی و کتب نبوتی مشاهده کرد؛ به عنوان مثال در باب ۱۶ اشعیا درباره زمان ظهور او خصوصیات از این قبیل ذکر شده است: «گرگ و گوسفند با هم خواهند چرید، شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و مار دیگر سمی نخواهد بود. در صهیون، در کوه مقدس من، دیگر چیزی شیر بر و مضر وجود نخواهد داشت».

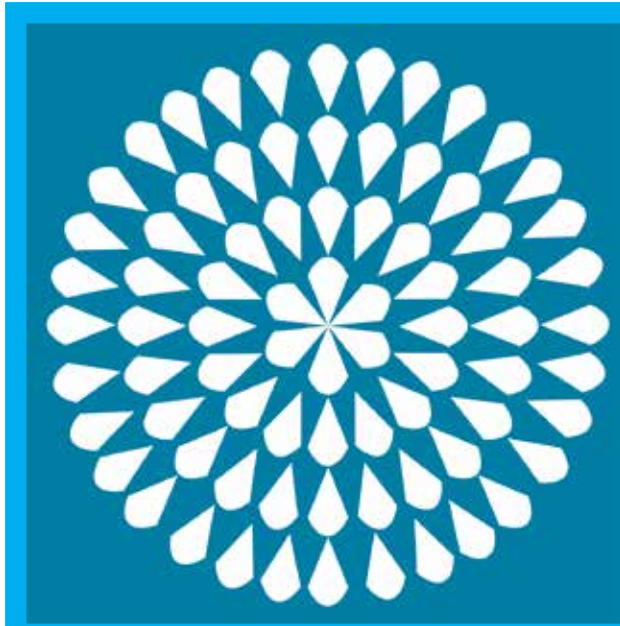
محراب

سر ویس محراب: جایی برای زندگی

بر خلاف اکثر مساجد که فقط خاص و ویژه مراسم‌های عزاداری هستند، در نقاطی از کشور هستند مساجدی که در کنار برنامه‌های مناسبتی خود با شرایط خاص شیوه برگزاری و امتیازات ویژه‌ای که در بحث پذیرایی و مالی می‌دهند، در مراسم‌های عروسی خدمت رسانی می‌کنند؛ که البته این کار نیازمند یک مدیریت یکپارچه و قوی می‌باشد.

مراسم جشن هم مانند دیگر برنامه‌ها نیازمند مهارت و برنامه‌ریزی است. باید در مناسبات و اعیاد و موایید هم به فکر برنامه‌ای منسجم، جذاب، شاد و متنوع بود و در این امر می‌توان از کارشناسان فنی و هنری استفاده کرد. نوع برنامه‌هایی که برای مردم و مخاطبان عمومی مسجد دیده می‌شود باید هدفمند و برای همه آنها جذاب باشد. مثلاً گاهی اوقات شاید اصلاً نیازی به سخنرانی نباشد بلکه می‌توان با تشکیل گروه‌های هنری مسجد، محتوای مورد نیاز خود را در زمان لازم در قالب آثار هنری دیداری و شنیداری در یک نمایشگاه به مخاطب خود ارائه داد و یکنواختی اینگونه برنامه‌ها را هم در ذهن مخاطب پاک کرد.

ارائه سبک زندگی اهل بیت (ع) و شیوه تعامل آنها در زندگی با استفاده از تابلو مقاله، بروشور، عکس نوشت، نرم افزار و کتاب می‌تواند یک برنامه شاد و جذاب را برای خانواده‌ها در پی داشته باشد.



چه خوب شد که دیر آمدید / ۳۸

ایستگاه صلواتی / ۴۲

پیام مهدوی / ۴۴

شادی در اسلام / ۴۶

اینفوگرافی / ۴۸

مسابقه نور افشانی / ۵۰

گزارش تکریم / ۵۱

کتابخانه مسجد / ۵۴



چه خوب شد که دیر آمدید!

به کوشش: علی اصغر غلامی

حجت الاسلام والمسلمین جواد صادق زاده، امام جماعت مسجد جامع نارمک متولد سال ۱۳۳۰ است. ایشان تحصیلات حوزوی را در کاشان از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد و در قم ادامه داد. ایشان در سال ۶۰ از طرف امام، امام جماعت مسجدی در رباط کریم شدند. بعد از آن مسئولیت‌های مهم زیادی را بر عهده گرفت؛ قائم مقام در امور مساجد، مسئول فرهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر و مسئول ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر. حاج آقا صادق زاده سی‌زده سال است که امام جماعت مسجد جامع نارمک است و به تازگی رئیس مرکز فعالیت‌های دینی شهرداری تهران شده است.

به اتفاق حاج آقا که می‌رسیم، چند ساعتی است که سخت مشغول مطالعه است برای تفسیر قرآن بعد از نماز. در پاسخ عذر خواهی ما از دیر کردن یا لبخند می‌گوید: «داشتم مطالعه می‌کردم. اتفاقاً چه خوب شد که دیر آمدید!» به سرعت مشغول پذیرایی از ما می‌شود. وقتی سی‌زده سال پیش حاج آقا صادق زاده به این مسجد آمد، جمعیت نمازگزاران مسجد زیاد نبود و از نظر مالی اوضاع درستی نداشت.



هیچ وقت نشده که نماز گزار بیاید و امام در مسجد نباشد و برگردد یا مجبور شود نماز را فرادا بخواند یا یک فرد غیر روحانی پیش نماز شود.

دیگری نماز را اقامه کند. هیچ وقت نشده که نماز گزار بیاید و امام در مسجد نباشد و برگردد یا مجبور شود نماز را فرادا بخواند یا یک فرد غیر روحانی پیش نماز شود.

دوم اینکه در این سیزده سال سیزده شب تأخیر نداشته‌ام؛ وقت می‌گذارم برای مسجد و نماز. هر روز یک ساعت و نیم‌الی دو ساعت پیش از نماز به مسجد می‌آیم و مطالعه می‌کنم. هر کس کاری با امام جماعت داشته باشد من پاسخگو هستم. دو ساعت هم بعد از نماز در مسجد حضور دارم و سوالات و درخواست‌های مردم را پاسخ می‌دهم. علاوه بر اینها همیشه نماز در نیم‌ساعت خوانده می‌شود. نماز گزار می‌تواند محاسبه و برنامه‌ریزی داشته باشد.

سوم اینکه برنامه داریم. تفسیر قرآن و حدیث و...

سخنرانان بسیار خوبی هم دعوت می‌کنیم».

عوامل موفقیت یک امام جماعت

حاج آقا مسئولیت رسیدگی به امور کلیه مساجد استان تهران را داشته و کوهی از تجربه است. خودش عنوان می‌کند که با داشتن چنین مسئولیتی دیگر اداره امور یک مسجد برایم کار بسیار آسانی است. از حاج آقامی خواهیم که به صورت موردی عوامل موفقیت یک امام جماعت را برای ما بگوید:

۱. نظم

امام جماعت باید بسیار منظم باشد. من در این سیزده سالی که در این مسجد امام جماعت بوده‌ام، یک بار نشده که سر نماز حاضر نشوم. اگر نتوانستم بیایم از قبل به مسئول امور فرهنگی مسجد، حاج آقا غلامی خبر داده‌ام تا روحانی

ایده جالب

حاج آقا صادق زاده برای سامان دادن به امور مسجد، ایده جالبی را اجرا کرده‌اند. برای انجام امور مسجد سیزده نفر نیروی پرسنلی ثابت استخدام کرده است و به آنها حقوق مکفی می‌دهد: «ما اینجا سیزده پرسنل داریم که حقوق می‌گیرند. شب عید هفده میلیون حقوق و عیدی و پاداش دادیم. سال اول که آمدم هیچ پولی نداشتیم و برای پرداخت مخارجمان از اوقاف دو میلیون پول گرفتیم. خادم‌ها می‌گفتند که بیشتر اوقات حقوقمان عقب می‌افتاد و می‌گفتند صبر کنید تا شب جمعه از مردم پول جمع کنیم و حقوقتان را بدهیم. شب‌ها حداکثر نصف مسجد پر می‌شد؛ اما حالا ما شب‌ها جا کم می‌آوریم و گاهی حیاط مسجد هم پر می‌شود. غیر از امام جماعتی که صبح‌ها نماز را اقامه می‌کند. دور روحانی در مسجد به کار گرفته‌ایم که یکی مدیر فرهنگی مسجد است و در دو بخش خواهران و برادران بسیار فعال است».

مسجد همیشه باز است

مسجد جامع نارمک هر روز از نیم ساعت قبل از نماز صبح باز است تا چند ساعت بعد از نماز مغرب و عشا. حاج آقا دلیل این موفقیت را استخدام یک مدیر داخلی می‌داند: «ما در مسجد مدیر داخلی داریم. مردم به او مراجعه می‌کنند برای مراسمات، ختم و... همیشه در مسجد حضور دارند و به مراجعات مردم پاسخ می‌دهند. برای همین است که حتی وسط هفته هشتصد نفر نماز گزار داریم و شب‌ها بالای هزار نفر. تمام ۱۲۰۰ متر فضای مسجد پر می‌شود».

هر شب برنامه داریم

چرا مسجد این قدر شلوغ است؟ حاج آقا صادق زاده در پاسخ به این پرسش ما می‌گوید: «چون مسجد ما علاوه بر اینکه کارکنان خوبی در مدیریت و امور فرهنگی و... دارد و همیشه از صبح تا شب باز است، هر شب برنامه دارد. شنبه‌ها و چهارشنبه‌ها تفسیر داریم که خودم می‌گویم. جمعیت نماز گزاران که تمام فضای مسجد را پر کرده‌اند، برای گوش دادن به تفسیر می‌نشینند. چند سال است که تفسیر را داریم و من برای هر جلسه‌اش، ساعت‌ها مطالعه می‌کنم. برای همین از بار بحث کم نشده است و حاضران در مجلس هم همچنان حضور پیدا می‌کنند. جمعه شب‌ها زیارت آل یاسین، شب‌های جمعه دعای کمیل، سه‌شنبه‌ها دعای توسل و دو شنبه‌ها جامع کبیره داریم.



باید زمان شروع نماز و همین‌طور زمانی که هر نمازی طول می‌کشد، مشخص باشد. باید این زمان همیشگی باشد و تغییر نکند تا نمازگزار از کار و برنامه‌های دیگرش بازماند و از مسجد فراری نشود.

داریم؛ فقط نماز نیست، مردمی که دنبال آموختن هستند از همه جا خود را به مسجد می‌رسانند. از علما و سخنرانان قوی و قدر و فاضل برای سخنرانی دعوت می‌کنیم؛ مثلاً آیت الله دزفولی، آقای مؤمنی از قم آمدند و ده شب اینجا منبر رفتند. آقای عالی که به اینجا برای سخنرانی آمدند گفتند: «این جمعیت مال یک مسجد نیست، مال نماز جمعه است. این جمعیت در هیچ مسجدی دیده نمی‌شود». این برنامه‌های ما سلیقه مردم را بالا برده است و اگر سخنران متوسط دعوت کنیم مردم شکایت می‌کنند.

۲. برنامه ریزی دقیق برای نماز

زمان نماز باید دقیقاً مشخص باشد؛ نه اینکه یکشب ده دقیقه باشد و یک شب بیست دقیقه. شخصاً دیده‌ام که در مسجدها برنامه و زمانبندی مشخصی برای نماز وجود ندارد. مدتی طول می‌کشد نماز شروع شود و مدتی که دقیقاً معلوم نیست چقدر است طول می‌کشد تا نماز دوم شروع شود. گاهی نماز غفیله خوانده می‌شود و یا اینکه بین نماز سخنرانی می‌کنند. باید زمان شروع نماز و همین‌طور زمانی که هر نمازی طول می‌کشد، مشخص باشد. باید این زمان همیشگی باشد و تغییر نکند تا نمازگزار از کار و برنامه‌های دیگرش بازماند و از مسجد فراری نشود.

۳. عالم بودن

امروز نمی‌توان بدون علم و مطالعه امام جماعت خوبی بود. اگر امام جماعت از فضل تهی باشد، چه چیزی می‌تواند به نمازگزار که ساعتی از عمرش را در اختیار او گذاشته بدهد؟ امام جماعت باید بتواند به مخاطب مطلب خوب و باارزش بدهد؛ باید بتواند یک آیه و حدیث تفسیر کند؛ باید بتواند به شبهات پاسخ دهد؛ باید مبانی را بداند و مسلط باشد؛ باید آیه و حدیث بداند و به سوالات و شبهات مردم جواب درست بدهد.

۴. قرائت

امام جماعت باید صوت و قرائت خوب و درستی داشته باشد. من در مورد آقایانی که برای اقامه نماز دعوت می‌کنم حتماً صوت و قرائت را در نظر می‌گیرم.

۵. ارتباطگیری و مخاطب‌شناسی

ارتباط خوب با مردم برقرار کردن خیلی مهم است. باید در شادی‌ها، غم‌ها و مشکلات مردم شرکت کرد. ماهم در عروسی‌ها و مجالس جشن و شادی مردم شرکت می‌کنیم، هم در سوگ آنها تخفیف ویژه به خانواده‌عزادار برای برگزاری مجلس ختم می‌دهیم. با اینکه نیاز مالی ندارم در مجلس ختم خودم سخنرانی می‌کنم و با عزاداران همدردی می‌کنم. همین چند شب پیش به عیادت یکی



ارتباط خوب با مردم برقرار کردن خیلی مهم است. باید در شادی‌ها، غم‌ها و مشکلات مردم شرکت کرد. ما هم در عروسی‌ها و مجالس جشن و شادی مردم شرکت می‌کنیم، هم در سوگ آنها تخفیف ویژه به خانواده عزادار برای برگزاری مجلس ختم می‌دهیم.



از ساختمان مسجد، تکه تکه است. کمبودهایی هم داریم، مثلاً از نظر جای پارک ماشین، نمازگزاران در مضیقه هستند. در نظر داریم قسمت‌هایی از مسجد را تخریب کنیم و روی نقشه مهندسی بسازیم. چند آپارتمان اطراف مسجد را خریداری کرده‌ایم تا با فروش آنها خرج ساخت مسجد را تأمین کنیم. همچنین برای ساخت در مانگاه مسجد مجوز گرفته‌ایم. داشتن در مانگاه و کارهایی از این دست در مسجد، برای مسجد آفت نمی‌شود؟ نه اصلاً. تمام تلاش ما این است که به نیازهای مردم رسیدگی کنیم. برنامه ما این است که در مانگاهی مجهز بسازیم تا تمام سرویس‌های پزشکی مورد نیاز مردم را با کمترین قیمت ارائه دهیم. از این طریق به مردم خدمت‌رسانی کرده، باعث دلگرمی و جذب مردم به مسجد می‌شویم.

من غیر فعال بود؛ ولی مشکل ساز نبود. حالا فعال است و مشکلی نداریم.

◆ راهکار مهم برای ائمه جماعات

حاج آقا صادق زاده در پایان صحبت‌هایشان به نکته مهمی اشاره کردند:

من قائم مقام مساجد بودم و به امامان جماعت می‌گفتم همیشه در امور مالی سند داشته باشید. امام جماعتی را می‌دانستم انسان خوب و پاکی است. اما چون سند نداشت از نظر مردم مورد اتهام بود.

من از همان ابتدا در مسجد مسئول مالی و حسابرس داشتم. یک حسابدار با حقوق خوب استخدام کرده‌ام و تمام حساب‌هایمان را بانه‌ای و دقیق است. حساب‌های هر زمانی را بخواهید همین الان می‌توانیم در بانه مسجد ببینیم.

مسجد ما تنها مسجدی است که آن قدر حساب‌هایش دقیق است که وقتی حسابرس آمد و حساب کرد، نامه تشکر از امور مساجد به ما دادند. هیچ پولی به وسیله من خرج نمی‌شود. هر هزینه‌ای با نظارت رئیس هیئت‌امنا و با امضای او خرج می‌شود. رئیس هیئت‌امنا یک پیرمرد موجه و مورد اعتماد همه مردم و پدر شهید است که رئیس بانک بوده و به امور بانکی تسلط دارد. هر سال من به مردم گزارش مالی مسجد را می‌دهم و مردم می‌دانند پول‌ها از کجا تأمین و چقدر در کجا هزینه شده است.

◆ برنامه‌ای برای آینده مسجد دارید؟

این مسجد پنجاه سال پیش ساخته شده و نگهداری و تعمیر آن هزینه بردار است. از طرفی، روی نقشه مهندسی خوبی ساخته نشده و بخشی

از اهالی محل رفتیم که بیست نفر من را همراهی می‌کردند. این کار باعث دلگرمی بیمار و احیای سنت عیادت از بیماران و باعث جذب بیشتر مردم به مسجد می‌شود.

◆ زمان شناسی

امام جماعتی که دغدغه مردم و مسئولیتی که بر عهده دارد را داشته باشد، همیشه متوجه مقتضیات زمانی که در آن قرار دارد هست و بر اساس نیاز زمان و مردم مسجدش برنامه‌ریزی می‌کند.

◆ جوانان و مسجد

نیروی اجرایی مسجد جامع نارمک جوانان علاقه‌مند محل هستند. چطور این جوانان در مسجد این قدر موفق عمل می‌کنند؟

من خودم ارتباط خوبی با جوانان دارم. می‌خواستم کسی را مسئول پی‌گیری برنامه‌های فرهنگی جوانان کنم که فعال، خوش فکر، خوش برخورد و با برنامه باشد و دافعه نداشته باشد و جوانان را جذب کند. ۳-۴ نفر مسئول فرهنگی عوض کردم تا به شخصی که می‌خواستیم رسیدیم.

حاج آقا غلامی یک روحانی جوان است. چون فاصله سنی کمی با جوانان و نوجوانان مسجد دارد، حرف همدیگر را می‌فهمند با هم دوست هستند و جمع بسته‌ای ندارند. گروه بزرگی هستند و فعالیت‌های خوبی دارند. الان در مسجد جوانانی داریم که آن قدر با مطالعه‌اند که خودشان بچه‌ها را در مسجد جمع می‌کنند و برای شان صحبت می‌کنند.

یکشنبه شب‌ها بعد از نماز کرسی قرآنی داریم. استادش آقای زمانیان است که هزینه خوبی داده‌ایم و می‌آید. حداقل هفتصد نفر در این حلقه قرآنی شرکت می‌کنند. بعید می‌دانم در تهران مسجدی این برنامه را با این جمعیت و کیفیت داشته باشد. در بخش خواهران هم بسیار موفق عمل کرده‌اند. آمار و لیستی به من داده‌اند که در برنامه‌های مختلف فرهنگی مورد نیاز خانم‌ها هزار نفر جذب داشته‌اند.

◆ مسجد و مدرسه

در اجرای یکی از توصیه‌های حضرت آقا در مورد ارتباط مسجد و مدرسه آیا برنامه‌ای دارید؟ در این مورد تازه کار را شروع کرده‌ایم. قرار است به مدرسه‌های محل برویم و به شاگردان خوب مدرسه جایزه بدهیم. ان شاء الله برنامه‌های دیگری در آینده داریم.

◆ مسجد و بسیج

ارتباطتان با بسیج چطور است؟ بسیج مادر ابتدای ورود ارتباط‌مان خوب است.



ایستگاه صلواتی

فرصت‌های مغفول مانده در جشن‌های مذهبی

نعیمه موحد



وسیع نذر به دست‌عابری که حتی گاهی موجبات اسراف را هم فراهم می‌کند، می‌توان خیریه‌ای ایجاد کرد که نذر را به دست‌نیازمندش برساند. این اقدام در وهله اول موجبات خشنودی صاحب مجلس را فراهم خواهد کرد و نیز از تجمعات بسیار در معابر عمومی و معاصی‌ای که ممکن است به طور خواسته یا ناخواسته در پی آن و در ایام شادی و ولادت‌نامه اتفاق بیفتد جلوگیری خواهد شد. نکته‌ای که درباره برگزاری جشن‌های مذهبی باید مدنظر داشت محوریت قرار دادن مسجد است. مسجد به عنوان پایگاه امور دینی و اجتماعی جایگاه بسیار والایی برای ارائه بسته مناسب جشن دینی دارد.

یکی دیگر از شکل‌های برگزاری مراسم خیریه و نذری در ایام جشن می‌تواند جشن گلریزان باشد. متولیان و هیئت‌امنائی مساجد که معمولاً شناخت کاملی از اعضای محله اطراف مسجد و نیازمندان آن دارند، می‌توانند در کنار برگزاری مولودی‌ها در مسجد، از طریق جمع کردن مختصر مبلغی از هر شرکت‌کننده گره‌بزرگی از مشکلات فرد یا افرادی باز کنند. امام کاظم (علیه السلام) می‌فرمایند: «همانا مهربان‌ترین اعمال شما، بر آوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است؛ و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی‌شود».

بحث تربیت دینی و نهادینه کردن عادات مذهبی در کودکان جزء ظرفیت‌های بالقوه و بزرگ جشن‌های مذهبی است. از آنجایی که طبع کودک بیشتر به شادی گرایش دارد، جشن‌های

برگزاری اعیاد و جشن‌های مذهبی، همچون گرمی داشت ایام شهادت و وفات بزرگان دین، در فرهنگ اسلامی از جایگاه بالایی برخوردار است. اما بنابر عادت غلط یا فرهنگ اشتباه، در جامعه ماسم معمولاً آن بر نامه منظم و مدونی که برای برگزاری عزاداری‌ها وجود دارد برای جشن‌های مذهبی نیست. همین روند باعث شده است که بسیاری از وجوه بالقوه آن، مانند تربیت دینی، برگزاری باشکوه‌تر و اثربخشی عمیق‌تر هستند، نادیده گرفته شود.

اکنون که در آستانه برگزاری اعیاد بزرگ شعبانیه قرار داریم، خوب است که با محوریت استفاده از حداکثر ظرفیت جشن‌های مذهبی، نگاهی تازه به چگونگی برگزاری این مراسم‌ها بیندازیم و ابعاد مغفول مانده یا کمتر پرداخته شده آن را بررسی کنیم

یکی از رسوم بسیار زیاده‌ر فرهنگ مذهبی شیعه، پخش نذری است که در هر دو ایام عزاداری و جشن صورت می‌گیرد. بانی نذر معمولاً نیاتی دارد که در رأس همه آنها قبولی نذرش در پیشگاه خداست. در بسیاری از اعیاد شاهد برپایی ایستگاه‌های صلواتی در خیابان‌ها و معابر عمومی هستیم که اقدام به پخش نذری در بین عابری‌ن و ماشین‌های عبوری می‌کنند. در مقبولیت و نیت زیبای گردانندگان این ایستگاه‌ها شک نیست؛ اما از همین جامی توان یکی از راهکارهای برگزاری مؤثرتر جشن اهل بیت (علیهم‌السلام) استخراج کرد. از دل این ایستگاه‌های صلواتی، به جای رساندن

بانوان و مسجد

سیدمرتضی موسوی

در تفسیر علی بن ابراهیم در شأن نزول آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» چنین آمده است: آن ایام زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و پشت سر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نماز می‌گذازند. هنگام شب موقعی که برای نماز مغرب و عشاء می‌رفتند بعضی از جوانان هرزه و اوباش بر سر راه آنها می‌نشستند و با مزاح و سخنان ناروا آنها را آزار می‌دادند و مزاحم آنان می‌شدند. آیه فوق نازل شد و به آنها دستور داد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه مزاحمت پیدا نکند.

در آیات این سوره به دنبال نهی از ایذاء رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و مؤمنان در آیات گذشته، در اینجا روی یکی از موارد ایذاء تکیه شده است و برای پیشگیری از آن به زنان با ایمان دستور شده است که هر گونه بهانه و مستمسکی را از دست مفسده‌جویان بگیرند.^۱

در اینکه منظور از شناخته شدن چیست، دو نظر وجود دارد. نخست اینکه در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب، سهل‌انگار و بی‌اعتنا نباشند. به نظر می‌رسد که منظور از جلیاب، پوششی است که از روسری بزرگ‌تر و از چادر کوچکتر است؛ چنان که نویسنده «لسان العرب» روی آن تکیه کرده است.

این آیات اگر چه بنا به نظر اهل تفسیر در مقام بیان فلسفه حجاب است؛ اما سخنی از این نیامده که زنان حضوری در اجتماع نداشته باشند. همان طور که از شأن نزول آن بر می‌آید در مورد حضور زنان در مساجد است و نه تنها نهی‌ای ندارد، بلکه به این حضور به گونه‌ای امر شده است.

پی‌نوشت:

۱. احزاب: ۵۹.

۲. تفسیر نمونه: ج ۱۷، ص ۴۲۸.

جایی برای کودکان

سیدمرتضی موسوی

در کتاب شریف کافی بابی با عنوان باب حق الاولاد وجود دارد که درباره حق اولاد بر پدر و مادر و وظایف آنان نسبت به فرزندان است و روایات متعددی در این باره وجود دارد. ابتدا درباره انتخاب اسم، ادب و تعلیم صحبت شده است و درباره اینکه باید به نیازهای کودک توجه ویژه کرد نیز مطالبی آمده است. در روایتی از امام کاظم علیه السلام از قول پیامبر آمده است: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا قَالَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَادَبُهُ وَوَضْعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا»^۱.

از موضوع که او را در موضع نیکو قرار ده، برداشت‌های متعددی می‌توان کرد؛ اما روایات بعدی که بعضاً درباره مسجد است می‌تواند مؤید این باشد که یکی از بهترین این مواضع نیکو، مسجد است. مانند روایتی که پیامبر به دلیل گریه کودکی نماز خود را سریع خوانده‌اند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثْتَ فِي الصَّلَاةِ حَدِيثًا قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ»^۲. با توجه به متن روایت می‌توان فهمید که در زمان پیامبر نیز کودکان در مسجد حضور داشته‌اند و نهی خاصی در این مورد نیز وجود نداشته است.

نکته تربیتی ویژه این روایت این است که پیامبر از سؤال عده‌ای که از سرخ خواندن نماز پرسیدند، متعجب شدند؛ گویی انتظار داشته‌اند که همه متوجه نیاز کودک باشند که باید مادرش به نیاز او رسیدگی کند؛ چرا که با چنین لحنی سؤالی فرمودند: «أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟» این روایت به علاوه حضور مادران به همراه مردان و کودکان در مسجد را نیز در زمان رسول خدا بیان می‌کند.

پی‌نوشت:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط-الإسلامية)-تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲. همان، حدیث ۴.

نکته‌ای که درباره برگزاری جشن‌های مذهبی باید مدنظر داشت محوریت قرار دادن مسجد است. مسجد به عنوان پایگاه امور دینی و اجتماعی جایگاه بسیار والایی برای ارائه بستر مناسب جشن دینی دارد.



شک کرده است، بی‌شک یکی از دلایل آنها عشق به حضرت عنوان می‌شود. حال اگر این عشق و تعلق قلبی با منبری مناسب و درخور حال و هوای جوانی، با تبیین مسئله «ولایت فقیه» همراه شود، نیمه شعبان را برای جوان از یک مناسبت تقویمی شادمانه خارج می‌کند و به یک آگاهی و دغدغه در وجودی بدل می‌کند.

شاید برای خیلی از افراد شنیدن صرف نکاتی درباره کمک کردن به دیگران و تربیت دینی کودک و جوان کافی نباشد و تصویری بیرونی از این سخنان برای شان شکل نگیرد. با کمی همت و رجوع به آنچه که در گذر زمان در مورد برگزاری مراسمات مذهبی به فراموشی سپرده‌ایم، می‌توان دین را به عرصه عمل وارد کرد و این گونه صاحب مجلس را به معنای واقعی از میهمان جشن خویش راضی و خوشنود گرداند.

مذهبی فرصتی مناسب برای آشنایی آنان با فلسفه جشن و شادی برای اهل بیت علیهم السلام است. بسیاری از مساجد این امکان را دارند که با به کارگیری یک فرد متخصص در امور مذهبی، کودکان را از جمع بزرگسالان جدا کنند و با بازی و فعالیت‌های کودکانه، بذرعشق و علاقه به دین را در جسم و روح آنان بکارند. اثری که این نوع تربیت در وجود کودک می‌نهد در کمتر کلاسی پیدا خواهد شد. جوانان هم از اقشاری هستند که به جشن‌های مذهبی اقبال زیادی دارند. فرصتی که می‌توان در این مراسم برای جوانان ایجاد کرد، خارج کردن محتوای مولودی‌ها و سخنرانی‌ها از مباحثی است که ممکن است به دلیل تکرار زیاد، حالت کلیشه‌ای به خود گرفته باشد و نتواند در جذب مخاطب توأم عمل کند. برای مثال در نیمه شعبان، اگر از جوان پرسیده شود که چرا در مراسم تولد امام زمان علیه السلام



منبر ▶ پرونده مسجد



پیام مهدوی

باز نمای شاخصه‌ها و ویژگی جشن مطلوب در نیمه شعبان

امیر محسن عرفان

خلیعه سخن

موضوع اصلی این است که بتوانیم تعادلی میان اهداف کلان اندیشه مهدویت و آنچه در جشن‌های نیمه شعبان به مخاطب ارائه می‌شود فراهم کنیم. به رغم سعی میراث‌گران سنگی که در باب فهم آموزه مهدویت برای ما بازمانده است، همچنان مبتلا به کاستی‌ها و ناراستی‌های بسیاری در رویکرد به آموزه مهدویت هستیم. طبیعی است تحولات کلان در حوزه آموزه مهدویت را نمی‌توان بر اساس نظرات چند نفر معدود (هر چند نخبه) به انجام رساند؛ بلکه باید با مشارکت همه نخبگان و همه دست‌اندرکاران و صاحب‌نظران به انجام رساند؛ زیرا اگر در این زمینه اکثریت حضور نداشته باشند و خود را با جامعه همراه‌ندانند کار به سرانجام نخواهد رسید.

اصول حاکم بر جشن‌های نیمه شعبان

طبیعی است که برگزاری مراسم‌های مذهبی در جامعه دینی مبتنی بر اصول کلی‌ای همچون انطباق با آموزه‌های اسلامی، احیای ارزش‌های اسلامی و انقلابی در برابر اهداف استکبار جهانی، امیدبخشی، آموزندگی در برابر انحراف، انسان‌سازی و... است. راقم این سطور با مفروض گرفتن این اصول، موارد زیر را نیز از مهم‌ترین

شاخصه‌های جشن مطلوب مهدوی می‌داند:
۱. طرح مباحث ضروری و کلان‌اندیشه مهدویت

«مفید بودن» و «دارای اولویت بودن» از جمله خصوصیات یک پیام مهدوی است. مراد از مفید بودن به این معنا است که نیاز خاصی را مرتفع سازد و دارای فایده و ارزش باشد. پرداختن به موضوع‌های تکراری در عرصه مطالعات مهدوی تنها برای اسقاط تکلیف است. مفید بودن لزوماً به معنای کاربردی بودن نیست، بلکه مراد از آن اثربخشی پیام مهدوی است. مهم‌ترین موضوعات راهبردی در عرصه مهدویت که نیازمند توجه بیشتری هستند عبارت‌اند از: شاخصه‌های جامعه منتظر، وظایف شیعیان در قبال امام، دشمن‌شناسی اندیشه مهدویت و...

منظور از دارای اولویت بودن پیام مهدوی این است که علاوه بر مفید بودن، ضرورت داشته باشد. مهم‌ترین شاخصه‌های دارای اولویت بودن یک برنامه مهدوی عبارت است از:

الف. پاسخ‌گو بودن به مبرم‌ترین نیاز مهدوی مخاطب؛

ب. رفع فوری تری خلل اعتقادی مخاطب؛

ج. داشتن عمیق‌ترین تأثیر؛

د. مسبوقیت آن به تحقیقات غنی.

به‌عنوان نمونه به جای تأکید افراطی بر نشانه‌گرایی و مباحث علائم ظهور بحث شرایط ظهور به‌عنوان اولویت در مباحث مهدویت مطرح گردد.

۲. غلبه پیام مهدوی بر فرهنگ عامه‌پسند

ساده‌سازی حقایق معنوی و تقلیل دادن آنها به امور قابل فهم برای مخاطبان عادی به قیمت فدا کردن اصالت و خلوص این حقایق را می‌توان از جمله کاستی‌های برخی از جشن‌ها و عزاداری‌ها دانست. با وجود این، باید برای رفع پاره‌ای از کاستی‌ها، به ویژه کاستی‌های محتوایی، که به کاهش اثرگذاری برنامه‌های مذهبی می‌انجامد، چاره‌اندیشی شود. مشکل غلبه محتوای فرهنگ عامه‌پسند بر پیام دینی، از مهم‌ترین کاستی‌ها در این زمینه است. گرایش شدید جامعه شیعی به مباحث مهدویت سبب شده است شاهد سطحی‌نگری و کمیت‌گرایی در رویکرد به آموزه مهدویت باشیم. در حال حاضر ساز و کارهای فرهنگی به نحوی تنظیم شده‌اند که برنامه‌های کمی را ارزشمند تلقی کرده، انجام آن را تشویق می‌کنند. تأملی در برنامه‌ها و جشن‌های نیمه شعبان دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها در عرصه مهدویت، نشان می‌دهد که این برنامه‌ها تنها اسقاط تکلیف است تا انجام وظیفه!

گفتنی است که «مهدویت‌گرایی عوامانه» در رویکرد به اندیشه مهدویت بنای استقلال دارد. از این رو، خود را بی‌نیاز از مرجعیت رسمی تفسیر این اندیشه می‌داند. در گرایش عرفی به اندیشه مهدویت احساسات حرف اول را می‌زند و از سویی دیگر در مراجعه به منابع نیز آسان‌گیر

آنچه با عنوان مدیریت مخاطبان مطرح است، بیانگر مجموعه‌ای از اقدامات، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی‌ها میان عوامل تولید پیام مهدوی و دریافت کنندگان است. باید توجه داشت که عوامل ساختاری و محتوایی در عدم پابندی مخاطبان به برنامه‌های مهدوی نقش ایفا می‌کنند.



و متساهل است. در رویکرد عرفی به اندیشه مهدویت، برداشت‌های دینی بر اساس مفاهیم و اصول بنا نشده است؛ بلکه به جای مفاهیم، این شخصیت‌های تاریخی و مذهبی هستند که محوریت می‌یابند و برای استحکام این محوریت، لازم است که جنبه اسطوره‌ای به خود بگیرند.

به نظر می‌آید بسیاری از مخاطبان در جامعه ما، به خصوص نسل جوان اطلاعات درستی درباره اندیشه مهدویت ندارند. رویکرد احساسی و عاطفی به این موضوع درک نادرستی را به مخاطب القامی کند. شرکت کنندگان در جشن‌ها باید توجه داشته باشند که کسب رضایت امام عصر علیه السلام مهم‌ترین وظیفه آنان است.

۳. مخاطب‌شناسی پویا

برای برقراری ارتباط نزدیک با مخاطبان و افزایش اعتماد آنان به برنامه‌های مهدوی، باید نحوه فرایند تولید برنامه‌های مهدوی بر اساس نیاز مخاطبان و واکنش‌های آنان در برابر انتشار پیام‌های مهدوی از طریق روش‌های افکار سنجی مدیریت شود. در واقع آنچه با عنوان مدیریت مخاطبان مطرح است، بیانگر مجموعه‌ای از اقدامات، برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و هماهنگی‌ها میان عوامل تولید پیام مهدوی و دریافت کنندگان است. باید توجه داشت که عوامل ساختاری و محتوایی در عدم پابندی مخاطبان به برنامه‌های مهدوی نقش ایفا می‌کنند.

در زمینه رصد افکار عمومی در عرصه آموزه مهدویت توجه به نکات زیر خالی از لطف نیست: شناخت نیازهای اطلاعاتی مخاطبان در عرصه اندیشه مهدویت؛ برای مثال لازم است بدانیم که مخاطبان ما به صورت جمعی یا فرد فرد در چه مرحله‌ای از مراحل پذیرش پیام مهدوی قرار دارند. آگاهی؛ جلب توجه و علاقه‌مندی؛ ارزیابی پیام مهدوی؛ آزمایش و تجربه؛ یا پذیرش و پی‌گیری؟

– شناخت هویت شخصی مخاطبان؛

– کشف رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی (جنس، سن، ملیت، مذهب و سطح تحصیلات) و نوع نگاه به آموزه مهدویت و موعودگرایی؛

– نقد شرایط موجود در تبلیغ اندیشه مهدویت و تعیین نیاز مخاطبان برای شرایط مطلوب؛

– ایجاد گرایش به امور کلان و ضروری جامعه منتظر در مخاطبان؛

– تبدیل گرایش به نگرش در مخاطبان؛

– تبدیل نگرش به رفتار در مخاطبان.

۴. پرهیز از نمادگرایی افراطی

نماد در لغت به معنای نمود (نمودن) است. نمودن یعنی نشان دادن، ارائه دادن، آشکار کردن، به نظر رساندن، نمایش دادن، معرفی کردن. بنابراین، نماد آن چیزی است که در پس خود چیز دیگری را نشان دهد؛ «چیزی که جای چیز دیگری را می‌گیرد و بر آن دلالت می‌کند».

نمادسازی مکانیسمی است که رسانه‌های تصویری از طریق آن بر تبلیغات دینی تأثیر می‌گذارند. اگر نمادها را منبع وحدت و هویت فرهنگی و عاملی برای معنا بخشیدن به زندگی دینی تلقی کنیم، مفهوم لزوماً به نمادهای کهن دینی منحصر نخواهد شد و به نمادهای جدید نیز قابل تعمیم خواهد بود. بر اساس این، زمانی که تلویزیون از برخی از مکان‌های مذهبی یا چهره‌ها و... نمادهایی می‌سازد که نقش گروه مرجع را بر عهده می‌گیرد، به این معنا که بسیاری از مردم و به ویژه جوانان محور نماد شوند و صاحب نماد را از یاد برند، قهرامین کارآمدی برنامه‌های تبلیغی دین در هویت بخشی به افراد جامعه کاهش می‌یابد.

در مواجهه با این مشکل نیز دوراهکار اصلی وجود دارد:

۱. کوشش در جهت نمادسازی منطبق بر باورها و ارزش‌های دینی از طریق معرفی مجدد نمادهای واقعی و حقیقی یافته دین؛

۲. اتخاذ سیاست‌هایی در جهت حذف رویکرد نمادسازی ناموجه در جامعه.

از جمله آسیب‌های مادر جامعه، نمادگرایی افراطی است. به گونه‌ای که جنبه نماد بودن بر جنبه حقیقت آن و واقعیتی که در پس آن وجود دارد، غلبه می‌کند. به عنوان مثال جشن‌های نیمه شعبان و مسجد مقدس جمکران از جمله

نمادهای مهدوی است؛ اما اگر فقط به جنبه نماد بودن آن پرداخته شود آسیب‌زا خواهد بود. به بیان دیگر، توجه افراطی یا محض به نماد آن است که معنا و حقیقت پنهان یا کهرنگ گرد و دوازده ظاهر رونق بیشتری بگیرد.

سخن آخر

این نوشتار پرسش‌های متعددی را پیش روی سیاست‌گذاران فرهنگی و مدیران اجرایی بر گزاری جشن‌های نیمه شعبان قرار می‌دهد:

۱. آیا اکنون جوانان ما یا اندیشوران ما رویکرد مؤثری به جشن‌های نیمه شعبان داشته‌اند؟

۲. به لحاظ قشر بندی اجتماعی، بیشتر کدام گروه‌ها فریب جریان‌های انحرافی مهدویت را خورده‌اند؟

۳. متولیان فرهنگی ما چه فضایی را باید برای فهم‌پذیری درست و صحیح معارف مهدوی مهیا کنند؟

۴. ریشه‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و فرهنگی استقبال مردم از برنامه‌های مهدوی در چیست؟

۵. آیا گسترش فعالیت رسانه‌ای رقیب در عرصه موعودباوری و ترویج افکار انحرافی در این زمینه یک تهدید است یا برعکس در صورت تدبیر صحیح می‌تواند یک فرصت تلقی شود و نویدبخش باشد؟

۶. مسجد در جامعه زمینه‌ساز ظهور باید چه ماهیت و ویژگی‌ای داشته باشد؟ مهم‌ترین مؤلفه‌های مسجدز زمینه‌ساز کدام است؟

پرسش‌هایی از این دست فراوان است که پاسخ آن را به پژوهشگران با انصاف و مدیران دغدغه‌مند و امی گذارم.

پی‌نوشت:

۱. دهخدا، لغت‌نامه، ص ۲۰۱۱۹.



محراب ۱ پرونده مسجد



همسایه مسجد

سید مرتضی موسوی

هر کسی دوست دارد تادیر شرایطی قرار گیرد که مورد خطاب الهی باشد؛ البته برای مواردی که تبشیر به خیر باشد. مثل خطاب خداوند به اهل ایمان. اهل ایمان شدن یا جزء حزب خدا بودن که غلبه با آنان است آرزویی است که بسیاری دارند. منافقین از اینکه آیه‌ای در مورد آنان نازل شود او همه داشتند.^۱

یکی از وعده‌های قرآن که همسایگان مسجد در اولویت آن قرار دارند وعده بخشایش و آموزش است. با تفسیری که از روایات برای آیات بیان می‌شود، همسایگان مسجد که زودتر به مسجد می‌رسند و در آن حضور دارند به این آموزش نزدیک‌ترند. در سوره احقاف گروهی از اهل ایمان، اجابت دعوت خداوند را سبب آموزش خویش دانسته‌اند.^۲ در روایات نیز که بهترین تفسیر قرآن به حساب می‌آیند، آمد و شد به مسجد و رعایت دستورات وارده در مورد آن را اجابت این دعوت بر شمرده‌اند.

پیامبر اکرم اسلام در سفارشی به ابوذر می‌فرماید: «یا اباذر من اجاب داعی الله و احسن عمارة مساجد الله کان ثوابه من الله الجنة فقلت کیف یعمّر مساجد الله؟ قال: لا ترفع فیها الا صوات و لا یخاض فیها الباطل و لا یشتری فیها و لا یباع و اترك اللغو ما دمت فیها فان لم تفعل فلا تلومن یوم القيامة الا نفسک؛ ای اباذر! هر کس به فراخوان خدا پاسخ مثبت دهد و آبادانی مسجدهای خدا را نیکو به انجام رساند، پاداش او از سوی خدا، بهشت خواهد بود. گفتیم: فدایت شوم! مسجدهای خدا چگونه آباد می‌شوند؟ فرمود: در آنها صداها بلند نمی‌گردند، در بیهودگی غوطه‌ور نمی‌شوند، و خرید و فروش صورت نمی‌پذیرد. پیوسته در مسجد کارهای بیهوده را رها ساز پس اگر چنین نکردی در روز رستاخیز جز خوشتن را ملامت مکن».^۳

پی نوشت:

۱. یا ایها الذین آمنوا (جمعه: ۹).
۲. یحسون کل صیحة علیهم (توبه: ۶۴).
۳. یا قومنا اجیبوا داعی الله (احقاف: ۳۰).
۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج: ۵، ص: ۲۲۳.

شادی در اسلام

بررسی مسئله شادی و فرح در سیره اهل بیت (علیهم السلام)

مهدی منتظری

نگاه تک‌بعدی به گزاره‌های دینی موجب حذف دین از دل جامعه و طرد شدن متدینان از میان مردم است. در تک‌تک موضوعات دینی باید ابعاد و زوایای مختلف را در نظر گرفت؛ سپس به بحث و گفت‌وگو پرداخت. موضوع شادی در دین با وجود آنکه دغدغه زندگی مان است؛ اما از آن دست مباحثی است که هنوز برداشت درستی نسبت به آن استخراج نشده است. برای آنکه نگاه روشنی نسبت به موضوع شادی در اسلام داشته باشیم بهتر است به طرح سه مسئله بپردازیم.

۱- گاهی شنیده‌ایم و یا با کسانی برخورد داشته‌ایم که می‌گویند آدم‌های مذهبی زندگی شادی ندارند و افسرده هستند. طرفداران این نظر به با آنکه مسلمان‌اند، در گروه غیر مذهبی‌ها قرار می‌گیرند. به نظر آنها شخص مذهبی غیر قابل انعطاف و خشک است.

۲- گاهی اوقات آدم‌هایی که از فرهنگ و سرزمین دیگری پا به جامعه ما می‌گذارند با دیدن مذهبی‌ها این‌طور قضاوت می‌کنند که مناسک و آداب دینی مسلمانان دست و پاگیر است و تفریح و شادی در دین اسلام از جایگاه کم‌رنگی دارد.

۳- در پاره‌ای از اوقات این سؤال مطرح می‌شود که اساساً نگاه اسلام به مقوله شادی چیست؟ و نمود شادی در زندگی یک مسلمان و تلاش او برای کسب شادی و نشاط در زندگی چگونه باید باشد؟

یکی از نکات کلیدی و مهمی که در مسئله اول و دوم باید به آن توجه کرد، این است که معیار و مقیاس واحدی در سنجش میزان و نوع شادی بین مسلمان مذهبی و غیر او وجود ندارد. به بیان ساده‌تر از آنجا که یک فرد غیر مذهبی و غیر مسلمان در ک و تجربه‌ای از شادی آدم‌های مذهبی کسب نکرده است با چیدن مقدماتی کنار هم به این نتیجه می‌رسد که مذهبی‌ها

عبوس و افسرده هستند و نمی‌توان با آنها تعامل داشت. مقدمات او تشکیل شده است از پارچه مشکی مجلس روضه، پیراهن مشکی، گریه و ناله و قطرات جاری اشک، چراغ‌های خاموش و... از آنجا که معیار و مقیاس او از شادی و مصادیق آن متفاوت است، درک نمی‌کند برای یک مذهبی شرکت در مجلس روضه و گریه به معنای بهجت و سرور قلب است و یکی این مصادیق شادی است.

آنچه در این نوشته می‌خواهیم به آن بپردازیم بررسی شادی در دین از نگاه غیر مذهبی‌ها و غیر مسلمان‌ها نیست. می‌خواهیم مسئله سوم یعنی نگاه اسلام و عملکرد ما مسلمانان نسبت به موضوع شادی دقیق‌تر شویم. واقعیت این است که جامعه مسلمانی ما دچار نوعی سردرگمی در مسئله شاد زیستن شده است. بعضی برداشت‌های شخصی‌شان را از این موضوع به خورد جامعه می‌دهند و برخی هم سلیقه فردی خود را به جای کلام دین آینه تمام‌نمای زندگی مردم می‌کنند. پیر خرابیات می‌گویند بخند و شاد باش، پیر میکده می‌گوید چرا می‌خندی؟! الان زمان شادی نیست! فلانی می‌گوید رنگ لباست را هر چه خواستی انتخاب کن و هر مدلی خواستی بپوش و دیگری فریاد و اسلاما سر می‌دهد که این چه پوشش و رنگی است که انتخاب کرده‌ای. یکی صوفی منشانه به اسلام می‌نگرد و نسخه می‌پیچد، دیگری با عرفان زدگی برداشت نادرست از آیات و روایات می‌کند و آن یکی با روشن‌فکری‌اش مانند خوره به جان اعتقاد و زندگی مردم افتاده است.

باید تکلیف‌مان را با گزاره‌های دینی روشن کنیم و تعریفی قانونمند با بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی از آنها ارائه دهیم. البته اینکه می‌گوییم شادی باید قانونمند و چارچوبش مشخص باشد به معنای خشک و غیر قابل انعطاف بودن به صورتی که تنها افراد خاصی بتوانند از آن

واقعیست این است که جامعه مسلمانانی ما دچار نوعی سردرگمی در مسئله شاد زیستن شده است. بعضی برداشت‌های شخصی شان را از این موضوع به خورد جامعه می‌دهند و برخی هم سلیقه فردی خود را به جای کلام دین اینه تمام‌نمای زندگی مردم می‌کنند.



تجمل در مسجد

سیدمرتضی موسوی

درباره تزئین مسجد مباحث زیادی را می‌توان مطرح کرد. در این شماره درباره تزئین ساختمانی مسجد سخن می‌گوییم.

در عبارات فقهایی که کتب آنها با شروح و تعلیقات فراوان همراه شده، جملات کوتاهی درباره تزئین مسجد به کار رفته است؛ مانند عبارت عروه که می‌فرماید: «حرام است طلاکاری (زخرفه) مسجد، بلکه احتیاط آن است که تصویر هم در آن نباشد»^۱.

در اسلام بر پرهیز از تجمل‌گرایی تأکید فراوان شده است و به ساختن ساختمان‌های بدون زینت که به دور از هر گونه ریا و سمعه‌ای باشد دستور داده شده است. پیامبر اسلام می‌فرماید: «هر کس بنا و ساختمانی را از روی ریا و سمعه بسازد، همان بنا را در روز قیامت حمل می‌کند در حالی که از آن بنا آتشی خواهد بود که بعد از آن بر گردش او یخته خواهد شد»^۲.

به صورت خاص نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که تفاخر در مساجد را نیز از علائم آخر الزمان بر شمرده‌اند. در سنن بیهقی از قول پیامبر آمده است: «از نشانه‌های قیامت این است که مردم در مساجد به هم مباحثات و فخر فروشی می‌کنند و مراد از ساعه در (اشراط الساعة) یا قیامت است یا قیام حضرت قائم علیه السلام؛ چرا که طلاکاری چیزی است که البته به آن مباحثات می‌شود»^۳.

در مورد حکم فقهی باید گفت اگر چه در عبارت شرایع السلام در مورد «زخرف» توضیح و تبیینی مانند آنچه عبارات عروه و قواعد داشت وجود ندارد؛ اما شارحین آن را به معنای تزئین به طلا تفسیر کرده‌اند. «حرام است زخرفه مسجد، یعنی تزئین آن با طلا؛ چرا که زخرف به معنای طلا است»^۴.

پی‌نوشت:

۱. یزدی، سیدمحمد کاظم؛ العروه الوثقی؛ ج ۱، ص ۵۹۸.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۵، ص ۳۳۸.
۳. محقق داماد، سیدمحمد؛ کتاب الصلاه؛ ج ۳، ص ۱۵۷.
۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام؛ ج ۱، ص ۳۲۷.

عوامل شادی‌زا: برای مثال در سیره اهل بیت علیهم السلام آورده شده است که آن عزیزان در لباس و پوشش از رنگ‌های شاد و متنوع نیز استفاده می‌کردند. می‌توان با استفاده از سیره و کلام اهل بیت علیهم السلام شاخصه‌ها و مصادیق موضوعاتی مانند لیخند زدن، خندیدن، شوخی کردن، برگزاری جشن‌های شاد مانند جشن تولد، جشن تکلیف، جشن فارغ التحصیلی و... را عینی و مدل‌سازی نمود.

۴. تعریف ما از شادی گویا و واضح باشد: در تعاریف باید حداقل‌ها و حداکثرها برای مخاطب روشن شوند. برای مثال اسلام حد و مرز شوخی کردن را این‌گونه بیان کرده است:

* شوخی از مرز حق و صداقت خارج نشود؛ پیامبر فرمود: من اگر چه با شما شوخی می‌کنم ولی جز حق نمی‌گویم (کنز العمال؛ ج ۳، ص ۶۴۸).

* شوخی نباید به دشنام آلوده باشد؛ امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند کسی را که در جمع بدون دشنام دادن شوخی می‌کند دوست دارد (کافی؛ ج ۲، ص ۶۶۳).

* شوخی نباید از راه تمسخر دیگران صورت گیرد مانند ترساندن دیگران یا برداشتن وسایل آنان جهت خنده به طوری که با مشکل مواجه شوند. نقل شده است اصحاب پیامبر این‌گونه شوخی می‌کردند و حضرت ناراحت شده، آنان را از این نوع شوخی بر حذر داشتند (سنن ترمذی؛ ج ۴، ص ۴۶۲).

* پرهیز از کثرت شوخی و خنده؛ هر چیزی که از حد خود بگذرد پیامدهای ناگواری دارد. قهقهه زدن و خندیدن زیاد موجب قساوت قلب و مردن دل می‌گردد و هیبت و وقار انسان را از بین می‌برد (بحار الانوار؛ ج ۴۶، ص ۲۴۷).

شاد زیستن نعمتی خدادای است که چگونگی آن را با استفاده از آموزه‌های وحیانی و دینی و پرهیز از نسخه پیچی‌های شخصی و سلیقه‌ای باید آموخت و آموزش داد.

بهره‌مند شوند نیست؛ بلکه اسلام سهل و آسان به مسائل می‌نگرد. مشکل اینجا است که ما ذوقی و سلیقه‌ای به مسائل می‌نگریم. برای حل این مشکل می‌توان با توجه به فطرت و هویت انسانی و با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام اصول زیر را در معرفی گزاره‌ای دینی مانند شادی و شاد زیستن در نظر داشت:

۱. تعریف شادی فردگرایانه نباشد و همه را شامل شود: احکام و دستورات اسلام آن قدر انعطاف دارد که کل جامعه مسلمین تحمل رعایت آن را دارند. به دلیل همین نگاه جمعی است که به امام جماعت توصیه می‌شود اضعف مأمومین را در نظر بگیرد. یکی از مشکلات جامعه مسلمین ذهنیت فردگرایانه متدینانی است که متصدی و سیاست‌گذاری فرهنگی و ابلاغ دین را در دست دارند. شاید آنچه مایه شادی و خرسندی اوست با آنچه مایه شادی یک شهروند عادی و مسلمان است زمین تا آسمان فاصله داشته باشد و هر دو مورد تأیید دین. آنچه جای تأسف دارد این است که گاهی با نگاهی کاملاً گزینشی و بارویکردی فردی، سیاست‌گذار و متولی مسائل دینی مردم می‌شویم.

۲. در معرفی گزاره‌ای مانند شادی از آرمان‌گرایی پرهیز کنیم: در جامعه مسلمین انواع آدم‌ها با افکار متفاوت، سبک زندگی متنوع، تیپ‌های گوناگون و علاقه‌مندی‌های خدادای خاص وجود دارند. دین و قوانین آن یک دستگاه مکانیکی نیست که محصولی واحد بدهد. دین وقتی به مقوله شادی می‌رسد طوری آن را تعریف می‌کند که همه انسان‌ها با تمام تفاوت‌هایشان از آن بهره‌مند شوند. عالم، کارمند، رفتگر، جوان، پیر، باسواد و... شادی‌هایشان با هم فرق دارد و هنر دین این است که برای همه آنها شادی را متناسب با خودشان تعریف کرده است.

۳. معرفی نمونه‌های عینی و مصادیق روشن و پرهیز از کلی‌گویی در معرفی انواع شادی و

اهمیت جشن

شما ولادت پیامبر (ص) و ائمه (ع) را جشن می‌گیرید. صدها سال است که ولادت مسیح (ع) را جشن می‌گیرند. چرا ولادتها اهمیت و ارزش دارند؟ به خاطر اینکه یک مقطع حساس و تعیین‌کننده و یک نقطه‌ی عطف و یک پیچش در تاریخند. یعنی تاریخ در خطی می‌رفت، اما در این لحظه، به یک سمت دیگر پیچید. این، نقطه‌ی پیچ و عطفی عطف و نقطه‌ی انعطاف به یک سمت دیگر است... بیانات رهبری سال ۱۳۶۹

تعجب امیرالمؤمنین علیه السلام

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمود: **يُعْجِبُنِي أَنْ يَفْرَحَ الرَّجُلُ حَسَنَةً فِي السَّنَةِ أَرْبَعَ لَيَالٍ** در شگفتم از کسی که چهار شب از سال را بابت بی‌تفاوتی می‌گذراند. آن چهار شب عبارتند از: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه ربیع (مصباح‌المتهجد، ص ۸۵۲)

ولادت با مصیبت

البته برنامه‌های شما به مناسبت ولادت ائمه، اصلاً نباید جنبه‌ی مصیبت و روضه‌خوانی و غم داشته باشد. اگر می‌خواهید تحلیل عمیق بکنید که غمی ندارد در آن جنبه‌هایی تحلیل کنید که این چیزها نباشند. در روزهای ولادت باید مناقب و معجزات ائمه گفته بشود؛ البته معجزاتی که قابل قبول و حسی فهم باشد و سنگی در ذهن مخاطب نیفتد. بیانات سال ۱۳۷۰

احساس گناه...

هر کاری هم که در این ایام به جشن مردم کمک کند و آن را معنا ببخشد، خیلی خوب است و هیچ ایرادی ندارد؛ یعنی کسی که دارد برای عید... برنامه‌ریزی می‌کند، نباید احساس گناه و جرم و کمبودی بکند؛ منتها شاد کردن مردم یک چیز است، مبتذل کردن فضا یک چیز دیگر است. بیانات سال ۱۳۷۰

جشن، فرصتی بر

آنچه برای ما به عنوان دستداران و مهدی سلام‌الله‌علیه مهم است، این است از این خاطره‌ی تاریخی، یا از این بیانات رهبری

زنده نگه‌داری شما

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس زنده بدارد لم یمت قلبه يوم تموت القلوب نخواهد مرد و هیچ‌گاه دل‌مرد نخواهد

یک تفاوت

جشن‌های مربوط به سالگرد ولادت ائمه در رادیوست. جشن باید شاد باشد؛ منتها جشن ائمه را باید با شادی روز سیزده‌بدر تفاوت گذاشت. اگر بنا باشد که روز تولد ائمه طوری شادی را تأمین کنیم که مثلاً در سیزده‌بدر تأمین می‌کنیم؛ یکی بیاید لطیفه‌یی بگوید و جمعی را بخنداند؛ هرچند من این را منع نمی‌کنم، اما آن را به حساب معارف نگذارید... بیانات سال ۱۳۷۰

رای درس گرفتن

و معتقدان به امامت و ولایت حضرت
ست که علاوه بر اظهار ارادت و شادی،
بن اعتقاد شیعی درس بگیریم.
سال ۱۳۸۱

برترین شب بعد از شب قدر

امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که از امام باقر علیه السلام در مورد
فضیلت شب نیمه شعبان سؤال کردند. امام علیه السلام در پاسخ فرمودند:
هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ شَبَّ نِيْمَةِ شَعْبَانَ بَعْدَ از شب قدر از
ارزشمندترین شبهاست.

آرمان گرایی؟...

درس دیگر اعتقاد به مهدویت و جشن‌های نیمه‌ی شعبان برای من و شما این
است که هرچند اعتقاد به حضرت مهدی ارواحنا فداه یک آرمان والاست و در
آن هیچ شکی نیست؛ اما نباید مسئله را فقط به جنبه‌ی آرمانی آن ختم کرد-
یعنی به عنوان یک آرزو در دل، یا حد اکثر در زبان، یا به صورت جشن- نه، این
آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید.
بیانات رهبری ۸۱

انتظار یعنی...

انتظاری که از آن سخن گفته‌اند، فقط نشستن و اشک ریختن نیست؛ انتظار به
معنای این است که ما باید خود را برای سربازی امام زمان آماده کنیم. سربازی
امام زمان، کار آسانی نیست. سربازی منجی بزرگی که می‌خواهد با تمام مراکز
قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، احتیاج به خودسازی و آگاهی و روشن
بینی دارد. بیانات رهبری ۸۱

نیمه شعبان

ش که شب عید و شب نیمه شعبان را
قلب او در روزی که قلبها می‌میرد
شد. (تواب الأعمال، ص ۷۷)

موضوع چراغانی کوچه از یک وظیفه دینی تبدیل به چشم هم چشمی و مسابقه نورافشانی کوچه‌ها شده بود. این موضوع مسئله اصلی که جشن میلاد بود را به فراموشی می‌سپرد و بدتر آنکه مسئله اسراف به سادگی مورد غفلت واقع می‌شد.



محراب < پرونده مسجد



یادداشت شفاهی

مسابقه نورافشانی

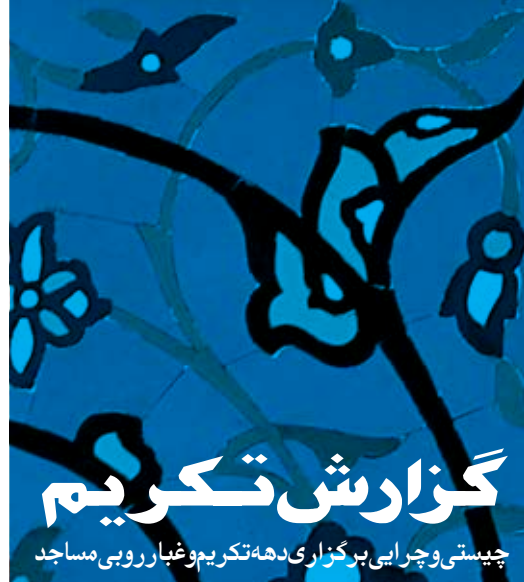
جعفر صادق بیگی از اعضای فعال مسجد امام هادی (علیه السلام) منطقه هجده تهران

نیمه شعبان یکی از بزرگ‌ترین اعیاد مسلمانان و به خصوص ما شیعیان است. به جرئت می‌توان گفت بروز علائم فرح و شادی در همه آحاد مردم در این ایام به مراتب بیشتر و بارزتر است؛ لذا اطلاق عید اکبر به این روز مطلب دور از ذهنی نمی‌تواند باشد.

از حدود هفت-هشت سال پیش تا به حال، در منطقه هجده تهران و شهرک ولی عصر شاهد برگزاری مراسم اعیاد مختلف از جمله نیمه شعبان هستیم. نکته مهم در این میان نحوه برگزاری و چگونگی اجرای آن در سطح محل و منطقه بود که به نوعی ذهن بزرگان منطقه را به خود مشغول کرده بود. برگزاری جشن‌های جزیره‌ای و چهره‌به‌چهره نه‌چندان مذهبی و البته با حواشی مختلف، عملاً آینده‌نسبت‌بندی را برای فضای جشن‌های منطقه ایجاد می‌کرد. به جهت بافت قدیمی منطقه و وجود کوچه‌های باریک، عملاً برگزاری مراسم جشن بیشتر با چراغانی کوچه‌ها همراه بود. این امر کم‌کم موجبات اذیت و آزار مردم محل و

متعاقباً موجب اختلاف‌های محلی می‌شد؛ چرا که هر یک از این جشن‌های موضعی، رفت و آمد محلی را به دنبال داشت و در نتیجه شاهد سرو صدا تا انواع اذیت و آزارهای شخصی بودیم. از طرفی موضوع چراغانی کوچه از یک وظیفه دینی تبدیل به چشم هم چشمی و مسابقه نورافشانی کوچه‌ها شده بود. این موضوع مسئله اصلی که جشن میلاد بود را به فراموشی می‌سپرد و بدتر آنکه مسئله اسراف به سادگی مورد غفلت واقع می‌شد. وجود همین حواشی روحانی مسجد جناب حجت الاسلام والمسلمین حسینی و اهالی مسجد را بر آن داشت که با کمک ارگان‌هایی همچون شهرداری، سپاه و به خصوص بسیج مسجد اقدام به ساماندهی این وضعیت کنند. بعد از گفت‌وگو نظر مشترک بر تجمیع کلیه مراسم در مرکز محل و با محوریت مسجد امام هادی (علیه السلام) شد. قرار بر این شد که هر ساله مراسمی هدفمند و جهت‌مند و با محتوای عالی برگزار شود. از طرفی اعضای بسیج هم مسئولیت نظارت بر کوچه‌ها

و رفتارهای افراد محل را بر عهده گرفتند. در بخش دیگری نیز از همه خانواده‌ها برای شرکت در مراسم مسجد دعوت شد. از آنجایی که این مراسم بار عایت قوانین شرعی بر گزار می‌شود، مورد استقبال خانواده‌ها نیز قرار می‌گیرد. نتیجه اینکه ماهر ساله شاهد جشنی به دور از شائبه‌های گناه‌آلود هستیم. جشنی که متبرک به قرائت قرآن و سخنرانی خطبای خوب و مداحی مداحان مطرح است. نکته آخر اینکه نباید فراموش کرد موضوع تداوم این گونه مراسم‌هاست که عملاً می‌تواند جای خالی بسیاری از شادی‌های کاذب را بگیرد. نکته مهم اینکه مسجد امام هادی (علیه السلام) اعتبار زیادی برای افراد محل دارد. در سال‌های اخیر مسجد به جهت زحمات امام جماعت و اهالی محل توانست عنوان مسجد مادر منطقه هجده را به خود اختصاص دهد. از فعالیت‌های این مسجد می‌توان به مراسم بسیار تاثیرگذار دهه محرم این مسجد اشاره کرد که هر ساله چندین هزار نفر را به خود جذب می‌کند.



گزارش تکریم

چستی و چرایی برگزاری دهه تکریم و غبارروبی مساجد



معراب ◀ پرونده مسجد

مقدمه

به فضل الهی و با همت ائمه محترم جماعات، فعالان مساجد و سایر شخصیت‌های حقوقی و حقیقی متعامل با مساجد، طی دو سال گذشته تلاش شده با ارتقای بار معنایی و قدرت فرهنگ‌سازی، دهه غبارروبی مساجد که اقدامی تحسین برانگیز و مردمی است، به سمت نهادینه‌سازی مفهومی جامع‌تر و نزدیک‌تر به شأن و منزلت بیت‌الله حرکت کند.

لذا برای هر مسلمان اهل معنا و پرورش یافته مسجد، افتخاری بزرگ و توشه‌ای اخروی است که علاوه بر غبارروبی از فضای کالبدی و ظاهری مسجد، به غبارروبی از ظرفیت‌ها و کارکردهای کم‌رنگ شده این نهاد محوری جامعه اسلامی بپردازد. بر ماست که در گستره‌ای فراگیرتر و عمیق‌تر، تکالیف امت اسلامی را در باره کانون‌های توحید و عبادت و محورهای بصیرت و نشر معارف اسلامی بازشناسی نماییم.

سابقه

اجرای ویژه برنامه‌های دهه تکریم و غبارروبی مساجد با رویکرد جدیدی که در مقدمه توضیح داده شد، به صورت مقدماتی از سال ۹۱ آغاز شد و در سال گذشته با پیگیری موضوع کلیدی ارتباط مسجد و خانواده، و انتخاب شعار «خانه خدا، خانه امید خانواده ما» وارد مرحله فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی در سطح جامعه شد. امسال نیز موضوع مسجد، کودکان و نوجوانان که کمتر مورد توجه قرار گرفته است با شعار «آینده را - با فرزندانمان - از مسجد بسازیم» بن‌مایه فعالیت مساجد از دهه تکریم تا پایان سال خواهد بود. انتخاب اولویت و برنامه‌ای سالیانه برای مساجد و همچنین تعیین شعار متناسب از آن رو صورت می‌پذیرد

که موجبات هم‌افزایی و حرکت هماهنگ و فرهنگ‌ساز مساجد را برای جلب توجه نخبگان و گروه‌های مرجع به موضوعات حساس و کلیدی فراهم نموده، تغییر رویکرد فعالان خانه خدا را برای فراهم نمودن اقتضانات جذب مخاطبان جدید به مساجد، موجب می‌گردد.

اهداف

دهه تکریم و غبارروبی مساجد علاوه بر نظافت کالبدی و آماده‌سازی مساجد برای پذیرایی از مؤمنین و نمازگزاران می‌تواند در فرصت زمانی که مردم خود را برای ورود به ماه مبارک رمضان آماده می‌کنند، اهدافی را نیز محقق کند؛ مثل تبیین و معرفی کارکردها و جایگاه‌های مساجد در جامعه اسلامی، اصلاح نگرش و تقویت مطالبات حقیقی عموم برای حرکت به سوی تحقق آرمان مسجد طراز و تلاش برای معرفی و الگوسازی مساجد نمونه در جهت ارتقای سطح کیفی فعالیت مساجد.

علاوه بر اهدافی که ذکر شد در سال ۹۲، توجه به اهمیت تقویت بنیان خانواده با محوریت مسجد و تقویت پیوند این دو به عنوان دو نهاد مؤثر در ترویج سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار گرفت. در سال جاری به رسمیت شناختن اقتضانات حضور کودکان و نوجوانان در مسجد، روش‌های جذب و تربیت این گروه سنی در مسجد و چگونگی ارتباط فعالان مسجد با ایشان

در تعامل با خانواده‌ها، پیگیری خواهد شد.

رویکردها

جلب نظر نمازگزاران و فرهنگ‌سازی در میان عموم مردم محله و همسایگان بیت‌الله در خصوص بازشناسی نقش مساجد و مشارکت در امر نظافت و زیباسازی مساجد از طرف امام جماعت محترم و بزرگان مسجد به قصد الگوسازی برای مردم، جوانان و سایر نمازگزاران، با عنایت به احادیث و روایات متعددی که در این ارتباط وجود دارد و زمینه‌سازی برای ارتقای جایگاه «خدمت افتخاری» مساجد نزد افکار عمومی و ایجاد تحرک و نشاط برای جذب یاران جدید برای بیت‌الله، از جمله رویکردهایی است که می‌تواند مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد.

عناوین روزهای دهه تکریم و غبارروبی مساجد

همه ساله دبیرخانه دائمی ستاد دهه تکریم و غبارروبی مساجد، پس از کسب نظر از نخبگان، ائمه محترم جماعات و دستگاه‌های مرتبط، به صورت نمادین و برای تبیین کارکردهای متنوع مسجد، اقدام به نام‌گذاری دهه می‌نماید. یکی از نتایج آن ایجاد هماهنگی بیشتر در فضای تبلیغاتی و جریان‌سازی و استفاده حداکثری از ظرفیت فرهنگ‌سازی این دهه است. در سال ۹۳ عناوین هر یک از روزهای دهه تکریم به شرح زیر است:

مسجد، پایگاه تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (ع)	۲۸ خرداد	۲۰ شعبان	چهارشنبه	روز اول
مسجد، بستر نشر فرهنگ ایثار و شهادت	۲۹ خرداد	۲۱ شعبان	پنجشنبه	روز دوم
مسجد، جلوه گاه اراده مردم در عمران خانه خدا	۳۰ خرداد	۲۲ شعبان	جمعه	روز سوم
مسجد، مرکز تعمیق اخوت ایمانی و رشد فضایل اخلاقی	۳۱ خرداد	۲۳ شعبان	شنبه	روز چهارم
مسجد، محور خدمات فرهنگی - اجتماعی محله	۱ تیر	۲۴ شعبان	یکشنبه	روز پنجم
مسجد، پیش‌تاز در ترویج اندیشه‌های امام و رهبری	۲ تیر	۲۵ شعبان	دوشنبه	روز ششم
مسجد، خاستگاه و پشتیبان بیداری اسلامی	۳ تیر	۲۶ شعبان	سه‌شنبه	روز هفتم
مسجد، کانون حیات طیبه خانواده	۴ تیر	۲۷ شعبان	چهارشنبه	روز هشتم
مسجد، مامن کودکان، نوجوانان و جوانان	۵ تیر	۲۸ شعبان	پنجشنبه	روز نهم
مسجد، میعادگاه منتظران انقلابی	۶ تیر	۲۹ شعبان	جمعه	روز دهم

اقدامات رسانه‌ای و ترویجی

علاوه بر صدا و سیما و سایر رسانه‌ها که به این مناسبت اقدامات مناسبی را برای پوشش خبری و اطلاع‌رسانی انجام خواهند داد، درگاه الکترونیکی مرکز رسیدگی به امور مسجد، به نشانی: www.masjed.ir نیز به عنوان پایگاه محتوایی مرجع در موضوع «مسجد»، با تقدیم مقاله‌های مرتبط به هر یک از روزهای دهه تکریم و غبارروبی، به تأمین محتوا در این زمینه همت خواهد گماشت.

برخی اقدامات عمومی قابل انجام در سطح مساجد در این مناسبت

فهرست کامل اقدامات در قالب شیوه‌نامه دهه تکریم، از سایت مرکز قابل دریافت است. در عین حال به عنوان نمونه به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. فعالسازی یا تشکیل شورای فرهنگی مسجد، با مدیریت و نظارت امام جماعت محترم و میدان‌گشایی برای کارگروهی فعالان و ارکان مؤثر مسجد در این قالب؛
۲. نصب بنر با طرح ویژه دهه تکریم و غبارروبی مساجد در محل مناسب که از سایت مرکز قابل دریافت است؛
۳. نصب آیات و احادیث مرتبط با فضایل حضور در مسجد و خدمت به مسجد در معرض دید نمازگزاران و اهالی محل؛
۴. آذین‌بندی و چراغانی سر در مساجد و فضاسازی داخلی؛

۵. برگزاری مسابقات مختلف فرهنگی با موضوع اهمیت و جایگاه حضور کودکان و نوجوانان در مسجد طراز اسلامی؛

۶. اعلام فراخوان در مسجد و محیط پیرامونی برای جلب مشارکت مردمی در امر غبارروبی و زیباسازی بیت‌الله و ایجاد امکان نقش‌آفرینی برای تعداد بیشتری از علاقمندان و اқشار مختلف مردم؛

۷. بررسی دقیق وضعیت ایمنی مسجد با دعوت از کارشناسان آتش‌نشانی؛

۸. استفاده از ظرفیت ادارات بهداشت مناطق برای بازدید از مسجد و اهتمام در امر رفع اشکالات و ایرادات احتمالی کارشناسان اعزامی؛

۹. برپایی نمایشگاه، اعم از نمایشگاه کتاب و محصولات فرهنگی متناسب با گروه‌های سنی کودک و نوجوان؛

۱۰. مناسب‌سازی مسیر تردد به مساجد برای حضور جانبازان، معلولین و سالمندان؛

برخی برنامه‌های اختصاصی قابل انجام به تفکیک هر روز از دهه تکریم

همانند بخش قبل، موارد این بخش نیز در قالب شیوه‌نامه دهه تکریم، از سایت مرکز قابل دریافت است.

روز اول: مسجد، پایگاه تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام)

۱. برگزاری کرسی تلاوت در سطح مطلوب، با دعوت از قاریان برجسته؛

۲. تعیین و اعلام روزهای ثابت برنامه تفسیر قرآن، شرح نهج البلاغه و شرح صحیفه سجادیه در مساجدی که به صورت منظم از این سه گانه نورانی بهره‌مند نبوده‌اند؛

۳. تشویق کودکان و نوجوانان حافظ (دختر و پسر) و قاری قرآن با فراخوان قبلی و با مشارکت خانواده‌ها؛

روز دوم: مسجد بستر نشر فرهنگ ایثار و شهادت

۱. حضور جمعی نمازگزاران مسجد در گلزار شهدا؛

۲. معرفی شهدای شاخص محل که تربیت شده مسجد محسوب می‌شوند نمادی از اثرپذیری تربیت‌حماسی در محیط مسجد تلقی می‌گردند. همراه با تجلیل از خانواده مکرم و بیان خاطرات ایشان در جمع نمازگزاران؛

۳. سرکشی به خانواده معظم شهدا، جانبازان و ایثارگران همسایه مسجد با همراهی جوانان و امام جماعت محترم؛

۴. اهدای هدیه به کودکان و نوجوانانی که پدر جانباز دارند؛

روز سوم: مسجد جلوه‌گاه اراده مردم در عمران خانه خدا

۱. برگزاری مراسم روح‌بخش دعای ندبه در صبح روز جمعه و پس از آن غبارروبی مسجد با اعلام عمومی در محل با همراهی اқشار گوناگون مردم و در نهایت پیش‌بینی حرکت جمعی به سوی پایگاه‌های عبادی سیاسی نماز جمعه؛

۲. تعیین سهم ویژه کودکان و نوجوانان برای مشارکت در کنار خانواده‌ها در امر نظافت مسجد؛

۳. معرفی یک پروژه عمرانی، زیباسازی،

بازسازی، تعمیر یا مقاوم‌سازی در فضای عمومی مسجد به مردم، با همفکری هیئت‌امناء به منظور یادآوری مبانی دینی و اجر معنوی مشارکت در عمران مسجد و انگیزه‌سازی در جلب مشارکت مردم و یادآوری قدرت جمعی اهل محل در عمران خانه خدا. به عنوان نمونه می‌توان اهدای ملزومات مورد نیاز مسجد یا بازسازی سرویس بهداشتی مسجد یا تجهیز کتابخانه یا تقویت فضای سبز و مواردی از این قبیل را هدف‌گذاری نمود تا برای مردم دست‌یافتنی و نشاط‌بخش باشد.

روز چهارم: مسجد مرکز تعمیق اخوت ایمانی و رشد فضایل اخلاقی

۱. اعلام فراخوان مردمی با هدف جلب مشارکت و جمع‌آوری پیشنهادات برای برگزاری باشکوه جشن عید سعید غدیر در مسجد و تشکیل ستادی به همین منظور؛

۲. قدردانی و تجلیل مردمی از فعالان مسجد؛

۳. عیادت اعضای ستاد دهه تکریم از حداقل یک همسایه بیمار مسجد و هدیه یک شاخه گل و شیرینی با هدف احیای سنت‌های دینی و یادآوری نقش مساجد به عنوان محور فرهنگی محلات؛

۴. تجلیل از پیشکسوتان مسجد؛

۵. تقدیر از کودکان و نوجوانانی که در امور اجرایی مسجد مثل نظافت و نظم‌دهی و برنامه‌های مناسبی مشارکت داشته‌اند؛

روز پنجم: مسجد محور خدمات فرهنگی - اجتماعی محله

۱. طراحی و ارائه (نصب در انظار عمومی) جدول برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی با همکاری شورای فرهنگی و یادآوری ظرفیت‌های مسجد در این ارتباط به مردم؛

۲. بازدید امام جماعت محترم و اعضای شورای فرهنگی مسجد از مساجد مجاور و مساجد موفق با هدف آشنایی با برنامه‌ها و تجربیات موفق ایشان در حوزه فعالیت‌های فرهنگی - اجتماعی؛

۳. تجلیل از نخبگان قرآنی، علمی، فرهنگی، هنری یا افراد موفق کارآفرین ساکن در سطح محله در برابر نمازگزاران مسجد به گونه‌ای که منجر به تقویت روحیه خودباوری و غرور ملی مخاطبان گردد؛

۴. اجرای طرح خدمت یک‌روزه جهادی

مقالات) خریداری نماید.

فهرست سؤال‌ها و نیازها در این رابطه عبارت‌اند از:

۱. الزامات سخت افزاری حضور کودکان در مسجد؛ مثل اتاق بازی، کتابخانه، ایمن سازی؛
۲. الزامات نرم‌افزاری حضور کودکان در مسجد؛ روش‌های برقراری ارتباط و جذب، زبان کودک‌پسند امام جماعت، سهم کودکان از سخنرانی‌های مسجد؛
۳. مسئولیت سپاری به کودک و نوجوان (پیشنهادها، الگوها، تجربه‌ها)؛
۴. منطبق‌سازی چیدمان مسجد با طبیعت زیبایی‌پسند کودک و نوجوان؛
۵. تعامل و ارتباط هدفمند خانواده با امام جماعت، برای تشویق کودک و نوجوان به حضور در مسجد؛
۶. بازی کودک در مسجد، بایدها و نبایدها؛
۷. آموزش کودک و نوجوان در مسجد، اولویت‌ها و روش‌ها؛
۸. ورزش نوجوانان در مسجد، بایدها و نبایدها؛
۹. تشویق کودکان و نوجوانان از سوی امام جماعت، بهانه‌ها و بسترها؛
۱۰. حضور امام در مدارس مجاور یا حضور دانش‌آموزان در مسجد؛
۱۱. تکریم و تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز در مسجد؛
۱۲. مسجد پایگاه تربیت دینی و مصون‌ساز، در برابر تربیت گلخانه‌ای؛
۱۳. مسجد مأمَن کودکان و نوجوانان؛
۱۴. مسجد مرکز مشاوره امین تربیتی برای خانواده‌ها و مرکز مشاوره تحصیلی برای نوجوانان؛
۱۵. مسجد مرکز معرفی و شبکه توزیع اسباب‌بازی، کتاب و سرگرمی‌های سالم در قالب نمایشگاه دورهای، در راستای ابراز دغدغه جدی رهبر فرزانه انقلاب؛
۱۶. بهداشت مسجد و ارتباط آن با گروه‌های مخاطب آسیب‌پذیر؛
۱۷. همراهی کودکان با نماز جماعت، از چه سنی؟ چگونه؟ با چه ملاحظاتی؟
۱۸. سهم کودکان از احکام نماز و احکام مسجد؛
۱۹. آداب رفتن به مسجد، متناسب با زبان و نیاز کودک؛
۲۰. نقش مسجد در ارائه آموزش‌های مورد نیاز نوجوانان در سنین بلوغ؛

دبیرخانه دائمی ستاد دهه تکریم و غبارروبی مساجد

پدربزرگ‌ها؛

۳. اهتمام فعالان مسجد بر امر بررسی وضعیت جایگاه استقرار بانوان در شبستان مسجد، رفع مشکلات احتمالی و فراهم کردن تسهیلات لازم برای نظم ظاهری، زیبایی و نظافت بخش بانوان و ایجاد شرایط حضور کریمانه بانوان در مسجد؛

روز نهم: مسجد مأمَن کودکان، نوجوانان و جوانان

۱. اعلام و افتتاحیه برنامه‌های پایگاه‌های تابستانی و سایر برنامه‌های اوقات فراغتی مسجد در جمع نمازگزاران و خانواده‌ها؛
۲. دعوت از یک استاد علوم تربیتی و مشاوره (با رویکرد دینی) برای برگزاری کارگاه آموزشی با موضوع تربیت کودکان و نوجوانان؛
۳. همکاری با مدارس و فراخوان در سطح محل برای شناسایی دانش‌آموزان ممتاز و تقدیر از ایشان در مسجد؛
۴. تجلیل از کودکان و نوجوانان مؤذن و مکبر مسجد؛

روز دهم: مسجد میعادگاه منتظران انقلابی

۱. دعوت از اساتید ممتاز در حوزه مهدویت برای تبیین و پاسخگویی شبهات رایج؛
۲. آغاز قرائت زیارت آل یاسین در مسجد و اعلام برنامه هفتگی در این خصوص؛
۳. اعلام آغاز برنامه هفتگی دعای ندبه صبح جمعه در مساجدی که از این فیض محروم بوده‌اند.

اتاق فکر مجازی

با عنایت به اینکه محور برنامه‌های مساجد در سال ۹۳، تلاش برای جذب مخاطبان کودک و نوجوان خواهد بود، مشارکت فکری ائمه محترم جماعت برای بررسی چالش‌ها و موانع پیش‌رو، تجربیات موفق و الگوهای قابل اجرا در مساجد، از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا دبیرخانه دائمی ستاد دهه تکریم و غبارروبی مساجد آمادگی دارد از طریق بخش اتاق فکر مجازی در گاه الکترونیکی مرکز (www.masjed.ir)، رهنمود و مطالب حضرات را دریافت نماید. ضمناً در همین نشانی اینترنتی، عزیزان علاقه‌مند می‌توانند برای ثبت ایده‌های خود در جشنواره فام (فراخوان ایده‌های مسجدی) شرکت نمایند. مرکز آمادگی دارد مقالات درباره موضوعات تقدیمی را برای بارگذاری روی سایت (بخش

کودکان، نوجوانان و جوانان داوطلب محله برای انجام کارهای روزمره و برآوردن احتیاجات سالخوردگان محل (خرید نان و نظافت و...)

روز ششم: مسجد پیشتاز در ترویج اندیشه‌های امام و رهبری

۱. تبیین و تحلیل شعار سال اعلامی از سوی رهبر فرزانه انقلاب و فراخوان ایده از نمازگزاران و مؤمنین برای نقش آفرینی مسجد در این ارتباط (با قابلیت برگزاری مسابقه و فراخوان همراه با جایزه)؛
۲. برپایی حلقه‌های معرفتی با محوریت اندیشه‌های اخلاقی، عرفانی، سیاسی، اجتماعی، تربیتی و فرهنگی امام و رهبری؛
۳. بیان جلوه‌های شخصیتی و سلوک فردی و اجتماعی امام و رهبری در قالب خاطراتی از منابع امین که تا کنون منتشر شده است؛

روز هفتم: مسجد خاستگاه و پشتیبان بیداری اسلامی

۱. بازخوانی فرمایش‌های رهبر فرزانه انقلاب در خصوص بیداری اسلامی و اطلاع‌رسانی وضعیت مساجد تخریب شده در کشورهای منطقه به ویژه بحرین، به نشانه اینکه دشمن مساجد را پایگاه بیداری اسلامی می‌داند؛
۲. دعوت از شخصیت‌های صاحب‌نظر برای سخنرانی و پرسش و پاسخ، با هدف تبیین موضوع بیداری اسلامی از منظر رهبر فرزانه انقلاب؛
۳. مسابقه فرهنگی با عنوان: نامه‌ای به دوست بحرینی که پس از بیان مصیبت‌های شیعیان مظلوم بحرین به‌وسیله امام جماعت محترم (اختصاصاً برای کودکان و نوجوانان مسجد) برگزار می‌گردد. همچنین این اقدام فرهنگی با عنوان نامه‌ای به دوست فلسطینی نیز قابل انجام است؛

روز هشتم: مسجد کانون حیات طیبه خانواده

۱. مراجعه شورای فرهنگی مسجد با همراهی بزرگترها و امام جماعت محترم مسجد به منزل حداقل یک زوج جوان و غیرمسجدی و تقدیم یک شاخه گل و شیرینی، حتی المقدور همراه با یک بسته آموزشی اعم از کتاب یا لوح فشرده با موضوعات تحکیم بنیان خانواده یا تربیت فرزند و دعای خیر برای عاقبت به خیری و خوشبختی ایشان؛
۲. فراخواندن اهل مسجد، به‌ویژه کودکان و نوجوانان به دست‌بوسی مادر بزرگ‌ها و



فضای مجازی در هوای مهدوی

ابوذرکمال

تجمع عاشقان مهدوی و به اشتراک گذاری مطالب متنوع خود در موضوع مهدویت است. در اینجا اعضای پر طرفدار نیز معرفی شده‌اند که تعداد دوست بیشتری در لیست خود دارند. در واقع شما با عضویت در این سایت به خادم افتخاری این مسجد در فضای مجازی تبدیل می‌شوید. چه افتخاری بالاتر از این!

از عناوین پیوندهای مرتبط و وبسایت‌های زیر مجموعه این سایت می‌توان به این مطالب اشاره کرد که هر کدام از آنها ما را به مطالب بسیار مفیدی در موضوع خود رهنمون می‌کند: «جمکران شناسی»، مهدویت، چند رسانه‌ای، راهنمای زائر، وبلاگ‌های مهدوی، دارالقرآن، نذورات، مهدی لینک، بخش کودکان، دایرکتوری».

بخش «وبلاگ‌های مهدوی» از پیوندها و زیر مجموعه‌های قابل توجه این سایت است که نمونه دیگری از همگرایی در فضای مجازی را پیش روی ما قرار می‌دهد. بخش وبلاگ‌های مهدوی علاوه بر معرفی و آخرین بروزسانی‌های این وبلاگ‌ها امکانات متنوع و فراوانی نیز برای هر چه بهتر شدن طراحی و مطالب آنها در اختیار صاحبان این وبلاگ‌ها می‌گذارد. در این بخش آمده است: عزیزی که قالب وبلاگ در رابطه با مهدویت طراحی کرده‌اند می‌توانند قالب وبلاگ، همراه با مشخصات خود را به آدرس Info@mahdiblog.ir بفرستند. پس از بررسی، قالب با نام خودشان در صفحه نمایش داده می‌شود. هم‌چنین به قالب منتخب در طول سال جوایزی اهدا می‌شود.

بخش مهم و ویژه دیگر که از زیر مجموعه‌های سایت مسجد مقدس جمکران است بخش «دایرکتوری» است. به این بخش می‌توانید با آدرس www.mahdisearch.com نیز دسترسی پیدا کنید. سامانه «مهدی سرچ» امکان را به ما می‌دهد تا در باره هر عنوانی با موضوع مهدویت بتوانیم در یک زمان به بسیاری از پایگاه‌های مهدوی در اینترنت دسترسی پیدا کنیم. این قابلیت منحصر به فرد این امکان را به ما می‌دهد تا موتور جستجوی ویژه‌ای با محوریت موضوعات مرتبط با وجود مقدس حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام را در اختیار داشته باشیم.

پس از این همه تعریف و تمجید به حق از سایت مسجد مقدس جمکران به نقد آن هم اشاره‌ای می‌کنیم: در برخی صفحات این سایت که به متن کتاب‌ها یا اخبار و... دسترسی پیدا می‌کنیم از طراحی و فونت مناسبی برخوردار نیست. مناسب بود که در این بخش‌ها نیز محیطی کاربر پسند و چشم‌نواز برای خواننده فراهم شود تا با کیفیت بهتر و بدون دل‌زدگی و خستگی، متن‌ها را مطالعه کند.

اگر کلمه «مسجد» را در انواع موتورهای جستجو وارد کنید از گزینه‌های اول یافت شده به «سایت رسمی مسجد مقدس جمکران» دسترسی پیدا می‌کنیم. این نکته نشان از اهمیت این مسجد در بین مساجد کشور دارد. این سایت می‌تواند نمونه‌ای موفق برای معرفی مساجد مرجع کشورمان در فضای مجازی باشد.

این سایت هم‌اکنون علاوه بر در اختیار قرار دادن مطالب متنوعی درباره مسجد مقدس جمکران به منبع پر بهایی در موضوع مهدویت در فضای مجازی تبدیل شده است. فضای طراحی شده صفحه اول آن، دل‌نشین است و تصویر شفاف‌تری از مسجد و روز شماری برای در حجاب بودن خورشید پشت ابر، دل‌ها را به سمت این مسجد مقدس و امام غائب از نظر هدایت می‌کند. در قسمت پایین تر با آخرین اخبار این مسجد و گزارش‌های تصویری از فعالیت‌های دینی مسجد و بر و هستیم، هم‌چنین لینک‌هایی برای بخش زنده تصاویر مسجد مقدس جمکران و ورود به بخش اعضای سایت طراحی شده است. از بخش‌های جذاب این سایت، بخش اعضاست که محلی برای



شبستان

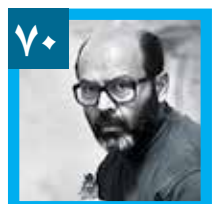
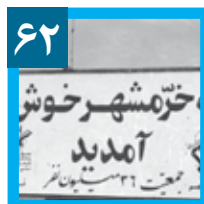
سر ویس شبستان: بهتر از یک سال عبادت است. ثمره اش سالم ماندن است. کردار نیک و بد را نشان می دهد. پدر و مادر تمام خوبی هاست. لحظه ای از آن بهتر است از عبادتی طولانی. هیچ علمی مانند آن نیست. سبب رشد و کمال است. باعث حیات قلب است. انگیزه های است برای انجام خوبی ها و ده ها ثمره دیگر، تنها برای یک کار بر شمرده شده است؛ تفکر و اندیشیدن.

اندیشیدن ستاره سهیل نیست؛ خورشیدی است که غروب برای آن بی معنا است. باید اندیشید و دیگران را نیز به اندیشه واداشت. دور از ذهن نیست چنانچه بتوان اندیشیدن و تفکر کردن در امور را به صورت فرهنگ در آورد. آثاری را که در مورد تاثیرات خوردوری در مورد یک شخص بیان شده است، می تواند در مورد یک جامعه نیز صادق باشد به شرطی که جامعه موجود یک جامعه خوردورز و اندیشمند باشد. تحقق این شرط نیز به دست مرییان، معلمان، دانشمندان و متفکرین آن جامعه است.

رهبر انقلاب در توصیه به معلمان در رابطه با این امر مهم و بعد از تاکید بر آموزش می فرماید: «کار دوم که از این مهم تر است، یاد دادن تفکر است. کودک ما فراگیرد که فکر کند - فکر صحیح، فکر منطقی - و برای فکر کردن در دست راهنمایی بشود؛ سطحی نگری، سطحی آموزی در مسائل زندگی یک جامعه را زمین گیر می کند، در بلندمدت بدبخت می کند؛ باید فکر کردن را در جامعه نهادینه کرد».

بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

سراسر کشور ۱۷/۰۲/۱۳۹۳



۵۶/ مصرف بهینه و بهره وری

۵۷/ ریاضت لازم نیست، مقاوم باشیم

۵۸/ و منهنم نینتظر

۵۹/ جریان شناسی

۶۰/ تاثیر حکمت متعالیه بر انقلاب اسلامی

۶۱/ از امام ملت به مجلس ملت

۶۲/ خرمشهر هرگز سقوط نکرد

۶۳/ نشانه های مدیریت جهادی در صحیفه سجادیه

۶۴/ تربیت عطری

۶۵/ تاتونانی به کف آری و به غفلت نخوری

۶۷/ فوتبال سرگرم صنعتی یا تجارت فریب

۶۸/ رازگوی دفتر دل

۷۰/ مروری بر فیلم چ

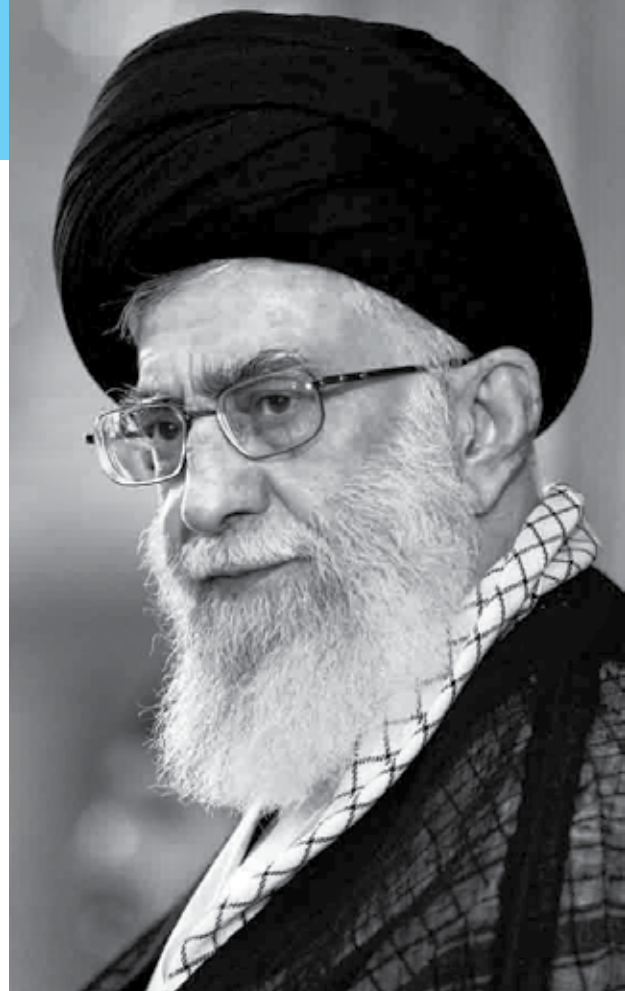
۷۲/ کتابخانه مسجد



مصرف بهینه و بهره‌وری

نگاهی به دیدگاه رهبری در عرصه مصرف بهینه

مرتضی اسدی



مسئله مصرف برق و مصرف حامل‌های انرژی - بنزین، گاز و تیل - هم مهم است... استفاده بهینه از امکانات و منابع موجود کشور و بهره‌وری مهم است؛ بهره‌وری بیشتر از آنچه که داریم و آنچه که بسیاری از آنها متأسفانه مورد اسراف و استفاده غلط قرار می‌گیرند.^۳

همان‌طور که در بیانات مقام معظم رهبری نیز مشاهده می‌شود، بهره‌وری، اصلاح الگوی مصرف، استفاده بهینه از منابع و بهره‌ی از اسراف، کلید واژه‌های زیربنایی و ارکان مهم سازندگی و در نتیجه تعالی جامعه هستند. البته این نکات تنها برای مسئولان بیان نمی‌شود و قشر فرهنگی جامعه، به خصوص ائمه جماعات مساجد، مبلغان و روحانیان گرامی نیز در قبال زمینه‌سازی این فرهنگ متعالی، مسئول هستند.

نکته‌ای که در پایان این یادداشت ضروری به نظر می‌رسد، تبیین معنای بهره‌وری است که با توجه و عنایت به کلام رهبری به خوبی روشن می‌شود: «بهره‌وری یعنی از امکاناتی که وجود دارد، حداکثر استفاده بهینه بشود؛ کارگر که کار می‌کند، کار را با دقت انجام بدهد؛ حم‌الله امرء عمل عَمَلًا فَاتَّقِنَه. این معنای بهره‌وری است؛ از قول پیغمبر نقل شده است: رحمت خدا بر آن کسی است که کاری را که انجام می‌دهد، محکم انجام بدهد، متقن انجام بدهد».^۴

برای رسیدن به فرهنگ سازنده و متعالی مصرف بهینه و بهره‌وری همه باید تلاش کنند؛ هم مسئولان و هم احاد مردم، باید علم، تجربه، امکانات فنی و استفاده بهینه از موجودی طبیعی و انسانی را به احساس مسئولیت و ابتکار و پیگیری و دل‌سوزی بیامیزیم. جذب سرمایه، بهره‌برداری بهینه و جلوگیری از سوءاستفاده‌های گوناگون لازمه‌های مصرف بهینه و بهره‌وری در سبک زندگی امروز است.

پی‌نوشت:

۱. بقره: ۲۹.
۲. ذاریات: ۳۴.
۳. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱ فروردین ۱۳۸۹).
۴. مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها: ص ۹۳.
۵. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱ فروردین ۱۳۹۳).

می‌شود؛ استعدادهای طبیعی هم همین‌طور! بی‌توجهی به این نکته که پرهیز از اسراف و استفاده بهینه از نعمت‌های خداوند، سبب پیشرفت مضاعف و نزدیک‌تر شدن راه تکامل می‌گردد، همواره وبال بشر بوده است. از سوی دیگر انسان آینده‌نگر، اسراف را بر نمی‌تابد و از سرمایه‌های خود، هم استفاده می‌کند و هم بهترین بهره‌وری و صرفه‌جویی را دارد.

مسائل مهم اجتماعی از جمله فقر، یکی از دغدغه‌های همیشگی دولت‌ها و حکومت‌ها بوده است. راهکارهای مختلفی برای فقرزدایی از جامعه بیان شده است؛ اما هرگز به مبانی ریشه‌ای حل و درمان این معضل، توجه کافی نمی‌شود. باید دانست که مبارزه با فقر، یعنی تلاش برای این که ثروت ممکن می‌شود از نعمت‌ها، منابع و امکانات استخراج گردد و به دست آید، به شکل بهینه استخراج شود و به شکل بهینه مصرف شود و اسراف نگردد. در این صورت مبارزه با فقر محقق خواهد شد. البته استفاده بهینه از منابع، نیازمند همت و کار مضاعف، کار علمی و مدبرانه جمعی است. لذا «از همه آن چیزهایی که می‌تواند برای سازندگی کشور در دوران‌های آینده مورد استفاده قرار بگیرد، یا زندگی عمومی مردم را رفاه و رونق ببخشد، باید حداکثر استفاده بشود؛ یعنی همان چیزی که یکی از ارکانش اصلاح الگوی مصرف است. از آب در کشور استفاده بهینه بشود. ما امروز از آب در کشور استفاده بهینه نمی‌کنیم... پژوهشگران کشورمان تحقیق کردند، به ما اطلاع دادند که اگر آبی که در کشور مصرف می‌شود، ده درصد آن صرفه‌جویی شود، این ده درصد به قدر تمام استفاده‌ای است که امروز برای شرب خانگی و برای صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرد! امروز نود درصد آب کشور در بخش‌های کشاورزی مصرف می‌شود - مصرف غلط، مصرف اسراف آمیز - ده درصد دیگر برای آب شرب و برای صنعت و برای مصارف گوناگون به کار می‌رود؛ یعنی اگر در کار کشاورزی ماده در صد صرفه‌جویی کنیم، مقدار مصرف شرب و صنعت و امثال این‌ها، به دو برابر خواهد رسید؛ این قدر مسئله مهم است.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مِمَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»^۱

انسان برای پیشرفت مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی و همچنین شکوفایی استعدادهايش، نیاز به استفاده از نعمات و امکانات خدادادی دارد و گریزی از آن ندارد. تکامل و صلاح آدمی تنها به استفاده از نعمت‌های الهی و بهره‌بردن از آن نیست؛ بلکه استفاده درست از آن نیز موضوعیت دارد. آیات و روایات فراوانی که در باب اسراف، مذمت آن و عذاب مسرفین در منابع اصیل اسلامی ذکر شده است، اشاره به این موضوع کلیدی دارد؛ «مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ»^۲ با وجود اهمیت این مطلب، امروزه از امکانات بشر استفاده بهینه نمی‌شود؛ استعدادها ضایع و نابود





ریاضت لازم نیست، مقاوم باشیم

نگاهی به مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی

حمیدرضا دبیری

تأکید گردد. ریاضت اقتصادی نیز طرحی است که دولت‌ها برای کاهش هزینه‌ها و برای رفع کسری بودجه، به کاهش و یا حذف ارائه برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زنند.

در عین حال می‌توان برخی از مؤلفه‌های هر یک از طرح‌های اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را ترسیم کرد.

این مؤلفه‌ها بخشی از ویژگی‌های طرحی خلاقانه و فعال است که در مقابل طرحی منفعل که توسط تفکرات غربی و در جهت منافع سرمایه‌دار و سرمایه‌داری مطرح شده است، توسط رهبر معظم مطرح شد.

این مفاهیم اقتصادی را شاید بتوان در یکی از عبارات‌های ایشان خلاصه کرد که همان اقتصاد مقاومتی و مقاوم کردن اقتصادی است. این نوشته تنها اشاره کننده به برخی از مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در مقایسه با ریاضت اقتصادی غربی است.

اقتصاد مقاومتی به معنی تشخیص حوزه‌های فشار و متعاقباتلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن آن تأثیرها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است. همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی‌های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی

رهبر فرزانه انقلاب طی سال‌های اخیر، سال‌های ششمی را با محوریت مسائل اقتصادی نام‌گذاری کرده‌اند. این نام‌گذاری‌ها که در واقع با توجه به شرایط داخلی و خارجی انجام گرفته است بیانگر فرصت‌ها و چالش‌های روبه‌روی کشور است. ایشان با نام‌گذاری هر یک از سال‌ها بخشی از یک جور چین را در کنار بخش‌های دیگر قرار داده‌اند؛ اصلاح آگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف، جهاد اقتصادی، تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی، حماسه سیاسی و اقتصادی و اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی. تمام

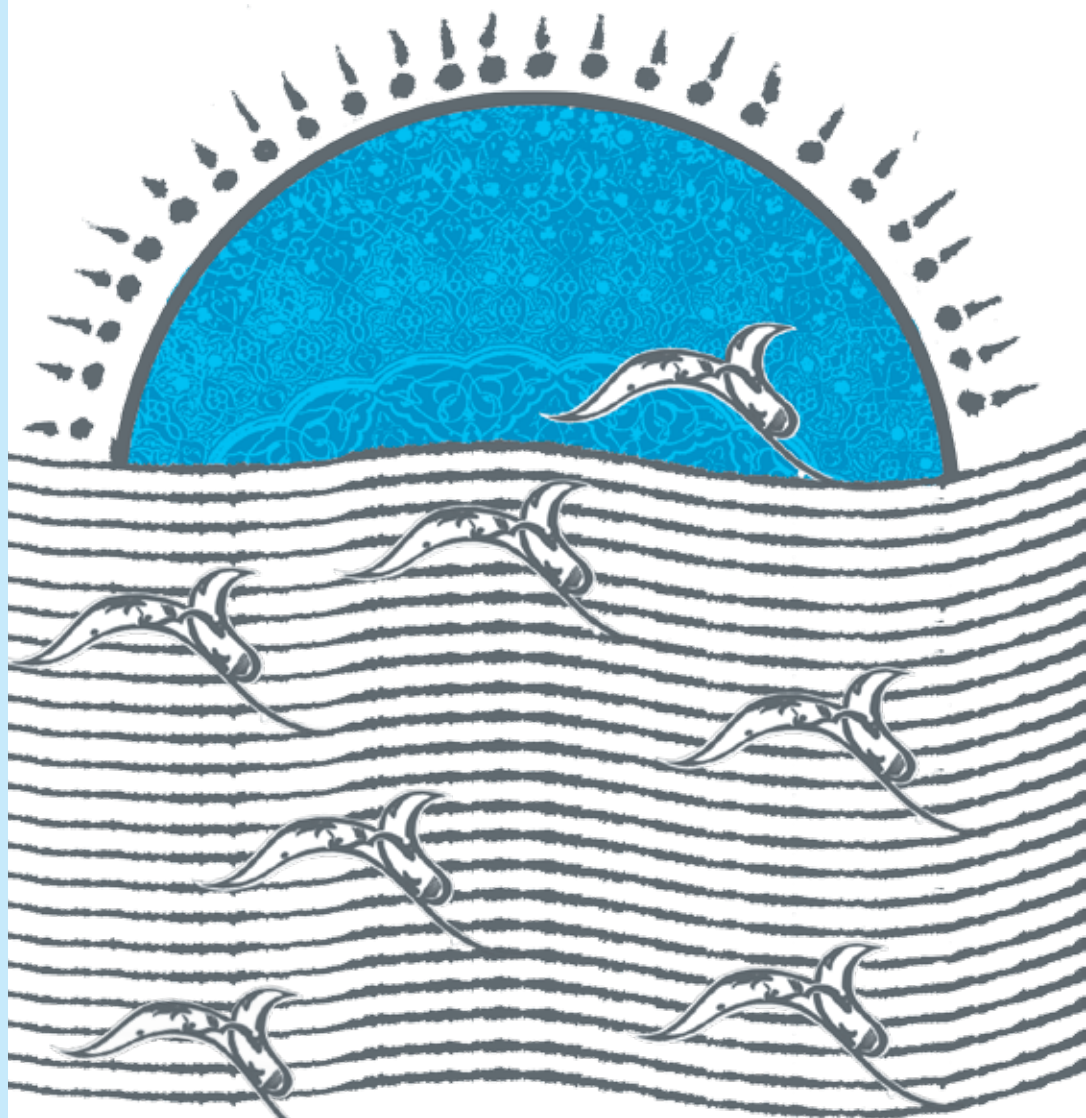
مؤلفه‌های ریاضت اقتصادی	مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی
۱ متکی بر کاهش حقوق افراد جامعه	عدم اتکا بر کاهش درآمدها، بلکه ارتقای آن در جهت رفاه عمومی
۲ متکی بر افزایش مالیات	عدم اتکا بر افزایش مالیات و حتی کاهش آن در مورد برخی از بنگاه‌های تولیدی
۳ متکی بر کاهش و حذف برخی از خدمات عمومی	توسعه خدمات عمومی با تکیه بر نیروها و استعدادها داخلی
۴ مصرف نکردن به دلیل فقر و	درست مصرف کردن و مدیریت مصرف؛ به معنای مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر
۵ روی آوری به کالاهای کم‌قیمت به دلیل کم بود درآمدها	روی آوری به تولید داخلی که هم باعث اشتغال می‌شود و هم اقتصاد داخلی را در مقابل تحریم‌ها مقاوم می‌کند
۶ حذف فرصت‌های شغلی برای جبران کسری بودجه	ایجاد اشتغال برای مردم جامعه جهت مقابله با تحریم‌ها از یک سو و از سوی دیگر توسعه و پیشرفت جامعه
۷ افزایش نامنی اقتصادی، کاهش تولید و سرمایه‌گذاری و فرار سرمایه‌ها	افزایش امنیت اقتصادی، تولید، جذب سرمایه‌گذاری و حتی رشد سرمایه‌گذاری خارجی
۸ کاهش بودجه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری به دلیل کسری بودجه و فشارهای اقتصادی که نتیجه آن نیز طولانی شدن بهره‌وری از این سرمایه‌ها خواهد بود.	استفاده حداکثری از منابع و امکانات برای به ثمر رساندن طرح‌های اقتصادی و جلوگیری از تصمیمات خلق الساعه
۹ دولتی‌سازی شرکت‌های ورشکسته از طریق خرید سهام افراد مانند حرکتی که در بحران اقتصادی آمریکا رخ داد.	مردمی‌سازی و خصوصی‌سازی اقتصاد؛ مردمی کردن اقتصاد جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است چنانچه رهبری به آن اشاره کرده‌اند و در اصل ۴۴ نیز به آن توجه ویژه‌ای شده است
۱۰ وابستگی به استقراض و وام‌های بانک‌های خارجی	«کاهش وابستگی به نفت یکی دیگر از الزامات اقتصاد مقاومتی است. این وابستگی، میراث شوم صد ساله ماست»
۱۱ بی‌ثباتی سیاسی و مخدوش شدن استقلال و اقتدار کشور	«یک واقعیت دیگر هم این است که اگر کشور در مقابل فشارهای دشمن - از جمله در مقابل همین تحریم‌ها و از این چیزها - مقاومت مدبرانه نکند، نه فقط این حربه کند خواهد شد، بلکه در آینده هم امکان تکرار چنین چیزهایی دیگر وجود نخواهد داشت»
۱۲ ریاضت اقتصادی در برخی از کشورها اجرا شده و موفقیت‌چندانی را نشان نداده است	«به نظر ما طرح‌های اقتصاد مقاومتی جواب می‌دهد. همین مسئله سهمیه‌بندی بنزین که اشاره کردند جواب داد. اگر بنزین سهمیه‌بندی نمی‌شد، امروز مصرف بنزین ما از صد میلیون لیتر در روز بالاتر می‌رفت. ... اقتصاد مقاومتی تحریم بنزین را خنثی کرد»



بی‌بهره‌از فرهنگ انتظار می‌توان جامعه نخست را جامعه هدفمند و جامعه دوم را جامعه‌ای بدون هدف تصور کرد. مردمان گرد هم آمده ذیل یک فرهنگ و آداب رسوم که به صورت جمعی برای نیل به هدفی اقداماتی را به انجام می‌رسانند امیدوارتر از مردمان جامعه بدون آرمان هدف‌اند. جامعه‌ای که با بارگیری از کوله‌بار تجربه دوره‌های تاریخی مختلف امید به تحقق آرمان پایان رنج بشری و تکامل نهایی نوع بشر دارد تدارک مقدمات ظهور آن را با امید بیشتری نظاره می‌کند و می‌داند هر عملی که انجام دهد بر آینده تأثیر دارد و نیازمند توجه و برنامه مشخص تری است. جامعه غیر منتظر، چشم اندازی از سعادت جمعی ندارد و افراد آن جامعه زندگی شخصی و پیشرفت افراد را مدنظر دارند و وقتی اهداف فردی و دنیوی شد به هر قیمتی برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. جامعه مهدوی ای که به ما وعده داده‌اند جامعه‌ای خالی از ظلم و جنایت و حق‌کشی است. و افراد منتظر بر تحقق آن نیز همان هدف را تعقیب و بر تحقق مقدمات آن تأکید می‌ورزند.

به آسانی می‌توان افراد جامعه منتظر موعود را مورد خطاب قرار داد که شما چطور منتظر مصلح کل هستید و خود به صلح فکر نمی‌کنید؟ چگونه برای ظهور عادل‌ترین افراد دعا می‌کنید و خود به عدالت رفتار نمی‌کنید؟ چگونه برای ظهور انسان کامل انتظار می‌کشید ولی برای تعالی انسان گامی بر نمی‌دارید؟ به صورت طبیعی انتظار برای هر اصلاحی تحقق آن را منجر می‌شود در صورتی که هیچ کدام از این دست سؤالات را نمی‌توان پیش روی افراد جامعه غیر منتظر نهاد. در قرآن کریم آینده بشریت را به صالحین وعده داده‌اند (اعراف ۱۲۸) بدین ترتیب سعادت در آینده منوط به صالح بودن است. انتظار حکومت صالحان و تحقق حاکمیت مصلح کل مقدماتی دارد. این گونه نیست که یک فرد صالح در آینده پایان همه بدی‌ها باشد. جامعه مهدوی وعده داده شده متشکل از گروهی از افراد صالح است و آن صالحین وارثان آینده زمین خواهند بود. منتظران واقعی مصلح ابتدا خود باید صالح و اصلاح‌گر باشند.

همان طور که رهبر فرزانه انقلاب فرموده‌اند: «روز نیمه شعبان، روز امید و ایمان به آینده، روز مجاهدان پاک‌باز و صادق و روز نگاه به آینده روشن و تلاش برای آن است.» لازم امید به آینده بهتر تلاش لازم برای تحقق آن است. و این یعنی «پویایی» لازم تحقق جامعه مورد انتظار. دست رو دست گذاشتن و انتظار بی‌عمل



و منهم من ينتظر

نگاهی به تفاوت‌های موجود بین جامعه منتظر و جامعه خالی از انتظار

زهراراضی

گاهی انتظار یک ویژگی شخصی است و فرد خاصی منتظر اتفاق خاص یا در انتظار آمدن شخص خاصی است؛ مانند کسی در خلوت خود منتظر امام آخرین خویش است. گاهی این صفت بر جامعه‌ای متشکل از گروهی از انسان‌ها حمل می‌شود. انتظار جمعی معنایی وسیع‌تر و یا حتی متفاوت از انتظار فردی را در بردارد. فرد منتظر نه تنها موظف به پیشبرد حالات و اعمال شخصی خود است، حال آنکه جامعه منتظر تکالیف اجتماعی نیز بر عهده دارند. در مقایسه ابتدایی میان جامعه منتظر و جامعه

واژه «انتظار» در درون خود القاء کننده نگاه به آینده است. آن که گذشته‌ای دارد و در لحظه اکنون به آینده می‌نگرد، منتظر روزهای بهتر از گذشته و حال است. کسی که منتظر آینده است به گذشته باز نمی‌گردد، بلکه تنها آن را به خاطر می‌آورد و به آن نگاه می‌کند، ذات انتظار آمادگی برای آینده بهتر است. و انتظار امام غائب انتظار به ثمر نشستن قرن‌ها حرکت انسان‌هاست برای نیل به آینده‌ای متعالی. گذشته روشن تأثیر مستقیمی بر حال افراد و مجموع این دو پایه گذار آینده پیش روی افراد و جامعه است.

ساده‌سازی حقایق معنوی و تقلیل دادن آنها به امور قابل فهم برای مخاطبان عادی به قیمت فدا کردن اصالت و خلوص این حقایق را می‌توان از جمله کاستی‌های برخی از جشن‌ها و عزاداری‌ها دانست.

مثل همان شخصی است که در آفتاب نشسته بود و منتظر بود که سایه خودش به سوی او بیاید. برای صلاح و رستگاری ما نیازمند اقدام و انجام افعالی هستیم.

در نگاهی دیگر، انتظار معنا بخش تحرک جامعه است. کسی تلاش و حرکت گروهی را می‌پذیرد که دارای هدف مشترک با اعضای آن جامعه داشته باشد. والا یا ساکن و بی حرکت می‌ماند یا تنها به اهداف شخصی خود می‌اندیشد. توجه به سعادت گروهی و در نظر گرفتن سعادت جاویدان جامعه بشری رمز تداوم و حیات یک جامعه منتظر و پویاست. در صورتی که جامعه خالی از انتظار از این ویژگی والا بی بهره است.

یکی دیگر از ویژگی‌ها و محاسن جامعه منتظر در مقایسه با جامعه خالی از انتظار تحمل مصائب و سختی‌هاست. کسی که هدفی والا تر را برای خود در آینده‌ای قابل تحقق در نظر دارد به راحتی می‌تواند مصائب را تاب بیاورد و برای رفع آن تلاش کند. چون می‌داند پایان این شب‌های سیاه صبح سپیدی در انتظار اوست و ظهور مهدی موعود عج پایانی خواهد بود بر تمام این آلام. ولی جامعه غیر منتظر دلیلی نمی‌بیند که رنج‌ها و مصائب را تحمل کند و اگر هم از جبر زمانه آن را تحمل کند، نتیجه و فایده‌ای در نهایت به همراه نخواهد داشت و زحماتش به دلیل نداشتن هدف روشن از بین خواهد رفت.

انتظار منجی نه اینکه لطفی باشد که علاقه‌مندان به آن حضرت می‌کنند، بلکه تلاشی است او لا برای تعالی خود و ثاباً بهره‌مندی از یک اتفاق در سطح جامعه که از تأثیر آن دیگران هم استفاده می‌کنند. در جامعه مهدوی خوبی و تقوا گردد هم می‌آید و ثمرات آن تکثیر می‌شود و همگان از آن بهره‌می‌برند. در صورتی که در جامعه غیر مهدوی خوبی‌ها در نزد اشخاص منحصر مانده است و این عدم اجتماع باعث می‌شود دیگر افراد از این محسنات بی بهره بمانند و ضرر اولیه آن به خود افراد بر می‌گردد؛ به جهت اینکه باید برای دفع بدی‌ها انرژی بیشتری را مصرف نمایند.

به امید روزی که ظهور آن حضرت پایانی باشد بر تمام جنگ‌ها و بدخواهی‌های حاکمان زمین و منتظران تحقق آن جامعه روزی مراتب صبر و سعی خود را در آن سحر مبارک به عینه ببینند و شادی مشرف بر تمام جهان در کام منتظران واقعی آن حضرت شیرین باشد و تا لحظه ظهور همگان دست در دست یکدیگر برای آن روز با شکوه تلاش و مجاهدت نمایند؛ ان شاء الله.



جریان‌شناسی

سینا فیاض

سیاسی تشکیل دهند. چون رابطه مرید و مرادی و تصوف عملی نمی‌توانست برای اداره حکومت و نظم سیاسی کافی باشد، شاه طهماسب دست به سوی علما و فقهای جبل عامل دراز کرد تا از مشروعیت فقهی و توان برنامه‌ریزی دانش فقه برای اداره حکومت برخوردار شود. با آمدن محقق کرکی و برخی از علمای جبل عامل و تربیت فقیهان جوان‌تر در حوزه‌های ایران این مهم تحقق یافت و برای مدتی نسبتاً طولانی، فقهای بزرگ شیعه در اصلاح کار دولت و تنظیم امور کشور کمک‌های فراوانی به صفویه کردند. همچنین در همان عصر حکما و فلاسفه در کنار فقها از جایگاه رفیعی برخوردار بودند.

دیری نپایید که بارواج تفکر اخباری‌گری و جمود بر احادیث، عقلانیت‌اجتهادی به حاشیه رفت و اخباریان توانستند جای مجتهدان را تصاحب کنند و بر طبق دریافت‌های خود، چالش‌هایی را وارد جامعه ایران کنند و با تأکید بر امور فرعی از امور اصلی بازمانند. از جمله دغدغه‌های اخباری‌ها دشمنی با فلسفه و عرفان و سنی‌ستیزی و رواج توهین به مقدسات اهل سنت بود. همین امور باعث شد که فقه سیاسی شیعه در مقام نظر و امر به معروف و نهی از منکر اجتماعی در مقام عمل تضعیف شود و چندپارگی میان علما و نخبگان علمی ایجاد شود. جامعه عصر صفوی یک جامعه مذهبی بود و قوام آن به اندیشه مذهبی و سیره و سلوک رهبران و عالمان مذهبی بود که تضعیف این جایگاه، تأثیر فراوانی بر روی مردم گذاشت و فساد و روحیه بی‌عملی بر مردم و هیئت دولت حاکم شد.^۱

پی‌نوشت:

۱. برای اطلاع از نظرات مختلف درباره سقوط صفویه بنگرید به: جعفریان، رسول؛ صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (۱۳۸۹)؛ ج ۳، ص ۱۱۹۰-۱۳۹۳.

بسیاری از ماجراهای فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوران صفویه، سازنده وضع موجود جامعه ایران و تشیح است. باید با بازخوانی و تحلیل و بررسی این دوره راه آینده را خوب تعیین و برنامه‌ریزی کنیم.

یکی از موضوعات مهمی که باید بدان توجه ویژه کرد بررسی علل انحطاط و زوال صفویه است. به این معنا که باید فهمید چرا دولت قدرتمند و یکپارچه صفویه پس از حدود ۲۰۰ سال زمامداری ایران سقوط کرد. این مسئله از جهات مختلفی دارای اهمیت است. در دوره‌ای که دنیای غرب به خودآگاهی و بیداری فکری و علمی رسیده است و روز به روز قدرت صنعتی خود را افزایش می‌دهد و در فکر استعمار کشورهای جهان است، چرا ایران قدرتمند آن روز، باید دچار ضعف درونی و غفلت جهانی گردد، از مسیر علم و پیشرفت بازماند و دچار جنگ‌های داخلی و کشمکش‌های جاه طلبانه قرار گیرد.

مورخان و تحلیل‌گران متعدد از جوانب مختلف این مسئله را بررسی کرده‌اند و فرضیه‌هایی را مطرح کردند. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان عوامل سقوط صفویه را به دو بخش کار گزاران حکومتی و عالمان و فرهیختگان جامعه تقسیم کرد.

در بخش مرتبط با کار گزاران حکومتی باید به ظلم عمال دولت، اشتغال پادشاه به شراب و لهو و لعب، غفلت از امور مملکت، بی‌تدبیری هیئت حاکمه، عدم توجه به سلاطین صفوی به اجرای مسائل شرعی و تضعیف جایگاه عالمان دینی اشاره کرد. آنچه مهم تر از بخش اول است، کم‌کاری و ضعف عالمان دینی و فرهیختگان فکری جامعه است که نقش هدایت‌گری و مشروعت بخش را به نظام سیاسی ایفای می‌کنند.

صفویه با استفاده از میراث صوفیه و ارادت معنوی و طریقتی قزلباشان به خاندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی توانستند وارد عرصه سیاست شوند و نظام

یکی از چهار علم محوری و تمدن ساز در تاریخ ایران و اسلام، فلسفه و حکمت است که نقطه‌های آغازین آن در قرآن کریم و کلمات ائمه معصومین علیهم‌السلام به خصوص امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود و به تدریج در مجادلات کلامی مسلمین ظهور یافت و پس از ترجمه آثار و مکتوبات یونان، ایران و هند توسط فارابی به صورت دانشی مستقل تأسیس شد.



تأثیر حکمت متعالیه بر انقلاب اسلامی

سید مهدی موسوی

هر نظام سیاسی و تحول اجتماعی بر پایه نظام معرفتی و چارچوب نظری استوار است که در بستر فرهنگی یک جامعه ریشه داشته باشد. این نظام معرفتی هم نگرش انسان را به هستی، انسان و جهان مشخص می‌سازد و هم متناسب با آن جهان بینی خاص، برنامه عملیاتی و طرح و برنامه راهبردی را تعیین می‌کند.

بدون شک انقلاب اسلامی ایران، در بستر فرهنگی شکل گرفته است که ریشه در تاریخ و هویت ملت ایران را دارد. هویتی که بیش از هزار و چهارصد سال با دین مبین اسلام عجین شده است و مذهب تشیع و محبت اهل بیت پیامبر را در دل خود جای داده است. هویتی که در طول هزار و چندساله گذشته توسط اندیشمندان، متفکران، حکما و فقها نضج گرفته و در میراث مکتوب باقی مانده و در سنت علمی فعال و پویای آن ادامه یافته است. در تاریخ ایران چهار سنت علمی کلام، فلسفه، عرفان و فقه نقش اصلی را در ساخت هویت و تاریخ این ملت بر عهده داشته‌اند. در طول صدها سال میان این علوم و صاحبان آن با یکدیگر ارتباطات مسالمت آمیز و گاه مجادلات تفرقه‌انگیز وجود داشته است. اما روشن است که هر یک از آنها آثار و خدمات فراوانی را به تاریخ و هویت انسانی و فرهنگی ایران و اسلام کرده‌اند و عناصری را وارد فرهنگ و دانش بشریت نموده‌اند. اگر چه عالمان هر یک از آن علوم، علم تخصصی خود را مهم و اساسی دانسته و گاه انسان‌ها را بی‌نیاز از دیگر علوم دانسته‌اند اما اگر دقیق‌تر نگریم، مشاهده می‌کنیم که همه علوم در بستر جامعه، به یکدیگر وابسته است و به نوعی در بقاء و گسترش یکدیگر مؤثر بودند. حتی گاه تشکیکات و اشکالات یک علم بر علم دیگر اگر چه ممکن است برای مدت محدودی آن علم را متوقف کند اما در دراز مدت موجب فریبه و استکمال آن می‌شود همچنان که تشکیکات غزالی و فخر رازی موجب توقف کوتاه مدت فلسفه و گسترش و تعمیق بلند مدت آن گردید.

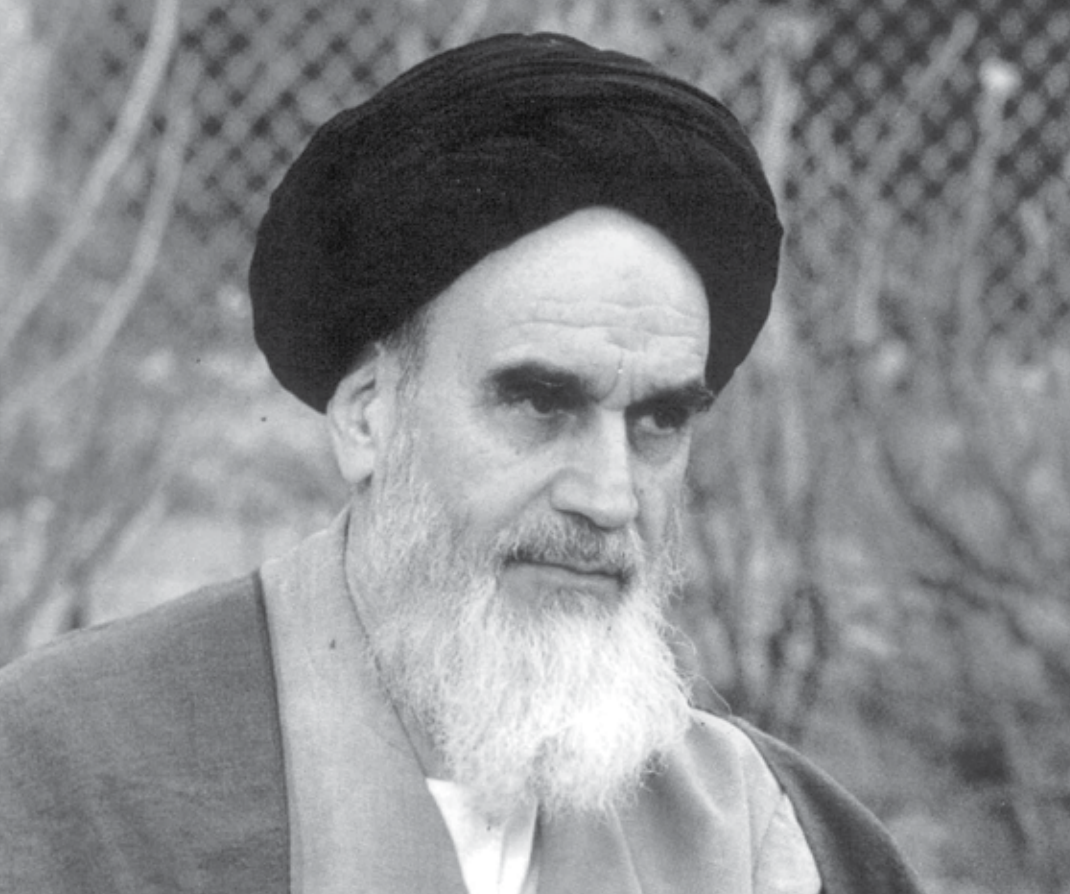
یکی از چهار علم محوری و تمدن ساز در تاریخ ایران و اسلام، فلسفه و حکمت است که نقطه‌های آغازین آن در قرآن کریم و کلمات ائمه معصومین علیهم‌السلام به خصوص امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام بود و به تدریج در مجادلات کلامی مسلمین ظهور یافت و پس از ترجمه آثار و

مکتوبات یونان، ایران و هند توسط فارابی به صورت دانشی مستقل تأسیس شد. پس از فارابی و ابن سینا توسط صدقا فیلسوف و حکیم مسلمان این جریان تا زمان ما به صورت متصل و مسلسل و زنده و پویا ادامه داشته است و همواره یکی از ارکان اصلی تحصیل و تدریس و تألیف در حوزه‌های علمیه و نظام فکری و علمی مسلمین بخصوص شیعیان بوده است. علمای شیعه و دانشمندان ایرانی از همان ابتدا بیشترین اقبال را به مباحث فلسفی و عقلانی داشتند و سعی فراوانی در توسعه و تعمیق فلسفه اسلامی داشته‌اند.^۱ به طوری که در همه سطوح فرهنگی شیعیان نفوذ و ظهور داشته است. به طور مثال کلام شیعی از همان عصر اهل بیت علیهم‌السلام مسیر مستقلی را از اهل حدیث، اشاعره و معتزله پیمود و نوعی کلام عقلی توسط هشام بن حکم، نوبختی، شیخ مفید و سید مرتضی تکوین یافت و روز به روز عقلانی‌تر و فلسفی‌تر می‌شد تا آنکه توسط خواجه نصیرالدین طوسی کلام و فلسفه شیعی در یک مسیر واحد قرار گرفت و همه متکلمان شیعی پس خواجه نصیر همچون علامه حلی، ابن میثم، فاضل مقداد، دشتکی، ملاصدرا، شیرازی، فیاض لاهیجی و... فیلسوفان بزرگی نیز بودند. عرفان اصیل شیعی نیز همین مسیر را پیدا کرد و توسط سید حیدر آملی، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن ترکه اصفهانی و میرداماد و ملاصدرا، شیرازی به فلسفه عجین شد و تا امروز مسیر واحدی را پیموده است. پس از حملات اخباریون به اصول فقه و اجتهاد عقلانی شیعی که منجر به خانه نشینی علم اصول فقه و اجتهاد در اواخر صفویه تا دوران قاجار شد، این فقیهان فیلسوف بودند که نگذاشتند چراغ اجتهاد خاموش شود و با بازخوانی مجدد علم اصول فقه و استفاده وسیع از مباحث فلسفی و معرفت‌شناختی فلسفه اسلامی ضربات محکمی را به اخباری‌گری وارد ساختند و دوره جدیدی را در اجتهاد عقلانی شیعی آغاز کردند که توسط وحید بهبهانی و شاگردان وی ادامه یافت.^۲ خلاصه آنکه فلسفه اسلامی نقش بسیار پررنگ و روشنی در تکوین و بسط هویت شیعی و ایرانی که امروز ما میراث دار آن هستیم داشته است که به هیچ وجه نمی‌توان آن را منکر شد و یا فراموش کرد.

فلسفه اسلامی دارای یک سیر فعال و پویا

بوده است و در سیر تاریخی خود، تحولات رو به جلویی را داشته است. آخرین مرحله فلسفه اسلامی، حکمت متعالیه است که توسط صدرالمتألهین شیرازی در قرن دهم هجری شکل گرفته است. حکمت متعالیه فلسفه و حکمتی است که از میراث عظیم فلاسفه، عرفا، متکلمان اسلامی پیش از ملاصدرا به خوبی استفاده شده است و با روش‌شناسی جامع و سالمی سعی کرده است که یک جهان بینی منسجم و نظام‌مندی ارائه دهد که هم با عقل سازگار باشد و هم مطابق وحی و آموزه‌های نقلی باشد و شهود و کشف نیز آن را تأیید کند. در حکمت متعالیه سعی شده است که با پرهیز از تحویلی‌نگری و حذف دانش‌ها و علوم، جایگاه و نقش هر یک از ابزار شناخت و منابع معرفت آدمی به طور اساسی روشن شود تا همه علوم و دانش‌های بشری در یک چرخه منسجم نسبت به یکدیگر هم‌افزایی داشته باشند. از این رو فلسفه، فقه و عرفان و اخلاق در کنار یکدیگر می‌توانند از معارف اسلامی پرده برداری کنند و هر یک به تنهایی فقط یک چهره و یک بطن از هستی، قرآن و اسلام و انسان را نشان می‌دهد. همچنین در حکمت متعالیه، بر اساس ادله عقلی اثبات شده است که سیاست ذیل شریعت و نبوت و امامت معنا می‌یابد^۳ و در دوره‌ای که امام معصوم علیه‌السلام در غیبت به سر می‌برد این فقها و علمای دین شناس جامع هستند که عهده‌دار امور شرعی و سیاسی مردم می‌شوند.^۴

حضرت امام خمینی (ره) طراح و رهبر انقلاب اسلامی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، خود تربیت شده حوزه‌های علمیه شیعه است و در این سنت علمی، نزد اساتید درجه یک زمان خود، به تحصیل علوم نقلی همچون اصول فقه و فقه پرداختند و از همان ابتدا، اهتمام جدی به تحصیل علوم عقلی و فلسفی داشتند و نزد حکمای بزرگی همچون حکیم میرزا علی اکبر یزدی و آیت‌الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی کتب متعدد فلسفی را فرا گرفتند و با شور و اشتیاق فراوان کتب متعدد دیگری را در حکمت متعالیه و عرفان نظری از محضر آیت‌الله محمدعلی شاه‌آبادی تلمذ کردند. همو که امام او را بارها پدر معنوی خویش نامید و در آثار خود برایش «روحی له الفدا» نگاشته است.^۵ ایشان پس از آن سالیان درازی کتب



از امام ملت به مجلس ملت

علی سعیدی

«ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تحمیلی فاسد (پهلوی) خورد. چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جان‌فرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. از بعد از مشروطه هیچ‌گاه به قانون اساسی عمل نشده... اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشان سر نوشت کشور به دست مردم افتاده و و کلا از خود مردم و با انتخاب خودشان بدون دخالت دولت و خان‌های و لایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند و امید است که با تعهد آنها به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود» (صحیفه نور؛ ج ۲۱).

هفتم خرداد سالروز تأسیس مجلس شورای اسلامی است. مجلس به عنوان نهادی قانون‌گذار در جایگاهی بلند قرار دارد. اهمیت وجود قانون در جوامع بر هیچ شخصی پوشیده نیست. استقرار نظم در جامعه یکی از مهم‌ترین خاستگاه‌های وجود حکومت و به تبع آن قانون است. انسان در تکامل اجتماعی خود به این نتیجه رسیده است که وجود قانون و نظم در جامعه و تحمل حضور سنگین قوای مجریه و انتظامی در سایه زندگی فردی به قطع با وجود بی‌نظمی و هرج و مرج و داشتن آزادی‌های طبیعی قابل مقایسه نیست. علاوه بر این از دل همین نظم است که عدالت زاده می‌شود. وضع قوانین در محل‌هایی که قوای مجریه از نبود آن رنج می‌برند و یا وضع قوانین در مکان و یا زمان‌هایی که مردم از نبود آن رنج می‌برند جزو وظایف مجلس شورای اسلامی است. چنان که امام ایشان را به توجه به حال محرومان جامعه جلب می‌کنند و می‌فرماید: «امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می‌گیرد در رأس برنامه‌ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح‌هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود» (صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۳۶۲). در این عبارت رسیدگی به حال مستضعفین در رأس برنامه‌های مجلس ذکر شده است که نمایندگان در قانون‌گذاری باید به حال این قشر توجه خاص داشته باشند. امام خمینی (ره) با تأکید بر اینکه جهت‌گیری در مجلس باید بر اساس خواسته‌های ملت و بر مبنای نظرات اسلام طرح شود بیان می‌دارند: «مجلس شورای اسلامی که شما آقایان و کیل هستی‌داز طرف ملت برای خدمت در آن بنگاه، باید آنکه دلخواه ملت است در آنجا طرح بشود و آنچه دلخواه اسلام است بحث و مشورت بشود. و به تریبی که مقرر است تصویب بشود و همه چیزش اسلامی باشد» (صحیفه امام؛ ج ۱۲، ص ۳۴۵). اگر وضع قوانین با توجه به مقتضیات جامعه اسلامی و با توجه به کمبودهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... طرح و تصویب شود، بسیاری از مشکلات کشور و مردم نیز حل خواهد شد.

اصلی حکمت متعالیه همچون شرح منظومه و اسفار اربعه را برای شاگردان مستعدی تدریس کرده و حاشیه نگاشته است. امام خمینی (ره) بارها و بارها به اهمیت فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه و عرفان نظری تأکید فرموده‌اند و بر حفظ و حراست از این میراث عظیم و تحصیل و تدریس آن پای می‌فشردند. بنابراین تأثیر حکمت متعالیه در کنار دانش عظیم فقه و اصول فقه بر شخصیت و اندیشه امام خمینی (ره) اظهر من الشمس است اما اشاره به برخی از شواهد تاریخی خالی از لطف نیست.

در واپسین روزهای منجر به پیروزی انقلاب اسلامی، آن هنگام که خبرنگار مصری از امام می‌خواهد که برخی از کتب اصلی که در ساختن شخصیت و اندیشه ایشان مؤثر بوده است را نام ببرد ایشان در کنار قرآن کریم، اصول کافی در اخبار، جواهر الکلام در فقه از اسفار اربعه ملاصدرا در حکمت متعالیه نام می‌برد.^۱

در روزهای پایانی عمر شریف امام (ره) ایشان نامه پیامبر گونه خود را به گورباچف رئیس اتحادیه جماهیر سوسیالیستی شوروی (امپراتور شرق) می‌نویسند و در آن پیام الهی و متعالی پس از بر شمردن مشکلات و معضلات نظام‌های کمونیستی، ریشه همه آن مشکلات را در مبنای فلسفی و اعتقادی آنان معرفی می‌کند که آثار و نتایج خود را در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نشان داده است. از این رو امام (ره) به تبیین بنیادها و مبنای معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی اسلام می‌پردازد که به واسطه آنها انقلاب اسلامی را پایه‌گذاری و رهبری کرده است و با معرفی حکما و عرفای بزرگی همچون فارابی، ابن‌سینا، شیخ اشراق، صدر المتألهین و محی‌الدین عربی، راه نجات نظام سیاسی و اقتصادی بلوک شرق را در مراجعه به حکمت متعالیه و معارف عمیق فلسفه اسلامی معرفی می‌کند.^۲

پی‌نوشت:

۱. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ ج ۱۴، ص ۴۵۸-۵۴۷.
۲. موسوی، سید مهدی؛ «تعامل متقابل فلسفه و اصول فقه از منظر شهید سید محمدباقر صدر»؛ نشریه علمی-ترویجی معرفت؛ شماره ۱۴۰ (مرداد ۱۳۸۸)؛ ص ۶۳-۵۳.
۳. صدر المتألهین شیرازی؛ شواهد الربوبیه؛ تصحیح محقق داماد؛ تهران: بیاد حکمت اسلامی صدر (۱۳۸۲)؛ ص ۴۲۴.
۴. همان؛ ص ۴۳۸.
۵. چهل حدیث؛ ص ۲۰ و ص ۶۷؛ صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۴۰۷.
۶. صحیفه امام؛ ج ۵، ص ۲۷۱.
۷. همان؛ ج ۲۱، ص ۲۲۳-۲۲۵.



موانعی بود که محاسبات مادی دشمن را به واقعیت نزدیک می ساخت. «هنگام هجوم عراق، آرایش نظامی قوی در مرزها وجود نداشت. تنها نیروی حاضر در منطقه، لشکر ۹۲ زرهی اهواز بود که رزمندگان آن با تمام مشکلات مجبور بودند از دهلران تا آبادان گسترش یافته، در مقابل شش لشکر بسیار مجهز عراقی مقاومت کنند. با پیشروی عراقی به طرف اهواز، انبار مهمات لشکر ۹۲ به طرز مرموزی منفجر شد»^۲.

بر اساس آنچه بیان شد، نتیجه می توانست شکست و عقب نشینی فوری از مواضع دفاعی باشد؛ اما برخلاف آنچه پیش بینی می شد حماسه دفاع از خرمشهر و مقاومت تاریخی و سرنوشت ساز مدافعان این شهر، مجموعه اهداف آشکار و پشت پرده تهاجم به مرزهای ایران را دچار چالشی جدی کرد. برای شناخت مهم ترین مؤلفه های شکل گیری باور مقاومت در خرمشهر باید دو عنصر اساسی را بیشتر مد نظر قرار داد:

الف- خودباوری

بی تردید آنچه باعث شکست ارتش های جهان در جنگ های طول تاریخ بوده، خودباختگی و ترس از دشمن، به خصوص در ذهن فرماندهان و رهبران، بوده است. حضرت امام خمینی (ره) برخلاف سلاطین دنیا زده و خودباخته به عنوان رهبری بزرگ اعتنا به داشته های مادی جهان خواران و نابرابری مشهود توان رزمی طرفین نبرد، ابهت دشمن را در پرتو توکل به پروردگار متعال ناچیز برشمرد: «من از ملت بزرگ ایران خواهیم که در هر مسئله ای که پیش می آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند و از هیچ چیز باک نداشته باشند. ما از آن قدرت های بزرگ تر سیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست»^۳.

توسعه این اعتقاد قلبی و اطمینان به نصرت الهی در باور عموم، روح مقاومت و پایداری در قبال دشمن را در دل و جان مردم این سرزمین دمید و غیرت آنان را برای دفاع از حریم کشورشان به جوش آورد. نشریه گاردین از قول یک دهقان پیر نوشت: «ما با چنگ و ناخن به این زمین خواهیم چسبید. اگر آنها (ارتش عراق) همه چیز را نابود کنند، مادر چادرها خواهیم خوابید. بعد باز خواهیم گشت و همه چیز را چون ویتنام خواهیم ساخت». سپس می گوید: «این مقایسه انقافی نیست و همه مردم در اینجای می گویند که امپریالیسم آمریکاپشت صدام حسین است»^۴.

خبرنگار دیگری نیز گزارش داد «در خرمشهر و آبادان کودکان بسیاری اغلب در کنار پدرانشان در جنگ شرکت داشته اند و یکی از آنها که چهارده ساله بود با افتخار برای خبرنگاران غربی تعریف کرد که چگونه با دو کونکول مولوتف تانک عراقی را منهدم کرده است»^۵.

حضرت امام (ره) با مشاهده ایستادگی تاریخی مردم در مقابل متجاوزان در توصیف جهاد مؤمنانه آنان می فرماید: «آنچه برای اینجانب غرور انگیز و افتخار آفرین است، روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح

خرمشهر هرگز ساق و وطن نکرد!

سید حمید مشتاقی نیا

در تاریخ دفاع مقدس نبردهای خرمشهر جایگاه مهمی دارد. عراق مدعی بود ایران تحمل حملات ارتش رژیم بعث را ندارد و در مدت زمانی اندک، به آنچه عراق می خواهد تن خواهد داد. خرمشهر، اما به باتلاقی برای متجاوزین تبدیل شد. مقاومت مثال زدنی مردم و مدافعان خرمشهر به جهانیان نشان داد که ورای محاسبات مادی آنان، عناصر دیگری نیز در ساخت اعتقادات و باورهای مردمی وجود دارد که می تواند مناسبات بین المللی را به گونه ای دیگر رقم بزند. مقاومت جانانه خرمشهر در تفهیم اشتباهات استراتژیک دشمنان ایران اسلامی که سودای فتح چند روزه خوزستان و شکست نظام جمهوری اسلامی را در سر می پروراندند، نقش به سزایی داشت.

عناصر مقاومت:

بانیم نگاهی به شرایط حاکم بر فضای آن روز ایران، می توان بزرگی حماسه مدافعان خرمشهر را بهتر نشان داد. نباید از یاد برد که ایران اسلامی در آن روزها با توطئه های عجیب و پیچیده ای از سوی عناصر وابسته به شرق و غرب مواجه بود. ترورها و بمب گذاری های مکرر منافقین، فتنه های قومی و جدایی طلبانه در برخی مناطق کشور، مشکلات داخلی ارتش جمهوری اسلامی، تحریم های سیاسی و اقتصادی، عدم آمادگی لازم و فقدان آموزش های مورد نیاز نیروهای دیگر یگان های تازه تأسیس مسلح مانند سپاه و کمیته و از همه مهم تر عدم اعتقاد فرمانده وقت کل قوا به دفاع از خرمشهر که باعث قطع ارسال کمک به مدافعان این نقطه گردید از جمله



بی تردید آنچه باعث شکست ارتش‌های جهان در جنگ‌های طول تاریخ بوده، خودباختگی و ترس از دشمن، به خصوص در ذهن فرماندهان و رهبران، بوده است. حضرت امام خمینی (ره) برخلاف سلاطین دنیا زده و خودباخته به عنوان رهبری بزرگ اعتنا به داشته‌های مادی جهان‌خواران و نابرابری مشهود توان رزمی طرفین نبرد، ابهت دشمن را در پرتو توکل به پروردگار متعال ناچیز برشمرد.



شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداء هستند، می‌باشد. این است فتح الفتوح»^۶.

ب- اتحاد

یکی دیگر از مسائلی که در پرتو اعتقاد به اصل ولایت فقیه رقم خورد و ناکامی دشمن در دستیابی به اهدافش را به دنبال داشت، اتحاد گروه‌های مردمی بود. «آنچه را که رهبران عراق از نظر دور نگاه داشتند، ظرفیت و آمادگی مردم ایران و جمع آمدنشان به دور مظاهر انقلابشان، یعنی امام بود. مردم هنوز در شور و هیجان یک رستاخیز مذهبی و سیاسی هستند»^۷. یک تحلیل‌گر غربی نیز با رصد فضای حاکم بر دفاع مقدس، وحدت ملت ایران را این گونه ارزیابی کرد «یک نیروی عجیب و غریب نظامی از سربازان حرفه‌ای، روحانیون، شبه نظامیان محلی و بچه‌های مدرسه‌ای نوجوان سیزده ساله را با یک التهاب اسلامی شدید به یکدیگر متصل کرده است»^۸.

تابلوی معروف «خرمشهر، جمعیت ۳۶ میلیون» شاهکار هنرمند شهید بهروز مرادی را نباید تنها یک ابتکار تبلیغاتی دانست. در واقع نیز چنین بود که دولت مزدور عراق نه فقط جغرافیای خرمشهر را که کلیت حریم ایران سرافراز را نشانده رفته بود و بر اساس ادعای اولیه خود به چیزی کمتر از شکست کامل حاکمیت ایران قناعت نمی‌کرد. نخست وزیر وقت عراق تأکید داشت: «این جنگ به دلیل قرارداد ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر و نصف اروند نیست، این جنگ برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است»^۹.

اگر چه دشمن توانست برای مدتی این شهر را به اشغال خود در آورد، اما هیچ تصویری از مقاومت مردمی در این شهر نداشته. از این رو خیال پر دانه در صدد تصرف کل استان خوزستان و سپس شکست نظام اسلامی ایران بود. دفاع در خرمشهر تمام رویاهای کور دشمن را باطل ساخت و از سوی دیگر به رزمندگان جبهه‌حق این نکته را اثبات کرد که به هر غم همه کاستی‌های مادی می‌توان دشمنی قدرتمند را زمین گیر کرد.

آزادسازی خرمشهر قهرمان رانیز باید مرون فرهنگی دانست که بر مبنای مقاومت ۳۵ روزه در خرمشهر فراگیر شد و مواز نه قدرت در خطوط مقدم نبرد را به گونه‌ای رقم زد که دولت عراق بود حلبچه و بندر استراتژیک فاو را زیر پای رزمندگان تربیت شده در مکتب ایمان و حماسه می‌دید. «در اردوگاه‌های اسرای ایرانی افرادی را دیدیم که قاطعانه برای فدا کردن جان خود در راه اعتقاداتشان آمادگی داشتند. آن منظره منادی جنگ جهانی چهارم بود که ما فقط درک نامشخصی از آن در ذهن داریم. اعتقادات مذهبی این افراد برای سوق دادن آنان به سوی انجام کارهایی که به طرز غیر قابل باوری سخت بود، نقش به‌سزایی داشت»^{۱۰}.

پی‌نوشت:

۱. منصوری لاریجانی: تاریخ دفاع مقدس؛ ص ۶۰.
۲. رحیمی حسن: از سقوط گنجه تا فتح خرمشهر؛ ص ۱۵۰.
۳. صحیفه نور؛ ج ۱۳، ص ۲۲۲.
۴. نشریه گاردین (۱۳۵۹/۷/۲۲).
۵. همان (۱۳۵۹/۷/۲۲).
۶. صحیفه نور؛ ج ۱۳، ص ۲۸۹.
۷. تایمز مالی (۱۹۸۱/۲/۸).
۸. نیویورک تایمز (۱۳۶۱/۱/۱۸).
۹. طه یاسین رمضان (نخست وزیر عراق)؛ لایه‌های پنهان جنگ؛ بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۰. کنت دمارانش (رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه)؛ جنگ جهانی چهارم، دیپلماسی و جاسوسی در عصر خشونت؛ انتشارات اطلاعات.



نشانه‌های مدیریت جهادی در صحیفه سجادیه

سید محمد طاهاموسوی

از آنجا که جریان حق برای اعلائی کلمه حق و احیای ارزش‌های الهی و انسانی همواره مورد تهاجم فرهنگی، تهدید نظامی و تحریم اقتصادی از سوی جبهه باطل و ایادی شیطان و سران استکبار و طاغوت است، راهی جز مقاومت و جهاد ندارد. زیرا که یا باید در برابر زیاده‌خواهی‌های آنان کرنش کرد و ننگ ذلت و بندگی آنان را پذیرفت و یا باید با توکل و اعتماد به قدرت لایزال الهی و تکیه بر عزم ملی و ایمان درونی استقامت کرد و برای اعلائی کلمه اسلام و عزت بخشیدن به امت اسلامی و ملت مؤمن و تقویت جریان حق مدران عالم تلاش و مجاهدت کرد.

از این رو، الگوی سودمدارانه و منفعت طلبانه در مدیریت که امروزه در مجامع دانشگاهی غربی مطرح و معرفی می‌شود، نمی‌تواند الگوی کارآمدی برای مدیران و کارگزاران جبهه حق باشد بلکه می‌بایست الگویی متناسب با جایگاه و اهداف جبهه حق و موانع و شرایط تحمیلی از سوی جبهه باطل برگزید. به تعبیر دیگر «با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیانا خوابالوده و بیحساسیت نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد» بلکه باید حرکتی کرد که هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد. تنها الگویی که می‌تواند عهده‌دار این رسالت بزرگ شود الگوی «مدیریت جهادی» است که در معارف ناب اسلامی معرفی و تبیین شده است و بارها در قرآن کریم و کلمات حضرات معصومین (علیهم‌السلام) اشاره شده است.

الگوی مدیریت جهادی، الگوی موفق مدیریت در جبهه حق است که هدف آن تلاش و کوشش در راه ارزش‌های والا و در مقابل شیطان است. در فرهنگ اسلامی «یک ملت وقتی معتقد به جهاد شد، در همه‌ی میدان‌ها پیشرو است. جهاد فقط تفنگ به دست گرفتن نیست؛ جهاد این است که انسان خود را همیشه در میدان حرکت و مبارزه با موانع‌ها و مانع تراش‌ها ببیند، احساس تکلیف کند، احساس تعهد کند؛ این می‌شود جهاد؛ جهاد اسلامی این است. جهاد گاهی با جان است، گاهی با مال است، گاهی با فکر است، گاهی با دادن شعار است، گاهی با حضور در خیابان است، گاهی با حضور در پای صندوق رأی است؛ این می‌شود جهاد فی سبیل الله؛ و این است که یک ملت را رشد می‌دهد، طراوت می‌دهد، تازگی می‌دهد، امید می‌دهد و یک ملت پیش می‌رود»^۱.

از جمله منابعی که می‌توان جهت تبیین الگوی مدیریت جهادی از آن بهره گرفت، کتاب شریف صحیفه سجادیه است. امام زین‌العابدین (علیه‌السلام) در دوره‌ای می‌زیستند که فشارهای گسترده‌ای به مؤمنان و شیعیان و خصوصاً اهالی مدینه از سوی امویان، زبیریان و مروانیان وارد می‌شد که جو خفقان‌آوری را ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی امام سجاد (علیه‌السلام) با استفاده از روش دعا و نیایش، به تبیین رسالت و وظایف مردم پرداختند. توجه به ظلم ستمگران، مکرها و کینه‌های دشمنان و حفاظت از مرزهای عقیدتی، فرهنگی و جغرافیایی امت اسلامی از موضوعات مهم و بسیار پررنگ صحیفه سجادیه است. امام سجاد (علیه‌السلام) در چند دعا به تبیین و توصیف شرایط سخت مؤمنان پرداخته و همراه آن وظایف جامعه ایمانی را



خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست، و عده ایشان را افزون ساز، و اسلحه ایشان را به راه کن، و حوزة ایشان را حراست نمای، و نقاط حساس جبهه شان را محکم کن، و جمعیتشان را الفت بخش و کارشان را به وجه شایسته روبه راه کن.



نیز تبیین نموده اند که بر محور مقاومت و جهاد، حرکت و تلاش، و عزت و امید استوار است.

در دعای چهاردهم از صحیفه سجادیه در «دادخواهی از ستمگران» امام سجاد (علیه السلام) استقامت در راه حق را خداوند طلب می کند و می خواهد که مؤمن به غیر خدا اعتماد نکند و از هیچ حکم جور و قدرت مستکبری برای احقاق حق خود کمک نگیرد و همچنین دچار سستی و رخت نشود و با امید و اعتماد به لطف و عنایت الهی، این گونه مناجات می کند:

«أُذِنِّي مِنْكَ بِنَيْتَةِ صَادِقَةٍ وَ صَبْرٍ دَائِمٍ وَ
أَعْدَنِي مِنْ سُوءِ الرَّعْبَةِ وَ هَلَعَ أَهْلَ الْجَرْصِ
وَ صَوَّرَ فِي قَلْبِي مِثَالَ مَا أَدَّخَرْتَ لِي مِنْ ثَوَابِكَ، وَ
أَعَدَدْتَ لِحُصْمِي مِنْ جَزَائِكَ وَ عِقَابِكَ، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ
سَبَبًا لِقُلْعَاتِي بِمَا قَصَيْتَ، وَ ثِقْتِي بِمَا تَخَيَّرْتَ؛ خدایا مرا
از جانب خود به نیت صادق و صبر دائم تأیید فرما و از خواهش

بدو از مندی اهل حرص پناه ده، و تصویری از ثواب خود که برای من ذخیره کرده ای، و از جزاء و عقاب خود که برای دشمنم فراهم ساخته ای در دلم مصور ساز، و آن را وسیله خرسندی من به قضای خود و اطمینانم به آنچه اختیار کرده ای، قرار ده».

از این فراز از دعا، برخی از نشانه ها و ویژگی های رفتار جهادی انسان مؤمن در برابر فشارها و ظلم های ستمگران روشن می شود. اما بیش از این رامی توان در دعای بیست و هفتم از صحیفه سجادیه مشاهده کرد که به تفصیل رسالت کارگزاران و مؤمنان را در حفاظت و نگهداری از مرزهای عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه اسلامی را بیان فرموده اند. تبیین همه وظایف مدیران و نشانه های مدیریت جهانی نهفته در این دعای شریف خارج از مقدر این نوشتار کوتاه است و خود نیازمند به تألیف کتابی مستقل است اما لازم است به یکی از فرازهای آن توجه شود. در فرازهای ابتدایی از دعای شریف ۲۷ صحیفه سجادیه آمده است:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ كَثِّرْ عَدَّتَهُمْ، وَ اشْحَذْ أَسْلِحَتَهُمْ، وَ اخْرُسْ حَوَزَتَهُمْ، وَ امْنَعْ حَوْمَتَهُمْ، وَ أَلْفِ جَمْعَهُمْ، وَ دَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَ وَاثِرِ بَيْنَ مِيزِهِمْ، وَ تَوَجِّدْ بِكِفَايَةِ مَوْنِهِمْ، وَ اعْضُدْهُمْ بِالنَّصْرِ، وَ اعْنِهِمْ بِالصَّبْرِ، وَ الطَّفِّ لَهُمْ فِي الْمَكْرِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ عَرِّفْهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَ عَلِّمْهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ بَصِّرْهُمْ مَا لَا يَبْصُرُونَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ أَنْسَهُمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعُدُوَّ ذَكَرَ دُنْيَاهُمْ الْخِدَاعَةَ الْغُرُورَ، وَ امْنَعْ عَنِ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفِتُونَ، وَ اجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ، وَ لَوْحَ مِنْهَا لِابْصَارِهِمْ مَا أَعَدَدْتَ فِيهَا مِنْ مَسَاكِينِ الْخَلْدِ وَ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ وَ الْحُورِ الْحَسَنِ، وَ الْأَنْهَارِ الْمَطْرُودَةِ بِأَنْوَاعِ الْأَشْرِبَةِ، وَ الْأَشْجَارِ الْمُتَدَلِّيَةِ بِصُنُوفِ الثَّمَرِ حَتَّى لَا يَبْهَمُ أَحَدٌ مِنْهُمْ بِالْأَدْبَارِ، وَ لَا يَحْدَثَ نَفْسَهُ عَنْ قَرْبَةٍ يَفْرَارِ.

خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست، و عده ایشان را افزون ساز، و اسلحه ایشان را به راه کن، و حوزة ایشان را حراست نمای، و نقاط حساس جبهه شان را محکم کن، و جمعیتشان را الفت بخش و کارشان را به وجه شایسته

روبه راه کن، و آذوقه شان را پیاپی برسان، و مشکلاتشان را خود به تنهایی کفایت نمای، و ایشان را به نصرت خود تقویت کن، و به صبر مدد رسان، و چاره جوئی های دقیق بیاموز.

خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست، و آن دقیق جنگی را که به آن جاهل اند به ایشان بشناسان، و آنچه را که نمی دانند تعلیمشان کن، و آنچه را که نمی بینند به ایشان بنمای. خدایا بر محمد و آتش رحمت فرست، و هنگام بر خورد با دشمن فکر دنیای فریبنده گول زننده را از یادشان ببر، و اندیشه های مال گمراه کننده را از دل هایشان به زدای. و بهشت را نصب العین شان ساز، و آنچه را که در بهشت فراهم ساخته ای: از مسکن های جاوید، و منزلهای عزت، و حوریان زیبا، و نهرهایی که به انواع آشامیدنی هاروان شده، و درختانی که ز بار میوه ها خام گشته، پیش چشمشان جلوه گر ساز، تا هیچ یک از ایشان آهنگ روی بر گرداندن از دشمنی نکند و به خیال فرار از برابر هموردی مانند خود نیفتد».

در این فرازها حداقل به ۱۲ نشانه از نشانه های مدیریت جهادی اشاره شده است که اشاره وار عبارت انداز:

۱. داشتن کثرت نفرات (جذب حداکثری و دفع حداقلی)؛
۲. دست یابی به ابزار و سلاح های مجهز و کارآمد (دست یابی به فن آوری های روز دنیا برای اقتدار ملی)؛
۳. شناسایی نقاط حساس و ارکان قدرت جامعه و حفاظت از آن ارکان و نقاط حساس (پرهیز از تسامح و تساهل در برابر ارکان قدرت ساز)؛
۴. وحدت و یکپارچگی تمام افراد جامعه در کار و تلاش؛
۵. تدبیر در امور با تکیه بر علم و درایت؛
۶. ذخیره سازی نیازهای اساسی مردم (و خود کفایی در محصولات اساسی جامعه)؛
۷. صبر و استقامت در برابر حوادث؛

۸. شناخت نیرنگ ها و حيله های دشمن و خنثی کردن ماهرانه و زیرکانه آنها؛

۹. کسب شناخت و علم کافی برای پیشرفت و ارتقای ساخت درونی؛

۱۰. بصیرت و تحلیل درست و واقع بینانه؛

۱۱. داشتن روحیه خدمت به مردم با نیت خدایی و عدم دل بستگی به دنیا طلبی، جاه و مال فتنه گر (پرهیز از اشرافی گری و دل بستگی به مال و منال دنیا)؛

۱۲. امید به آینده و وضعیت بهتر چه در دنیا و چه در بهشت اخروی. روشن است که اگر این نشانه ها و بایسته هایی را که امام سجاد (علیه السلام) برای حفاظت از جامعه اسلامی و پیشبرد آن بیان فرموده اند در الگوی مدیریتی و سازمانی کشور مارعايت شود الگوی مدیریت جهادی تولید می شود؛ که به تعبیر مقام معظم رهبری «اگر مدیریت جهادی یا همان کار و تلاش با نیت الهی و مبتنی بر علم و درایت حاکم باشد، مشکلات کشور، در شرایط کنونی فشارهای خباثت آمیز قدرت های جهانی و در شرایط دیگر، قابل حل است و کشور حرکت رو به جلو را ادامه خواهد داد»^۳.

پی نوشت:

۱. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست های اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۲/۲۰).
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم اصفهان در روز عید قربان (۱۳۸۹/۸/۲۶).
۳. بیانات رهبر انقلاب در دیدار شهردار و اعضای شورای اسلامی شهر تهران (۱۳۹۲/۱۰/۲۳).



تربیت عطری

اصول تربیت دینی کودکان

علی صادقی سرشت

منظور از تربیت دینی ایجاد روحیه و میل مذهبی در کودک نیست؛ چراکه این میل مانند غرایز دیگر، خود به خود و به صورت تکوینی در وجود کودک نهاده شده است و نیازی به ایجاد ندارد. آنچه که از نظر تربیت مهم است، زمینه سازی برای شکوفایی این بعد فطری و سپس تقویت آن است.

اصول تربیت دینی

۱. تربیت عطری

تربیت عطری یعنی خود پدر و مادر اعمال دینی و آداب معنوی را با روح و حضور قلب و اعتقاد به آنها انجام دهند؛ یعنی نه تنها نماز می خوانند، بلکه نماز را با حضور قلب می خوانند. آنها هر عبادتی را با قلب پاک و عقیده انجام می دهد. در چنین خانواده هایی کودک نه تنها نماز خواندن را می بیند، بلکه روح نماز و دینداری را درک می کند.

۲. اصل پاسخگویی

سؤالاتی که در ذهن کودک درباره مسائل دینی ایجاد می شود یک فرصت است؛ فرصتی برای آنکه از سطح رشد دینی فرزند خود باخبر شویم و نیز برخی مفاهیم دینی را به کودک منتقل کنیم. دختر امام راحل می گوید: پنج ساله بودم و در نماز به حضرت امام اقتدا کردم. پس از پایان نماز مادرم گفت: دخترم به شکل صحیحی اقتدا نکردی. از امام پرسیدم. آن بزرگوار پانزده دقیقه مسئله را برایم توضیح دادند.

۳. اصل تدریج

امام صادق علیه السلام وقتی بچه سه ساله شد، کلمه «لا اله الا الله» را یادش بدهید. سپس او را رها کنید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد، آنگاه «محمد رسول الله» را یادش بدهید. سپس تا سن چهار سالگی رهاش کنید و در سن چهار سالگی صلوات بر محمد را یادش بدهید. اصل مهمی که از این روایت گهربار به دست می آید، توجه به تدریجی بودن تربیت است. در نظر نگرفتن ظرفیت و توان کودک و تحمیل برنامه های عبادی بیش از حد توان، زدگی نسبت به مسائل دینی را ایجاد خواهد کرد.

۴. اصل تشویق

برخی والدین عادت کرده اند در زمان هایی به کودکان خود توجه کنند که آنها خطایی می کنند و در زمان هایی که آنها کار درستی انجام می دهند



آموزش دهید. از فرزندتان بخواهید تا قوانین الهی را با زبان و درک و فهم خودش بیان کند. موارد عینی قوانین الهی را در زندگی و تجربه فرزندتان به او نشان دهید.

□ دوران نوجوانی

معانی مختلف یک قانون را برای فرزندتان بیان کنید. برای مثال به او بگویید قانون «احترام مؤمن را باید حفظ کرد» محدود به احترام در حضور آنها نیست؛ بلکه باید در پشت سر آنها نیز احترام شان را با غیبت نکردن و تهمت نزدن حفظ کرد.

تناقضاتی که اجرای یک قانون ممکن است ایجاد کند، برای فرزندتان توضیح دهید؛ مثلاً آیا دروغ گفتن برای اصلاح رابطه بین دو نفر درست است؟

درباره انگیزه و نیت اعمال با فرزندتان صحبت کنید؛ آیا انجام کاری با نیت خیر با انجام همان کار با انگیزه ریاکاری برابری است؟

پی نوشت:

۱. علاءالدینی، سیدمحمد رضا؛ نگرشی نو به تربیت دینی کودکان و نوجوانان؛ ص ۸۶.
۲. طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۵۴.

کمتر به آنها توجه می کنند؛ در صورتی که دیدن و تشویق کارهای خوب فرزندان، به خصوص در مسائل دینی، یک راهکار مهم برای تربیت دینی است. دختر خردسالی که در کنار مادر به نماز ایستاده، می تواند بعد از نماز با این جملات تحسین شود: «تو توی این چادر نماز مثل فرشته ها شدی! وقتی دست های کوچولیت را برای دعا بالا می گیری، خیلی زیبا می شوی. از وقتی که با من نماز می خوانی، احساس می کنم که دوست داشتنی تر شدی».

۵. اصل تناسب

اصول مذهبی را متناسب با سن فرزندتان آموزش دهید.

□ سنین قبل از مدرسه

معارف دینی را در قالب شعر، داستان، نمایش و بازی به کودکان خود آموزش دهید.

به هر اندازه که شما را در برنامه های دینی همراهی کردند، از آنها قبول کنید و تشویقشان نمایید.

□ دوره ابتدایی

دستورات اصلی الهی را در شکل ساده اصلی آن



تاتونانی به کفاری و به غفلت نخوری

نگاهی به فرصت‌ها، آسیب‌ها و تهدیدهای بخش کشاورزی به مناسبت ۲۷ خرداد روز جهاد کشاورزی

حمیدشکاری

بخش کشاورزی دانست زیر در این سال حدود ۳۵ هزار و ۳۷۲ نفر به جرگه شاغلان بخش کشاورزی وارد شدند.^۱ آنچه بیان شد گوشه‌ای از آماری‌هایی است که در بخش اشتغال در حوزه کشاورزی بیان شده است. کشاورزی در نگاه کارشناسان نیروی محرکه در رشد اقتصادی به ویژه در مراحل اولیه توسعه بیان شده است. در مراحل بعدی رشد اقتصادی نیز کشاورزی در حوزه‌های مختلفی تأثیر بسزایی دارد که برخی از آن‌ها شامل موارد زیر است:

ارز آوری و ایجاد بازار می‌شود.

۱. تأمین درآمد: بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین اجزاء در رابطه با درآمد ملی و یا تولید ملی در اکثر کشورهاست.

۲. تأمین غذا: به تنهایی از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌تواند مبنایی در توسعه کشاورزی و به تبع آن توسعه اقتصادی باشد.

۳. ایجاد اشتغال: کشاورزی از چنان ظرفیتی برخوردار است که می‌تواند تعداد افراد قابل ملاحظه‌ای را که جویای کار هستند در خود جذب کند و در واقع این ویژگی منحصر به فرد کشاورزی است.

۴. ایجاد توازن در بازار کار و سرمایه: بخش کشاورزی می‌تواند از طریق انتقال مازاد نیروی کار و سرمایه به سایر بخش‌ها کمک کند.

۵. ارتباط با بخش‌های دیگر بازار: کشاورزی علاوه بر تولید و عرضه مواد خام، خود به تولیدات صنعتی بخش‌های صنعتی نیازمند است بنابراین توسعه کشاورزی باعث توسعه تقاضا در بخش‌های صنعتی و زیر بخش‌های آن می‌شود و این به معنای توسعه اقتصاد و مقاوم شدن آن است.

۶. ارز آوری: صادرات محصولات کشاورزی البته بعد از خود کفایی آن می‌تواند ثروت ملی را افزایش داده و در نهایت دست کشور را از اقتصادی تک‌قطبی و وابسته به نفت قطع کند.

در نهایت نیز به این ویژگی بخش کشاورزی اشاره می‌شود که در توسعه و پیشرفت در تعارض با بخش‌های دیگر نیست بلکه این بخش در واقع مکمل و باعث تسریع و رشد بخش‌های دیگر نیز می‌شود. توسعه بخش کشاورزی به معنای توسعه صنعت و تمام بخش‌هایی که مرتبط با تغذیه یک جامعه است می‌باشد. آنچه نوشته شد تنها برای یادآوری این نکته مهم بود که استفاده از ظرفیت کشاورزی می‌تواند کشور را در بسیاری از عرصه‌های اقتصادی بی‌نیاز کند و کشاورزی می‌تواند پایه‌ای برای اقتصادی مقاوم‌تری باشد که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند.

منابع:

1. <http://www.ecasb.com/fa/article/1987>
2. <http://aftabnews.ir>

امروزه یکی از مشکلات اساسی دولت‌ها تأمین نیازهای غذایی جوامع است. امنیت غذایی در هر کشوری جزو مهم‌ترین اهداف به شمار می‌آید که هر دولتی برنامه‌های خود را بر اساس آن تنظیم می‌کند. برای دستیابی به این امنیت غذایی بدون شک اتخاذ رویکرد درست در مدیریت کشاورزی کشور از اهمیت بالایی برخوردار است. تولیدات کشاورزی نیازمند دو امر مهم است: اول عوامل فیزیکی که شامل زمین، بذر، آب، نیروی کار و... است؛ در واقع وجود این عوامل شرط لازم برای تولیدات کشاورزی هستند. عامل دوم نیز عوامل غیر فیزیکی هستند که شامل مباحث مدیریتی در تولید محصولات کشاورزی می‌شود. آنچه مسلم است ایران اسلامی در مورد عوامل فیزیکی با توجه به نعمت‌های خدادادی مانند زمین حاصلخیز، آب مناسب در بسیاری از مناطق کشور، نیروی انبوه جوان و... از مشکل چندان بر خوردار نیست؛ اما نبود مدیریت صحیح در امر کشاورزی از سوی دولت‌مدان مشکلی همیشگی در دوره‌های مختلف است.

خود کفایی گندم در سال‌های پیش جشن گرفته شد و در سال‌های بعد واردات گندم به بیش از هفت میلیون تن هم رسید. البته کارشناسان نبود علوفه دامی و قیمت بالای آن و نیز نوسان نرخ ارز در چند سال اخیر را جزو عوامل این نابسامانی بیان می‌کنند. قیمت پایینی که دولت برای خرید تضمینی گندم اعلام کرده بود، نیز یکی دیگر از علت‌هایی است که باعث شد تا گندم توسط دلالان به خارج از کشور صادر شود. همچنین در سال نود تولید سو یا ۱۸۵ هزار تن بود؛ هر چند در مقایسه با تولید ۱۰ سال گذشته رقم مناسبی به نظر می‌رسید؛ اما تولید همین محصول در سال ۸۴ در حدود ۲۲۴ هزار تن بود.^۱

در واقع محدودیت منابع بانکی برای کشاورزان، عدم افزایش خرید تضمینی محصولات کشاورزی بدون هماهنگی با تورم، واردات بی‌رویه این محصولات به ویژه در فصل‌های ثمردهی و... باعث فرار کشاورزان از کشاورزی شده است به طوری که طبق آمار مرکز آمار طی ۵ سال گذشته ۷۳۰ هزار نفر در حوزه کشاورزی بی‌کار شده‌اند. طبق همین آمار در سال ۸۴ حدود ۵ میلیون و ۹۹ هزار و ۹۶۶ نفر در بخش کشاورزی شاغل بوده‌اند اما در سال ۸۵ این روند عقب‌گرد خود را آغاز کرد و باریزی ۲۷۲ هزار و ۷۸۱ نفری مواجه شد. در سال ۸۶ و هم‌زمان با دومین سال اجرای طرح بنگاه‌های زودبازده که در دولت نهم کلید خورد بهبودی نسبی در این زمینه حاصل شد البته به این معنا که ریزش شاغلان در بخش کشاورزی کندتر شد و با ریزشی ۱۷ هزار و ۶۳۳ نفری رو به رو شد. بر طبق آمار سال ۸۷ سالی فاجعه بار برای بخش کشاورزی بود چرا که بخش کشاورزی در این سال با کاهش ۴۶۵ هزار و ۱۷۲ نفری مواجه شد. اما سال ۸۸ را می‌توان نقطه عطفی در رشد اشتغال در



فوتبال سرگرمی صنعتی یا تجارت فریب

علیرضا هخوارقانی

صورت می‌پذیرد، فرد همان گونه که اخبار و اطلاعات مربوط به شغل، محیط زندگی و سایر نیازهای واقعی خود را دنبال می‌کند، علاقه‌مند به کسب اطلاعات در خصوص گوشه‌هایی از اخبار فوتبال مانند اطلاعات مربوط به یک فوق ستاره خاص، یک یا چند تیم خاص و یا سری بازی‌های خاص می‌شود که برای وی به صورت نیاز جلوه داده شده است.

رسانه‌ها و مطبوعات پس از ایجاد نیاز کاذب در توده‌ها مجدداً خود را به جامعه معرفی می‌نمایند؛ اما این بار نه به صورت قبل که به عنوان یک منبع که از طریق آن فرد می‌تواند نیاز کاذبی را که به وسیله همین مطبوعات در وی ایجاد شده است، رابر آورده نماید. «با بر آورده شدن نیازهای کاذب افراد دلایل آنان برای انتقاد و تفکر در مورد وضع موجود و تلاش برای بهبود آن نیز از بین می‌رود و افراد به وسیله فوتبال و چند عامل دیگر به ابزارهای منفعل رسانه تبدیل می‌شوند».^۱ در این روند افراد به مرور نیازهای واقعی خود را به دلایل مختلف به

دست فراموشی می‌سپارند. در این حالت رسانه‌ها به یکی از اهداف خود که یکسان‌سازی اذهان است، دست پیدا می‌کنند.

پی‌نوشت:

۱. تئودور آدورنو و ماکس هورکهایمر؛ دیالکتیک روشنگری؛ ترجمه مراد فرهادپور؛ ص ۲۰۹.
۲. البته ایجاد پسوند غربی به واژه رسانه‌ها به نتیجه‌گیری نویسنده با توجه به جامعه آماری مورد اشاره نویسندگان مکتب فرانکفورت باز می‌گردد.
۳. هربرت مارکوزه؛ انسان تک‌ساحتی؛ ترجمه محسن مؤیدی؛ نشر امیرکبیر؛ ص ۴۷.
۴. پیتر دالگرن؛ جامعه مدنی و رسانه‌های گروهی؛ ترجمه مهدی شفق؛ ص ۸۹.
۵. السدر مک‌اینتایر؛ مارکوزه؛ ترجمه حمید عنایت؛ ص ۱۰۶.



یکی از این ابزارها که سلطه گسترده‌ای دارد، ورزش است. این پدیده با در اختیار داشتن برخی از رشته‌های پویا و جذاب از جمله فوتبال، بستکیال و... در سطح گسترده‌ای در خدمت صنعت فرهنگی است. فوتبال به عنوان رشته‌ای پر طرفدار نقش همسان‌سازی را بر عهده گرفته است. دامنه نفوذ این ورزش بسیار وسیع است و در دورافتاده‌ترین و عقب‌مانده‌ترین کشورهای هم‌طرفداران بسیاری دارد. همچنین این ورزش متعلق به گروه سنی خاصی نیست. هر گاه یک پدیده اعم از ورزش و غیر آن بتواند جمعیت زیادی را مشتاق نماید به طور طبیعی افرادی سعی می‌کنند تا آن را به ابزاری در جهت منافع خود تبدیل نمایند.

به طور کلی پیام برای آنکه بتواند تأثیر گذار باشد در گام نخست باید مخاطب را به وجود یک نیاز اقناع نماید و در گام دوم خود را به عنوان پاسخگوی نیاز مورد نظر ارائه کند. البته بعضی از ارتباط‌گران مانند فیسک معتقدند که

جنبه عامه‌پسند بودن و تحریک عواطف در پیام حائز اهمیت است.^۲ این جنبه از پیام در فوتبال این‌گونه است که رسانه‌ها با برجسته ساختن اخبار و اطلاعات مربوط به بازی‌های فوتبال و برخی فوتبالیست‌ها، ارزش‌هایی فراتر از واقعیت

برای آن قائل می‌شوند و با معرفی و اسطوره‌سازی از ستاره‌های این ورزش آنان را به صورتی دست‌نیافتنی وارد اذهان توده‌ها می‌کنند. بدین سان فرد از دنیای واقعی جدا شده به اصطلاح توهم‌سازی در وی انگار ه‌سازی می‌گردد. زمانی که این انگار ه‌سازی

اگر اندکی در رسانه‌ها، شبکه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های غربی تأمل شود، به وضوح می‌توان دریافت که سعی شده است تا حد امکان سرفصل‌های فرهنگی واحد به مخاطبان القا گردد. «امروزه سعی بر این است که [رسانه‌ها] فرهنگ واحدی را به همه و همه کس انتقال دهند». این سخن که امروزه در میان اهل رسانه امری طبیعی است، اواخر دهه سوم قرن بیستم در مقالات اندیشمندان مکتب فرانکفورت و در میان نظریات خوشبینانه در باب رسانه و تحت مفهوم «صنعت فرهنگ» عرضه شد.^۳

اگر چه مفهوم صنعت فرهنگی هنوز در حال شکل‌گیری است و دائماً تعاریف جدیدی از آن ارائه می‌شود، اما به طور خلاصه می‌توان گفت صنعت فرهنگ یا همان صنایع فرهنگی متشکل از بنگاه‌هایی است که برای عموم مردم، اطلاعات و سرگرمی‌های آموزشی، علمی و فرهنگی در قالب‌های مختلف قابل تکثیر طراحی و تهیه می‌کنند. این صنعت در صداست تا از طریق تولیدات، ابزارها و فرایندهای متنوع دانش و منابع فرهنگی یک جامعه را به محصول تجاری و خدماتی تبدیل کند. اگر مطالعه‌ای مردم‌نگارانه در جوامع مختلف داشته باشیم، صنایع فرهنگی در تمامی جوامع - البته با شدت و ضعف‌های مختلف - به آن دست یازیده‌اند. صنایع فرهنگی به دسته بندی‌های مختلف تقسیم شده‌اند؛ سینما، تئاتر، رسانه‌های جمعی، چاپ و نشر و موسیقی از آن جمله‌اند.

«در جوامع نوین که تحت سلطه تکنولوژی، خرد ابزاری و صنعت فرهنگ هستند، ساخت درونی و ذهنیت فرد که امکان دارد در برابر وضع موجود واکنش و مخالفتی از خود نشان دهد، در جامعه مستهلک شده، از فعالیت باز ایستاده است».^۳ امروزه صنعت فرهنگی از ابزارهای گوناگونی برای سلطه بر اذهان مخاطبان استفاده می‌کند.

رازگوی دفتر دل

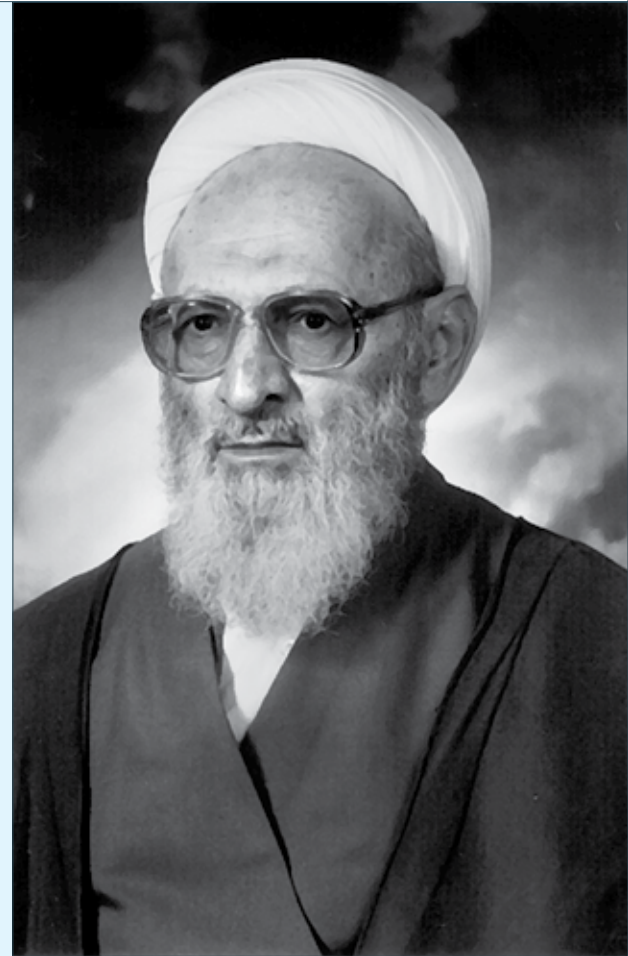
نگاهی به شخصیت و اشعار علامه حسن زاده آملی

شبستان ادبیات و هنر



حمیدشهیدی

اشاره: علامه حسن زاده آملی از زمره حکمای شاعر و علمای ادیبی است که مدتی از عمر بابرکت شان را در حوزه علمیه تهران گذرانده اند و شخصیت ادبی خود را اوامدار بزرگان و علما این دیار هستند.



علامه حسن حسن زاده آملی در روزهای پایانی اسفندماه ۱۳۰۷ شمسی در روستای ایرای لاریجان آمل و در خانواده‌ای مذهبی و اهل صفا و معرفت به دنیا آمد. در پای قله سرفراز دماوند، نشو و نما یافت. شش ساله بود که به مکتب رفت و خیلی زودتر از همسالانش با قرآن و قرائت آن انس گرفت. دوره ابتدایی را که گذراند به حوزه علمیه وارد شد و در سلک طلاب علوم دینی درآمد و در حوزه علمیه آمل به تحصیل مشغول شد.

شهریور سال ۱۳۲۹ بود که به تهران آمد و حدود پانزده سال در مدارس علمیه این شهر و در محضر بزرگان آن تلمذ کرد و در این سیر تدریس را از

همان ابتدای طلبگی با تحصیل همراه ساخت. بیشتر در مسجد مدرسه حاج ابوالفتح و مسجد و مدرسه مروی خوشه‌چین محضر اساتید شد؛ استادان بزرگی چون آیت الله حاج سید احمد لواسانی، آیت الله حاج شیخ محمدتقی آملی، علامه حاج میرزا ابوالحسن شعرانی تهرانی، آیت الله حاج میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، حکیم بزرگ شیخ مهدی الهی قمشه‌ای و فیلسوف گران قدر شیخ محمدحسین فاضل تونی، آیت الله حاج میرزا احمد آشتیانی، مرحوم حاج شیخ علی محمد جولستانی. در این سال‌ها علوم معقول و منقول از فقه، اصول، رجال و درایه تا منطق و کلام و فلسفه را با دقت و حوصله تمام فرا گرفت و ریاضیات، طب و نجوم و... را نیز در کنار آنها آموخت.

در مهرماه ۱۳۳۲ مرغ روح پاکش در آشیانه آل محمد (علیهم‌السلام) آواز کرد و گمشده خود را در دو برادر الهی حاج سید محسن طباطبایی و علامه محمدحسین طباطبایی یافت و به تکمیل مدارج علمی و مقامات روحانی پرداخت. او که پس از حدود سی سال در فنون مخلقه و علوم متنوعه سرآمد شده بود و «ذوالفنون» گردیده بود، در تهران و قم بارها به تدریس به این علوم پرداخت و موفق به تربیت و تعلیم هزاران شاگرد و تصنیف ده‌ها کتاب و مقاله علمی، ادبی، فقهی، منطقی، فلسفی و تاریخی گردید. با این همه محضرش آراسته به تواضع و صفا و سرشار از ملاحظت و شیرینی است. معنویت عرفان و سلوک همراه با ملاحظت مطالبه و مزاج عالمانه از خصوصیات مجالست با این عالم ربانی و عارف صمدانی است. اکنون بیش هشتاد و پنج سال است که از عمر بابرکت این ستاره فروزان سپهر علم و معرفت می‌گذرد و بیش از شصت سال است آثار علمی و حکمی و محضر تدریس و تربیت وی محل استفاده علمی همه تشنگان علم و اندیشه و معرفت است.

شعرش همه بیت الغزل معرفت است

در میان ابعاد و جلوه‌های گوناگون شخصیت این بزرگ مرد عرفان و معرفت، آثار ادبی و شعر درخشش ویژه دارد. تلاش‌های این عالم فرزانه

در تصحیح گلستان سعدی و تصحیح و تعلیق نصاب الصبآن و نیز تصحیح کتاب کلیله و دمنه و ترجمه دو باب دیگر آن به سبک قلم اضرا الدله منش، حکایت از اشراف و تسلط ایشان بر ادبیات فارسی دارد.

دیوان اشعار استاد حسن زاده آملی، برای اولین بار در تابستان ۱۳۶۴ با خط زیبای استاد امیر فلسفی و در قالبی زیبا منتشر شده است که شامل غزلیات، قصاید، رباعیات، مثنویات و ترجیح‌بندها می‌شود. پندنامه فرزند و دفتر دل در این دیوان جایگاه خاصی دارد که با این مطلع آغاز می‌شود:

به بسم الله الرحمن الرحیم است
که عارف در مقام «کن» عقیم است
ایشان در این باره می‌فرماید:

«اشعارم اعم از غزلیات و قصاید و رباعیات و دو بیتی‌ها و ترجیح‌بندها به همان سبک و سجع عروسی اشعار شعرای پیشین است. اگر چه خوشه‌چین خرمن آنانیم و در کنار سفره آنان نشسته‌ایم. مثلاً قصیده تائیه عربی ما به نام ینوع الحیاه که از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، حاوی ۴۲۵ بیت است به سبک تائیه معرف ابن فارض سروده شده است، بدین مطلع:

بدأت بسم الله عین الحقیقه
نطفت بدنی نشاء بعد نشاء

و قصیده بائیه فارسی ما با نام صحراویه شامل ۱۲۲ بیت است، به سبک قصیده بائیه میرفند است با این مطلع:

گر نه کارت دلبری و غارت و یغماستی
پس چرا اینان جمال خویش را آراستی

دفتر دل در میان سروده‌های دارای شانی خاص است و آن به سبک گلشن راز عارف شیبستری شامل نوزده بند به عدد حروف بسم الله الرحمن الرحیم است. دیوان قسمتی از اشعارم که بیش از چهار هزار بیت است یک بار به طبع رسیده است و طبع دوم آن به اضافه قریب به هزار بیت است. شعر بی‌شعری بدون نقطه از علامه حسن زاده آملی در وصف پیامبر اعظم به مناسبت ماه شعبان که ماه پیامبر عزیز است:

محمود مسلم ملائک

امار مطاع در ممالک

هم سالک و هم سلوک و مسلوک

دلهم قرار نمی گیر داز فغان بی تو

به کوشش فاطمه سعیدی

در غم هجر رخ ماه تو در سوز و گدازیم
تابه کی زین غم جانکاه بسوزیم و بسازیم
شب هجران تو آخر نشود رخ نمایی
در همه دهر تو در نازی و ما گرد نیازیم
آید آن روز که در باز کنی پرده گشایی
تابه خاک قدمت جان و سر خوش بیازیم
به اشارت اگر موعده دیدار دهد بار
تا پس از مرگ به وجد آمده در ساز و نواییم
گر به اندیشه بیاید که پناهی سابه کویت
نه سوی بنگده رو کرده و نه راهی حجازیم
ساقی از آن خم پنهان که ز بیگانه پنهان است
باده در ساغر ماریز که ما محرم رازیم
امام خمینی (ره)

نشسته ام که برای دلهم هوار کنم
جواب کرده طیبیم، بگو چه کار کنم؟
اجازه هست بگویم چقدر خسته شدم
اجازه هست که نفرین به روزگار کنم؟
نگاه کن چقدر رنگ و روی من زرد است
چگونه این همه پاییز را بهار کنم؟
برای باختنم هیچ در بساطم نیست
ولی دوباره هوس کرده ام قمار کنم
چقدر ساده مرا گیسویت به بند کشید
خدانیاورد آن روز را فرار کنم
اگر دو چشم تو، یعنی دو تا غزلت را
خدا به من بدهد، شیر را شکار کنم
من عاشق تو، تو معشوق من، بفرماید
ازین دو تا به کدامینش افتخار کنم؟
من عاشق تو نبودم که آخر عمری
کنار زلف تو تسبیح اختیار کنم!
بین در آب خودت را و حق بده بعداً
نمی توانم اگر گریه را مهیار کنم
ازین به بعد حالات نمی کنم بروی
چقدر پنجره را خرج انتظار کنم؟
بین چگونه گرفتار کرده اید مرا
بگو چه کار کنم من بگو چه کار کنم؟!
نه پای رفتن دارم، نه روی رفتن... آه!
خدانخواست ازین درد فرار کنم
بزرگ نیستم اما فقط اجازه بده
که سر فدای شمای بزرگوار کنم

علی اکبر لطیفیان

دلهم قرار نمی گیر داز فغان بی تو
سپندوار ز کف داده ام عنان بی تو
ز تلخ کامی دوران نشد دلهم فارغ
ز جام عشق لیبی تر نکرد جان بی تو
چو آسمان مه آلوده ام ز تنگ دلی
پر است سینه ام ز آندوه گران بی تو
نسیم صبح نمی آورد ترانه شوق
سر بهار ندارد ند بلبلان بی تو
لب از حکایت شب های تار می بندم
اگر امان دهم چشم خون فشان بی تو
چو شمع کشته ندارم شراره های به زبان
نمی زند سختم آتشی به جان بی تو
ز بی دلی و خموشی چون نقش تصویرم
نمی گشایم از بی خودی زبان بی تو
عقیق سرد به زیر زبان تشنه نهم
چو یادم آید از آن شکرین دهان بی تو
گزارش غم دل را مگر کنم چو امین
جداز خلق به محراب جمکران بی تو
آیت الله خامنه ای

کویر تشنه شده قلبم ای سحاب، بیا
تمام زندگیم بی تو شد سراب، بیا
هزار جمعه گذشت و نقاب نگشودی
به جان فاطمه این جمعه بی نقاب بیا
مباد آن که بیایی و مرده باشم من
شتاب کن که اجل می کند شتاب بیا
گذشت عمر و ندیدم تو را به بیداری
کرامتی کن و امشب مرا به خواب بیا
به کوچه کوچه شهرم ز خون دل همه شب
برای آمدنت ریختم گلاب بیا
گناه من ره دیدار بسته بر رویت
تو بهر دیدن من از ره ثواب بیا
غروب جمعه شده بی تو روزهای دلهم
به صبح جمعه ای من همچو آفتاب بیا
به دردهای به حیدر نگفته زهرا
به ناله های سحر گاه بو تراب بیا
به سینه ای که شکست از ستم ستور، قسم
به صورتی که شد از خون سر خضاب بیا
سر شک دیده «میثم» به سیل شد تبدیل
هنوز ناله او مانده بی جواب بیا

غلامرضا سازگار

او مالک و ماسوا مملوک
هر حکم که داد هر دل آگاه
سر لوحه حکم اسم الله
اسمی که در او دوای هر درد
اسمی که روای مرأه و مرد
اسمی که مراد آدم آمد
اسمی که سرود عالم آمد
سوداگر اگر در او دل آسود
سودا همه سود دار دو سود
دل در حرم مطهر او
گل گردد و هم معطر او
هر دل که ولای وصل دارد
همواره هوای وصل دارد
موسی که هوای طور دارد
کی دل سر وصل حور دارد
ای وای مر آدم هوس را
دل داده کام سگ مگس را
در وصل صمد رسد صدگر
در اسم احد رود سراسر
در گاه سحر مراد سالک
دادار دهد علی مسالک
لوح دل املی او آه
دارد صور ملائک الله

اشعار این شاعر حکیم و ادیب را به ریحیق
آخرین ابیات دفتر دل از دیوان اشعارش به
پایان می بریم:

من آن چوپان موسایم الهی
که در یاد تو گویایم الهی
قلم باشد عصای من، نی من
گلویم، دفتر دل، هی هی من
چه باشد هی هی من یا الهی
عصای من، نی من یا الهی
خداوند دل دیوانه ام ده
به صحرای غمت کاشانه ام را
مرا از کار من بیزاری ام ده
به اذکار خودت بیداری ام ده
چه خوش از لطف خاص کردگاری
به امیدش رسد امیدواری
مرا محو جمال خویش فرمای
دمادم جلوه هایت بیش فرمای
به ذات و خوی خود محسور می دار
زرزق و برق دنیا دور می دار
به احسانت حسن را احسنش کن
مر این یک دانه را صد خرمنش کن
دگر دعوی آخر باشد این
الحمد لله رب العالمین

پی نوشت:

۱. مصاحبه علامه با کتاب نیوز.



ج مثل حاتمی کیا

مروری بر فیلم «ج»

مرضیه عیوضی

حرفی برای گفتن دارد. به لحاظ فنی می‌توان چ را یک اثر کامل دانست. دوربین سردست در بهترین فرم به کار گرفته شده است و حتی لرزش‌های آن را نیز می‌توان در ادامه صحنه‌های خلق شده درون فیلم دانست. جلوه‌های بصری و رایانه‌ای کم‌نظیر در سینمای ایران، بازی گرفتن در حد عالی از بازیگران، حتی آن دسته از بازیگرانی که در کلیشه‌بازی کردن شهره‌اند و انتخاب دقیق و بی‌کم و کاست لوکیشن فیلمبرداری^۱ از نقاط قوت این فیلم هستند.

فیلمنامه این اثر را می‌توان در ردیف فیلمنامه‌های خوب قرار داد. این فیلم روایت شهید چمران است، اما تا حدود بسیار زیادی با چمرانی که خود و هم‌زمانش از او یاد می‌کند فاصله دارد؛ چنان که محمد کریمی‌راد در مصاحبه با خبرگزاری فارس در این مورد می‌گوید: «به نظر می‌رسد ساخت فیلمی همچون چ نیاز به تحقیقات دقیق‌تر و میدانی‌تری دارد تا از تمام زوایا به یک موضوع یا واقعه بپردازد؛ اما همین که در دهه نود هنوز دفاع مقدس، شهادت، امام (ره)، مقاومت، روزهای سخت انقلاب و... به تصویر کشیده می‌شود، موضوع ارزشمندی است که نمی‌توان از کنار آن ساده عبور کرد»^۲.

شود که اولین آن نام این فیلم است. عده‌ای معتقد بودند نام فیلم، یادآور نام چه‌گوارا است و سازنده با این کار قصد داشته تا میان چمران و چه‌گوارا مقایسه‌ای را در ذهن مخاطب بنیان نهد.^۳

«ج» روایت دو شبانه روز حضور دکتر چمران (فریبرز عرب‌نیا) در مقام نماینده دولت به اتفاق تیمسار فلاحی (سعید راد) و جمعی دیگر در پناه است که مربوط به ۲۵ تا ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ می‌باشد. روزهایی که آیت‌الله خمینی در فرمانی، مهلت ۲۴ ساعته‌ای به دولت و ارتش داد تا حصر پناه را بشکنند و منطقه‌ها را از وجود نیروهای کومله و دموکرات پاکسازی کنند. دکتروقتی می‌رسد که شهر در آستانه سقوط است. اصغر و صالی (بابک حمیدیان) با تعدادی رزمنده تنها حافظان مردم در برابر هجوم سراسری ضد انقلاب سرابا مسلح به سرکردگی دکتر عنایت (مهدی سلطانی) است. فیلم چ تقریباً تمامی عرصه‌هایی که فیلم‌های دفاع مقدس مورد آرزوی بانی و نقد قرار می‌گیرند،

جشنواره سینمایی فجر سال گذشته مملو از خبرهای داغ و جنجالی بود؛ اما هیچ‌یک از حواشی فیلم‌ها و هیچ فیلمی در حد فیلم «ج» در خور نقد و حاشیه‌سازی نبود. حاتمی کیا را هر کس سینما رفته می‌شناسد؛ او کارگردان، فیلمنامه‌نویس، تدوینگر و بازیگر سینمای ایران است.^۱ «آژانس شیشه‌ای»، «بوی پیراهن یوسف» و «از کرخه تا راین» نام سه ساخته بلند سینمایی ماندگار این کارگردان از میان نوزده اثر اوست. البته چ نیز آخرین تکه پازل نا تمام این نوزده ساخته است. اظهار نظر هادر مورد چ قبل از شروع فیلمبرداری آن آغاز شد. حاضر نشدن فریبرز عرب‌نیا بازیگر نام‌آشنای ایران که در این فیلم نقش شهید چمران را بازی می‌کرد، بر سر صحنه سکانس آخر فیلم و استفاده از بازیگر بدل، حاشیه‌های فیلم را به اوج خود رساند. هنگامی که فیلم اکران شد موجب شد نظرات بسیار دیگری در قالب‌های متفاوت و از منظرهای مختلف در مورد این فیلم سرازیر

شاید می‌بایست کار بیشتری روی نقش شهید وصالی می‌شد و یا اینکه چمران می‌بایست چمران‌تر می‌بود. نباید از این نکته مهم که از بازیگران ناآشنا به خوبی نقش خود را ایفا نمودند غافل شد؛ اما سخن در انتظار از حاتمی‌کیا است، چرا که ما به تماشای اثر دیگری از کارگردان «اژانس شیشه‌ای» و «دعوت» نشستیم.



جانفشانی شهید چمران را به یاد دارند. این ماجرا توسط افراد بسیاری نقل شده و شخص شهید چمران نیز در کتاب خود این ماجرا را نقل نموده است. باید اذعان کرد تا حدودی این روایت از آن ۴۸ ساعت با آنچه نقل شده - و با آنچه حتی خود شهید نقل کرده است - تا حدودی تفاوت دارد و این تفاوت آن قدری هست که آن را به حساب ضرورت‌های قصه و درام موجود در آن نگذاشت. این فیلم به عقیده برخی بازگشت قدرتمند حاتمی‌کیا به عرصه فیلمسازی و ژانر دفاع مقدس است و به عقیده برخی یک درام ناهمخوان با تاریخ و پر از جلوه‌های ویژه بجا و نابجا. در هر صورت هر چه هست باید آن را غنیمت شمرد؛ زیرا تعداد ساخته‌های بلند سینمایی‌ای که در صدد تحقیر ملت ایران به بهای لبخند آنورآبی‌ها نباشند و بتوان در مورد آن نوشت خیلی زیاد نیست.

پی‌نوشت:

۱. او تاکنون موفق شده برای فیلم‌های دیده‌بان، مهاجر، اژانس شیشه‌ای، از کرخه تا این، به نام پدر، به رنگارغوان و چ برنده جایزه از جشنواره فیلم فجر گردد.
۲. البته پیش از این نیز در همایشی با نام «چ مثل چمران» که در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران برگزار شده بود چنین مقایسه‌ای شده بود.
۳. محل فیلمبرداری و بازی بازیگران فیلم در اصطلاح لوکیشن نامیده می‌شود.
۴. خبرگزاری فارس؛ مصاحبه با محمدکریم‌راد (۹۲/۱۱/۲۳).
۵. به انتخاب بازیگر در مراحل مختلف فیلم کستینگ اطلاق می‌گردد.

فیلمنامه قوی هستند؛ این نکته در جای جای فیلم خود را نشان می‌دهد؛ برای مثال زمانی که «هانا» مانع حرکت همسرش برای جنگیدن می‌شود، این شوهر است که به او می‌گوید: «اگه می‌خوای بروم، برام لباس زنونه جور کن» و یا «شمارا بیشتر چمران بازرگان دیدم تا چمران خمینی»، «آمدن چمران و تیمسار فالاحی یک تشریفاتی جنگیه»، «روزهای انقلاب کجا بودی؟ چرا دوشادوش مردمت نبودی؟»، «گلوله بندازی، گلوله می‌اندازن» «تنگ بر جنازه پاسداری که تو خشاب اسلحه‌اش فشنگ مونده باشد» «این سهم خواهی شما به قیمت پاره پاره شدن ایرانه». کستینگ^۵ این فیلم بلند سینمایی خیلی به مزاج خوش نمی‌آید. شاید می‌بایست کار بیشتری روی نقش شهید وصالی می‌شد و یا اینکه چمران می‌بایست چمران‌تر می‌بود. نباید از این نکته مهم که از بازیگران ناآشنا به خوبی نقش خود را ایفا نمودند غافل شد؛ اما سخن در انتظار از حاتمی‌کیا است، چرا که ما به تماشای اثر دیگری از کارگردان «اژانس شیشه‌ای» و «دعوت» نشستیم.

از منظر تاریخی این فیلم روایتگر تاریخ معاصر ایران است. نسل اول و دوم انقلاب هنوز فرمان امام خمینی به ارتش و دولت و مهلت ۲۴ ساعته ایشان برای آزادسازی پاره از دست ضدانقلاب و



خواننده محترم!
اهتمام شما در تکمیل این فرم و ارسال نظرات خود، قطعاً نشان راه ما در طریق ارتقای همه‌جانبه نشریه خواهد بود.
برای ارسال فرم، تنها آن را از نشریه جدا کرده، بدون پاکت پستی و الصاق تمبر، در صندوق پست بیندازید.

فرم نظر سنجی

ماهنامه مسجد شماره ۱۷۳

نام و نام خانوادگی :
آدرس منزل :
پست الکترونیکی :
مشخصات محل خدمت (مسجد) :
نام مسجد تحت مدیریت :
آدرس پستی :
تلفن تماس :
در صورتی که مسجد دارای وب سایت و یا پایگاه اطلاع رسانی مجازی است آدرس پایگاه را قید نمایید :

تحصیلات آکادمیک :
تحصیلات حوزوی :
تلفن تماس (همراه) :

تهران صندوق پستی ۱۳۱۸۵/۱۹۷۷

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۱۳۱۸۹/۱۹۷ پرداخت شده است

لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید



اشرافی‌گری شرف نیست!

علی صادقی سرشت



بی شک رفتار و نگرش الگوهای دینی و نیز مسئولان جامعه نقش به‌سزایی در الگودهی به جامعه و تأمین منویات مقام معظم رهبری دارند. یکی از اهداف بیان شده در نام امسال،

اقتصاد است. مردم، به ویژه ثروتمندان، باید در تحقق این هدف مهم، گام‌های بلندی بردارند. از این رو در این شماره خوانندگان محترم را با کتابی آشنا می‌کنیم که به تبیین یکی از آفات مهم مسیر تحقق اشرافی‌گری پرداخته است.

● «بعد از آنکه اسلام، اشرافیت راقع و قمع کرده بود، یک طبقه اشراف جدید در دنیای اسلام به وجود آمد. عناصری با نام اسلام، با سمت‌ها و عناوین اسلامی پسر فلان صحابی، پسر فلان یار پیغمبر، پسر فلان خوبشاوند پیغمبر در کارهای ناشایست و نامناسب وارد شدند که بعضی از آنها، اسم‌هایشان در تاریخ ثبت است. کسانی پیدا شدند که برای مهریه دخترانشان به جای آن مهر السنه ۴۸۰ درهمی که

پیغمبر ﷺ و امیر المؤمنین (علیه السلام) و مسلمانان صدر اسلام مطرح می‌کردند، یک میلیون دینار، یک میلیون مثقال طلای خالص قرار دادند! چه کسانی؟ پسران صحابی‌های بزرگ، مثلاً مصعب بن زبیر و از این قبیل. وقتی می‌گوییم فاسد شدن دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که به تدریج بیماری اخلاقی مسری خود - دنیازدگی و شهوت‌زدگی - را که متأسفانه مهلک هم هست، همین‌طور به جامعه منتقل کنند.»

● «بسیاری از کسانی که سرمایه دارند، پول دارند، درآمدهای کلانی دارند، نمی‌دانند این درآمدها را چگونه باید صرف کنند. اینجا هم باز همان اصلاح الگوی مصرف خود را نشان می‌دهد. پول را به جای سرمایه‌گذاری تولیدی، صرف تجملات می‌کنند. سفرهای خارجی بیهوده، بی‌ثمر، پرخرج و احياناً فسادآور، بهانه برای تغییر وسایل خانه، وسایل زندگی؛ این چیزها یک حرکت مسرفانه است نسبت به ثروت. می‌شود پول را، درآمد را، سرمایه‌گذاری کرد. امروز وسایل این کار فراهم است. با فعال شدن بورس‌هایی که در کشور هست، می‌توان سرمایه‌گذاری کرد. همه می‌توانند آنچه را که دارند

در سرمایه‌گذاری‌ها دخالت بدهند.»
● «معنایش (زی طلبگی) این است که در دنیا طلبی مثل دنیا طلبان عمل نکنیم؛ هر چه هوس کردیم، بخواهیم، من قبل‌ها روایتی دیدم که هر کس هر چه دلش خواست بپوشد، هر چه دلش خواست بخورد، و هر مر کبی که دلش خواست سوار شود، این شخص پیش خدای متعال ملعون است؛ این شأن پولدارها و پول پرست‌هاست. ما هم فلان چیز را هوس می‌کنیم، اما جالا پول نداریم؛ به مجردی که پول گیرمان آمد، فوراً می‌رویم آن را تهیه می‌کنیم؛ منتظریم که از این صد جزء اشرافی‌گری، وقتی این یک جزئیات فراهم شد، نود و نه جزء دیگر را هم در فرصت‌های دیگر، همین‌طور به تدریج فراهم کنیم. این شأن طلبگی نیست. شأن طلبگی این است که انسان یک‌زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد.»
این موارد، برخی از مطالب کتاب «آسیب‌شناسی اشرافی‌گری از نگاه مقام معظم رهبری مدظله‌العالی» هستند که انتشارات ساطع قم آن را در سال ۱۳۹۰ به زیور طبع آراسته است.



سطح علمی مطالب:

منبر:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
رواق:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
محراب:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
شبهستان:	عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف

سطح کاربردی مطالب:

منبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبهستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

حجم مطالب در هر سرویس:

منبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبهستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

تنوع موضوعات و عناوین در هر سرویس:

منبر:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
رواق:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
محراب:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
شبهستان:	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم

پرداختن به چه موضوعاتی را در شماره بعد پیشنهاد می‌کنید:

آموزشی	مهارتی	ترویجی	فرهنگی	سیاسی	اجتماعی
--------	--------	--------	--------	-------	---------

بیکبری کدام مطلب از سرویس‌های چهارگانه نشریه را در شماره بعدی لازم می‌دانید:

آموزشی	مهارتی	ترویجی	فرهنگی	سیاسی	اجتماعی
--------	--------	--------	--------	-------	---------

سبک نوشتاری و ویرایش مطالب:

عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
------	----------	-----	-------	------

صفحه‌آرایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عالی	خیلی خوب	خوب	متوسط	ضعیف
------	----------	-----	-------	------

طراحی روی جلد تا چه حد در رساندن پیام مجله به مخاطب مؤثر بوده‌اند؟

خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم
-----------	------	-------	----

مسابقه پیامکی: (با جایزه)

بهترین مقاله:

بهترین طرح صفحه:

بهترین تیتر:

آگهی همکاری: (صفحه سوم جلد)

در صورت تمایل به همکاری با نشریه ادرس و شماره تلفن و توضیحی مختصر درباره موضوعات، مطالب، حجم و ...